

بررسی و تحلیل وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان

(با استفاده از ۱۷۸ شاخص آماری)

با مدیریت:

دکتر امید احمدی

(مدیر کل امور اقتصادی و دارایی خوزستان)

تحت نظارت:

دکتر یوسف الباجی

(سرپرست معاونت اقتصادی امور اقتصادی و دارایی خوزستان)

مؤلف:

دکتر اشکان بذرافکن

(کارشناس مسئول اقتصادی امور اقتصادی و دارایی خوزستان)

سرشناسه	: بذرافکن، اشکان، ۱۳۶۸-
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی و تحلیل وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان (با استفاده از ۱۷۸ شاخص آماری) / با مدیریت امید احمدی؛ تحت نظارت یوسف الباجی؛ مؤلف اشکان بذرافکن.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهندگان عصر حکمت، ۱۴۰۴. ۲۳۵ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۵۲-۹۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا، کتابنامه.
موضوع	: رشد اقتصادی -- ایران -- خوزستان Economic development -- Iran -- Khuzestan توسعه اجتماعی -- ایران -- خوزستان Community development -- Iran -- Khuzestan برنامه‌ریزی اجتماعی -- ایران -- خوزستان Social planning -- Iran -- Khuzestan
موضوع	: خوزستان -- جغرافیا Khuzestan (Iran: Province) -- Geography خوزستان -- اوضاع اقلیمی Khuzestan (Iran: Province) -- Climate خوزستان -- اوضاع اقتصادی Khuzestan (Iran: Province) -- Economic conditions
شناسه افزوده	: احمدی، امید، ۱۳۵۴- الباجی، یوسف، ۱۳۴۷-
رده بندی کنگره	: HCF۷۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۵۵۳/۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۱۸۱۵۶۴



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

پژوهندگان

شماره نشر: ۱۹۷۵

نام کتاب: بررسی و تحلیل وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان (با استفاده از ۱۷۸ شاخص آماری)

نویسندگان: دکتر امید احمدی - دکتر یوسف الباجی - دکتر اشکان بذرافکن

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴

چاپ: ترنگ

صفحه آرایشی: پژوهندگان

سایز: وزیری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۵۲-۹۷-۷

قیمت: ۱,۶۰۰,۰۰۰ تومان



حق چاپ و نشر محفوظ است.

طبق قانون حقوق نویسندگان و مصنفان هرگونه کپی برداری به هر روش پیگرد قانونی دارد.

تماس با انتشارات: ۰۹۱۲۸۸۸۴۹۶۹

فهرست

۹	بخش اول: مقدمه
۱۱	دیباچه
۲۱	بخش دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۲۳	۱. مقدمه
۲۴	۲. تعریف توسعه
۲۸	۳. ابعاد توسعه
۲۹	۳-۱. توسعه اقتصادی
۳۰	۳-۲. توسعه صنعتی
۳۲	۳-۳. توسعه سیاسی
۳۴	۳-۴. توسعه فرهنگی
۳۵	۳-۵. توسعه اجتماعی
۳۸	۴. پایه‌های اقتصادی موثر بر توسعه اقتصادی
۳۸	۴-۱. علم و تکنولوژی
۳۹	۴-۲. کشاورزی
۴۰	۴-۳. صنعت و تجارت
۴۲	۴-۴. سرمایه‌گذاری
۴۳	۴-۵. محیط زیست
۴۵	۵. موانع توسعه
۴۵	۵-۱. موانع توسعه اقتصادی
۴۷	۵-۲. موانع توسعه فرهنگی
۴۸	۵-۳. موانع توسعه سیاسی
۵۱	۶. مراحل توسعه در جامعه
۵۲	۷. آمادگی اجتماعی برای توسعه
۵۲	۸. زیر ساخت‌های توسعه
۵۳	۹. نظریه‌های توسعه
۵۳	۹-۱. نظریه صنعت پیشرو
۵۳	۹-۲. نظریه جغرافیا
۵۳	۹-۳. نظریه فرهنگ
۵۴	۹-۴. نظریه‌های دیدگاه محافظه کار
۵۵	۹-۵. نظریه‌های دیدگاه رادیکال
۵۶	۹-۶. نظریه‌های دیدگاه اصلاح طلب
۵۷	۹-۷. نظریه قطب رشد

۵۹.....	۸-۹. نظریه مرکز - پیرامون.....
۵۹.....	۹-۹. نظریه وابستگی.....
۶۰.....	۱۰-۹. نظریه توسعه بر پایه صادرات.....
۶۱.....	۱۱-۹. نظریه ساختارگرایی.....
۶۲.....	۱۲-۹. نظریه نوسازی.....
۶۳.....	۱۳-۹. نظریه نئولیبرالیسم.....
۶۴.....	۱۴-۹. نظریه نهادگرایی.....
۶۵.....	۱۵-۹. نظریه توسعه به مثابه آزادی.....
۶۵.....	۱۶-۹. عدالت منطقه‌ای دیوید هاروی.....
۶۶.....	۱۷-۹. نظام سلسله مراتب سکونتگاهی.....
۶۷.....	۱۸-۹. نظریه دوگانگی میردال.....
۶۸.....	۱۰. توسعه‌یافتگی مناطق.....
۶۹.....	۱۱. نابرابری‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای.....
۷۱.....	۱۲. بازنگری در دیدگاه‌ها جهت کاهش نابرابری.....
۷۲.....	۱۳. نابرابری، چالشی فراروی توسعه‌یافتگی منطقه‌ای.....
۷۳.....	۱۴. سنجش سطح توسعه‌یافتگی و سطح‌بندی توسعه.....
۷۴.....	۱۵. برنامه‌ریزی و انواع آن.....
۷۵.....	۱۶. برنامه‌ریزی منطقه‌ای.....
۷۶.....	۱۷. راهبردهای توسعه.....
۷۷.....	۱۸. دیدگاه‌های توسعه.....
۷۷.....	۱-۱۸. توسعه برونزا.....
۷۸.....	۲-۱۸. توسعه درونزا.....
۷۸.....	۱۹. رویکردهای توسعه متوازن.....
۷۹.....	۲۰. رویکردهای توسعه نامتوازن.....
۸۱.....	۲۱. توسعه منطقه‌ای.....
۸۳.....	۲۲. روند تاریخی شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه.....
۸۵.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی.....
۸۵.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز.....
۸۵.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های معدن.....
۸۶.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های محیط زیست.....
۸۶.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های کشاورزی.....
۸۶.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش.....
۸۷.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های عمران شهری.....
۸۷.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های صنعت.....
۸۷.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا.....
۸۷.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های حمل و نقل.....
۸۸.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های جمعیت.....
۸۸.....	توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی.....

- توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان ۸۹
- توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری ۸۹
- توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازار مالی ۸۹
- توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزش ۹۰
- توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های امور قضایی ۹۰
- توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های ارتباطات ۹۰
- توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آب و برق ۹۰
۲۳. پیشینه تحقیق ۹۰

بخش سوم: سیمای شهرستان‌های استان خوزستان ۹۵

۱. موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی استان خوزستان ۹۷
- شهرستان آبادان ۱۰۱
- شهرستان آغاجاری ۱۰۳
- شهرستان امیدیه ۱۰۵
- شهرستان اندیمشک ۱۰۷
- شهرستان ایذه ۱۰۹
- شهرستان اهواز ۱۱۱
- شهرستان اندیکا ۱۱۳
- شهرستان باغملک ۱۱۵
- شهرستان بهبهان ۱۱۷
- شهرستان باوی ۱۱۹
- شهرستان بندرماهشهر ۱۲۱
- شهرستان حمیدیه ۱۲۳
- شهرستان خرمشهر ۱۲۵
- شهرستان دزفول ۱۲۷
- شهرستان سوسنگرد (دشت آزادگان) ۱۲۹
- شهرستان دزپارت ۱۳۱
- شهرستان رامشیر ۱۳۳
- شهرستان رامهرمز ۱۳۵
- شهرستان شادگان ۱۳۷
- شهرستان شوش ۱۳۹
- شهرستان شوستر ۱۴۱
- شهرستان صیدون ۱۴۳
- شهرستان کارون ۱۴۵
- شهرستان کرخه ۱۴۷
- شهرستان گتوند ۱۴۹
- شهرستان لالی ۱۵۱
- شهرستان مسجد سلیمان ۱۵۳
- شهرستان هفتگل ۱۵۵

.....	شهرستان هندیجان	۱۵۷
.....	شهرستان هویزه	۱۵۹
.....	بخش چهارم: روش شناسی (روش تاکسونومی)	۱۶۱
.....	۱. روش تاکسونومی عددی	۱۶۳
.....	۱-۱. مناطق طبیعی یا همگن	۱۶۳
.....	۱-۲. روش کلی تشخیص مناطق همگن	۱۶۴
.....	۱-۳. مراحل کلی روش‌های تعیین مناطق همگن	۱۶۴
.....	۱-۴. متداول‌ترین روش‌های تعیین مناطق همگن:	۱۶۴
.....	۱-۵. مزایای روش تاکسونومی	۱۶۴
.....	۱-۶. معایب روش تاکسونومی	۱۶۵
.....	۱-۷. مراحل تاکسونومی	۱۶۵
.....	بخش پنجم: نتایج روش شناسی	۱۷۱
.....	۱. نتایج توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان	۱۷۳
.....	۱-۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی	۱۷۳
.....	۱-۲. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز	۱۷۵
.....	۱-۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های معدن	۱۷۷
.....	۱-۴. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های محیط زیست	۱۷۹
.....	۱-۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های کشاورزی	۱۸۱
.....	۱-۶. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش	۱۸۳
.....	۱-۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های عمران شهری	۱۸۵
.....	۱-۸. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های صنعت	۱۸۷
.....	۱-۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا	۱۸۹
.....	۱-۱۰. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های حمل و نقل	۱۹۱
.....	۱-۱۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های جمعیت	۱۹۳
.....	۱-۱۲. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی	۱۹۵
.....	۱-۱۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان	۱۹۸
.....	۱-۱۴. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری	۲۰۰
.....	۱-۱۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازار مالی	۲۰۲
.....	۱-۱۶. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزش	۲۰۴
.....	۱-۱۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های امور قضایی	۲۰۶
.....	۱-۱۸. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های ارتباطات	۲۰۸
.....	۱-۱۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آب و برق	۲۱۰
.....	۱-۲۰. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس تمامی شاخص‌ها	۲۱۲
.....	۱-۲۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس تمامی شاخص‌ها بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست	۲۱۴
.....	۱-۲۲. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد	۲۱۶

۲۳-۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و	۲۱۸
ارشاد و سرزمین و آب و هوا	
۲۴-۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و	۲۲۰
ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت	
بخش ششم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات.	۲۲۳
۱. نتیجه‌گیری و پیشنهادات	۲۲۵
نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (تمامی گروه‌ها)	۲۲۶
نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست)	۲۲۶
نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد)	۲۲۶
نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و	۲۲۶
آب و هوا)	
نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و	۲۲۷
آب و هوا و جمعیت)	
منابع.....	۲۲۹

بخش اول

مقدمه

دیباچه

توسعه یافتگی از مباحثی است که در سال‌های گذشته میان جغرافی دانان و برنامه‌ریزان، اهمیت ویژه‌ای یافته است. از آنجایی که خدمات عمومی، ساختار دهنده شکل و ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و فضایی مناطق است، نابرابری در نحوه پراکنش و توزیع آن‌ها تاثیر جبران ناپذیری بر ساختار و ماهیت مناطق گذاشته و سبب پیدایش انواع سطوح توسعه شده است. در همین راستا در این پژوهش بر اساس ۱۹ گروه (۱۷۸ شاخص) برگرفته از مرکز آمار برای سال ۱۴۰۲ با استفاده از روش تاکسونومی عددی به صورت گروه به گروه و همچنین به صورت کلی به رتبه‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان پرداخته شد.

توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد فرصت شغلی به جمعیت، متقاضیان کار به جمعیت، افراد به کار گمارده شده به جمعیت. نتایج نشان داد بهبهان، آغاچاری و شوش بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی در رتبه‌های اول تا سوم و دزپارت، صیدون و کرخه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸/۳۱ در شاخص‌های نیروی انسانی، محروم از توسعه است.

توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مجاری عرضه سوخت به جمعیت، تعداد نازل بنزین معمولی به جمعیت، تعداد نازل بنزین سوپر به جمعیت، تعداد نازل گازوئیل به جمعیت، توزیع شهرهای گازرسانی شده (درصد)، توزیع روستاهای گازرسانی شده (درصد)، تعداد انشعاب گاز به جمعیت، میزان مصرف گاز به جمعیت.

نتایج نشان داد بندر ماهشهر، رامهرمز و بهبهان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز در رتبه‌های اول تا سوم و کرخه، صیدون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸/۸ در شاخص‌های نفت و گاز، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های معدن

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد معدن به جمعیت، تعداد اشتغال معدن به جمعیت، میزان سرمایه معادن به جمعیت.

نتایج نشان داد هفتکل، هندیجان و باغملک بر اساس شاخص‌های معدن در رتبه‌های اول تا سوم و گتوند، لالی و هویزه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۳/ در شاخص‌های معدن، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های محیط

زیست

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مساحت جنگل به جمعیت، توزیع کود شیمیایی دولتی به جمعیت، توزیع شهرهای دارای تاسیسات آب شرب (درصد)، توزیع شهرهای دارای انشعاب فاضلاب (درصد)، تعداد تصفیه‌خانه‌های فاضلاب به جمعیت، تعداد مشترکان فاضلاب شهری به جمعیت، درصد جمعیت تحت پوشش خدمات جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب شهری، تعداد شهرک‌ها و نواحی صنعتی به جمعیت، مساحت فضای سبز به جمعیت.

نتایج نشان داد هویزه، رامهرمز و دزفول بر اساس شاخص‌های محیط زیست در رتبه‌های اول تا سوم و کارون، حمیدیه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۶۳/ در شاخص‌های محیط زیست، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های

کشاورزی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد گلخانه به جمعیت، تعداد کشتارگاه به جمعیت، تعداد مراکز عرضه و توزیع واکسن دامی به جمعیت، مقدار تولید گوشت قرمز به جمعیت، مقدار تولید شیر به جمعیت، مقدار تولید گوشت سفید به جمعیت، مقدار تولید تخم مرغ به جمعیت، تعداد زنبورستان به جمعیت، وزن عسل تولیدی به جمعیت، توزیع سطح زیر کشت محصولات زراعی (درصد)، مقدار تولید گندم به جمعیت، مقدار تولید جو به جمعیت، مقدار تولید برنج به جمعیت، مقدار تولید ذرت به جمعیت، مقدار تولید چغندر به جمعیت، مقدار تولید نیشکر به جمعیت، مقدار تولید دانه‌های روغنی به جمعیت، مساحت جنگل کاری به جمعیت، توزیع شرکت‌های

تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون (درصد)، اشتغال شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون به جمعیت، توزیع شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی (درصد)، اشتغال شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی به جمعیت. نتایج نشان داد شوش، دزفول و باغملک بر اساس شاخص‌های کشاورزی در رتبه‌های اول تا سوم و آغاچاری، آبادان و بندر ماهشهر در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹/ در شاخص‌های کشاورزی، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد سالن نمایش موسیقی به جمعیت، تعداد سینما به جمعیت، تعداد سالن سینما به جمعیت، تعداد چاپخانه تحت نظارت اداره فرهنگ به جمعیت، تعداد کتابخانه عمومی به جمعیت، تعداد جلد کتاب به جمعیت، تعداد مراکز فرهنگی و هنری به جمعیت، تعداد جلد کتاب فرهنگی و هنری موجود در مراکز فرهنگی و هنری به جمعیت، تعداد ورزشکاران دارای بیمه ورزشی به جمعیت، تعداد زائران حج و عتبات عالیات به جمعیت. نتایج نشان داد آغاچاری، بهبهان و هفتکل بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش در رتبه‌های اول تا سوم و کارون، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۲۶/ در شاخص‌های فرهنگ و ورزش، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های عمران شهری

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد فرهنگسرا به جمعیت، تعداد میادین میوه و تره بار به جمعیت. نتایج نشان داد آغاچاری، باوی و بندر ماهشهر بر اساس شاخص‌های عمران شهری در رتبه‌های اول تا سوم و کرخه، لالی و هویزه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۱۵/ در شاخص‌های عمران شهری، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های صنعت

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد شرکت‌های تعاونی صنعتی فعال به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی صنعتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی صنعتی به جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی خدماتی فعال به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی فرش دستباف به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی فرش دستباف به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی فرش دستباف به جمعیت.

نتایج نشان داد هفتکل، ایذه و شوش بر اساس شاخص‌های صنعت در رتبه‌های اول تا سوم و دزپارت، صیدون و کارون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۴۴/ در شاخص‌های صنعت، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های سرزمین

و آب و هوا

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مساحت به جمعیت، توزیع شهر (درصد)، توزیع جمعیت (درصد).

نتایج نشان داد دزفول، اهواز و اندیمشک بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا در رتبه‌های اول تا سوم و صیدون، کارون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۵۷/ در شاخص‌های سرزمین و آب و هوا، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های حمل و

نقل

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: توزیع تعداد قطعه زمین واگذار شده توسط اداره راه و شهرسازی (درصد)، مساحت زمین واگذار شده توسط اداره راه و شهرسازی به جمعیت، توزیع آزاد راه (درصد)، توزیع بزرگراه (درصد)، توزیع راه بین شهری (درصد)، توزیع راه روستایی آسفالتی (درصد)، توزیع راه روستایی (درصد)، تعداد تونل به جمعیت، تعداد راهدارخانه به جمعیت، تعداد سفر به جمعیت، تعداد مسافر جابه‌جا شده به جمعیت، تعداد پایانه به جمعیت، وزن بار ورودی به استان (برون استانی) به جمعیت، وزن بار خروجی از استان (برون استانی) به جمعیت،

جا به جایی بار درون استانی به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت. نتایج نشان داد بندر ماهشهر، اهواز و اندیمشک بر اساس شاخص‌های حمل و نقل در رتبه‌های اول تا سوم و آغاچاری، صیدون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۷/ در شاخص‌های حمل و نقل، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های جمعیت

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ولادت به جمعیت، فوت شدگان به جمعیت، ازدواج به جمعیت، طلاق به جمعیت.

نتایج نشان داد هویزه، حمیدیه و شادگان بر اساس شاخص‌های جمعیت در رتبه‌های اول تا سوم و هفتکل، باوی و آغاچاری در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۱/ در شاخص‌های جمعیت، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهزیستی

و تامین اجتماعی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست به جمعیت، تعداد کودکان بی‌سرپرست به جمعیت، تعداد مراکز آسیب‌های اجتماعی به جمعیت، تعداد افراد آسیب‌های اجتماعی به جمعیت، تعداد مراکز توانبخش به جمعیت، تعداد افراد در مراکز توانبخش به جمعیت، تعداد مراکز ترک اعتیاد به جمعیت، تعداد افراد در مراکز ترک اعتیاد به جمعیت، تعداد واحدهای کمیته امداد به جمعیت، تعداد افراد زیر نظر کمیته امداد به جمعیت، تعداد سالمندان مورد حمایت کمیته امداد به جمعیت، تعداد ایتم به جمعیت، مبلغ وام پرداختی کمیته امداد به افراد تحت حمایت به جمعیت، تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش کمیته امداد استفاده‌کننده از خدمات تحصیلی و فرهنگی به جمعیت، تعداد دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد استفاده‌کننده از خدمات تحصیلی و فرهنگی به جمعیت، درآمدهای کمک‌شده به کمیته امداد به جمعیت، تعداد افراد خانوارهای شاهد تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران به جمعیت، تعداد جانبازان تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران به جمعیت، تعداد آموزش‌گیرندگان هلال احمر به جمعیت، تعداد افراد تحت پوشش تامین اجتماعی (بیمه شدگان و

مستمری بگیران) به جمعیت، تعداد بیمه شدگان تحت پوشش بیمه سلامت به جمعیت، تعداد اعضای صندوق بیمه تامین اجتماعی کشاورزان، روستایی و عشایر به جمعیت. نتایج نشان داد هندیجان، شادگان و باوی بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی در رتبه‌های اول تا سوم و دزپارت، هفتکل و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۸۲/ در شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: کارکنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی به جمعیت، تعداد پزشک به جمعیت، تعداد پرستار به جمعیت، تعداد بیمارستان به جمعیت، تعداد تخت مصوب به جمعیت، تعداد تخت فعال به جمعیت، تعداد مراکز خدمات سلامت به جمعیت، تعداد آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی به جمعیت، تعداد مراکز توانبخشی به جمعیت، تعداد مراکز پزشکی هسته‌ای به جمعیت، تعداد داروخانه به جمعیت، تعداد درمانگاه به جمعیت، تعداد پایگاه اورژانس به جمعیت، میزان کل اهدای خون به جمعیت، تعداد دامپزشک به جمعیت، تعداد مراکز درمانی دامپزشکی به جمعیت، تعداد داروخانه دامپزشکی به جمعیت.

نتایج نشان داد لالی، بهبهان و مسجدسلیمان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان در رتبه‌های اول تا سوم و باوی، صیدون و کرخه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۸۲/ در شاخص‌های بهداشت و درمان، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف کنندگان به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف کنندگان به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف کنندگان به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف

خدماتی به جمعیت، توزیع تعداد شرکت تعاونی روستایی (درصد)، توزیع شاغلان شرکت روستایی (درصد)، سرمایه شرکت روستایی به جمعیت، توزیع تعداد اتحادیه‌های تعاونی روستایی (درصد)، سرمایه اتحادیه‌های تعاونی روستایی به جمعیت، تعداد اقامتگاه به جمعیت. نتایج نشان داد شوش، بهبهان و دشت آزادگان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری در رتبه‌های اول تا سوم و کارون، دزپارت و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۴۲/ در شاخص‌های بازرگانی و هتلداری، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازار مالی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد شعبه‌های بانکی به جمعیت، تعداد موسسات اعتباری غیربانکی به جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی اعتبار به جمعیت، سرمایه شرکت‌های تعاونی اعتبار به جمعیت، مانده سپرده‌های بانک کشاورزی به جمعیت. نتایج نشان داد اهواز، شوشتر و رامهرمز بر اساس شاخص‌های بازار مالی در رتبه‌های اول تا سوم و باوی، آغاچاری و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۷۵/ در شاخص‌های بازار مالی، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزش

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد دانش‌آموزان به جمعیت، تعداد معلم به جمعیت، تعداد آموزشگران دانشگاهی به جمعیت، تعداد دانشجویان به جمعیت، تعداد دانش‌آموختگان به جمعیت، تعداد مراکز آموزش عالی به جمعیت، تعداد مربیان مراکز آموزش عالی به جمعیت، تعداد آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای به جمعیت، نرخ باسوادی. نتایج نشان داد هفتکل، آغاچاری و دشت آزادگان بر اساس شاخص‌های آموزش در رتبه‌های اول تا سوم و بندر ماهشهر، صیدون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۱۵/ در شاخص‌های آموزش، محروم از توسعه است.



توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های امور قضایی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد دادگاه به جمعیت، تعداد دادرسی به جمعیت، تعداد قتل به جمعیت، تعداد خودکشی به جمعیت، تعداد نزاع به جمعیت، دستگیرشدگان انواع سرقت‌ها به جمعیت، تعداد فوت شدگان تصادفات به جمعیت، تعداد مجروحان تصادفات به جمعیت. نتایج نشان داد صیدون، دزپارت و باوی بر اساس شاخص‌های امور قضایی در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، دزفول و هفتکل در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۵۸۹/ در شاخص‌های امور قضایی، در حال توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های ارتباطات

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد تلفن ثابت مشغول به کار به جمعیت، ترافیک مرسولات پستی به جمعیت، تعداد صندوق پستی به جمعیت، مرسولات پستی صادر شده درون استانی به جمعیت، مرسولات پستی صادر شده برون استانی به جمعیت، مرسولات پستی صادره به خارج کشور به جمعیت.

نتایج نشان داد اهواز، رامهرمز و بهبهان بر اساس شاخص‌های ارتباطات در رتبه‌های اول تا سوم و اندیکا، صیدون و کرخه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۲۹/ در شاخص‌های ارتباطات، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آب و برق

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد انشعاب آب به جمعیت، تعداد مشترکان برق به جمعیت، مقدار فروش برق به جمعیت.

نتایج نشان داد بهبهان، رامشیر و رامهرمز بر اساس شاخص‌های آب و برق در رتبه‌های اول تا سوم و باغملک، دزپارت و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۶۸/ در شاخص‌های آب و برق، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.



توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس تمامی شاخص‌ها

نتایج نشان داد بهبهان، شوش و رامهرمز بر اساس تمامی شاخص‌ها در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹۰۶/۹ در تمامی شاخص‌ها، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست

بهبهان، شوش و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹۰۶/۹ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد

نتایج نشان داد شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹۰۷/۹ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا

نتایج نشان داد شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹۰۷/۹ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا، محروم از توسعه است.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت

شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹۰۶/ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت، محروم از توسعه است.

بخش دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش



۱. مقدمه

توسعه از جمله مباحث بحث برانگیزی است که بخاطر چند بعدی بودن و داشتن جنبه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم همواره محل مناقشه کارشناسان رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی بوده است. در آغاز، توسعه برحسب رشد اقتصادی تعریف می‌شد و افزایش متغیرهای اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و مانند آن نشانه توسعه یافتگی جوامع به شمار می‌آمد. بدیهی است که رشد اقتصادی شرط لازم برای کاهش فقر و نابرابری است، اما شرط کافی نیست. به عبارت دیگر، توسعه عبارت است از حرکت از وضعیت موجود به وضعیتی که در آن فرصت و امکانات بیشتری برای کاربرد موثر منابع فراهم آمده است. هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است. از این رو در فرایند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و فرار گرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است. یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه، تمرکز شدید و عدم تعادل است، این ویژگی معلول نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید که در نتیجه این سیاست، تمام امکانات و قدرت در یک یا چند منطقه تمرکز می‌یابد و سایر مناطق به صورت حاشیه‌ای عمل می‌نمایند. توسعه نیافتگی و علل آن از دغدغه‌های اصلی و بنیادین اقتصادهای در حال توسعه نظیر ایران است و مباحثی چون جهانی شدن اقتصاد و دیگر ملاحظات آینده‌شناختی بر این دغدغه‌ها اثر افزایشی دارد. وجود نابرابری‌ها تهدیدی جدید برای رسیدن به توسعه پایدار متعادل و متوازن است چرا که یک بعد از پایداری، تعادل بین ارزش‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. مهم‌ترین چالش علمی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، رشد سریع و تمرکز فزاینده آن در یک یا چند نقطه شهری بخصوص در کشورهای جهان سوم بود. ابتدا غرب این پدیده را برجسته کرد و آن را نوعی ناهنجاری منجر به عدم تعادل و بی‌عدالتی در توزیع فرصت‌ها و ناکارآمدی نظام فرآیند نامید. به دنبال آن کشورهای جهان سوم نیز به بحث در خصوص این پدیده برخاستند و در جستجوی راه‌های غلبه بر این مشکل برآمدند. در این کشورها، کیفیت زندگی مردم دستخوش نابرابری‌های منطقه‌ای عظیمی است که در بسیاری موارد، به سرعت در حال افزایش است لذا توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل‌های منطقه‌ای است؛ زیرا هر چقدر تفاوت‌های منطقه‌ای بیشتر باشد منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پر جاذبه شده و نهایتاً باعث عدم تعادل توزیع

جمعیت در سطح منطقه و سرزمین خواهد شد. نابرابری به عنوان یک چالش اساسی در تمامی کشورها می‌باشد. این نابرابری، یک تهدید جدی برای رسیدن به توسعه متعادل و متوازن مناطق است و رسیدن به یکپارچگی ملی را دشوار می‌کند. عدم تعادل و عدم توازن در هر ناحیه جغرافیایی ناشی از دو دسته عوامل، یکی درون ناحیه‌ای و دیگری برون ناحیه‌ای می‌باشد. نابرابری‌های درون ناحیه‌ای و بین ناحیه‌ای یکی از مظاهر بارز کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌هاست. عوامل درون ناحیه‌ای مانند شرایط طبیعی و جغرافیایی حاکم بر ناحیه که هر جا این شرایط مناسب باشد چنین ناحیه‌ای برتری محسوسی خواهد داشت. عوامل برون ناحیه‌ای نیز در پیشرفت یا عدم پیشرفت نواحی تأثیر بسزایی خواهند داشت، این عوامل ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و نوع استراتژی انتخابی جهت توسعه می‌باشد. برای رفع چنین کمبودهایی باید به بررسی نحوه پراکندگی شاخص‌های توسعه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی پرداخت. با توجه به توانمندی‌های متفاوت مناطق مختلف، تعیین موقعیت و جایگاه مناطق به‌ویژه از نظر میزان توسعه‌یافتگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف کلی این پژوهش، شناخت، رتبه‌بندی و پی بردن به درجه توسعه‌یافتگی ۳۰ شهرستان استان خوزستان است؛ که نتایج آن در راستای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای که از اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌های توسعه است، می‌باشد. ساختار پژوهش به صورتی است که پس از مقدمه در بخش دوم به مبانی نظری پرداخته، در بخش سوم پیشینه داخلی و خارجی، در بخش چهارم روش‌شناسی، در بخش پنجم نتایج روش‌شناسی و در بخش ششم به نتیجه‌گیری و پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲. تعریف توسعه

توسعه در لغت به معنای گسترش دادن است و در اصطلاح نیز دارای تعاریف متعددی است. بعضی مفهوم توسعه را تغییرات کیفی درخواست‌های اقتصادی، نوع تولید، انگیزه‌ها و سازمان تولید می‌دانند. توسعه، رشد موزون و همه‌جانبه در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه بوده و در واقع یک حرکت برنامه‌ریزی شده و رو به جلو در جهت تأمین نیازهای همه مردم و بهبود مداوم آن خواهد بود. در کتاب پیشگامان توسعه، پروفیسور گولت^۱، توسعه را هم واقعیتی مادی و هم ذهنی می‌داند و می‌گوید: بر حسب توسعه، جامعه از طریق ترکیب فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی، وسایلی را برای به دست آوردن زندگی بهتر تأمین می‌کند. از کیا در نتیجه‌گیری خود از بحث توسعه، توسعه را به معنای کاهش فقر،

^۱ Golet



بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف می‌کند.

مایکل تودارو^۱ صاحب‌نظر و اندیشمند بزرگ مسائل توسعه، توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. وی معتقد است: توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است. تودارو، به پیروی از پروفیسور گولت معتقد است، برای درک معنای درونی توسعه باید حداقل سه ارزش اصلی به عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته شود: الف: معاش زندگی و قدرت تأمین نیازهای اساسی ب: اعتماد به نفس، یعنی احساس شخصیت کردن و عزت نفس داشتن ج: آزادی از قید بردگی و توانایی انتخاب داشتن. هر کشوری در راه توسعه تلاش می‌کند، زیرا توسعه هدفی است که اکثر مردم آن را ضروری می‌دانند. پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است ولی تنها عامل نیست. دلیل آن این است که توسعه صرفاً پدیده اقتصادی نیست. توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است. توسعه، علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است. بنابراین توسعه به معنی ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است.

از نظر شومپیتر^۲، توسعه عبارت است از تغییرات مداوم و خود به خودی در کشورهای در حال توسعه که بعد از استقلال سیاسی، تعادل اقتصادی موجود را از دست داده‌اند. شومپیتر از تغییرات مداوم در جریان توسعه یاد می‌کند. این تغییرات که در یک دوره کوتاه مدت برای تغییر ساختارها و نهادها و به منظور زمینه‌سازی برای سایر مراحل توسعه و ترسیم آینده مطلوب در جامعه خواهد بود، باید در جهت رفاه انسان صورت گیرد، زیرا هدف همه فرآیندهای توسعه، رفاه انسان است.

آمارتیا سن^۳، با تأکید و توجه خاصی که بر عامل انسانی و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دارد، تفسیر ویژه‌ای از توسعه را ارائه می‌دهد. از نظر آمارتیا سن، توسعه عبارت است از افزایش

¹ Michael Todaro

² Schumpeter

³ Amartiasen



توانمندی‌ها و بهبود استحقاق‌ها. بنابراین اقداماتی که توانمندی‌های انسان را در ابعاد مختلف عمق و گسترش دهد، عوامل پیش برنده توسعه بوده و اقداماتی که منجر به کاهش توانمندی‌های انسان گردد، عوامل بازدارنده توسعه محسوب می‌گردند.

میردال^۱، از توسعه به عنوان حرکت یک سیستم یکپارچه اجتماعی به سمت جلو، که مسیر آن را یک مجموعه شرایط تعیین می‌کند، یاد کرده است. به طوری که در برابر شکوفایی کامل توانایی‌های ذاتی انسان، مانعی ایجاد نشود.

روستو^۲، توسعه را بر مبنای مراحل رشد اقتصادی مورد سنجش و ارزیابی قرار داده و توسعه‌یافتگی کشورها را بر اساس میزان برخورداری از تکنولوژی مدرن، درجه صنعتی شدن بالا و دسترسی به کالا و خدمات مورد سنجش قرار داده است.

به عقیده **فریدمن^۳**، توسعه یک روند خلاق و نوآورانه در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی است. سازمان ملل، توسعه را فرآیندی می‌داند که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه متحد کرده و مردم این مناطق را در زندگی یک ملت ترکیب نموده و آن‌ها را به طور کامل برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا می‌سازد.

جرالد میر^۴، توسعه را رشد اقتصادی توأم با تغییرات و تحولات فنی و ارزشی و نهادی دانسته است. به اعتقاد وی، توسعه اقتصادی فرایند تاریخی پیچیده‌ای است که در آن عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر در ارتباط‌اند، تا بر رفاه افراد یک جامعه تأثیر بگذارند.

مک لوپ^۵، در تعریف توسعه اقتصادی می‌گوید: توسعه عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه در یک جامعه شود.

بروکفیلد^۶، در تعریف توسعه می‌گوید: توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم.

راجرز و شومیکر^۷، از بزرگان علم ارتباطات، توسعه را برابر با تجددگرایی و نوعی تغییر اجتماعی که در آن عقاید نو در یک اجتماع معرفی می‌شوند تا باعث افزایش درآمد سرانه و

¹ Myrdal

² Rostov

³ Freedmen

⁴ Jerald Mir

⁵ Mc Lop

⁶ Brookfield

⁷ Rogers and Shoemaker



سطح زندگی از طریق روش‌های تولید بیشتر شود، معرفی می‌کنند. توسعه به هدف یا وسیله تغییرات اجتماعی اشاره دارد. توسعه به طور همزمان دور نمای یک زندگی بهتر است که از نظر مادی مرفه‌تر و جدیدتر، و از نظر تکنولوژیکی و فنی کارا تر می‌باشد. در تعریفی دیگر توسعه را به مثابه درختی دانسته‌اند که ریشه آن را فرهنگ و غذای آن را آموزش و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های توسعه‌ای تشکیل می‌دهد. بر اساس این تعریف، تنه و شاخ و برگ درخت، نظام مناسب اقتصادی و میوه شیرین آن برطرف شدن فقر و محرومیت، حفظ استقلال و خودکفایی و تأمین اقتصادی و اجتماعی مردم است. و در یک جمله: توسعه، یعنی بهبود در وضعیت زندگی انسان‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی که اگر فرایند بهبود در زندگی انسان‌ها، بدون تخریب محیط زیست بوده و توأم با عدالت اجتماعی باشد و در نتیجه با کمترین نوسان ادامه یابد به آن توسعه پایدار^۱ گفته می‌شود.

در تعاریف اخیر از توسعه، بیشتر بر جنبه‌های انسانی زندگی بشر تأکید شده و محتوای اصلی توسعه را بهبود بخشیدن به شرایط زندگی افراد در جامعه می‌دانند. به طور کلی، توسعه در مفهوم عام خود از قوه به فعل در آوردن توانمندی‌های افراد جامعه و امری پویا و درونزا تعریف شده است. اما مفهوم توسعه از چارچوب اقتصادی و جنبه‌های انسانی زندگی بشر در زمان حال، فراتر رفته است. امروزه توسعه، زندگی نسل‌های آینده را نیز هدف قرار می‌دهد. چنانچه طرح‌های بلندمدتی که به دنبال برنامه‌های توسعه موجب برهم کنش تعادل محیط زیست از طریق حذف و نابودی منابع در آینده شود، اقدامی ضد توسعه‌ای محسوب می‌شود. توسعه در مفهوم جدید، دامنه وسیع‌تری دارد و ممکن است بخش‌های متعددی از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر گیرد. با توجه به تعاریف مذکور، امروزه دیگر توسعه، محصور در مفاهیم و مصادیق اقتصادی نیست بلکه تلقی جدید از مفهوم توسعه، فرآیندی همه‌جانبه است (نه فقط توسعه اقتصادی) که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه است. از این رو توسعه، کلیه عوامل مؤثر در بهبود شرایط زیستی، یعنی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را در بر می‌گیرد. لذا هر کشور می‌بایست در چارچوب مقتضیات داده‌های فرهنگی، اقلیمی، محیطی، انسانی و نهادی خود طرح خاصی از توسعه را طراحی و به اجرا بگذارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بر دارد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین دیدگاه‌های عمومی مردم

^۱ Sustainable Development

است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد. به طور کلی هدف از توسعه، بهبود شرایط کلی زندگی مردم است. در هر کشوری اقشار خاصی از مردم هستند که وضعیت زندگی‌شان به مراتب بهتر از زندگی دیگران است. از این رو توسعه باید بیشترین توجه خود را به کسانی معطوف دارد که سطح زندگی‌شان مطلوب نیست. این اقشار، اغلب چیزی برای خوردن ندارند. وضعیت مسکن آن‌ها بسیار نامناسب است، تحصیلات اندکی داشته و امکان استفاده از تسهیلات آموزشی برای فرزندان آنان مهیا نمی‌باشد. آن‌ها امکانات کمی برای اندیشیدن در مورد راه‌های بهبود بخشیدن شرایط زندگی خویش دارند و یا اینکه نسبت به لزوم چنین کاری آگاه نیستند.

۳. ابعاد توسعه

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی - اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز گردید. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن‌های نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه گردید کشور ژاپن بود. بعد از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفا و متجلی گردید اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند رو به رشدی را تجربه نکرده و بعضاً سیری نزولی طی نمودند. البته بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردی در این کشورها صورت گرفت اما از آنجایی که با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی، تناسب کافی را نداشت و مورد حمایت واقع نگردید، به سرعت مزمحل گردید. محمدتقی‌خان امیرکبیر در ایران، نمونه‌ای از این دست است. مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه‌یافته) و کشورهای عقب مانده (یا توسعه‌نیافته).



۳-۱. توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (بر خلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد.

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر) و ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی، افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه‌یافتگی می‌توان این موارد را برشمرد:

(۱) **شاخص درآمد سرانه:** از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود.

(۲) **شاخص برابری قدرت خرید:** از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد.

(۳) **شاخص درآمد پایدار:** کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه پایدار" به جای "توسعه اقتصادی"، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌گردد نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید.

(۴) **شاخص‌های ترکیبی توسعه:** از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک‌گراثان (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد (بعد، شاخص توسعه انسانی معرفی گردید).

(۵) **شاخص توسعه انسانی:** این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که بر اساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (بر اساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (دربدو تولد) و دسترسی به آموزش (تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد).

۳-۲. توسعه صنعتی

یونیدو یا سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، یک سازمان تخصصی سازمان ملل متحد است که مقر آن در وین می‌باشد. هدف اصلی این سازمان، ارتقاء و تسریع توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه یا اقتصادهای در حال گذار و توسعه روابط صنعتی بین‌المللی می‌باشد. خواستگاه سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، می‌تواند متأثر از مجموعه مطالعات بر روی برنامه‌ی صنعتی‌سازی سریع کشورهای در حال توسعه باشد که دبیرخانه سازمان ملل متحد، بر اساس درخواست شورای اجتماعی و اقتصادی ملل متحد در طول اوایل سال ۱۹۵۰ انجام داده است. این مطالعات روی برنامه کاربر روی صنعتی‌سازی و بهره‌وری که توسط دبیرخانه عمومی ملل متحد فراهم شده بود و در سال بعد توسط (اکوسوک) و مجمع عمومی امضا شد، به اوج خود می‌رسد. در آن زمان ابتدا پیشنهاد شد که یک بدنه اختصاصی برای مواجهه با مشکلات صنعتی‌سازی، تأسیس شود که نهادهای سیاسی می‌توانستند به اکوسو و مجمع عمومی برای بررسی دقیق سؤالات، کمک کنند؛ و دبیرخانه می‌توانست کار را بیشتر از بخش صنعتی موجود در دفتر امور اقتصادی را در داخل دبیرخانه انجام دهد. بخش صنعتی دبیرخانه در سال ۱۹۵۹ تبدیل به یک شعبه و در سال ۱۹۶۲ تبدیل به مرکز توسعه صنعتی شد که توسط عضو کمیسیون توسعه صنعتی رهبری می‌شد. به عنوان اولین فعالیت‌ها در جهت ارائه کمک‌های صنعتی، می‌توان برنامه سازمان ملل متحد در مورد کمک‌های صنعتی (برنامه‌ی سازمان ملل متحد برای کمک‌های توسعه سال ۱۹۴۸)، صندوق مخصوص سازمان ملل متحد (۱۹۵۸)، کمیته برای توسعه صنعتی که در سال ۱۹۶۰ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تأسیس شد، بالاخره



مرکز توسعه صنعتی را نام برد. هدف مرکز توسعه صنعتی، هماهنگی فعالیت‌های مربوط به صنعتی - سیاسی در داخل سازمان ملل متحد بود. بعد از اینکه خواست کشورهای در حال توسعه در شورای اقتصادی و اجتماعی مطرح شد، بر اساس قطعنامه سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سازمان تخصصی یونیدو (سازمان توسعه صنعتی) تأسیس گردید. از این جهت یونیدو به مفهوم حقوق بین‌الملل یک سازمان تخصصی مستقل نیست ولی روی هم رفته خصوصیات چنین سازمانی را دارا می‌باشد. این سازمان در ژانویه ۱۹۶۷ به صورت یک مؤسسه خودمختار در داخل تشکیلات سازمان ملل به وجود آمد تا به صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه کمک کرده، آهنگ رشد آن‌ها را تسریع کند. ایجاد هماهنگی میان کارگزاری‌های سازمان ملل در زمینه توسعه به یونیدو واگذار گردید. در سال ۱۹۸۲ حدود ۱۵۱ کشور عضویت این سازمان را دارا بودند. مقر یونیدو در شهر وین پایتخت اتریش می‌باشد.

بخش خصوصی نقش مرکزی در از بین بردن فقر و دستیابی به اهداف توسعه‌ی هزاره را ایفا می‌کند. توسعه‌ی صنعتی تحت رهبری بخش خصوصی، سهم عمده‌ای را در به وقوع پیوستن تغییرات ساختاری مورد نیاز ایجاد می‌کند که می‌تواند اقتصادهای کشورهای فقیر را در مسیر رشد اقتصادی قابل قبول قرار دهد؛ بنابراین خدمات سازمان یونیدو بر ایجاد اشتغال و درآمد کافی برای پوشش دادن فقر متمرکز است. روند صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه در سازمان ملل متحد به عنوان یکی از اهداف اصلی شناخته شده است. لزوم این امر وقتی مشهود است که دریاپیم جمعیت کشورهای در حال توسعه با بیش از ۷۰ درصد از کل جمعیت جهان فقط ۷ درصد از کل تولیدات صنعتی دنیا را تولید می‌کنند. سهم بخش‌های صنعتی در تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی بین ۳۰ تا ۴۰ درصد قرار دارد در حالی که این رقم در اغلب کشورهای در حال توسعه زیر ۱۰ درصد می‌باشد؛ لذا کشورهای در حال توسعه در نظر دارند که از کنفرانس‌های عمومی یونیدو به عنوان سکویی برای تسریع در روند صنعتی کردن در چارچوب نظام نوین اقتصاد بین‌المللی استفاده نمایند. در دومین کنفرانس عمومی در لیما در سال ۱۹۶۷ بر اساس قطعنامه‌ای تصمیم گرفته شد که سهم کشورهای در حال توسعه در تولیدات کل صنعتی جهان به ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش داده شود. بعلاوه در بیانیه لیما خواست‌های دیگری نیز از قبیل حق مصادره شرکت‌های خارجی، تقویت کارتل‌های مواد اولیه و امثالهم به چشم می‌خورد. گذشته از این، تصمیم گرفته شد که یک سیستم مشورتی در چارچوب یونیدو بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی نیز به وجود آید. بیانیه لیما هر چند دارای ضمانت اجرایی نبود ولی سرعت روابط بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه را تسریع بخشید. در سومین کنفرانس عمومی در سال ۱۹۸۰ در دهلی نو، خواست‌های کشورهای در حال توسعه به

طور کلی از طرف کشورهای صنعتی رد شد. پیشنهاد کشورهای در حال توسعه برای تأسیس صندوقی با سرمایه چندین میلیارد دلار برای تسریع بخشیدن به روند صنعتی کردن با موافقت کشورهای صنعتی مواجه نشد. بر اساس نظرات کشورهای صنعتی، جهت تسریع بخشیدن در روند صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه، بایستی سیستم گمرکی ترجیحی را بهبود بخشید و بعلاوه بایستی سازمان یونیدو را به عنوان مرکز هماهنگی‌های صنعتی، تجهیز کرد. در طول سال‌های گذشته، ۱۸۰ کشور از طرح‌های همکاری فنی یونیدو استفاده کرده‌اند.

۳-۳. توسعه سیاسی

توسعه سیاسی، مفهومی است که در پی تحولات پس از جنگ جهانی دوم با استقلال کشورهای تحت استعمار از یک سو و نیز تهدیدات نظام‌های سوسیالیستی بلوک شرق برای جهان سرمایه‌داری غربی در خلال جنگ سرد از سوی دیگر، توسط جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان غربی، و به‌ویژه نظریه‌پردازان آمریکایی، به منظور ارائه راه حلی برای کشورهای تازه استقلال‌یافته و عقب‌مانده به منظور تغییر و دگرگونی مطرح گردید. هدف اولیه نظریه‌پردازان آمریکایی در مطالعه و تجویز الگوهای توسعه و نوسازی، جلوگیری از نفوذ ایدئولوژی‌های کمونیستی به کشورهای تازه استقلال‌یافته جهان سوم بر اساس سیاست‌های سد نفوذ آمریکا و در کل ترویج و گسترش فرهنگ و هنجارهای غربی در جهان سوم پس از جنگ جهانی دوم بوده است. به رغم گذشت بیش از نیم قرن از مطالعات، نوسازی و توسعه سیاسی این مفهوم روز بروز بیشتر ابهام‌یافته و در پس مناقشات و اختلاف نظرهای صاحب‌نظران پنهان مانده است. امروزه با وجود انبوهی از مطالعات انجام شده در این باب، همانند دیگر مفاهیم علوم انسانی، اجماع مشترکی بین صاحب‌نظران درباره این مفهوم به دست نیامده است. هر کدام از مکاتب، تعریف و معیارهای خاص خود را از این اصطلاح مطرح می‌نمایند.

جامعه‌شناسان علوم سیاسی، توسعه را وجهی از نوسازی به شمار می‌آورند که مهم‌ترین پیامد آن، تأسیس نهادهای سیاسی و اجتماعی می‌باشد. این گروه از اندیشمندان، توسعه را حرکتی به سوی یک فرآیند ارزشی می‌دانند که ممکن است در طی این فرآیند، ساختارهای سیاسی جامعه دچار تحولاتی شود. اصطلاح توسعه سیاسی یک مفهوم سیاسی در علوم سیاسی است که امروزه اغلب از تحولات این مفهوم بحث می‌شود. عواملی که در ارتباط با طرح نظریه توسعه‌ی سیاسی مطرح بودند عبارت‌اند از: الف) دو قطبی بودن جهان ب) گسترش نفوذ سوسیالیست در جهان



دوم ج) گسترش نهضت‌های آزادی‌بخش در مستعمرات د) ایجاد برخی سازمان‌های بین‌المللی با هدف کاهش توان ابرقدرت‌ها.

هانتینگتن^۱، توسعه را به مثابه‌ی فراگردی که بوسیله‌ی آن هر کشور ظرفیت خود را برای جذب آثار بی‌ثبات‌کننده‌ی مشارکت مردم در امور سیاسی ناشی از تحرک اجتماعی، افزایش می‌دهد، می‌داند. در واقع او مفهوم توسعه‌ی سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحولات اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی ارزیابی می‌کند و معتقد است در فرآیند توسعه‌ی سیاسی ادعاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدید ایجاد می‌شود؛ از این رو، نظام سیاسی باید قادر به تغییر وضعیت موجود به سمت توسعه باشد، و گرنه دچار تزلزل خواهد شد. از طرفی باید بدانیم مسائلی چون فقر و گرسنگی، استثمار و شکاف اقتصادی، مشروعیت و نقش دولت، مسائل مربوط به صنعت و کشاورزی، خوداتکایی و نیازهای اساسی، از مواردی هستند که در قالب توسعه‌ی سیاسی به آن‌ها پرداخته می‌شود. باید اضافه کرد که تقریباً تا به امروز تمام مفاهیم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه، ریشه در یک هدف سیاسی خاص داشته‌اند و هیچ یک از تعابیر توسعه، نمی‌تواند جدای از شرایط سیاسی قرار گیرد. اما با این حال، توجه به رویکرد سیاسی توسعه، امری جدید می‌باشد که در دهه پایانی قرن بیستم نظام‌های مدیریتی و سیاسی در دو جهان توسعه‌یافته و در حال توسعه با آن مواجه شدند. جامعه‌ی توسعه‌یافته در مفهوم سیاسی، جامعه‌ای است که قانون در آن در حد بهینه تولید شده باشد، نه چندان کم که رفتارهای بی‌قاعده و پرهزینه امور جامعه را مختل کنند و نه چندان فراوان که راه بر انتخاب‌های بهینه‌ی افراد بسته شود.

از نظر آمار تیاسن، تحقق توسعه و به عبارتی توسعه به مفهوم آزادی مستمر، مستلزم اقدام سیاسی است. در این راستا، او معتقد است دولت‌های جهان سوم که در پی فعالیت‌های سیاسی ایجاد شدند، به روش‌های سیاسی، حضور خود را در جامعه‌ی بین‌المللی پررنگ‌تر می‌کنند و به همان شیوه نیز به دنبال توسعه هستند؛ به همین دلیل می‌توان توسعه‌ی آن‌ها را نیز امری سیاسی دانست.

برخلاف معیارهای توسعه اقتصادی که کمیت‌پذیرند و از طریق شاخص‌هایی چون تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، افزایش یا کاهش قدرت خرید، میزان اشتغال و..... می‌توان میزان توسعه اقتصادی را در چارچوب‌های آماری با محاسبات دقیق مورد ارزیابی و سنجش قرار داد. در توسعه سیاسی، قادر به انجام چنین کاری نیستیم؛ زیرا به علت کمیت‌ناپذیری عناصر کیفی

^۱ Huntington

توسعه سیاسی، نمی‌توان پارامترهای توسعه سیاسی را به طور دقیق اندازه‌گیری نمود. برای مثال تعیین سطح جامعه‌پذیری یا مشروعیت سیاسی و نهادی شدن آن‌ها در یک جامعه و فهم میزان توسعه سیاسی از آن به سختی می‌تواند صورت پذیرد. مسئله مهم وجود متغیرهای نسبتاً زیاد و ارتباط پیچیده‌ای است که میان این متغیرها وجود دارد به طوری که از تعامل این متغیرها به سادگی نمی‌توان روابط علی و معلولی را از هم بازشناخت. مثلاً مشروعیت سیاسی خود باعث افزایش سطح مشارکت در جامعه می‌شود، در حالی که مشارکت سیاسی و اجتماعی به نوبه خود به توسعه سیاسی و مشروعیت سیاسی کمک می‌کند. در مورد بسیاری از پارامترهای اصلی توسعه سیاسی چون مشروعیت و مشارکت سیاسی، میان محققان علوم سیاسی اتفاق نظر وجود دارد، اما به محض آنکه این عناصر در ارتباط با جوامع و فرهنگ‌ها و ساختارهای متفاوت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند، به سادگی نمی‌توان با توجه به پارامترهای مزبور، جامعه‌ای را از نظر سیاسی، توسعه‌یافته و یا نظام دیگر را عقب مانده تلقی کرد. ولی در هر صورت، شاخص‌هایی را که از پذیرش بیشتری برخوردارند می‌توان چنین برشمرد:

(۱) میزان مشروعیت نظام و اهتمام مردم به دولتمردان؛

(۲) مشارکت مردم از طریق نهادهای اجتماعی، سیاسی: نظیر انتخابات مجلس، احزاب و نهادهای سیاسی غیردولتی و مطبوعات و قدرت انتخاب حکومتی برخواسته از مردم بر مردم و میزان آزادی آنان؛

(۳) حکومت قانون: نه حکومت فرد به شکل استبدادی و دیکتاتوری و غیرشخصی بودن نظام سیاسی؛

(۴) میزان اقتدار در پاسخگویی به نیازهای مردم از طریق ایجاد شبکه اداری کارآمد و فعال و حل قانونمند مشکلات و معضلات سیاسی جامعه.

آنچه به نظر می‌رسد، این است که با توسعه سیاسی بسیاری از مشکلات جوامع سنتی حل می‌شود و گشایش‌هایی فراهم می‌آید.

۳-۴. توسعه فرهنگی

مفهوم توسعه فرهنگی عبارت است از دگرگونی که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌پذیرد و بر اثر آن، جامعه، کنترل موثرتری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. اصطلاح توسعه فرهنگی اولین بار توسط یونسکو به کار برده شده و دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ را دهه توسعه فرهنگی می‌نامند. توسعه و پیشرفت زندگی یک جامعه



با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با واقعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد. بعد از جنگ جهانی دوم، تغییرات و تحولات وسیع و گسترده‌ای به‌ویژه در روابط میان کشورهای استعمارگر و استعمار شده به وجود آمد. بعد از آنکه متفکران و روشنفکران کشورهای در حال توسعه و جهان سوم در یک فرایند طولانی سعی و خطا، متوجه شدند که الگوی توسعه غربی، نمی‌تواند پاسخگوی دردها و نیازهای آن‌ها باشد و نمی‌تواند به توسعه‌یافتگی بینجامد، به سوی سیاست توسعه‌ی درون‌زا روی آوردند. در این خط مشی، به جای الگو گرفتن از فرهنگ مغرب‌زمین، بر فرهنگ و ارزش‌های خودی، بومی و ملی به عنوان نقطه آغازین هرگونه حرکت رو به جلو تاکید شده و الگویی توسعه‌ی غربی، یک الگویی وارداتی شمرده شد. از آن زمان به بعد، فرهنگ، آهسته آهسته در کانون توجه قرار متفکران و برنامه‌ریزان جهان به‌ویژه در کشورهای در حال خیز قرار گرفت. در ادامه‌ی این فرایند، یونسکو، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد به صورت جدی‌تر وارد میدان شد و به عنوان مرکز اصلی طراحی و کارشناسی فرهنگ، اقدامات خود را آغاز کرد. در اثر همین تلاش‌ها و کوشش‌ها و اقداماتی که یونسکو در دهه‌ی هفتاد قرن بیستم انجام داد برای اولین بار مفهوم توسعه فرهنگی پدید آمد و از اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد به صورت رسمی وارد ادبیات توسعه شد. از مجموع تعاریف و نظریه‌هایی که درباره‌ی توسعه فرهنگی بیان شد، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های توسعه فرهنگی را به قرار زیر برشمرد:

۱. عقل‌گرایی و اهمیت دادن به نقش عقل؛

۲. نگاه مثبت به دنیا و امور دنیوی؛

۳. رویکرد تعاملی با دیگر فرهنگ‌ها؛

۴. باور به آزادی بیان.

۳-۵. توسعه اجتماعی

امروزه، توسعه یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در کشور ما و سایر کشورهای در حال توسعه می‌باشد. بی‌شک در جهان امروز، کشورهایی که از قافله پیشرفت و توسعه بازمانند و هماهنگ با حرکت رو به جلوی جهانی در این مسیر گام نهند، توان ادامه حیات در عرصه جهانی را نخواهند داشت. رواج و رونق بحث‌های توسعه‌ای در تمام محافل علمی و مدیریتی در تمام سطوح، خود گواه اهمیت این مسئله است. در این میان صاحب‌نظران متعددی به ارائه دیدگاه‌های خود در این زمینه پرداخته‌اند و هر کدام از منظر خود به بررسی این مهم، پرداخته‌اند.

یکی از دلایل تعدد بحث‌های توسعه‌ای در بینایی بودن این رشته می‌باشد. توسعه را می‌توان از رشته‌هایی به حساب آورد که در حوزه‌های گوناگون علمی قابل بحث و تبیین است. توسعه، در علمی نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، امور فرهنگی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته و اندیشمندان هر کدام از این حوزه‌ها بنا به رویکرد خود، به توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و... پرداخته‌اند. مفهوم توسعه اجتماعی از جمله مباحثی است که بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و از جمله مفاهیمی است که اغلب، جامعه‌شناسان به آن عنایت دارند. مطابق با ادبیات علوم اجتماعی اولیه، توسعه اجتماعی تقریباً مترادف با تکامل اجتماعی به کار می‌رفت. مراحل تکامل جامعه بشری که اغلب اوقات در یک چشم‌انداز جامعه‌شناختی کلان تعیین می‌شد نمودی از توسعه اجتماعی به شمار می‌رفت. بسیاری از تکامل‌گرایان به نوعی کلیت و جهان‌شمولی و اجتناب‌ناپذیری در این توالی‌های تکاملی اعتقاد داشتند. در بحث‌های جدیدتر، مفهوم توسعه اجتماعی از فرضیه تکاملی جدا شده و روی موضوعات مربوط به تامین نیازهای بشر و ارتقاء کیفیت زندگی تمرکز کرده است. در واقع توسعه اقتصادی باید با اهداف اجتماعی خاصی وفق داده شود. نرخ رشد، درآمد سرانه و سایر ارقام و اعداد نمی‌توانند نشان دهنده میزان توسعه‌یافتگی باشند.

برخی توسعه اجتماعی را جریانی چند بعدی می‌دانند که تجدید سازمان و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. از این رو، توسعه به طور همزمان شامل چند امر هماهنگ می‌گردد: بهبود میزان تولید و درآمد، دگرگونی اساسی در ساخت‌های اجتماعی و اداری، تغییر دیدگاه‌های مردم و تغییر مناسب آداب و رسوم. در این راستا بعضی از اندیشمندان بر این اعتقادند که: در توسعه اجتماعی، دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن مورد نظر است. توجه اساسی بیشتر بر تغییر و بهبود نحوه زندگی و ارزیابی جریان‌ها و تحول اجتماعی است، تا تغییر در یک سازمان و یا نهاد اجتماعی. استراتژی‌های توسعه اجتماعی نیز در جهت بهبود کیفیت زندگی انسانی بوده و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان را مدنظر دارد. از این رو استراتژی‌های توسعه اجتماعی، شامل نیازهای رفاهی، نیازهای فرهنگی، نیازهای روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری، و نیاز به رشد و ترقی که در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید است، می‌باشد.

برخی دیگر توسعه اجتماعی را اشکال متفاوت کنش متقابل که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد، دانسته و توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی را جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده، قلمداد کرده‌اند. اگر توسعه اجتماعی به معنای گسترده آن مورد نظر باشد دقیقاً معادل توسعه همه جانبه خواهد بود ولی اگر جایگاه توسعه اجتماعی در مقابل توسعه



سیاسی، اقتصادی و غیره در نظر باشد، باید توسعه اجتماعی را در چگونگی شخصیت فردی، خانوادگی، و وجود نهادهای اجتماعی مناسب و تاثیرگذار نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی، تامین اجتماعی و... جستجو کرد. در این معنا، برای تحقق توسعه اجتماعی باید شاخص‌های زندگی و رفاه اجتماعی بهبود پیدا کند.

توسعه اجتماعی زمانی صورت می‌پذیرد که نهادهای مناسب و آگاهی بخش در جامعه تحقق یابد. این نهادها عبارت‌اند از:

۱. گسترش آموزش و پرورش؛
۲. همگانی شدن آموزش و پرورش؛
۳. وجود مراکز آموزش فنی - حرفه‌ای؛
۴. تلقی آموزش به عنوان شالوده حیاتی جامعه؛
۵. پرورش روحیه آزادی و آزادی خواهی؛
۶. توجه روزافزون بر قوام خانواده؛
۷. رعایت بهداشت فردی، خانوادگی و عمومی؛
۸. ایجاد فضای مناسب برای زنان و مردان برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی؛
۹. امنیت اجتماعی گسترده؛
۱۰. قداست کار و وجود وجدان کاری در بین مردم؛
۱۱. حضور نظم و انضباط کاری در زندگی.

در چشم‌انداز جامعه‌شناختی به مقوله توسعه اجتماعی، مفهوم توسعه انسانی اهمیت ویژه‌ای داراست. در واقع به دنبال وضع اصطلاح توسعه انسانی از اواسط دهه ۱۹۸۰، این مقوله شفافیت بیشتری پیدا کرده است. توسعه انسانی فرایندی در جهت افزایش انتخاب‌های مردم تعریف شده است. سه عامل ضروری برای یک زندگی سالم مطرح است: طول عمر، امکان کسب دانش و دسترسی به منابع برای یک زندگی آسوده. اگر این انتخاب‌ها در بین نباشد ممکن است که سایر فرصت‌ها نیز قابل دسترسی نباشند. بر طبق مفهوم توسعه انسانی، افزایش درآمد یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های انسانی در همه جوامع است. اما افزایش درآمد را نمی‌توان تنها انتخاب اساسی انسان تلقی کرد. مسائل مهم دیگری نیز وجود دارند که ذیل عنوان "امنیت انسانی" طبقه‌بندی می‌شوند. **سیمون کوزنتس**^۱، نیز یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی را مساوات خواهی می‌داند، بدین معنی که در اصل، هیچ تفاوت طبیعی بین افراد جامعه وجود ندارد. حاکمیت اندیشه‌ها و

¹ Simon Kuznets

ارزش‌هایی نظیر عدالت اجتماعی و مساوات‌طلبی می‌تواند بستر مناسبی را برای توسعه اجتماعی در یک جامعه فراهم سازد. در سایه حاکمیت این ارزش‌ها، حاکمان جامعه و دولت‌ها باید زمینه‌های رشد و تعالی را برای همه افراد جامعه تدارک ببینند، آموزش و پرورش که نقش کلیدی در شکوفایی استعداد‌های انسانی دارد باید در اختیار همگان قرار گیرد. وضع معیشتی خانواده‌ها باید طوری باشد که مانعی در راه شکوفا شدن استعدادها ایجاد نکند. روح آزادی و آزادی خواهی باید در جامعه رواج یابد تا آزاد اندیشی و آزاد زیستی در جامعه نهادینه گردد.

۴. پایه‌های اقتصادی موثر بر توسعه اقتصادی

۴-۱. علم و تکنولوژی

امروزه یکی از ابزارهای سلطه، اقتدار علمی است. در بحث توسعه و اقتصاد جهانی، مسائلی مانند تولید ناخالص ملی به برکت تحولات فکری و دانش بشری گسترش زیادی پیدا کرده است. از دهه ۶۰ تاکنون، تولید ناخالص ملی بیش از ۴۰ برابر افزایش پیدا کرده است که عقبه چنین مواردی بیشتر دانش مدیریت، شیوه‌های جدید تولید و... است. در این قلمرو بحثی بنیادی بین صاحب‌نظران توسعه پیش آمده است که ریشه شرایط امروزه جهان در مورد نابرابری، عمدتاً در تکنولوژی و دانش نهفته است. امروزه داشتن منابع زیرزمینی نمی‌تواند به عنوان عاملی برای تولید مورد تأکید قرار بگیرد. روی سرمایه انسانی هم این‌قدر نمی‌توان تأکید کرد. چیزی که ثروت را به عنوان یک مؤلفه قدرت افزایش می‌دهد، تکنولوژی است. هنگامی که در یک کشور، علم و فناوری گسترش یابد، سهم نیرو و فعالیت انسانی به صورت دستی و یدی کم می‌شود، زیرا تکنولوژی، جایگزین آن می‌شود و به جای آن، سهم فکر افزایش پیدا می‌کند. در این هنگام است که دیگر کمبود منابع طبیعی، مانند قرن‌های گذشته مهم به نظر نمی‌آید بلکه منابع دیگری چون انرژی خورشیدی و انرژی هسته‌ای که حاصل علم است می‌تواند جایگزین آن شود.

هر چه دانش، گسترده‌تر باشد و امکان استفاده بیشتری را فراهم آورد، محدودیت‌ها از بین می‌رود یا کمتر می‌شود. در قرون پیش، چون دانش محدود بوده منابع هم کم به نظر می‌رسیده است. می‌توان از نمونه آن کشورهای آفریقایی را مثال زد که با وجود منابع سرشار نسبت به برخی از کشورهای اروپایی، چون دانش و تکنولوژی بهره‌برداری از منابع را ندارند جزء کشورهای توسعه نیافته محسوب می‌شوند. یکی از خصایص کشورهای در حال توسعه، عقب‌افتادگی تکنولوژیک این کشورها است. عقب‌ماندگی تکنولوژیک این کشورها در وهله



اول در هزینه متوسط نسبتاً زیاد تولید، علی‌رغم دستمزدهای نازل پرداختی و در گام دوم در نسبت زیاد کار به تولید و نسبت زیاد سرمایه به تولید است؛ که مشخص‌کننده پایین بودن کارایی تولید و کار است و در گام سوم استفاده از نیروی کار غیرماهر و غیر متخصص در جریان تولید و در گام آخر در استفاده از کالای سرمایه‌ای بیشتر برای رسیدن به خودکفائی در تولید ملی نهفته است. به عبارت دیگر کمبود سرمایه لازم جهت تعویض ماشین‌آلات و کالاهای سرمایه‌ای با کالاهای سرمایه‌ای مجهز به تکنولوژی مدرن، یکی از عوامل مهم در عدم رشد و توسعه اقتصادی این کشورهاست. بی‌سوادی و فقدان نیروی کار ماهر و متخصص که بتواند از تکنولوژی مدرن در تنوع ساختن تولید بهره‌بردار، یکی دیگر از دلایل عقب‌افتادگی تکنولوژیک در کشورهای در حال توسعه است. بنابراین عقب‌ماندگی تکنولوژیک نه تنها عامل عقب‌ماندگی اقتصادی است، بلکه عقب‌ماندگی اقتصادی خود یکی از دلایل عقب‌ماندگی تکنولوژیک است. به عبارت دیگر عقب‌ماندگی تکنولوژیک رابطه متقابل با توسعه نیافتگی اقتصادی دارد.

نکته مهم دیگر در این بحث اینکه اگر علم به تکنولوژی و تجهیزات انتقال پیدا نکند، صرفاً به صورت مجموعه‌های از آگاهی‌ها و دانش‌ها باقی می‌ماند و هیچ‌گونه تأثیری در بهبود کیفیت زندگی افراد در یک جامعه نمی‌گذارد. کشورهایی که هر دو این عامل را مهم دانسته و در جهت آن تلاش کرده‌اند مستمر آروش‌های نوینی را در تولید در پیش گرفته‌اند، در حالی که کشورهای عقب‌مانده در این زمین به‌کندی و به تدریج این راه را دنبال کرده‌اند و در امر تولید بسیار ناموفق بوده‌اند.

۴-۲. کشاورزی

صنعتی شدن و توسعه جز در پرتو توسعه کشاورزی و صنایع جانبی آن و استفاده از دانایی و خلاقیت امری دشوار خواهد بود. مازاد سرمایه و نیروی کار این بخش، از یک سو می‌تواند موتور توسعه صنعتی را روشن کرده و از سوی دیگر خانوارهای این بخش، بازار مصرف کالای بخش صنعت باشد. بنابراین توسعه اقتصادی پویا بدون رشد صحیح بخش کشاورزی تحقق نمی‌یابد.

در اکثر کشورهای در حال توسعه از نظر زیربنایی، بخش کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد ملی از نظر ایجاد شغل و مهارت‌های تولید ایفا می‌کند. کشاورزی وسیله معاش میلیون‌ها نفر در این کشورهاست و ریشه تاریخی در سنت، مهارت و اقتصاد مردم این کشورها دارد. تولید کشاورزی بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و محصولات کشاورزی سهم

به سزایی در تأمین درآمدهای صادراتی بسیاری از این کشورها دارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه یک یا چند محصول کشاورزی، ارز خارجی کشور را از طریق صادرات تأمین می‌کند. البته نحوه تولید در این کشورها بسیار عقب افتاده و بر اساس روش‌های سنتی بوده و تولیدچندان زیادی را در بر ندارد. روش تولید بر اساس شیوه ارباب و رعیت است، در نتیجه میزان برداشت محصول ناچیز و درآمدهای ایجاد شده ناچیزتر از آن است. در خصوص اهمیت بخش کشاورزی و ارتباط آن با بخش صنعت مایکل تودارو می‌گوید:

بدون توسعه کشاورزی و روستایی، رشد صنعتی یا موفق نخواهد شد و یا اگر موفق شود چنان عدم تعادل‌های شدید داخلی در اقتصاد ایجاد خواهد کرد که مشکلات فقر گسترده، نابرابری و بیکاری قطعی‌تر خواهد شد.

ریچارد تی. گیل^۱ نیز می‌گوید:

اگر محصولات کشاورزی، کفایت نیازهای جامعه را نکند موجبات افزایش قیمت فرآورده‌های کشاورزی و در نتیجه افزایش نرخ مزدهای بخش صنعتی و در نهایت کاهش نرخ رشد بخش صنعتی را فراهم خواهد کرد. به طور خلاصه، بخش کشاورزی غیر مولد می‌تواند رشد بخش صنعت که بالقوه ظرفیت بارور شدن را دارد کمتر یا متوقف کند.

از دیگر امتیازات توجه به بخش کشاورزی در امر توسعه می‌توان دلایل زیر را برشمرد:

۱. بی‌نیازی به ارز زیاد برای رشد بخش کشاورزی؛

۲. بی‌نیازی از فناوری پیچیده؛

۳. نیاز کمتر به مهارت و تحصیلات عالی؛

۴. افزایش اشتغال؛

۵. جلوگیری از مهاجرت روستاییان؛

۶. توسعه هماهنگ در تمام بخش‌ها.

۴-۳. صنعت و تجارت

وجود منابع عظیم نفتی در برخی از کشورهای در حال توسعه باعث شده است که متأسفانه این کشورها با کسب درآمدهای نفتی، روی به واردات بیاورند و از تجارت، صادرات و شرکت در بازارهای بین‌المللی دور بمانند. شرکت و رقابت در بازارهای جهانی باعث گسترش علم و فن آوری در کشور و مرغوبیت روز به روز کالاها می‌شود.

^۱ Richard.t.gil



امروزه صنعتی شدن عبارت است از، سازماندهی تولیدی از طریق تقسیم کار و تخصص‌گرایی و به‌کارگیری فناوری و نیروهای مکانیکی و الکتریکی به جای نیروی انسانی یا همراه با آن.

فرایند تولید صنعتی یعنی ماشینی کردن تولید، با تغییر، تبدیل و تحول روش‌های تولید، اگر منجر به افزایش بهره‌وری عوامل تولید نگردد، بی‌فایده خواهد بود. یعنی ضرورت دارد که استفاده از هر عامل تولید بهبود یابد و بیش از پیش مؤثر گردد. مثلاً در کشورهای صنعتی، هر کارگری بسیار بیشتر از احتیاج خود تولید می‌کند؛ زیرا او در واقع عضوی از دستگاه اقتصادی است. چنین کارگری در دستگاه اقتصاد صنعتی، بسیار بیش‌تر از کارگر جامعه غیرصنعتی تولید می‌کند. در هر حال تفاوت نتیجه کار این دو نوع کارگر، مربوط به درجه سعی و کوشش آن‌ها نیست، بلکه مربوط به تفاوت دستگاهی است که در آن کار می‌کنند. بدین ترتیب کارگر در عصر صنعت بسیار بیش‌تر از نیازهای شخصی خود، کالا تولید می‌کند. یعنی در واقع مازاد کلی بر احتیاجات داخلی فراهم می‌کند و همین مازاد است که موجب رشد اقتصادی و رفاه ملی می‌شود.

مقوله تجارت نیز از مباحثی است که از دیرباز مورد توجه بشر بوده است و در حیات اقتصادی هر کشور تأثیر به‌سزایی داشته است. بنابراین می‌توان برای تجارت، هدفی اساسی و مهم که همانا کمک به رشد و توسعه اقتصادی و به‌طور کلی کمک به ارتقاء سطح رفاه جامعه می‌باشد، تصور کرد. با توجه به هدف‌دار بودن بحث تجارت، مسئله سیاست‌گذاری و ابزار هدایت تجارت خارجی مطرح می‌شود. سیاست‌گذاری در این زمینه بسته به نوع کشور که، توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته باشد متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های تجاری معمول و معروف، سیاست‌های درونگرا (معمول‌ترین آن سیاست جایگزینی واردات) و برونگرا (توسعه صادرات) می‌باشد که از اوایل دهه ۵۰ میلادی به کشورهای در حال توسعه توصیه و سپس به کار گرفته شده است.

اوایل دهه ۵۰ میلادی، اعتقاد غالب در خصوص توسعه کشورهای در حال توسعه بر این بود که، سیاست درونگرایی جایگزینی واردات، امکان صنعتی شدن و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد. به همین دلیل آن را به عنوان استراتژی توسعه صنعتی به کار گرفتند، با این توجیه اقتصادی که نیازهای جامعه به جای اینکه از محل واردات کالاهای ساخته شده تأمین شود از طریق تولیدات داخلی تأمین گردد. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی را تنها متکی در به‌کارگیری سیاست‌های خودکفایی پنداشته، که از مرحله تولید کالاهای مصرفی در داخل، تا تولید نهاده‌ها و عوامل تولید را در بر می‌گیرد. بنابراین یکی از دلایل عمده در خصوص به‌کارگیری این

سیاست، مقابله با کمبود منابع ارزی کشورهای در حال توسعه بوده که بعد از جنگ جهانی دوم مبتلا به این کشورها بوده است.

به همین منظور گمان می‌شد سیاست جایگزینی واردات، تولیدات جامعه را به مقیاس وسیع و به سطح سودآوری خواهد رساند؛ و از سوی دیگر نیاز واردات کالاهای ساخته شده از خارج را کاهش خواهد داد. اما آنچه اتفاق افتاد مغایر با تئوری‌ها و پیش‌بینی‌ها بود، به طوری که به کارگیری سیاست مزبور تشدید کسری تراز پرداخت‌ها و گسترش دیوان‌سالاری دولتی را به ارمغان آورده است. مضافاً اینکه اعمال این سیاست، به معنای خودداری از مشارکت دو جانبه در مبادلات بین‌المللی و در نتیجه محروم ماندن از دستاوردهای علمی، تکنولوژیکی جهان، جهت رشد و توسعه بیشتر می‌گردد.

۴-۴. سرمایه‌گذاری

به عقیده بسیاری از اقتصاددانان، مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، کمبود سرمایه است. کمبود سرمایه از دوره‌های باطل فقر سرچشمه می‌گیرد. فقر هم علتی برای تمرکز ناچیز سرمایه و هم معلول آن است. سرمایه به معنی ذخیره‌ی عوامل فیزیکی قابل تولید مجدد، در روند تولید است و هنگامی که در طول زمان ذخایر سرمایه افزایش یابد این روند تمرکز سرمایه، تشکیل سرمایه نام می‌گیرد. در نظر بسیاری از اقتصاددانان، در امر توسعه اقتصادی، سرمایه، دارای نقش اصلی است و سرمایه نه تنها به عنوان تکیه‌گاه و هسته مرکزی توسعه اقتصادی تلقی شده است، بلکه آن را عامل تعیین‌کننده مسیر و جهت توسعه هم شمرده‌اند. تشکیل سرمایه، جریانی است مستمر و دارای تأثیر متقابل، یعنی تشکیل سرمایه در آمد را فزونی می‌دهد و درآمد افزون شده به نوبه خود، تشکیل سرمایه را بیشتر تسهیل می‌کند، همه اقتصاددانان سرمایه را دارای اهمیت درجه اول نمی‌دانند، در برخی موارد پیشرفت‌هایی صورت گرفته است که نمی‌توان برای سرمایه در آن‌ها نقش اساسی قائل شد، اگر قبول کنیم که تعریف سرمایه امری است نظری، پس سرمایه و تشکیل آن به سه مرحله تقسیم می‌شود:

جریان تمرکز و تشکیل سرمایه متوالی، از سه مرحله تشکیل می‌شود:

الف) وجود پس‌انداز واقعی و افزایش آن؛

ب) وجود مؤسسات اعتباری و مالی برای تشویق پس‌اندازها و کانالیزه کردن این منابع در

فعالیت‌های اقتصادی مطلوب؛

ج) استفاده از این پس‌اندازها برای سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای.



نکته مهم دیگر در این بحث، نقش سرمایه در تولید است؛ و اهمیت دادن به سرمایه گذاری در افزایش درآمد ملی و تأثیر متقابل افزایش درآمد ملی بر ایجاد پس انداز و تشکیل دوباره سرمایه. زیرا درآمد، پس انداز و سرمایه گذاری به شکل متقابل، یکدیگر را در معرض تأثیر و تأثر قرار می دهند؛ به گونه ای که فقدان یا کمبود هر یک از این عوامل، اقتصاد کشور را به رکود ممتد و توسعه ی ناپایدار دچار می سازد و منشأ بحران و تضعیف مؤلفه های قدرت ملی می شود و به عامل تهدید کننده ی امنیت ملی تبدیل می گردد. اصولاً کشورهای در حال توسعه به کشورهای فقیر از لحاظ سرمایه و یا فقیر از نظر پس انداز شهرت دارند، این کشورها نه تنها از موجودی سرمایه ناچیزی برخوردارند، بلکه نرخ تمرکز سرمایه جاری در این کشورها نیز بسیار نازل است. در اغلب این کشورها سرمایه گذاری ناخالص تنها ۵ الی ۶ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. در حقیقت آن ها به زحمت قادر به تأمین سرمایه لازم، برای جبران استهلاک کالاهای سرمایه ای و یا تعویض آن ها با کالاهای سرمایه ای مدرن هستند.

ریشه این مشکل، یعنی ناکافی بودن سرمایه، از ناچیز بودن میزان پس اندازها نشأت می گیرد و با توجه به درآمد نازل مردم این کشورها، انتظار نمی رود که این افراد بتوانند حتی مقدار بسیار ناچیزی از سرمایه خود را پس انداز نمایند. از طرف دیگر در این کشورها نابرابری شدید و عمیقی در توزیع درآمدها وجود دارد که حتی در روند رشد اقتصادی شدت بیشتری گرفته است. در حقیقت در کشورهای در حال توسعه، این صاحبان درآمدهای کلان هستند که اکثر پس اندازها متعلق به آنان است؛ اما تنها بخش ناچیزی از این پس اندازها صرف پروژه های مولد می شود، از طرف دیگر بخش بیشتری از این پس اندازها؛ صرف فعالیت های غیراقتصادی از قبیل خرید زمین، مستغلات، طلا و کالاهای لوکس می شود.

۴-۵. محیط زیست

با پیشرفت صنعت و بخصوص صنعتی شدن کشاورزی، در اغلب کشورها فشار و تخریب منابع طبیعی به شدت افزایش پیدا کرد و محیط زیست دچار آسیب های بیشتری گردید. تغییرات در امر صنعتی شدن در برخی از موارد باعث بروز پیامدهای جبران ناپذیری چون، فرسایش خاک ها، مصرف نامعقول انرژی، آلودگی آب و هوا شده است. امروزه و در دهه های اخیر محیط زیست و حفظ منابع جزء دغدغه های بزرگ کشورها شده است.

بر این اساس مفهوم تازه ای در امر توسعه به نام توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفت. مفهوم توسعه پایدار در اواخر دهه ۱۹۶۰، زمانی که تضاد رشد اقتصادی و بقای محیط زیست آشکار

شد شکل گرفت، اما تا دهه ۱۹۶۰ منابع طبیعی و محیط زیست در حوزه گسترده‌ای مترادف در نظر گرفته می‌شد، محیط زیست، معدن منابع طبیعی بود. در دهه ۱۹۶۰ محدودیت ظرفیت منابع طبیعی در اقتصاد به طور برجسته‌ای مورد بحث قرار گرفت و تمرکز اصلی کنفرانس استکهلم سازمان ملل در ۱۹۷۲ بر محیط زیست بود.

ارتقاء و اعتلای کیفیت زندگی جوامع انسانی که از مهم‌ترین اهداف هر برنامه توسعه اقتصادی است، مستلزم وجود برنامه‌هایی در جهت تأمین خدمات آموزشی بهتر و بیشتر، اشتغال کامل، ارتباطات کافی، بهداشت مناسب، افزایش درآمد، رفع فقر و محرومیت و نیز افزایش تولید است. بدیهی است اجرای چنین برنامه‌هایی جز از طریق بهره‌برداری از ذخایر و منابع طبیعی شامل آب، خاک، هوا، گیاهان، جانوران و انواع کانی‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین جهت منابع طبیعی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی و تأمین رفاه ملت‌ها به شمار می‌رود.

در کشورهای در حال توسعه منابع طبیعی به طور مطلوب مورد استفاده قرار نگرفته‌اند شاید یکی از دلایل مهم عقب‌افتادگی کشورها همین مسئله باشد. وجود و داشتن منابع غنی طبیعی به معنای رشد اقتصادی نیست، آنچه اهمیت دارد استخراج و استفاده شایسته از این منابع است. اگر منابع موجود به نحو صحیح مورد استفاده قرار نگیرد کشور مذکور نمی‌تواند توسعه و رشد پیدا کند. فیشر می‌گوید:

دلیل اصلی بی‌علاقگی به استفاده مطلوب از منابع اولیه، عقب‌ماندگی اقتصادی و فقدان تکنولوژی لازم برای استخراج و استفاده نهایی از این مواد است. بنابراین منابع طبیعی تنها از طریق تکنولوژی مناسب و گسترش دانش امکان‌پذیر است.

توسعه‌ی اقتصادی به همان میزانی که از محیط زیست متأثر می‌شود بر عوامل تشکیل‌دهنده‌ی آن نیز اثر می‌گذارد. به طور کلی مسئله‌ی محیط زیست یکی از ابعاد توسعه در کشورهای در حال توسعه است و حفاظت از آن را باید یکی از هدف‌های چندگانه‌ی برنامه‌های عمرانی دانست. به عبارت دیگر چنانچه هنگام اتخاذ تصمیم درباره‌ی استفاده از منابع طبیعی هم عوامل اکولوژیک و هم عوامل اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته شوند، بین دو هدف توسعه یعنی بهره‌برداری از منابع و حفظ کیفیت محیط که هر دو اهمیتی یکسان دارند تعارضی به وجود نخواهد آمد.

بحران کنونی محیط زیست در واقع معلول بهای کمی است که طی سال‌های گذشته به اصول و قوانین حاکم بر نظام طبیعت داده شده است. ادامه‌ی چنین روندی، نسل آینده را با مخاطرات شدیدی مواجه خواهد ساخت. بنابراین باید بدون به خطر انداختن سلامت و بقای نسل آینده



برای توسعه‌ی اقتصادی برنامه‌ریزی کرد. مقابله با ناهنجاری‌های محیط زیست و مبارزه با آلودگی‌های آن به عنوان بخشی از استراتژی حفاظت محیط زیست، مستلزم اتخاذ تدابیر و صرف امکاناتی است که مشارکت همگانی ملت‌ها، هزینه‌های کلان و همچنین زمان کافی از مهم‌ترین آن‌هاست. در حقیقت این نتیجه بی‌توجهی انسان در امر استفاده از منابع طبیعی طی سال‌های گذشته است.

برخی از مهم‌ترین علل آلودگی محیط زیست در این کشورها عبارت است از: استفاده‌ی نادرست از زمین، فرسایش شدید خاک در اثر کشت‌های مداوم، استفاده‌ی زیاد از کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی، انهدام پوشش گیاهی بر اثر عوامل طبیعی و انسانی، دفع غیراصولی فضولات خانگی و صنعتی، انبوه وسایط نقلیه‌ی موتوری در شهرها و افزایش جمعیت و توزیع نامناسب آن از مهم‌ترین علل آلودگی محیط زیست در جهان است.

۵. موانع توسعه

۵-۱. موانع توسعه اقتصادی

کمبود سرمایه از موانع اصلی توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. اما همان‌طور که نورکس نوشته: توسعه اقتصادی تا حد زیادی نه تنها به فراوانی سرمایه بلکه به خصوصیات فردی، اجتماعی و شرایط تاریخی کشورهای در حال توسعه نیز بستگی دارد. سرمایه برای توسعه اقتصادی لازم است اما کافی نیست. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در مورد روندها و مشکلات صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه، مقاومت اجتماعی بر علیه تغییرات اقتصادی در این کشورها که شامل عوامل سازمان‌یافته فرهنگی و سنتی می‌شوند، از طریق انعطاف‌ناپذیر بودن مشاغل که خود از طریق باورها و ارزش‌های سنتی، طرز تفکر مردم در ارزش‌گذاری اجتماعی مشاغل و عدم تطبیق با شرایط زندگی فعلی، طبقه‌بندی و قشربندی جامعه در طبقات و اقشار مختلف اجتماعی فرهنگی، تبعیت از رسوم کهنه و فقدان و سردرگمی هویت اجتماعی ظاهر می‌گردند، مشخص و معلوم می‌شوند. این موانع اجتماعی به صورت زنجیروار مانعی در روند تحرک اجتماعی و جغرافیایی ایجاد می‌کنند و در حقیقت مانند دامی فرا راه پیشرفت اجتماعی قرار می‌گیرند. در نتیجه مردم این کشورها در قبول ارزش‌های نوین که از طریق به‌کارگیری روش‌های نوین و نوآوری ایجاد شده، مقاومت می‌کنند. توسعه‌ی اقتصادی حالتی است که در آن یک جامعه از پیشرفته‌ترین تکنولوژی در فعالیت‌های اقتصادی خود بهره می‌جوید. در این تعریف مقصود از تکنولوژی چهار عامل تولید، دانش و علوم، نیروی انسانی

ماهر و سازمان تولید می‌باشد. هرگز نمی‌توان با وارد کردن تکنولوژی پیشرفته به توسعه اقتصادی دست پیدا کرد. لذا کشورهایی مثل ایران که به امید رسیدن به توسعه‌یافتگی می‌کوشند تا آخرین و پیشرفته‌ترین ابزار تولیدی، دانش و علوم و مهارت‌ها را از کشورهای توسعه‌یافته وارد کنند نه تنها به توسعه‌یافتگی نمی‌رسند بلکه این عمل خود مانع بزرگی بر سر راه توسعه‌یافتگی اقتصادی آنان خواهد بود. که می‌توان گفت توسعه اقتصادی از این دیدگاه ضد توسعه اقتصادی به کار گرفته می‌شود. زیرا توسعه‌ی اقتصادی در صورتی واقعیت عینی و عملی پیدا می‌کند که تکنولوژی درون‌زا باشد و نه وارداتی.

توسعه‌ی اقتصادی وسیله‌ای است برای رسیدن به رشد اقتصادی که در سایه افزایش محصول ملی، سطح ارضای نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه یا رفاه اقتصادی افزایش نماید. امروزه وقتی از توسعه پایدار صحبت می‌کنیم منظورمان توسعه هماهنگ در همه سطوح سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. تا دو سه دهه پیش، توسعه صرفاً اقتصاد را در بر می‌گرفت. حتی کسی چون دادلی سیرز خواست در آن زمان تعریفی جهان شمول از توسعه ارائه دهد برای آن سه ملاک قرار داد؛ یکی فقر، رفع بیکاری و رفع نابرابری. می‌بینیم که این مفاهیم عمدتاً اقتصادی است، در حالی که امروزه در تعریفی که از توسعه می‌شود، اقتصاد یکی از حوزه‌ها است که البته بسیار هم مهم است. دلیل عقب‌ماندگی اقتصادی ایران نه به خاطر عوامل اقتصادی بلکه از مهیا نبودن عوامل غیراقتصادی سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل اگر هم صدها برابر سرمایه موجود را هم که به ما بدهند تا در این محیط شوره زار، محصول‌گذاری کنیم باز هم نابرابری و فقر ادامه دارد، کما اینکه این تجربه دو یا سه دهه اخیر هم حاکی از همین امر است. کمتر دیده‌ایم که دولت‌های گذشته و کنونی با نگرش فوق در عوامل غیراقتصادی سرمایه‌گذاری مناسبی کنند. یکی از عوامل غیراقتصادی، ساختار سیاسی است. اما مهم‌تر از همه ساختار فکری و نگرش جامعه است. نسخه‌های اقتصاددانان زمانی تأثیر گذار است که بستر علمی کردن آن‌ها فراهم باشد. اینکه می‌بینید در چند دهه گذشته فرمول‌های متعدد اقتصادی چنان که باید جواب نداده است و حتی در بعضی از موارد بدتر هم شده است نشانه این است که بسترهای غیراقتصادی لازم برای رشد اقتصادی آماده نیست. به عبارت دیگر ساختارهای غیر اقتصادی یعنی نگرش جامعه به حیات مادی و در واقع ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شکل گرفته متأثر از این نگرش یا ضد توسعه است یا غیر توسعه‌ای است. به هر حال لازم به توضیح نیست که نقش نخبگان در این تغییر نگرش، نقش اول است. متأسفانه نخبگان ما انرژی و وقت و به اصطلاح هزینه‌ی کافی از خود برای ایجاد نگرش توسعه‌ای خرج نمی‌کنند. بار توسعه‌ی یک جامعه به دوش توده مردم نیست. نخبگان هستند که بقیه را به دنبال خود می‌کشند.



عواملی مانند روحیه‌ی مصرف‌گرایی، غلبه منابع اقتصادی در فرآیند تحقیق و ضعف نگرش در زمینه عمومی دانستن حاکمیت یافته‌ها، موانع در بعد اقتصادی هستند.

۵-۲. موانع توسعه فرهنگی

بر اساس رهیافت روان‌شناختی، ویژگی‌هایی از جمله جزمیت‌گرایی، افراط و تفریط، قهرمان‌پرستی، ترس از قدرت، تعصب، ریا و تزویر، اصول‌ناگرایی، عدم اعتماد، بدگمانی و آسیب‌پذیری از هوا و هوس‌های شخصی که از فرد شروع شده و به کل جامعه تعمیم پیدا می‌کند از موانع توسعه فرهنگی هستند. چرا که با تکیه بر تعریف یونسکو، فرهنگ کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. لذا فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد، بلکه شامل آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر و نظام سنتی ارزشی و باورهاست.

(۱) عدم همراهی و سازگاری دو قرائت مبتنی بر سنت و مدرنیزاسیون و ایستایی و مقاومت سنت در مقابل آن، با توجه به اینکه هر کدام، محصول دو مقطع و شرایط زمانی مختلف و مبتنی بر دو نوع انسان با نیازهای مختلف است؛

(۲) غلبه فضای تقلیدی و مصرفی در جامعه به جای فضای تولیدی و غیرمصرفی به عنوان یک هنجار و ارزش پذیرفته شده؛

(۳) هنجارمند شدن و ارزش تلقی‌گردیدن سؤال نکردن، سؤال نداشتن و نقد کردن به عنوان یک فرهنگ و هنجار پذیرفته شده در جامعه؛

(۴) انقباض فرهنگی در مقابل دیگر ایده‌ها و فرهنگ‌ها؛

(۵) تأکید بر بی‌نیازی از دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها؛

(۶) نگاه منفی به توسعه، پیشرفت و نوآوری و مثبت تلقی نکردن پدیده‌های جدید در عرصه‌ی فن‌آوری و تکنولوژی‌های پیشرفته و مخالفت و مبارزه با پدیده‌های نو؛

(۷) عدم تبادل فرهنگی باعث گردیده که حوزه‌های فرهنگی از داد و ستد محروم و سطح مدارا کاهش یابد و ابتکار، خلاقیت و نوآوری در حدی به رسمت شناخته می‌شود که انطباق با فرهنگ سنتی و بومی داشته باشد. همچنین بازار تولید در عرصه‌های مختلف غیر رقابتی و عرصه‌ی فکر و فرهنگ در محدوده‌ی بسته رشد و توسعه می‌یابد؛

- (۸) توقف فرهنگی در دوره‌ی گذار و عبور نکردن از دوران سنت به دوران جدید و سرگردان بودن جامعه در میانه دوران مدرن و سنتی و از همه مهمتر پاسخگو نبودن فرهنگ سنتی به نیازهای جدید و تداوم چالش‌های سنت و تجدد به عنوان یک هنجار و ارزش؛
- (۹) اقتصاد دولتی و فقدان ساز و کارهای لازم برای مشارکت مردم در قالب نهادها و ساختارهایی که امکان توسعه را سرعت می‌بخشد؛
- (۱۰) کم بودن روحیه‌ی همکاری گروهی و جمعی و توجه بیشتر به منافع فردی؛
- (۱۱) فقدان نوآوری و عدم پویایی فرهنگی که نقش بازدارنده در فضای آزاد اندیشی و تولید علم به‌ویژه در عرصه علوم انسانی داشته و کمتر به انباشت علم کمک کرده است؛
- (۱۲) مهاجرت مغزها و فرار سرمایه‌ها به خارج از کشور، یک پدیده‌ی هنجاری است. شکی نیست که سرمایه‌های مادی و فکری مکمل یکدیگرند و تولید کنندگان علم و دانش به نوعی تولید کنندگان ثروت و بالعکس هستند؛
- (۱۳) مشکلات اقتصادی به خصوص معیشتی؛
- (۱۴) تحجر گرایی: بسیاری از شکل‌ها و عمل مذهبی به عنوان کند کننده دگرگونی اجتماعی عمل کرده‌اند، و بیش از هر چیز، ضرورت پایبند بودن به ارزش‌ها و شعائر سنتی را مورد تأکید قرار داده‌اند. هر چیز که گاه اعتقادات مذهبی برانگیزنده‌ی دگرگونی اجتماعی بوده‌اند؛
- (۱۵) عدم توجه کافی به نخبگان و عدم استفاده کافی از آنها در حل مشکلات کشور (به خصوص مشکلات اقتصادی) از موانع فرهنگی توسعه بوده است؛
- (۱۶) روحیه‌ی تملق، چاپلوسی و مدح و ستایش حاکمان و قدرتمندان در دوران قاجار و پهلوی باعث گردیده که عرصه‌ی مدیریت مورد تاخت و تاز عناصر فوق‌تر قرار گرفته و شایستگان در حاشیه قرار گیرند؛
- (۱۷) ضعف آینده‌نگری در تحقیقات در زندگی؛
- (۱۸) نبود ساختار پویا و ارگانیک در فرهنگ علمی و پژوهشی کشور؛
- (۱۹) فقدان تمایز و تفکیک نقش‌ها در زمینه‌ی فرهنگ علمی؛
- (۲۰) مبهم بودن جایگاه پژوهش و پژوهشگر؛
- (۲۱) در انتخاب مدیریت علمی و پژوهش به شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی توجه کافی نشده است.



۵-۳. موانع توسعه سیاسی

توسعه سیاسی، پدیده‌ای است که در دوره معاصر تاریخ جهان، هم قوای هیأت حاکم (دولت) و هم ذهن اندیشه ورزان جوامع (ملت) را به خود معطوف ساخته و بحث‌های متعددی را برانگیخته است. فرایند شکل‌گیری دولت مطلق مدرن همراه با گسترش شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی و تداوم و تمرکز فرهنگی سیاسی در دست گروهی محدود، موانع اصلی توسعه سیاسی هستند. مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی به عنوان هدف توسعه سیاسی خود مستلزم تحقق لوازم بلافصلی است که در حقیقت اجزای تعریف توسعه سیاسی را تشکیل می‌دهند.

از مهم‌ترین موانعی که باعث می‌شود توسعه سیاسی رشد پیدا نکند، عبارت‌اند از:

(۱) خشونت سیاسی: خشونت است که در چارچوب ساز و کارهای قدرت قابل تحلیل و تبیین باشد. زیرا خشونت سیاسی، پدیده‌ای است چند بعدی. در یک طرف این خشونت دولت با قوه قهریه حضور دارند. در طرف دیگر گروه‌های سیاسی به چشم می‌خورند. در طرف سوم، شهروندانی به چشم می‌آیند که خود عامل دامن زدن به این خشونت‌ها هستند یا در برابر آن‌ها سکوت می‌کنند و در طرف چهارم، نهادها و تشکلهایی به چشم می‌خورند که می‌توانند پناه امن افراد در برابر خشونت سیاسی باشند، اگر چه در جوامعی که توسعه سیاسی وجود نداشته باشد، از دادن تامين به اعضای خود ناتوانند. خشونت سیاسی در جامعه از مهم‌ترین موانع توسعه سیاسی است؛ زیرا خشونت سیاسی در جامعه دارای کارکردهای ذیل است که نتیجه آن عدم توسعه سیاسی می‌باشد:

۱. خشونت سیاسی ناقض حاکمیت سیاسی دولت است؛
۲. از نظر کارکردی در فرایند عادی سیاسی اختلال ایجاد می‌کند؛
۳. خواست تحول و تغییر را به سطح تخریب و نابودی ارتقا می‌بخشد؛
۴. محصول نابهنجاری‌های اجتماعی است؛
۵. هزینه‌های بالایی برای حاکمیت سیاسی دارد؛
۶. از خواست انتقادی شهروندان که برای آن‌ها یک خواست طبیعی است جلوگیری می‌کند؛
۷. وجود دولت استبدادی.

دولت در حکومت‌های استبدادی، مهم‌ترین نهاد در ساختار سیاسی است. چون نهادهای جامعه مدنی، حضور ندارند. از این جهت دولت تمایل دارد وظایف خویش را گسترش دهد و دخالت همه جانبه‌ای در همه امور داشته باشد و اگر دولت بخواهد در همه عرصه‌ها دخالت کند

قدرت پاسخگویی‌اش کاهش می‌یابد، یعنی دولت ایجاد و هدایت تقاضای مؤثر در جامعه و توان پاسخگویی به این تقاضا و جهت‌دهی فعالیت‌های اجتماعی را ندارد. از مهم‌ترین مشخصه‌های دولت استبدادی، فقدان ساختارهای مشارکتی در جامعه است و مردم در این نوع حکومت، رویکرد مشارکت فعال ندارند، زیرا مشارکت سیاسی بر این فرض استوار است که فرد عقلانی محض است و با محاسبه سود و زیان خود و به منظور تحقق برخی خواسته‌ها و تامین منافع خویش پای به عرصه سیاسی می‌گذارد. غایت اصلی افراد از مشارکت سیاسی عبارت است از تاثیر بر انتخاب مجریان و بر نحوه تصمیم‌گیری آنان به منظور تامین منافع و خواسته‌های فردی بیشتر در حالی که این نوع از فرهنگ سیاسی مشارکتی در حکومت‌های استبدادی وجود ندارد.

(۲) تمرکز منابع قدرت: افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت (اعم از منابع اجبارآمیز و غیرآن) احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می‌دهد و از این رو مانع توسعه سیاسی می‌شود. معمولاً در شرایط بحران‌های ساختاری، کنترل حکومت بر انواع منابع افزایش می‌یابد. این بحران‌ها را می‌توان در افول نظام سیاسی، انقلاب سیاسی، ضعف ملی و اقتصادی در قبال نظام بین‌المللی، عدم پیدایش نظام سیاسی همبسته و منضبط جدید و نزاع بر سر قدرت سیاسی یافت. همچنین کنترل متمرکز بر منابع مختلف در فرآیند اولیه تکوین دولت‌های ملی مدرن (دوران حکومت‌های مطلقه) به دلایل ساختاری ضرورت می‌یابد. به هر حال پیدایش کنترل متمرکز بر منابع پیش از گسترش مشارکت در قالب سیاسی مانعی بر سر راه توسعه سیاسی به معنای مورد نظر ما ایجاد می‌کند. زیرا کنترل حکومت بر منابع قدرت بر میزان اقتدار و تمرکز قدرت در حکومت می‌افزاید و از امکان رقابت و مشارکت سیاسی می‌کاهد. تمرکز منابع مختلف در دست حکومت ممکن است کارایی حکومت را افزایش دهد، اما قطعاً مانع رقابت و مشارکت در سیاسی خواهد شد و این به معنای عدم توسعه سیاسی است و مانع از آن خواهد شد؛

(۳) وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر: وجود هر نوع از شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه مانع وصول به اجتماع کلی درباره اهداف زندگی سیاسی گردیده و از تکوین چارچوب‌های لازم برای مشارکت و... جلوگیری می‌کند و به استقرار نظام سیاسی غیر رقابتی یاری می‌رساند. اینگونه شکاف‌ها ممکن است اقتصادی (طبقاتی) محلی و منطقه‌ای، قومی و فرهنگی باشد. قطعاً وجود چنین شکاف‌هایی از تکوین هویت ملی واحد نیز ممانعت به عمل می‌آورد. البته یک جامعه ممکن است به صورت ساختاری و بالقوه واجد شکاف‌هایی باشد ولیکن این شکاف‌ها فعال و سیاسی نشده باشند. شکاف‌ها و تعارضات اجتماعی تنها وقتی که به صورت قطب‌بندی‌های آشتی‌ناپذیر فکری و ایدئولوژیک در جامعه درآیند، مانع توسعه سیاسی می‌شوند. در کشورهایی



که شکاف‌های محلی، منطقه‌ای، قومی، فرهنگی، و طبقاتی باشد، از ظهور شرایط لازم برای توسعه سیاسی جلوگیری می‌کند و مانع از توسعه سیاسی می‌شود؛ زیرا چنین شکاف‌هایی معمولاً زندگی اجتماعی و سیاسی را به سوی بدبینی، بی‌اعتمادی و ترس و خشونت سوق می‌دهد و این‌ها همگی مانع از توسعه سیاسی است. از دیگر عواملی که مانع از توسعه سیاسی می‌شود عبارت‌اند از: جزمیت، فقدان انگیزه موقعیت‌طلبی در مردم، فساد سیاسی به خاطر منافع شخصی، پراکندگی احزاب سیاسی، متمرکز شدن اختیارات و سیاسی شدن نیروهای مسلح، اسطوره‌گرایی، احساساتی بودن، وجود تفکر افراطی درباره هویت‌های فرهنگی جوامع، محافظه‌کاری، سوء ظن در برابر ابتکار و غیره.

۶. مراحل توسعه در جامعه

چندین بار برای توضیح و توصیف فرآیندهای صنعتی شدن، نظریه‌های مرحله‌ای پیشنهاد شده‌اند. یکی از مهم‌ترین نمونه آن‌ها در اینجا نظریه روستو (۱۹۶۶) است. نقطه آغاز نظریه روستو را تحت عنوان مرحله خیز به منزله رشد و شکوفایی خاص اقتصادی می‌دانیم. این مرحله وقتی فرا می‌رسد که رشد اقتصادی خوداتکاء، تأمین و انجام شده باشد. از جمله نظریه‌های مرحله‌ای دیگر، شعبه‌ها و شاخه‌ها و گزینه‌های دوگانه و سه‌گانه تحول اجتماعی است. با وجود این به نظر می‌رسد که الگوی عالی یا پارادایم تکاملی اغلب به اندیشه‌های فرآیندهای توسعه خطی وابسته باشد. این پارادایم خطی با توجه به جنبه‌های متعدد و غیرعادی و نابه‌هنجار آن فی‌المثل فرآیندهای اختلاف‌زدائی و درهم‌جوشی کارکردها، تجدید حیات‌گرایی‌های اسنادی به هنگام کسب پایگاه مدت‌ها است که متزلزل از کار درآمده است. همچنین تصورات حرکت گام به گام (یا الگوی شرط لازم) که انسان می‌باید به موجب آن ابتدا به یک مرحله خاص از توسعه برسد تا بتواند مراحل بعدی را تحقق بخشد، به طور کلی زیر سؤال رفته است. این امر به وضوح نشان می‌دهد که بروز موارد انحرافی فی‌المثل در ژاپن وجود دارد که از مرحله آغازین کشاورزی فئودالی بدون پیمودن گام‌های بینابینی منظم و قابل شناخت، به صورت جامعه صنعتی جدید و پیشرفته درآمده و در عین حال بر ساختارهای سنتی متکی است. برعکس به نظر می‌رسد که در حقیقت فرآیندهای تخصصی کردن و فردگرایی کردن، رشد اقتصادی را به راه می‌اندازند، در عین حال هم می‌توانند با پیشرفت و توسعه تصاعدی، به صورت توسعه منفی و انحطاط درآیند.

۷. آمادگی اجتماعی برای توسعه

اعتماد از مفاهیم کلیدی در حوزه جامعه‌شناسی و یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و طرح اعتماد اجتماعی، بیانگر توجه فزاینده به عوامل اجتماعی و نهادی در مطالعات توسعه است. مطالعاتی که عمدتاً بر مؤلفه‌های اقتصادی تأکید داشته، ولی در دهه‌های اخیر، بیشتر به عوامل اجتماعی و فرهنگی توسعه معطوف گردیده است. با اهمیت یافتن اعتماد اجتماعی در جامعه معاصر به تدریج این مفهوم در نزد سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و دولتمردان نیز از جایگاه خاصی برخوردار شده تا جایی که سنجش اعتماد اجتماعی در قانون برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور مورد توجه قرار گرفته است.

۸. زیر ساخت‌های توسعه

زیر ساخت، در عمومی‌ترین حالت، یک دسته از عوامل ساختاری به هم پیوسته می‌باشد که تکیه‌گاه اسکلت یک ساختمان کامل را فراهم می‌آورد. این واژه در زمینه‌های متفاوت معانی گوناگونی می‌دهد، اما شاید در بسیاری موارد جهت اشاره به جاده‌ها، و مجرای فاضلاب از آن استنباط شود. ممکن است این عوامل گوناگون مجتمعاً زیرسازه شهری، زیرسازه مربوط به شهرداری، یا به طور ساده سازه‌های عمومی نامیده شوند، اگر چه ممکن است به عنوان بخش خصوصی یا تشکیلات اقتصادی دولتی گسترش یافته و اداره شوند. ممکن است در دیگر موارد کاربردی، زیرسازه جهت اشاره به تکنولوژی اطلاعات، کانال‌های غیررسمی و رسمی ارتباطات، ابزارهای گسترش نرم‌افزاری، شبکه‌های سیاسی و اجتماعی، یا اعتقادات مشترکی که اعضای گروه‌های خاص حفظ کرده‌اند به کار رود. معذالک متضمن عمومی‌ترین موارد استفاده این تصور کلی می‌باشد که زیرسازه تشکیلات ساختاری را فراهم آورده و سیستم یا سازمان خادم را حمایت می‌کند، خواه این سیستم یک شهر، یک ملت، یا یک اجتماع باشد.



۹. نظریه‌های توسعه

۹-۱. نظریه صنعت پیشرو

بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که رشد و توسعه بخش صنعت، زمینه رشد و توسعه سایر بخش‌ها را فراهم می‌سازد زیرا بخش صنعت به دلیل توانمندی در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال‌زایی از یک سو و تامین ماشین‌آلات، تجهیزات و نیازهای سایر بخش‌های تولیدی و خدماتی از سوی دیگر از اهمیت بسیار بالایی در رشد و شکوفایی اقتصاد و در نتیجه توسعه جوامع برخوردار است. به همین دلیل هم نظریه صنعت پیشرو در توسعه کشورها نقش مهمی را ایفا می‌کند.

۹-۲. نظریه جغرافیا

یکی دیگر از نظریات رایج در مورد دلایل نابرابری در جهان و توسعه متفاوت کشورهای مختلف، فرضیه مرتبط با جغرافیا است. جغرافیا بر همه عواملی دلالت دارد که بخشی از محیط فیزیکی، جغرافیایی و اکولوژیک هستند و فرضیه جغرافیا معتقد است که شکاف گسترده میان کشورهای فقیر و غنی در اثر تفاوت‌های جغرافیایی به وجود آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بر اساس عقیده این گروه از نظریه‌پردازان، مناطقی که دسترسی به آن‌ها از نظر جغرافیایی مشکل‌تر است یعنی به عنوان مثال برای رسیدن به آن‌ها باید از معابر سخت و موانع طبیعی بیشتری عبور کرد، توسعه‌نیافته‌تر هستند. همچنین مناطقی که میزان بارش در آن‌ها بیشتر است و آب و هوای معتدلی دارند، توسعه‌یافته‌تر هستند. البته این نظریه با توجه به پیشرفت و توسعه کشورهایمانند مالزی و سنگاپور رد شده است.

۹-۳. نظریه فرهنگ

فرضیه فرهنگی معتقد است که علت تفاوت در توسعه کشورها به فرهنگ کشورها مرتبط می‌شود. این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند که به عنوان مثال دلیل عقب‌ماندگی آفریقا، نبود اخلاق کاری مناسب در آن‌ها و باور به سحر و جادو است و یا دلیل توسعه نیافتن آمریکای لاتین، ذات تهی‌دست آن‌ها است. این نظریه هم می‌تواند درست باشد و هم نادرست. بدین معنی که فرهنگ با عوامل موثر بر توسعه ارتباط مستقیمی دارد، ولی به عنوان مثال دو کشور کره شمالی و کره جنوبی فرهنگ مشترک طولانی دارند اما از لحاظ توسعه‌یافتگی کاملاً از یکدیگر

متفاوت هستند. بنابراین این نظریه در بیشتر موارد نمی‌تواند پاسخ‌گوی دلیل تفاوت میزان توسعه‌یافتگی کشورها باشد، اما در بعضی موارد عکس این نتیجه هم ممکن است. از آنجایی که فرهنگ به باورها و عقاید اشاره دارد و باورهای یک قوم، بخشی از فرهنگ آن‌هاست، بنابراین اگر فرهنگ با قومیت تعریف شود بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش‌های مختلف، قومیت بر توسعه یک منطقه تاثیرگذار است.

۴-۹. نظریه‌های دیدگاه محافظه کار

دیدگاه محافظه کار شامل نظرات کلاسیک‌ها، نئو کلاسیک‌ها و نیز مدل‌های توسعه لوئیس^۱ (۱۹۵۴) و مدل‌های رشد و اقتصادهای توسعه نیافته است. این دیدگاه توسعه را عمدتاً با معیارهای تئوری‌های پیشرفته صنعتی می‌سنجد و نظرات این دیدگاه کمی و محافظه کارانه است. افزایش بهره‌دهی کار و انعکاس و تأثیر آن بر توزیع و استفاده از محصول اجتماعی، هسته‌ی اصلی تئوری توسعه در مدل کلاسیک است. به صورت کلی، کلاسیک‌ها توسعه‌ی اقتصاد را باور داشتند و پیشرفت تکنیکی را عامل اساسی در پیشرفت اقتصادی می‌دانستند.

نئو کلاسیک‌ها، توسعه نیافتگی را در دور بسته‌ای می‌دیدند که ناتوان از ایجاد توسعه است، مگر این که عاملی از خارج به کمک آن بشتابد. ولی توسعه از بالا (مرکز) در نظریه اقتصادی نئو کلاسیک ریشه دارد و نمونه آمایشی آن مفهوم قطب رشد است.

لوئیس را شاید بتوان معروف‌ترین توسعه شناس دیدگاه محافظه کار معرفی کرد. لوئیس اقتصاد دو گانه یا دوآلیستی را مطرح می‌کند که یک کشور توسعه نیافته دارای دو بخش است، بخش مدرن، صنعتی یا سرمایه‌داری و بخش سنتی، کشاورزی یا غیر سرمایه‌داری. بخش سنتی نیروی کار بخش صنعتی را فراهم می‌کند و بنابراین آنچه لازم به نظر می‌رسد سرمایه است که می‌تواند از خارج تأمین شود. لوئیس نام مدل خود را توسعه‌ی اقتصادی با عرضه‌ی نامحدود نیروی کار گذاشت؛ چون در مدل وی عرضه‌ی نیروی کار نامحدود است، از این جهت یک مدل کلاسیک به شمار می‌رود.

در مورد مدل‌های رشد و اقتصادهای توسعه نیافته، هنری بروتون^۲ (۱۹۷۲) معتقد است با این که درآمد سرانه‌ی پائین و بالتبع پس انداز محدود نمایانگر اصلی توسعه نیافتگی است، اما

^۱ Lewis

^۲ Broughton



نمایانگرهای مهم دیگری نیز وجود دارند، بیکاری پنهان در سطح وسیعی وجود دارد، فعالیت‌های عمده شامل تولید مواد خام و محصولات کشاورزی بوده و سطح تولید کشور پائین است، سطح تکنولوژی هم پائین است و به دنبال آن کمبود ظرفیت کارفرمایی و مدیریت وجود دارد، مضافاً این که یک کشور عقب مانده بیشتر با کشورهای پیشرفته مرادده و مبادلات بازرگانی دارد تا با همگنان خویش (لطیفی، ۱۳۸۸).

۹-۵. نظریه‌های دیدگاه رادیکال

دیدگاه رادیکال شامل نظرات پل باران^۱ (۱۹۵۷) و مکتب وابستگی است. این دیدگاه موضوع توسعه کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته را دو امر کاملاً متفاوت می‌داند و در مسائل توسعه، مسائل کیفی را بر مسائل کمی مقدم می‌دارد و غالباً توسعه را بدون انقلاب اجتماعی ناممکن می‌شمارد. در این دیدگاه، نظریات بسیار متنوع و حتی متفاوتی وجود دارد، ولی پایه و اساس تمام نظریه پردازان این دیدگاه بدین صورت است که: توسعه فرآیندی است که فارغ از استعمار و استثمار در حالی که سطح زندگی جامعه را بالا می‌برد، تفاوت‌ها را نیز کاهش می‌دهد؛ تفاوت بین گروه‌های اجتماعی، بین افراد، بین زن و مرد، بین کار فکری و کار یدی، بین شمال شهر و جنوب شهر، بین شهر و روستا و غیره. فرآیندی است که نه تنها می‌کوشد سطح تخصص را بالا ببرد، بلکه امکان آن را نیز برای همه فراهم می‌نماید. به نظر باران اگر چه تکامل جامعه بشری و پیشرفت اقتصادی درخشان بوده است، اما این مسئله فقط منحصر به کشورهای پیشرفته است و در کشورهای عقب مانده عکس این اتفاق افتاده است. به نظر وی حضور سرمایه‌داری غرب در جوامع عقب مانده مانع اصلی رشد و توسعه آن‌هاست، برای این ادعا نیز دو مثال از کشورهای هند و ژاپن مطرح می‌کند که هندوستان یک کشور کاملاً غنی از نظر فرهنگ و منابع، با سابقه‌ی تاریخی، وسیع و ثروتمند، با بنیان محکم اقتصادی و صنایع متنوع کارخانجات نساجی، محصولات گوناگون کشاورزی و غیره، زمانی که به زیر استعمار انگلستان کشیده می‌شود، از رشد و توسعه باز می‌ایستد. منابع و ثروت‌هایش که برای توسعه و پیشرفت خود آن کشور لازم‌اند به تاراج می‌روند. کارخانجات پارچه‌بافی‌اش از بین می‌روند تا محصولات نساجی انگلیس به قیمت‌های بسیار بالاتر در آنجا به فروش برسد و اختلافات نژادی، مذهبی و قومی دامن زده می‌شود و فرهنگ و سنت‌های جامعه مورد هجوم قرار می‌گیرد. به طور خلاصه عمده‌ی مازاد اقتصادی و ارزش افزوده‌ی آن کشور به جای این که رشد اقتصادی هند

^۱ Paul Baran

را تأمین نماید، در انگلستان مورد استفاده قرار می‌گیرد تا توسعه‌ی آن کشور را تسریع کند. بر عکس کشور ژاپن که از لحاظ منابع طبیعی فقیر است و به هیچ وجه قابل مقایسه با کشور هندوستان نمی‌باشد چه از نظر وسعت و چه از نظر منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی، چون هرگز استعمار پای به آنجا نهد؛ توانست کم‌کم در اثر اصلاحات اجتماعی داخلی و حفظ مازاد اقتصادی و ارزش افزوده در داخل جامعه به چنان وضعیتی از توسعه اقتصادی برسد که اکنون در شمار پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی قرار گرفته است. اما نکته‌ی اصلی آن است که ژاپن هرگز مستعمره نبوده است. به نظر اقتصاددانان مکتب وابستگی، باید ارتباط بین کشورهای پیشرفته و عقب مانده قطع شود تا جامعه بتواند در مسیر توسعه قرار گیرد.

۹-۶. نظریه‌های دیدگاه اصلاح طلب

دیدگاه اصلاح طلب شامل نظرات پی میسرا^۱ (۱۹۸۵) می‌باشد و این دیدگاه تأکید دارد که تفاوت‌های بین زمینه تاریخی توسعه‌ی کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته مورد توجه قرار گیرد و مسائل انسانی مرکز ثقل توسعه دانسته شود.

دیدگاه مذکور هم نظریات کمی دیدگاه اول را مورد حمله قرار می‌دهد و هم خشونت مورد نظر دیدگاه دوم را و بیشتر ناظر به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی است. توسعه شناسان این دیدگاه که اغلب از جهان سوم هستند و در سطح بین‌المللی در سازمان‌هایی نظیر سازمان ملل، سازمان بین‌المللی کار، بانک جهانی و غیره فعالیت دارند، دو دیدگاه قبلی را هم از لحاظ درک آن‌ها از توسعه و هم از نظر ارائه‌ی مدل‌ها و سیاست‌هایشان مورد حمله و انتقاد قرار می‌دهند زیرا انسان کمتر از آنکه باید باشد در تئوری‌هایشان مطرح است. از نظر میسرا توسعه یک فرآیند است نه یک وضعیت و این فرآیند سرانجام به ارزش‌ها بازگشت می‌کند و در نهایت ارزش‌های مربوط به مردم موضوع توسعه است، نه ارزش‌های دنیای غرب.

^۱ RP Misra



۹-۷. نظریه قطب رشد

از جمله تئوری‌های توسعه که در کشور اجرا شده است، تئوری قطب رشد است. این نظریه که ابتدا توسط فرانسوا پرو^۱ (۱۹۶۵) مطرح شد ابتدا به صنعت توجه داشت. وی معتقد بود که جوهر و اصل توسعه صنعتی به یکباره و در همه جا حاضر نخواهد شد بلکه ابتدا در کانون‌هایی با شدت‌های مختلف ظاهر شده و از طریق مسیرهایی در نقاط معینی آغاز و پخش می‌شود. این کانون را وی قطب رشد خواند. در واقع پرو (۱۹۶۵) قطب‌ها را مانند میدان نیرویی تصور کرد که از آن نیروهایی منتشر شده و نیروهایی جذب می‌شود. این نیروها همان جریان‌ات اقتصادی هستند مانند: جریان نیروی کار، حمل مواد اولیه، سرمایه، حرکت دانشجویان برای تحصیل، خدمات پزشکی، اطلاعات، نوآوری و ابتکار و غیره. قطبی شدن صنعتی مانند آهن ربایی که خاصیت جذب دارد، منجر به قطبی شدن جغرافیایی آن مناطق خواهد شد، زیرا سرمایه‌گذاری‌های کلان در این مناطق انجام شده که این موضوع منجر به جذب جمعیت دیگر مناطق خواهد شد. نظریه قطب رشد بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز و دیگری اثرات پخش. به این صورت که رشد همزمان بعد از صنعتی شدن در همه جا ایجاد نمی‌شود بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه اتفاق می‌افتد که از قدرت جاذبه بالایی برخوردارند (اثر تمرکز) این نقاط توسعه را در کانال‌هایی پخش می‌کند که کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (اثر پخش). اثر پخش یعنی اینکه به مرور زمان، ویژگی‌های پیشاهنگی قطب رشد، همچون موجی در فضای اطراف پخش می‌گردد تا سرتاسر منطقه را در برگیرد. شاید بتوان گفت که اثر پخش، مهم‌ترین جنبه این تئوری است. به نظر منطقی می‌رسد که پس از اینکه منابع و امکانات در اثر قطبی شدن به مرکز جذب شدند، با گذشت زمان این منابع شروع به پخش شدن در فضای اطراف نمایند. ولی اثبات این قسمت از تئوری در عمل دشوارتر بوده و به رغم استدلال‌هایی که شده، مطالعات تجربی نتوانسته‌اند نشان دهند که واقعاً رشد از مرکز به خارج از آن گسترش می‌یابد. نظریه قطب رشد در کشورهای جنوب از جمله کشور ایران به کار برده شد و اثرات ناگواری در توسعه و نظام سکونتگاهی ایران بر جای گذاشته است. این نظریه که به مدل توسعه اقتصادی هم مشهور است، رویکرد غیر مشارکتی دارد و مختص نظام‌های متمرکز برنامه‌ریزی است. اصول و مبانی قطب رشد شامل پنج مرحله است:

(۱) توسعه در محور نظام سکونتگاهی در مراحل اولیه شکل‌گیری حالت قطبی دارد و با

تمرکز همراه است؛

^۱ Perrot

(۲) عدم تعادل و عدم توازن هم در فضا و هم در فعالیت از ویژگی مراحل اولیه توسعه بوده و اجتناب‌ناپذیر است؛

(۳) رشد و تمرکزگرایی می‌تواند در مرحله بعد منتشر شود و به اطراف رخنه کند؛

(۴) از طریق انتشار، قطب رشد اولیه می‌تواند قطب‌های رشد ثانویه یا فرعی ایجاد کند؛

(۵) ویژگی انتشار به خودی خود رخ داده و نیازی به مداخله دولت ندارد.

برای مرحله اول نیاز است که زیر ساخت‌ها و جمعیت در یک نقطه متمرکز شود، مرحله دوم عدم تعادل در فعالیت و فضا است که فعالیت به سه دسته صنعتی، خدماتی و کشاورزی تقسیم‌بندی می‌شود و فضا هم به عنوان مثال به شهری و روستایی. زمانی که سهم بودجه صنعت نسبت به کشاورزی و خدمات بیشتر شود منجر به شکاف بین جمعیت شهر و روستا خواهد شد و آنچه در مرحله سوم اتفاق می‌افتد بدون دخالت دولت‌ها است. آنچه که باید در مرحله بعد انجام شود، ایجاد قطب‌های فرعی و ثانویه است ولی تجربه عملی در دنیا شواهد کمی از وقوع این مرحله را نشان می‌دهد و در نتیجه عدم تعادل و توازن به اوج خود خواهد رسید. سوال این است که چرا در جوامع مختلف مرحله اول قطبی شدن شکل می‌گیرد اما جامعه وارد مرحله بعد نمی‌شود؟

گذر از مرحله قطب به انتشار نیازمند موارد زیر است که عبارت‌اند از:

(۱) فراهم آوردن زیر ساخت‌ها برای ایجاد بستر مناسب انتقال به نواحی دیگر از جمله شبکه‌های ارتباطی و زیر ساخت‌های قانونی و فرهنگی و حتی باورها، که به دلیل هزینه‌های سنگین ایجاد زیر ساخت‌های لازم و عدم توانایی این مناطق در تامین هزینه این زیر ساخت‌ها، منجر به عدم انتشار می‌شود؛

(۲) به باور بعضی‌ها، فشارهایی که در قطب‌های رشد وجود دارد مانع از ایجاد قطب‌های

فرعی می‌شود؛

(۳) در مرحله انتشار باید نواحی پیرامون از نظر زیر ساخت‌ها توانایی پذیرش نقش قطب

فرعی یا ثانویه را در خود ایجاد کرده باشند، اما به دلیل ضعف ساختارهای اقتصادی و اجتماعی این آمادگی ایجاد نمی‌شود، پس مرحله گذر اتفاق نمی‌افتد؛

(۴) انتخاب و مکان‌یابی بهینه قطب‌های رشد اولیه، از عوامل اصلی در شکل‌گیری مراحل

بعدی انتشار است؛

(۵) عوامل سیاسی که مانع از انتشار می‌شود.



۹-۸. نظریه مرکز - پیرامون

جان فریدمن (۱۹۶۶) یکی از چند نویسنده‌ای است که چهارچوبی کم و بیش هماهنگ برای ساختار منطقه‌ای ارائه می‌دهد، او ضمن فاصله گرفتن از بحث صرف اقتصادی به سمت پیوندهای بین قطبی شدن، کنش متقابل و نظریه‌سازی حرکت می‌کند. وی در سال ۱۹۶۶ با ارائه نظریه مرکز - پیرامون، مرکز را به عنوان منشأ توسعه دانسته که با به وجود آمدن توسعه در مرکز و حرکت به سمت پیرامون جریان می‌یابد، به عبارت دیگر هر کشوری از یک بخش هسته‌ای و نواحی پیرامونی تشکیل می‌شود و نواحی پیرامونی بر اساس روابطی که با هسته مربوطه دارند تعریف می‌شوند. مناطق هسته‌ای اثر تعیین کننده‌ای بر پیرامون داشته و برتری خود را بر آنان اعمال می‌کنند. اساس نظریه مرکز - پیرامون بر مبنای واقعیت شکل گرفته است که مناطق مرزی در پیرامون کشورها مکان‌گزینی شده‌اند.

فریدمن (۱۹۶۶) رابطه بین مرکز و پیرامون را، رابطه‌ای استعماری دانسته که قطبی شدن را در مرکز و حاشیه‌ای شدن را در پیرامون به دنبال دارد. مرکز به عنوان محل تمرکز اطلاعات، نوآوری و تخصص، جایگاه مناسبی برای رخداد توسعه است و همچنین مرکز، پیشرفت خود را از طریق تسلط و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی به دست می‌آورد. در واقع نواحی پیرامونی، مناطقی هستند که مسیر توسعه آن‌ها توسط نهادهای نواحی مرکزی و با توجه به نحوه ارتباط آن‌ها و بر حسب وابستگی عمده تعیین می‌شود.

۹-۹. نظریه وابستگی

نظریه وابستگی در دهه ۱۹۵۰ یعنی در دورانی که کشورهای جدید بسیاری بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمده و بیشتر آن‌ها در وضعیت توسعه نیافتگی محصور شده بودند و همچنین بسیاری دیگر از کشورهای جهان مانند آمریکای لاتین که از ابتدا قرن نوزدهم و قبل از دولت‌ها و ملت‌های اروپایی وجود داشتند ولی هنوز توسعه نیافته بودند، مطرح شد.

پیدایش این کشورهای جدید توسعه نیافته و واکنش به نظریات متعارف توسعه که شبیه‌سازی نهادهای کشورهای سرمایه‌داری را کلید توسعه می‌دانست، زمینه‌ساز شکل‌گیری نسل نخست نظریه وابستگی شد و بسیاری از آثار نظریه‌پردازان وابستگی در مورد دلایل عقب‌ماندگی کشورهای آمریکای لاتین است، زیرا مسئله اصلی بیشتر این کشورها دستیابی به توسعه مستقل و پایدار و گریز از چنگال عقب‌ماندگی بوده است. نظریه وابستگی دارای دو جریان اصلی بوده است که با وجود داشتن تشابه و نقاط مشترک، اختلافات اساسی هم در بنیان‌های هستی‌شناختی

داشتند. گروه نخست مارکیست‌هایی بودند که ریشه عقب‌ماندگی را در تضاد طبقاتی نهادینه شده در سرمایه‌داری می‌دانستند که به عرضه جهانی گسترش یافته و به استثمار کشورهای جهان سوم منجر شده است. در واقع مارکیست دانش اقتصاد را به چالش کشیده و راه را برای دانشی نوین که اقتصاد سیاسی نام گرفته، باز کرد. مهم‌ترین مفهوم گرایش مارکیستی تأکید بر این موضوع است که عامل اصلی عقب‌ماندگی کشورهای توسعه نیافته نه در درون آن‌ها که در استثمار آن‌ها توسط خارجی‌ها است و به همین دلیل نیز گسستن از خارج و بازگشت به درون مهم‌ترین راه‌گریز از چنگ توسعه نیافتگی قلمداد شده است و پس باید ارتباط با جهان خارج خشکیده شود. گروه دوم که به اصطلاح مکتب آکلا (Latin American Economic Commission) نامیده می‌شد نگاهی انتقادآمیز و ساختارگرایانه به نظام سرمایه‌داری داشته و آن را منشأ عقب‌ماندگی دانسته است. بنابراین، توصیه نظریه وابستگی به کشورهای عقب مانده رسیدن به خود کفایی و گریز از مبادله گسترده و ساختاری با نهادهای سرمایه‌داری جهانی است. به طور عمده نظریه وابستگی بر چهار فرض مبتنی است:

(۱) اقتصاد و جامعه در بخش عمده‌ای از دنیای در حال توسعه، به شکل کامل تحت تأثیر این واقعیت قرار دارند که این کشورها در اصل به منزله تولیدکنندگان مواد خام و مصرف کنندگان محصولات صنعتی در اقتصاد جهانی ادغام شده‌اند؛

(۲) این تقسیم کار بوسیله قدرت اقتصادی و سیاسی دنیای توسعه یافته دائمی گردیده است؛

(۳) همین ادغام پابرجا در اقتصاد جهانی، موجب انحرافات جدی اقتصاد داخلی در جهان

سوم می‌شود؛

(۴) عوارض این معضل اقتصادی به قلمرو اجتماعی و سیاسی هم سرایت می‌کند.

با توجه به فرض چهارم، نظریه وابستگی هم به مبحث توسعه می‌پردازد و هم به جامعه‌شناسی و اقتصاد کشورهای توسعه نیافته و هم به روابط سلطه در نظام بین‌الملل و به بنیاد سیاست در دوران سرمایه‌داری، به گونه‌ای در تمام رشته‌های علوم اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما محصور در هیچ یک از رشته‌ها نیست.

۹-۱۰. نظریه توسعه بر پایه صادرات

این نظریه کمبود منابع و سرمایه را عامل عمده عدم پیشرفت مناطق عقب مانده می‌داند و بر رشد بزرگ‌ترین شهرها و به خصوص در مناطق توسعه نیافته تأکید دارد، بنابراین، بهره‌وری



اقتصادی از طریق تراکم سرمایه و ایجاد مقیاس انجام می‌گیرد. این نظریه، بر پایه صادرات کمتر، و به طور مستقیم به مسئله ارائه خدمات به مناطق و نواحی پرداخته است.

۹-۱۱. نظریه ساختارگرایی

استفاده از مفهوم ساختار در تاریخ اندیشه جامعه‌شناسی به قرن نوزدهم باز می‌گردد، نخستین بار، امیل دورکیم^۱ از ساختار ریخت‌شناسی گروه سخن می‌گوید و مارکس بحث رو ساختار (روینا) و زیر ساختار (زیرینا) را مطرح می‌سازد و در فرانسه قبل از جنگ دوم جهانی نیز مکرر از مفهوم ساختاری سخن به میان می‌آید. به دنبال نظریات آلفرد رادکلیف براون^۲ در انگلستان و شاگرد وی مایر فرتر^۳، مردم‌شناسان دیگری مانند ر. فرچ^۴ و مورداک^۵ نظریات مردم‌شناسان انگلیسی را در آمریکا دنبال کردند. هر یک مفهوم ساختار را به صورت‌های مختلفی به کار گرفتند. اما در این میان نظرات لوی اشتراوس در چند دهه اخیر اهمیت و برجستگی خاصی پیدا کرده است و جایگاه ساختارگرایی در مکاتب و نظریه‌ها تثبیت شده است. در الگوی ساختارگرایی، علت کاهش میزان رشد، کمبود پس‌انداز نیست بلکه در موارد انگیزه ناکافی برای سرمایه‌گذاری و کمبود ارز است. در یک اقتصاد توسعه نیافته، بخش کشاورزی سنتی با تکنولوژی و بهره‌برداری پایین فعالیت می‌کند، بخش مدرن با تکنولوژی بسیار پیشرفته و اغلب با سرمایه‌گذاری خارجی در تولید کالاهای اولیه به منظور صادرات فعال است و میزان زیادی از تجهیزات سرمایه‌ای مورد نیازش را وارد می‌کند. تقاضا برای واردات (حتی افزایش قیمت) بسیار بالاست، در حالی که افزایش قیمت کالاهای صادراتی این کشورها چندان درآمد آن‌ها را افزایش نمی‌دهد. این عوامل در کنار گرایش ذاتی این اقتصادها به تورم موج ایجاد بحران در تراز پرداخت‌ها می‌شود. ساختارگرایان معتقدند ویژگی‌های یاد شده موجب شده است تا اقتصادهای توسعه نیافته نسبت به ابزارهای متعارف اقتصاد نئوکلاسیک واکنش متفاوتی داشته باشند. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که این کشورها دقیقاً از مسیر توسعه کشورهای پیشرفته صنعتی پیروی کنند. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که قائل باشیم ویژگی‌های اصلی توسعه‌نیافتگی اقتصادی ناشی از تأثیر کشورهای توسعه‌یافته بر کشورهای توسعه نیافته است. برخی از ساختارگرایان به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که چگونه رشد اقتصادی کشورهای

¹ Emile Durkheim

² Alfred Radcliffe Brown

³ Meyer Frtr

⁴ R. Frch

⁵ Murdock

جهان سوم در ایجاد اشتغال کافی برای جذب نیروی کار جهان سوم ناموفق بوده و نابرابری فزاینده و فقر را در این کشورها ایجاد کرده است؟ این نظریات در گزارش‌های دفتر بین‌المللی کار در دهه ۱۹۷۰ منعکس شد و خواستار تأمین حداقلی از نیازهای اساسی زندگی برای فقیران گردید. البته این نظریه پردازان همچنان رشد اقتصادی و تغییرات ساختاری را در مرکز توجه خود داشتند، اما معتقد بودند که توسعه باید به الگوی توزیع درآمد و سطح زندگی فقیران هم بپردازد. بدین ترتیب آن‌ها کاملاً در مقابل ایده نظریه‌پردازان نوسازی قرار گرفتند که بر این باور بودند که رشد اقتصادی به تدریج به تمامی اعضای جامعه سود خواهد رساند. الگوی ساختارگرا عناصری از هر دو نگرش نئومارکسیستی و هسته در حال گسترش سرمایه‌داری را با خود دارد. از یک سو به شرایط اقتصادی بین‌الملل و حجم بازار داخلی نگاه می‌کند و از طرفی، رویکردی تاریخی برای تحلیل مسائل جهانی دارد. اما الگوی ساختارگرا با هر دو رویکرد بالا تفاوت‌هایی نیز دارد. ساختارگراها بر محدودیت حجم بازار داخلی اشاره دارند و از این نظر با الگوی هسته در حال گسترش سرمایه‌داری متفاوت هستند. همچنین نگرش آن‌ها غیر طبقه‌بندی است و معتقدند طبقه سرمایه‌داری می‌تواند نقش مثبت در توسعه داشته باشد. به همین دلیل با الگوی نئومارکسیستی هم متفاوت هستند. با وجود این تفاوت‌ها می‌توان رد پای ساختارگرایی کلاسیک را در مکتب وابستگی که الگویی مارکسیستی دارد دید.

۹-۱۲. نظریه نوسازی

این دیدگاه پس از جنگ جهانی دوم، بر پایه نظریه‌های جامعه‌شناسی ساخت‌گرایی - کارکردگرایی شکل گرفت. آلون سو^۱ نوسازی را محصول سه رویداد مهم پس از جنگ جهانی دوم می‌داند: اول، ظهور ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت؛ دوم، گسترش جنبش جهانی کمونیسم و نفوذ گسترش شوروی در اروپای شرقی و آسیا و سوم، تجزیه امپراطوری‌های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که موجب پایداری بسیاری دولت - ملت‌های جدید شده بود که هر یک به دنبال الگویی برای رشد و توسعه اقتصادی بودند. بدین ترتیب نخبگان سیاسی ابتدا در آمریکا، اندیشمندان علوم سیاسی را به مطالعه کشورهای جهان سوم ترغیب کردند تا ضمن رسیدن به توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی از پیوستن آن‌ها به کشورهای کمونیست جلوگیری کنند. بدین ترتیب، در نتیجه تقویت گفتمان توسعه توسط حاکمیت به تدریج انبوهی از نظریات توسعه وابسته به انگاره نوسازی در رشته‌های مختلف

^۱ AlvinSu



جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، اقتصاد و ... پدید آمد، که عمده‌ترین نقاط اشتراک آن‌ها که به نوعی تبدیل به نقاط ضعف آن‌ها نیز گردید تأکید بر عوامل درونزا در فرایند توسعه و نادیده انگاشتن عوامل خارجی و برونزا، تعمیم تجربه تاریخی اروپای غربی به کل جهان و حاکم دانستن ضرورت‌های پیشینی تکاملی بر کل تاریخ می‌باشد. ماری لوی^۱ از جامعه‌شناسان نوسازی است که میزان سنتی یا مدرن بودن جوامع را با میزان و درجه‌ای که ابزارها و منابع بی‌روح قدرت به کار گرفته می‌شوند، می‌سنجد. مطابق این تقسیم‌بندی، جوامع بر روی پیوستاری از جوامع نسبتاً نوسازی شده تا جوامع نسبتاً نوسازی نشده قرار می‌گیرند. از نظر وی، برای آنکه توسعه آغاز شود باید یک بار الگوی جوامع نسبتاً نوسازی شده پدید یابد و پس از آن گرایشی عام به وجود می‌آید که به همه زمینه‌های اجتماعی سرایت می‌کند. یکی دیگر از جامعه‌شناسان مکتب نوسازی، می‌توان به نیل اسملسر^۲ اشاره کرد. از نظر اسملسر، نوسازی عموماً بر تمایز ساختاری است. در فرایند نوسازی ساختارهای پیچیده‌ای که کارکرد جداگانه‌ای داشته‌اند، به ساختارهای متعدد تخصصی تقسیم می‌شوند که هر یک تنها یک وظیفه را انجام می‌دهند، با این تفاوت که در حالت جدید بسیار کارآمدتر هستند.

۹-۱۳. نظریه نئولیبرالیسم

نقدی به نظریه نوسازی وارد شد که بحث آن در مورد ناکارآمدی دولت‌های جهان سوم بود. این دسته از نظریه‌پردازان معتقد بودند که فساد و ناتوانی دولت‌ها اجازه نمی‌دهد تا مردم این کشورها توسعه را تجربه کنند. بنابراین برخلاف الگوهای پیشین، دولت باید دخالت خود را به حداقل برساند و امور را به دست بخش خصوصی بسپارد. علاوه بر این، قوانین و مقررات موجود در کشورهای جهان سوم تنها به سود عده‌ای کم شمار است و این قوانین هم باید کاهش یابند تا امکان توسعه برای کشورها فراهم شود. بدین ترتیب نحله فکری جدیدی در اقتصاد سیاسی جهان مطرح شد که به نام نئولیبرالیسم شناخته می‌شود و دو آموزه اصلی دارد: آزادی سازی و خصوصی‌سازی. نئولیبرالیسم، نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است. با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهره‌وری انسان را افزایش داد. از نظر نئولیبرالیسم، نقش دولت، ایجاد و حفظ یک چهارچوب نهادی مناسب برای عملکرد این شیوه‌هاست. یکی از سیاست‌های اصلی نئولیبرالیسم کاهش

¹ MaryLevy

² NeilSmelser

خدمات اجتماعی است. نظریه‌پردازان نئولیبرالیسم بر این باورند که رشد اقتصادی در گرو کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی است. قابل ذکر است که رویکرد نئولیبرال با توجه به کسری بودجه کشورهای توسعه نیافته و نیاز کشورها به کاهش تورم و حجم دولت، مطرح شد و سپس به عنوان نظریه‌ای برای توسعه عرضه گردید.

۹-۱۴. نظریه نهادگرایی

در دهه ۱۹۶۰، دیدگاه فکری دیگری در اقتصاد توسعه متولد شد که به نقش نهادها در توسعه کشور اهمیت می‌داد. این تفکر ناشی از مطالعات گونار میردال در مورد فقر آسیای جنوبی با نام نهادگرایی شهرت یافت. میردال معتقد بود که باید تاریخ و سیاست، نظریه‌ها و ایدئولوژی‌ها، ساختارها و سطوح اقتصادی، لایه‌های اجتماعی، کشاورزی و صنعت، رشد جمعیت، بهداشت و آموزش را نه به صورت مجزا و جدا از هم، که در ارتباط متقابل مطالعه کرد. وی معتقد بود که توسعه اقتصادی نتیجه عمل عوامل دورانی است. در این روند ثروتمندان سود بیشتری می‌برند و تلاش فقرا در بهبود نسبی شرایط زندگی‌شان دچار وقفه می‌شود. به عقیده وی، در جریان توسعه اقتصاد دو نوع اثر ایجاد می‌شود: اثر بازدارنده که نقش مسلط دارد و اثر تهیه‌کننده که نقش چندانی بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه ندارد. اثر بازدارنده وضع نامساعدی است که در کشورهای توسعه‌نیافته بر اثر تأکید بر صادرات موارد و کالاهای کشاورزی ایجاد می‌شود و این به زیان رشد و توسعه صنعتی کشور است. اثر تهیه‌کننده به معنی افزایش درآمد صادراتی و ارتباط دادن آن با سایر بخش‌های اقتصادی است. مطابق تحلیل‌های نهادی، فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی به تبعیت از فرصت‌ها و پاداش‌هایی که نهادها ایجاد می‌کنند، شکل می‌یابد و اگر چارچوب‌ها به فعالیت‌های واسطه‌گری بهره بیشتر برسانند، چنین فعالیت‌هایی بیشتر خواهد شد. از آنجا که افراد برای دستیابی به کارآمدی بالاتر، تعاملات خود را تغییر می‌دهند، نهادها نیز به تدریج تغییر یافته یا حتی از بین می‌روند. نهادگرایان با تأکید بر نقش نهادهای غیر رسمی، نتیجه می‌گیرند که انتقال قواعد رسمی سیاسی و اقتصادی که در غرب موفق بوده‌اند، ابزاری کافی برای نیل جهان سوم به توسعه نخواهد بود. آن‌ها همچنین به نقش ویژه دولت توجه می‌کنند که بخش گسترده‌ای از قواعد اقتصادی را تعیین و اجرا می‌کند.



۹-۱۵. نظریه توسعه به مثابه آزادی

در دهه ۱۹۸۰، اندیشه آمارتیاسن در مورد توسعه بسیار مورد توجه قرار گرفت، به طوری که بسیاری از جنبه‌های شاخص توسعه انسانی بر مبنای نگرش وی شکل گرفته است. از نظر آمارتیاسن، وفور تولیدات به اندازه‌ای رسیده است که بتوان بر محرومیت، فقر و گرسنگی غلبه کرد؛ اما در جهان حاضر شاهد تداوم فقر و نیازهای اولیه تأمین نشده، وقوع قحطی‌ها و گرسنگی گسترده و فراگیر، نقض آزادی‌های سیاسی ابتدایی و نیز آزادی‌های اساسی، بی‌توجهی گسترده نسبت به منافع و عاملیت زنان و وخیم‌تر شدن تهدیدات نسبت به محیط زیست هستیم. هدف اصلی توسعه، غلبه بر مشکلات و محرومیت‌هاست. از نظر او آزادی اهمیت زیادی دارد؛ به طوری که آزادی هم هدف و هم ابزار توسعه است. اما تعریف آزادی در جامعه محدود می‌شود. کیفیت آزادی عاملیتی است که هر یک از اعضای جامعه از آن برخوردار است و بوسیله فرصت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در اختیار افراد قرار می‌گیرد، مقید می‌شود. توسعه شامل حذف انواع مختلف موارد خلاف آزادی است که انتخاب و فرصت عاملیت معقول مردم را از آن‌ها می‌گیرد و امکان پرورش قابلیت‌های آن‌ها را از بین می‌برد.

۹-۱۶. عدالت منطقه‌ای دیوید هاروی^۱

دیوید هاروی در کتاب عدالت اجتماعی و شهر، با بررسی مفهوم عدالت اجتماعی آن را از دید جغرافیایی مورد کنکاش قرار می‌دهد و معتقد است که توزیع عادلانه در مقیاس سرزمینی و منطقه‌ای لزوماً مترادف با توزیع عادلانه در سطوح دیگر یا توزیع عادلانه در سطح مناطق، توزیع عادلانه بین افراد را نیز به دنبال خواهد داشت. هاروی ماهیت عدالت اجتماعی را به کمک سه معیار کلی تشریح می‌کند: نیاز، منفعت عمومی و استحقاق. وی برای تدوین اصول توزیع عادلانه منطقه‌ای، تعیین هر کدام از مفاهیم فوق را ضروری می‌داند و معتقد است که احتمالاً می‌توان با ترکیبی از آن‌ها و طرح نظریه‌ای، تخصیص منابع به مناطق را انجام داد و عدالت منطقه‌ای را با مقایسه تخصیص فعلی با تخصیص فرضی سنجید. با این روش، امکان تشخیص مناطقی که از استانداردهای عدالت اجتماعی بیشترین فاصله را دارند میسر خواهد شد. مفهوم نیاز: نیاز یک مفهوم نسبی است. احتیاجات و نیازهای انسانی هم ثابت نیستند زیرا مقولاتی وابسته به شعور انسان هستند و به موازات تحول جامعه، شعور و در نتیجه نیاز تحول می‌یابد. وی نیاز را بر حسب چند مقوله مختلف فعالیت تعریف می‌کند. خوراک، مسکن، خدمات بهداشتی، تحصیلات،

^۱ Harvey

خدمات اجتماعی و محیط زیست، کالاهای مصرفی، تأسیسات رفاهی و سائل حمل و نقل. از نظر وی میزان نسبی محرومیت افراد در مناطق مختلف را می‌توان با سه خصوصیت تشخیص داد. اول اینکه افراد از خدماتی محروم باشند، دوم اینکه سایر افرادی را مشاهده کنند که از آن خدمات برخوردارند و سوم چیزی را بخواهند و داشتن آن را مقدر بدانند. وی معتقد است که مفهوم محرومیت نسبی معمولاً با گروه مرجع آمیخته است و گروه مرجع می‌تواند به لحاظ اجتماعی تعیین گردد. در مورد بحث مصالح و منفعت عمومی، معتقد است که مسئله اصلی در این بحث این است که تخصیص منابع به یک منطقه، چگونه در وضع سایر مناطق تأثیر می‌گذارد. در بحث استحقاق، وی به مسائل طبیعی مانند طوفان، سیل، زلزله و امثال آن در مناطق اشاره می‌کند و معتقد است که اگر در منطقه‌ای به لحاظ طبیعی مشکل وجود داشته باشد باید منابع بیشتری برای مقابله با حوادث به آن منطقه اختصاص یابد. در حقیقت این طور استدلال می‌کند که اختصاص منابع بیشتر به این منطقه غیر عادلانه نیست چون این امکانات نیاز افراد ساکن آن منطقه است و این دور از عدالت نیست. وی مفهوم عدالت اجتماعی منطقه‌ای را به این صورت قابل دسترس می‌داند که توزیع درآمد و منابع به طریقی باشد که:

الف) نیازهای جمعیت هر منطقه برآورد شود؛

ب) تخصیص منابع به طریقی صورت گیرد که ضرایب فزاینده‌گی به حداکثر برسد؛

ج) تخصیص منابع اضافی به طریقی باشد که در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی مؤثر باشد.

ساز و کارهای سازمانی و اقتصادی و سیاسی باید به طریقی باشد که دور نمای زندگی در محروم‌ترین مناطق تا حد امکان بهبود یابد. اگر این شرایط موجود باشد آنگاه می‌توان به یک توزیع عادلانه منطقه‌ای دست یافت.

۹-۱۷. نظام سلسله مراتب سکونتگاهی

پایه فکری این نظریه، برگرفته از نظریه مکان مرکزی است. در این نظریه بنا بر رفتار منطقی جمعیت، بر پهنه محیطی همگون، شبکه‌های سلسله مراتبی از مراکز عرضه کالا و خدمات به عنوان سازمان فضایی بهینه ارائه می‌شود و بدین ترتیب توزیع مناسبی از مراکز کوچک‌تر و بزرگ‌تر را که شامل دهکده، مرکز مجموعه، مرکز حوزه و... می‌باشد را سازماندهی می‌نمایند. در این دیدگاه، شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه، به‌ویژه با انتشار نوآوری و روحیه کارآفرینی



بازی می‌کند اما مختص شدن رشد شهری به معدودی قطب، نیازمند زمینه‌سازی و هدایت این رشد به مراکز شهری بیشتری است.

برخی نظریه‌پردازان این دیدگاه معتقدند که ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی محور قرار گیرد تا با تنوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی کردن، عرضه خدمات پشتیبانی و سرانجام سازماندهی و مدیریت، توسعه را برآورده سازند. دولت‌ها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و سازمان‌های بین‌المللی در خلال چند دهه اخیر، علاقه بیشتری به تشویق رشد شهرهای متوسط یافته‌اند. چنین تأکید بر شهرهای متوسط به دلایلی گوناگون که مورد توافق تعدادی از طراحان توسعه قرار گرفته، ایجاد گردیده است. به این معنی که به منظور توزیع ارادی جمعیت شهری و کاهش قطبی شدن الگوی سکونت در کشورهای با سیستم‌های فضایی مادر شهری، شبکه‌ای قوی از شهرهای میانی مورد نیاز می‌باشد. ایرادهای وارده بر نظریه سلسله مراتب سکونتگاهی عبارت‌اند از:

- الف) ایجاد سلسله مراتب بین سطوح متفاوت فضایی لزوماً هماهنگی بین سطوح مختلف برنامه‌ریزی و نیز هماهنگی افقی درون هر سطح را به همراه نخواهد داشت؛
- ب) ساختارهای اقتصادی - اجتماعی در شهرهای کوچک معمولاً به سود افراد بهره‌مند کنونی است و تقویت این قبیل شهرها ضرورتاً به تعادل‌های اجتماعی کمک نخواهد کرد.

۹-۱۸. نظریه دوگانگی میردال

میردال هم از جمله نظریه‌پردازانی است که بحث نابرابری منطقه‌ای را مطرح کرده است. وی معتقد است که رشد مرکز خاص در کشور به هر دلیل اولیه که صورت گیرد، پس از چندی باعث افزایش صرفه‌جویی‌های داخلی و خارجی می‌شود که این امر خواه ناخواه باعث عقب‌ماندگی مراکز و مناطق دیگر خواهد شد. میردال برای تشریح نظریه خود از دو واژه اثرات بازدارنده و اثرات تهییج‌کننده یا اثرات انتشار استفاده می‌کند. به نظر او، اثرات بازدارنده، تأثیرات منفی تغییراتی است که در اقتصاد انجام می‌شود که نتیجه فعالیت نیروهایی در خارج از سیستم است. میردال در زمینه نابرابری منطقه‌ای و دوگانگی‌ها، نظام سرمایه‌داری را مقصر می‌داند. چون در این نظام، سود، هدف اصلی است و منابع جایی می‌روند که سود بیشتر باشد و نظام سرمایه‌داری از نظر او مثل آهن‌ربا عمل می‌کند یعنی مناطقی که از شرایط بهتری برای توسعه برخوردار هستند و نرخ سود در آن‌ها بالاست، نیروی کار و سرمایه را به خود جذب می‌کنند. این مناطق چون وضعیت بهتری داشته و امکانات توسعه را نیز جذب می‌کنند، توسعه‌یافته‌تر

می‌شوند. از نظر وی، اثر انتشار اثری است که موجب می‌شود فرایند توسعه در یک بخش یا منطقه یا کشور به سایر بخش‌ها یا مناطق دیگر سرایت و آن‌ها را نیز با خود جلو برد. در مقابل، اثرات بازدارنده، اثری است که باعث می‌شود تا جلوی گسترش توسعه یک بخش یا منطقه به سایر بخش‌ها یا مناطق گرفته شود و فرایند رشد و توسعه از هر دو اثر انتشار و بازدارنده برخوردار است و در ضمن معتقد است که آثار بازدارنده در ممالک توسعه نیافته بر اثر انتشار غالب است.

۱۰. توسعه‌یافتگی مناطق

بسیاری از کشورهای استقلال یافته قرن نوزدهم که فرایند رشد و تکامل آن‌ها شکل نگرفته بود، معمولاً در گروه کشورهای توسعه نیافته قرار داشتند. با گذشت یک قرن و نیم از تشکیل این کشورها هنوز دارای مشکلات مختلف اقتصادی هستند و بنیادهای توسعه در جامعه آن‌ها به وجود نیامده بود. در سرآغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی، بیشتر کشورهای جهان، توسعه نیافته و دارای مشکلات مختلف بودند. در درون ارکان سازمان ملل مانند شورای اقتصادی - اجتماعی نگاهی شکل گرفت که فقدان نهادهای کارآمد سرمایه‌داری و نیز نبود دولت‌های قوی و سطح پایین سواد، تخصص و فرهنگ اجتماعی و یا عواملی از این قبیل را به عنوان عوامل اصلی توسعه نیافتگی معرفی کردند. به عبارت دیگر نظریه‌های توسعه سرمایه‌داری که از نوع توسعه کشورهای صنعتی الگو می‌گرفت به چراغ راه توسعه در کنفرانس‌ها و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی بدل شد.

توسعه منطقه‌ای مفهوم جدیدی در ادبیات برنامه‌ریزی می‌باشد که هدف آن خلق چارچوبی مناسب برای دستیابی به بهبودی باثبات در استانداردهای زندگی برای شهروندان و روستائینان است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است؛ زیرا در حقیقت، کشورهایی که امروزه به عنوان کشورهای توسعه‌یافته شناخته می‌شوند ضمن اینکه از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردار هستند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است؛ اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است. بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه مانند تودارو و میردال^۱ بر کاهش نابرابری و رفع دوگانگی اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از اهداف توسعه تاکید دارند. تفاوت در سطح برخورداری مناطق همواره تحت تاثیر توانمندی‌های محیطی، روحیه کار و تلاش، ویژگی‌ها و گسست‌های تاریخی، درجه مدنیت و شهرنشینی، ایدئولوژی و ارزش‌های

^۱ Todaro and mirdal



حاکم بوده است. اما پس از انقلاب صنعتی و با بهره‌گیری نظام سرمایه‌داری از نیروی بخار و در دوران تاریخی کشف قاره‌ها و پیامد آن دوران استعمار قدیم و سپس در عصر جدید که به نام مدرنیسم و پست مدرنیسم و نهایتاً جهانی شدن همراه است، شاهد پیوند خوردن مناطق خرد و کلان و دور افتاده جهان در یکدیگر و شکل‌گیری نوعی تقسیم کار ناعادلانه و بهره‌کشی بین‌المللی هستیم. به نحوی که در سطح جهان درصد کمی از کشورها و ساکنین آن‌ها از بیشترین امکانات، رفاه و توسعه‌یافتگی برخوردارند و در مقابل، اکثر کشورهای جهان سوم و شهروندان آن‌ها در فقر، محرومیت و عدم برخورداری از بسیاری نیازهای اولیه به سر می‌برند. اهداف اصلی اقتصادهای ملی باید میزان بالایی از رشد و افزایش سطح توسعه باشد، بهبود میزان شاخص‌های توسعه به معنی بالا رفتن استانداردهای زندگی و رفاه عمومی در کشور است. مفهوم توسعه شامل پیشرفت در نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصاد و... در سراسر کشور می‌باشد.

در سال‌های آینده پیش بینی می‌شود که بیشتر جمعیت جهان در نواحی و مناطق شهری زندگی کنند. به تبع شهرنشینی شتابان، افزایش نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در نواحی شهری کشورهای در حال توسعه دامنه وسیعی از شرایط ناهمگون زندگی را به وجود آورده است، به طوری که هم اکنون محققان، اهمیت توسعه‌های پایدار شهری و منطقه‌ای را که موجب حذف شدن چنین مشکلاتی می‌شود به خوبی درک کرده‌اند. شناخت میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها و استان‌های کشور نسبت به یکدیگر نه فقط موجب توجه خاص از نظر اقتصادی به آن‌ها می‌شود، بلکه موجب شناخت توان‌ها و کمبودهای آن‌ها و در نهایت موجب توفیق برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای می‌شود. وضعیت خاص کشور ایران به لحاظ وسعت سرزمین، تنوع آب و هوایی و وضعیت خاص توپوگرافی، ایجاب می‌نماید که به نقش مناطق مختلف در ابعاد اقتصادی توجه بیشتری مبذول گردد. نوسانات قیمت نفت در سال‌های اخیر، زنگ خطر است که ما را به توجه بیش‌تر به مناطق مختلف کشور رهنمون می‌کند.

۱۱. نابرابری‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای

نابرابری‌های منطقه‌ای، شرایطی است که گاهی در سطح برخی کشورها ظهور می‌کند و علل مختلف و فراوانی می‌تواند داشته باشد. این نابرابری‌ها به دلایل متعدد تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی ایجاد می‌شوند که رشد ناهمگون و نامتعادل نواحی و مناطق را به دنبال دارد. وجود این نابرابری‌ها سبب شده تا شکاف توسعه بین نواحی توسعه‌یافته و محروم روز به روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست بدهد،

محرومیت نواحی محروم تداوم و نواحی مرکزی، امکانات را در خود متمرکز کنند. این امر سبب شده تا روند کلی توسعه ناعادلانه‌تر و آهسته‌تر شود. در بسیاری از کشورها، نابرابری‌های منطقه‌ای پیامد مستقیم اجرای سیاست‌های مربوط به ایجاد قطب‌های رشد می‌باشد؛ به طوری که برخی نواحی سریع‌تر از سایر مناطق، رشد و توسعه می‌یابند. نابرابری‌های درون ناحیه‌ای و بین ناحیه‌ای یکی از مظاهر بارز کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنهاست. در اکثر کشورهای در حال توسعه، برخی مناطقی که از نظر خدمات عمومی، اقتصادی و اجتماعی، وضعیت مناسبی نسبت به دیگر مناطق دارند، نقش عمده‌ای در ایجاد درآمد و تولید ملی دارند. این امر به بهای عقب‌نگه داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی کشور صورت می‌پذیرد. در مناطقی که تفاوت‌ها و نابرابری‌های ناحیه‌ای با نرخ نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است؛ به بروز مشکلاتی جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه یافته‌تر منجر شده است.

امروزه نابرابری منطقه‌ای به عنوان یک موضوع مهم و اساسی مطرح می‌باشد که به طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه دولت‌ها و محققان قرار گرفته است. افزایش تدریجی و روزافزون تفاوت‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای، موجب بروز ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی می‌گردد و در نهایت، یکپارچگی و وحدت ملی را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد. نابرابری و جنبه‌های مختلف آن، نشانه‌های مشخصی از عدم توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود؛ در واقع، مناطقی به عنوان مناطق توسعه‌یافته شناخته می‌شوند که شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی آنها در وضعیت مطلوبی باشد و در عین حال، توزیع امکانات و خدمات در آنها متعادل باشد. در حالی که وضعیت نامناسب شاخص‌ها و توزیع نامتعادل امکانات از ویژگی‌های مناطق توسعه‌نیافته به شمار می‌رود. مردمی که در مناطق پیرامونی کشورها زندگی می‌کنند، معمولاً از کانون توجه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه به دور هستند؛ همین امر سبب می‌شود سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها تنزل یابد. به نظر می‌رسد دو عامل تفاوت‌های فزاینده در میزان توسعه‌یافتگی مناطق و توزیع نامتعادل امکانات و تسهیلات زندگی همواره یکدیگر را تشدید می‌کنند. در گزارش سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۴ پیرامون سیاست و برنامه‌ریزی اجتماعی، رشد اقتصادی به عنوان یک مؤلفه‌ی مهم برای استانداردهای زندگی بهتر و نه به عنوان هدف نهایی سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۶۹ نیز متخصصان برنامه‌ریزی خاطر نشان کردند که متمرکز شدن بر رشد اقتصادی به عنوان تنها هدف برنامه‌ریزی، فقر و رکود و ایجاد مناطق حاشیه‌ای را در پهنه‌های



وسعی از سرزمین به دنبال خواهد داشت. امروزه دیدگاه غالب در زمینه‌ی کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای این است که توسعه‌ی متعادل مناطق باید بر افزایش نرخ رشد اقتصادی کشور، مقدم باشد.

۱۲. بازنگری در دیدگاه‌ها جهت کاهش نابرابری

پس از انقلاب صنعتی، روند رو به رشد اقتصاد سرمایه‌داری، نواحی دوردست را در اقتصاد نوظهور جهانی سهیم کرد. همچنین شهرهای موجود در نظام نوین، ادغام و وظایف آن‌ها دست‌خوش دگرگونی شد. تورم توسعه و تراکم رشد به‌ویژه در کشورهای جهان سوم سبب بروز عدم تعادل‌های منطقه‌ای شد که پیامد آن به سیل عظیم مهاجرت‌های روستا به شهرها، عقب‌ماندگی نقاط دیگر و نابرابری‌های منطقه‌ای منجر شد. کشورهای غربی پیشگام در انقلاب صنعتی که بر پایه ایدئولوژی سرمایه‌داری با هرگونه دخالت دولت در اقتصاد بازار مخالف بودند، در رویارویی با بحران رکود بزرگ اقتصادی در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۵ به تجدیدنظرهایی پرداختند که برنامه‌ریزی ملی و دخالت‌های دولت به نفع رفع بیکاری و ایجاد رونق اقتصادی را می‌پذیرفت. با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ برنامه‌ریزی اقتصادی توسط دولت‌های مهم درگیر، جهت بسیج منابع و تأمین نیازهای عمومی جامعه به کار گرفته شد. با پایان جنگ اگر چه ایالات متحده آمریکا برنامه‌ریزی مرکزی را عمدتاً کنار گذاشت، لیکن کشورهای اروپای غربی و ژاپن برای بازسازی و استفاده بیشتر از کمک‌های اقتصادی آمریکا (تحت عنوان طرح مارشال) به آن متکی شدند.

در دهه ۱۹۶۰، کشورهای توسعه‌یافته، پیشرفت چشمگیری را در حیات اجتماعی - اقتصادی خود تجربه کردند، اما با پایان این دهه، ملل توسعه‌یافته صنعتی با یک بحران اقتصادی مواجه شدند. بحران اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته موجب تقویت انتقادات وارد بر سیاست‌های منطقه‌ای مبتنی بر رهیافت نوسازی گردید. بحران مذکور، اشکال موجود توسعه نامتعادل را وخیم‌تر کرد و شکل جدیدی از نابرابری‌های را به وجود آورد. حتی در مواردی که نوعی از همگرایی منطقه‌ای در حال شکل‌گیری بود، مجدداً شکاف بین مناطق به شکل جدیدتری افزایش یافت. این بحران وضعیت را در کشورهایی که دارای عدم تعادل‌های منطقه‌ای قوی‌تری بودند شدت بخشید. به جزء عوامل اقتصادی فوق، برخی مسائل سیاسی در دهه ۱۹۷۰ موجب تغییر در سیاست‌های توسعه و اتخاذ راهبردهای جدید در این زمینه گردید. از نظر سیاسی، ادامه مشکلات در مناطق عقب‌مانده به دلیل شکست برنامه‌های توسعه منطقه‌ای،

شدت گسترده‌تری یافت. این نابرابری باعث گردید تا کسانی که در مناطق عقب‌مانده و بحران‌زده زندگی می‌کردند تصور کنند که این مشکلات، مسائل محلی بوده و می‌توانند با فشار سیاسی بر دولت‌ها این نیازها را رفع کرده و بر این مسائل فائق آیند. به این ترتیب، بسیاری از پیش‌فرض‌های سیاست‌های منطقه‌ای زیر سؤال قرار گرفتند این مسائل منجر به انجام مطالعات و برگزاری کنفرانس‌های متعدد در مورد تجارت و توسعه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ توسط سازمان ملل گردید. رشد این‌گونه تقاضاها ناشی از نارضایتی کشورهای در حال توسعه از وجود نابرابری‌های بین‌المللی در زمینه‌های قدرت، دارایی و ثروت بود. نتیجه این مطالعات در مورد سنجش میزان موفقیت سیاست‌های منطقه‌ای باعث گردید تا بحث‌های وسیع‌تری در مورد مناسب‌ترین سیاست منطقه‌ای به وجود آید. در کشورهای در حال توسعه، موضوعات منطقه‌ای و الگوهای سکونتگاهی ارتباط تنگاتنگی با استراتژی‌های جدید توسعه که تأکید بر منابع موجود، توجه به شرایط محلی و زمینه‌هایی که به طور غیرمستقیم بر قشر فقیر اثر مثبت می‌گذارد، پیدا کردند.

۱۳. نابرابری، چالشی فراروی توسعه‌یافتگی منطقه‌ای

توسعه یکپارچه منطقه‌ای هرگز اتفاق نمی‌افتد مگر آنکه بین سرمایه و نیروی کار مناطق، تعیین مرز شفاف انجام پذیرد و مناطق عقب‌مانده از طریق سرمایه‌گذاری و حمایت‌های مالی ارتقای توسعه بیابند، و شکاف و نابرابری بین این مناطق و مناطق توسعه‌یافته، کاهش یابد. به عبارت دیگر برای رسیدن به توسعه پایدار منطقه‌ای باید در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای گام برداشت و امکان رشد برابر را در مناطق بوسیله فراهم کردن تسهیلات و خدمات عمومی و اجتماعی برای مردم ایجاد نمود. بنابراین یکی از موانع عمده در مسیر رسیدن به تعادل منطقه‌ای، وجود نابرابری‌های فضایی در درون و بین مناطق می‌باشد. امروزه در میان افزایش نگرانی درباره نابرابری، ابعاد فضایی نابرابری توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است. زیرا در حقیقت کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شوند که علاوه بر این که از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردارند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه‌نیافته نه تنها مقادیر این شاخص‌ها پایین است بلکه توزیع آن نیز بسیار ناعادلانه است. عدم تعادل و توازن مناطق گوناگون در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. بر این اساس، مطالعه نابرابری‌های منطقه‌ای یکی از



اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای، تحت تأثیر قرار دهد.

۱۴. سنجش سطح توسعه‌یافتگی و سطح‌بندی توسعه

مشکل برنامه‌ریزی برای هر کشور عبارت است از ارزیابی امکان‌ها، توانایی‌های بالقوه و مشکلات و مرتبط گردانیدن مشکلات و امکان‌های مزبور با ابعاد کلی برنامه ملی. هدف برنامه‌ریزی، تبدیل وضعیت موجود به وضع مطلوب می‌باشد، برای رسیدن به وضع مطلوب در گام نخست باید شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از وضع موجود به عمل آید؛ چنین شناختی صرفاً از طریق علم جغرافیا اساس یک نگرش سیستمی امکان‌پذیر خواهد بود. ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی واحدهای منطقه‌ای در کشور امری مهم و اساسی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و سیاست‌گذاری توسعه به شمار می‌رود که در عین حال، عاملی کلیدی برای تخصیص منابع مختلف نیز محسوب می‌شود. لذا، جهت تدوین یک زیربنای علمی و منطقی برای سیاست‌گذاری توسعه، لازم است ارزیابی جامعی پیرامون وضعیت موجود توسعه‌ی مناطق از نظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد و مشکلات اساسی و ریشه‌ای مناطق محروم شناسایی شود. این امر سبب می‌شود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با درک عمیق‌تر و بهتر نسبت به مسائل منطقه‌ای، اقدام به پیشنهاد سیاست‌ها و تهیه‌ی برنامه‌ها نمایند و بدین ترتیب، توسعه‌ی مناطق محروم با شتاب بیشتری تحقق پذیرد. سطح‌بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه‌ی مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند. با این روش، روند شکل‌گیری توسعه‌ی قطبی مناطق مشخص می‌گردد و در نهایت در برنامه‌ریزی توسعه، مناطق نیازمند و کمتر توسعه‌یافته تعیین و از عدم تعادل مناطق جلوگیری می‌شود. به کارگیری معیارها و روش‌های کمی به منظور سطح‌بندی سکونتگاه‌ها از سویی منجر به شناخت میزان نابرابری سکونتگاه‌ها می‌شود و از سویی دیگر معیاری است برای تلاش در زمینه‌ی کاهش و رفع نابرابری موجود میان آن‌ها. به هر حال، برای برنامه‌ریزی بهتر نواحی گوناگون یک کشور لازم است که نواحی از نظر برخورداری، طبقه‌بندی گردند تا نسبت به میزان برخورداری یا عدم برخورداری آن‌ها، برنامه‌ریزی شود. در این راستا، مطالعه و بررسی

شاخص‌های اقتصادی و غیراقتصادی امری ضروری در جهت اتخاذ راهبردهای توسعه محسوب می‌شود.

۱۵. برنامه‌ریزی و انواع آن

برنامه‌ریزی، فعالیتی است که بشر از آغاز به آن مشغول بوده است. هیچ اقدامی برای رسیدن به هدف هر چه باشد به نتیجه نمی‌رسد، مگر آن که شامل برنامه‌ریزی باشد. اقدامات لازم برای رسیدن به هدف به طور اصولی از مراحل زیر می‌گذرد: مشخص کردن هدف‌ها؛ انتخاب وسایلی که برای رسیدن به هدف‌ها به کار می‌رود و به کار بردن این وسایل. این سه مرحله بر روی هم فرایند برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهند. به طور کلی، برنامه‌ریزی نوعی استراتژی است، و برنامه‌ریزی استراتژیک می‌تواند شکل سیستماتیک آمادگی برای تغییر آینده یک شهر یا مناطق تعریف شود. به خصوص برنامه‌ریزی استراتژیک بسان مشارکت خلاق و یک فرایند باز که اصولی را برای پیوستن فعالیت‌ها از همه چارچوب‌ها در یک دوره‌ای از زمان ایجاد کند را شامل می‌شود. برنامه‌ریزی ابزاری است برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب با هدف توسعه و عمران. بدیهی است برای رسیدن به وضع مطلوب در درجه اول باید شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از وضع موجود باشد. چنین شناختی صرفاً از طریق علم جغرافیا آن هم به صورت دینامیک (توجه به گذشته، حال و پیش‌بینی آینده) و بر اساس یک نگرش سیستمی امکان‌پذیر خواهد بود. بی‌شک غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرآیند توسعه است. در کشورهای در حال توسعه، معمولاً برنامه‌ریزی توسط دولت و به صورت متمرکز صورت می‌گیرد و عمدتاً منابع تخصیص‌یافته ارتباط چندانی با پتانسیل‌ها و نیازها نداشته و در نتیجه شکاف و دوگانگی بین مناطق مرتب افزایش می‌یابد. در برخی منابع، برنامه‌ریزی را از نظر مدت زمان اجزاء به چند سطح زمانی تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از:

برنامه‌ریزی بلندمدت: که دوره اجرای آن بین ۱۰ تا ۲۰ سال است و گاهی به ۲۵ سال نیز می‌رسد. و علت نیاز به آن معمولاً ایجاد یک چارچوب کلی و آینده‌نگرانه در زمینه‌ی مورد توجه برنامه است؛

برنامه‌ریزی میان مدت: که معمولاً مدت اجرای آن بین ۳ تا ۷ سال است و گاه نیز می‌تواند به ۱۰ سال برسد؛



برنامه کوتاه مدت: که معمولاً اجرای آن بین ۱ الی ۲ سال است. این نوع برنامه‌ها با توجه به برنامه‌های میان مدت و بلندمدت تعیین می‌شوند. معمولاً هراندازه مدت اجرای برنامه، کوتاه‌تر باشد اجرای آن برنامه‌ها در رابطه با واقعیات، قابلیت اجرایی بیشتر و بهتری دارند. برنامه‌ریزی از نظر سطوح مختلف به چند سطح تقسیم شده که شامل مراحل ذیل است:

ملی؛ منطقه‌ای؛ شهری و روستایی.

که به تعاریف هر کدام از آن‌ها پرداخته می‌شود:

برنامه‌ریزی ملی: برنامه‌ریزی ملی، استراتژی‌های اقتصادی - اجتماعی در سطح ملی را در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت مورد تأکید قرار می‌دهد. این گونه برنامه‌ریزی‌ها بر سیاست‌های رشد توجه اساسی دارد؛

برنامه‌ریزی منطقه‌ای: برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فرآیندی است، در جهت مشارکت مردم و مناطق در برنامه‌ریزی و فراهم آوردن موجبات برنامه‌ریزی از جهت انطباق با برنامه‌های کلان ملی و ویژگی‌های منطقه‌ای؛

برنامه‌ریزی شهری: برنامه‌ریزی شهری، ریشه‌های اندیشه خود را از اصول کاربردی معماری و مهندسی دارد، که با آن‌ها بر حل مشکلات تمرکز داشته. برنامه‌ریزی شهری عبارت است از تأمین رفاه شهرنشینان از طریق ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر و سالم‌تر؛

برنامه‌ریزی روستایی: برنامه‌ریزی برای مراکز روستایی است و در صورتی انجام می‌گیرد که تسهیلات و خدماتی که موجب تولید می‌شود، در مراکز روستا، متمرکز شود.

۱۶. برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فرآیندی است در جهت مشارکت مردم و مناطق برنامه‌ریزی و فراهم آوردن موجبات برنامه‌ریزی از پایین به بالا در جهت انطباق برنامه‌های کلان ملی با ویژگی‌های ناحیه‌ای. برنامه‌ریزی منطقه‌ای مولود نابرابری منطقه‌ای و عدم وجود تعادل بین استان‌های یک کشور، عدم تعادل شهری - روستایی، لزوم مشارکت افراد محلی در فرآیند توسعه، لزوم هماهنگی میان سیاست‌های ملی و محلی، تمرکززدایی، ساماندهی نظام شهری، کنترل مهاجرت، تأمین عدالت، تأمین برابری میان مناطق، نارسایی سیاست‌های رشد اقتصادی و... است که به قطبی شدن فرآیند درآمد، فرصت‌های اشتغال، دسترسی به آموزش، خدمات و سایر تسهیلات بین مناطق می‌انجامد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای یکی از مباحث مهم و از ضرورت‌های توسعه مناطق است که در دهه‌های اخیر از سوی بسیاری از محققین و پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از مفاهیم و اهداف کلیدی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توازن منطقه‌ای است. توازن منطقه‌ای را که به معنای برخورداری مناطق از فرصت‌های مساوی برای برطرف کردن ضعف‌های اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی، محیطی در جهت دستیابی به تمام استعدادها و پتانسیل‌های بالقوه منطقه دانسته‌اند، می‌توان هدف عمده برنامه‌ریزی منطقه‌ای برشمرد که دستیابی به توسعه منطقه‌ای و کاهش نابرابری فضایی را خود به همراه دارد. در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزان بیشتر به فکر استفاده بهینه از منابع، قابلیت‌های منطقه و همچنین برطرف نمودن تعادل‌های منطقه‌ای هستند. به عبارتی کلی‌تر می‌توان برنامه‌ریزی منطقه‌ای را روندی منظم برای انتخاب بهترین روش برای رسیدن به اهداف توسعه منطقه‌ای که به صورت خودمحمور است، دانست. برنامه‌ریزی منطقه‌ای نتیجه منطقه‌ای کردن برنامه ملی نمی‌باشد، بلکه با شناخت نیازها، توان‌ها و تنگناهای ویژه هر منطقه، خود موزاییکی بر نقش برنامه‌ریزی ملی می‌افزاید و رابطه دو طرفه برقرار می‌سازد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای منفعلاً به مزیت‌های نسبی از دید اقتصاد ملی و شرکت در تقسیم کار جهانی نمی‌پردازد، بلکه به مزیت‌های مورد نظر ساکنین منطقه‌ای و در خدمت اقتصاد منطقه اولویت می‌دهد. در مطالعات منطقه‌ای، گذشته، حال و آینده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ولی به طور کلی روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای دارای سه مرحله است که عبارت‌اند از:

شناخت منطقه و مشکلات آن و طرح و تنظیم برنامه توسعه آن؛ اجرای برنامه تهیه شده و

بررسی و ارزیابی طرح اجرا شده.

۱۷. راهبردهای توسعه

اگر توسعه را در معنای وسیع آن، سمت‌گیری نظام به سوی تجدید سازمان اقتصاد و اجتماع به منظور نیل به پیشرفت‌های رفاهی بدانیم، دو راهبرد اصلی در فرایند کوشش برای تحقق هدف‌های توسعه قابل تشخیص خواهد بود:

(۱) راهبرد بهبود که از عمومیت بیشتری در تجربه توسعه‌ای کشورهای جهان به‌ویژه از جنگ

جهانی دوم به بعد، برخوردار است که با دو جهت‌گیری اصلی مشخص می‌شود:

- یا بر اساس جهت‌گیری‌های تکنوکراتی با پیش‌فرض حفظ وضعیت طبقاتی و از طریق پذیرفتن ابزارها، تکنیک‌ها و روش‌های نوین صورت پذیرفته است و صنعت‌گرایی تجلی بارز آن است که کشورهای صنعتی شده جنوب شرقی آسیا و برزیل نمونه‌های عینی آن به شمار می‌آیند؛



- و یا مبتنی بر اصلاح گرایی (رفورمیسم) است که از طریق تجدید آشتی جویانه سلسله مراتب نظام طبقاتی، به منظور فراهم سازی شرایط افزایش بهره‌وری صورت گرفته و اغلب کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران، ترکیه و پاکستان را می‌توان مظهر آن دانست.
- (۲) راهبرد دگرگونی که از حیث فراوانی عمومیت در مقایسه با راهبرد بهبود در مرتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد، اما از حیث شدت تأثیرگذاری و میزان ساخت شکنی و ریشه‌ای بودن، مرتبه‌ای بالاتر دارد. این فرایند به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در تعدادی از کشورهای جهان که به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر ایدئولوژی مارکسیسم و الگوی برنامه‌ریزی متمرکز دولتی قرار گرفتند، به وقوع پیوست. در این رویکرد نیز دو جهت‌گیری اصلی را می‌توان تشخیص داد:
- روش‌های رادیکال و انقلابی نظیر آنچه در کشورهایی چون الجزایر، مصر، لیبی، عراق، موزامبیک و امثال آن‌ها می‌توان دید؛
- انقلاب‌های سوسیالیستی، نظیر شوروی سابق، چین و کوبا.

۱۸. دیدگاه‌های توسعه

به طور کلی درباره توسعه تا پایان دهه ۱۹۷۰ می‌توان دو سیاست یا دیدگاه را تشخیص داد، که عبارت‌اند از توسعه برونزا و توسعه درونزا.

۱۸-۱. توسعه برونزا

این دیدگاه در دهه ۱۹۶۰ میلادی افکار نظریه پردازان توسعه و جوامع را به خود متوجه ساخته بود، توسعه را بیشتر معادل رشد قلمداد می‌کرد و توسعه‌نیافتگی را ناشی از مناسبات قدرت داخلی و انعطاف‌پذیری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نهادی و ساختی داخلی می‌دانست و بر این باور بود که اگر کشورهای جهان سوم می‌خواهند توسعه یابند باید با الگو قرار دادن غرب و پذیرش فرهنگ آن‌ها، راه توسعه را تسهیل کنند. نمونه این تفکر را می‌توان در برنامه‌های مارشال ترومن برای کشورهای جهان سوم ملاحظه کرد. این الگوی توسعه، منشأ و جهت‌گیری خارجی دارد و الگویی خارجی دارد و الگویی است تقلیدی که بر کشورهای توسعه‌نیافته به نوعی تحمیل شده است. این الگو به دلیل تحمیلی بودن و سوگیری خارجی داشتن به الگوی توسعه غربی نیز معروف است. در این الگو به اوضاع و شرایط درونی جامعه توجه چندانی نمی‌شود و در زمینه‌های اقتصادی با ملاک قرار دادن الگوهای کلاسیک توسعه اقتصادی که تأکید بر اقتصاد

بازار و عملکرد آن دارند، در جهت نیل به انباشت سرمایه به عنوان نیروی محرکه توسعه اقتصادی مطابق با الگوی نظام سرمایه‌داری تأکید می‌شود. در قالب این الگوی توسعه‌ای برای رسیدن به توسعه اقتصادی به شیوه غربی و تکرار آنچه در کشورهای توسعه‌یافته با تحمیل برنامه‌های اصلاحی از بالا به پایین و تکیه بر سرمایه‌های خارجی، زمینه آن نوع تغییرات و تحولاتی را فراهم می‌سازد که در نهایت به رشد اقتصادی و توسعه ناهمگون و ناموزون می‌انجامد. کشورهای چون برزیل، آرژانتین، کره جنوبی، کنیا و ایران قبل از انقلاب اسلامی این نوع الگو را تجربه کرده‌اند.

۱۸-۲. توسعه درونزا

این روش که از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، افکار نظریه‌پردازان توسعه و جوامع دنیای سوم را به خود معطوف ساخته است، به دلیل نارسایی‌های بسیار و از بین رفتن هر چه بیشتر جاذبه دیدگاه اول مطرح شد. در این دیدگاه، توسعه به مفهوم رشد و یا توسعه اقتصادی نیست و توسعه‌نیافتگی را در عدم انعطاف نهادی، ساختی و اقتصادی و در تحت سلطه بودن و وابستگی کشورهای جهان سوم به کشورهای توسعه‌یافته می‌داند. در این الگو منابع داخلی و شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه خود مورد توجه قرار می‌گیرد و بر این واقعیت تأکید دارد که چگونه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را تغییر دهد که عوامل بازار بتوانند با فعالیت‌های خود نیازهای داخلی جامعه را تأمین کنند. همچنین برای ارتقای سطوح کیفی زندگی تمامی انسان‌ها تأکید دارند. بنابراین الگوی توسعه درونزا، خودی و داخلی است که با شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه بیگانه نیست و از تقلیدی و الگوپردازی محض و وابستگی به خارج اجتناب دارد و تلاش خود را برای تحقق و توسعه‌ای همگون و متوازن در جامعه به کار می‌بندد.

۱۹. رویکردهای توسعه متوازن

دسته اول از رویکردها به دنبال ایجاد توازن منافع و دستاوردهای حاصل از فرآیند توسعه میان بازیگران مختلف محلی و ذی‌نفعان گوناگون است تا اصولی را ایجاد و دنبال کند که تمام ذی‌نفعان بتوانند حداکثر رضایت را کسب کنند. این رویکرد بر اساس رویکرد اقتصادی استاندارد مبتنی بر نظریه تعادل و هدف آن، حداکثرسازی مطلوبیت ذی‌نفعان بر اساس وجود شرایط عقلانیت کامل و پاسخگویی به نیازهای آنان بدون کاهش در مطلوبیت افراد دیگر است. رویکرد بالا این توانایی را به ما می‌دهد تا مسیری را تعریف کنیم که در آن، ذی‌نفعان مختلف



با هم همراه باشند. در این رویکرد می‌توانیم روش‌های موازی که دارای ابعاد زیست‌محیطی یا شرایط توسعه پایدار باشند، با هم ادغام کنیم. این رویکرد می‌تواند به شکل‌گیری الگویی بر مبنای مذاکره منتج شود که مبتنی بر فرآیندهای مشورتی در توزیع متوازن حقوق و وظایف ذی‌نفعان مختلف محلی و توجه به اهداف و محدودیت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی باشد. از منظر پایداری ضعیف، توسعه نباید منجر به تخلیه و نابودی منابع شود که شامل جانشینی سرمایه‌های طبیعی بوسیله منابع انسانی است. اساس این رویکرد بر نظریه نئوکلاسیک استوار است و روشی که از این نظریه به ذهن متبادر می‌شود، یک رشد یک نوا بر پایه سرمایه و نیروی کار است و در ادامه، این رویکرد با ورود سومین عامل که بیشتر ماهیت فناورانه دارد و در بسیاری از موارد، تحت عنوان سرمایه‌گذاری دانش‌محور یا سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه شناخته می‌شود، گسترش می‌یابد. این رویکرد شامل ارزیابی حجم و نرخ رشد تولید و توجه به این عناصر به صورت موازی با ترکیب بهینه عوامل و تلاش‌های مرتبط با بهره‌وری یا انباشت سرمایه است.

این رویکرد که در بلندمدت احتمال و امکان ریشه‌کن کردن تفاوت‌های بین منطقه‌ای را مدنظر قرار می‌دهد، با موفقیت نسبی همراه شده است که تعبیر نسبی به دلیل محدودیت‌های رویکرد مذکور در خصوص رشد یک نوا و ناتوانی در لحاظ عدم توازن‌هایی است که قبلاً توسط نظریه قطبی شدن یا در رویکرد رشد پایین به بالا نشان داده شده بود. از دهه ۱۹۹۰ به بعد و در قالب نظریه جغرافیای اقتصادی جدید، این موضوع به اندازه کافی دچار تغییر شد و به صورت مؤثری ابعاد مرتبط با رشد نامتوازن و قطبی شدن فعالیت‌ها را در تحلیل فرآیندهای توسعه وارد کرد. توسعه نیازمند گسترش بخش پایه است، زیرا تغییر در این بخش منجر به شکل‌گیری تأثیر ضریب فزاینده کینزی بر اقتصاد محلی به صورت کلی خواهد شد. افزایش درآمد افرادی که در این بخش کار می‌کنند، منجر به افزایش مصرف آن‌ها می‌شود و در نتیجه، تولید بخش داخلی نیز توسعه می‌یابد. این امر منجر به شکل‌گیری چرخه توسعه کامل می‌شود و در این فرآیند، نواحی شهری نقش اصلی را در تولید کالاهای پایه به عهده دارند.

۲۰. رویکردهای توسعه نامتوازن

گروه دوم شامل رویکردهایی است که توافقات بین بازیگران محلی را کاملاً موقتی می‌دانند و فرآیندهای توسعه ایجادکننده نابرابری‌های بین منطقه‌ای خواهد بود که کاهش آن‌ها بسیار مشکل است. در این دیدگاه که مخالف رویکردهای گروه اول است، توسعه در افزایش نابرابری

بین مناطق نقش دارد. این دیدگاه‌ها به وجود نظام‌ها و سیستم‌های محلی و برخوردار از ویژگی‌های مهم در سطوح اقتصادی، نهادی و فنی توجه خاصی دارند و موفقیت یا شکست این سیستم‌ها منجر به شکل‌گیری فرآیندهای نابرابر توسعه می‌شود.

این رویکردها در مطالعات مربوط به تحلیل رشد توسط پروکس^۱ و میردال و سپس هیرشمن^۲ و هیگینز^۳ آغاز شد. ایده اولیه پروکس این بود که توسعه نمی‌تواند در همه مکان‌ها و در یک زمان واحد با شدت یکسان رخ دهد. اثبات این ادعا وجود نواحی و کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای است که برای اولین بار در نظریه رشد قطبی معرفی شد. توسعه بر اساس قطبی شدن فعالیت‌ها شکل می‌گیرد که خود مبتنی بر وجود و استقرار شرکت‌های بزرگ و پویا در مرکز توسعه‌یافته‌ترین مناطق است. این شرکت‌ها و مجتمع‌های صنعتی، ارتباط بین تأمین‌کنندگان و پیمانکاران فرعی را با مشتریان و بازیگران عرصه صنعت برقرار می‌سازند که به نوبه خود منجر به ایجاد و شکل‌گیری قطبی فعالیت‌ها و سرریز ثروت به مناطق خاص به ضرر مناطق کمتر توسعه‌یافته خواهد شد. این تغییرات اغلب با استفاده از روش‌های داده - ستانده نشان داده می‌شود و تا حد زیادی به آزمون فرضیه‌ها در روش‌های توسعه منطقه‌ای و ابزارهای سیاست‌های اقتصادی در منطقه مرتبط است. در مقام بی‌اثر بودن تحلیل‌های مبتنی بر ایده همگرایی نرخ‌های رشد منطقه‌ای و سطوح قدرت اقتصادی، نظریه جغرافیای اقتصادی جدید که توسط کروگمن^۴ (۱۹۹۱) و سایر محققان نظیر فوجیتا و تیسسه^۵ (۱۹۹۷) و اتاویانا و تیسسه^۶ (۲۰۰۴) بیان شد، به احتمال بالای این موضوع که امکان قطبی شدن فضایی و تمرکز فعالیت‌ها وجود دارد، اشاره می‌کنند که می‌تواند یک منطقه را به بهای محرومیت سایر مناطق منتفع سازد. با فرض امکان وجود بازدهی فزاینده در برخی از صنایع و وجود ترجیح مصرف‌کنندگان برای استفاده از برخی محصولات، نظیر جغرافیای اقتصادی جدید احتمال وقوع پدیده واگرایی را نتیجه‌گیری می‌کند که بر تخصیص شدن صنعتی و بنابراین، توانمند شدن برخی از مناطق یا ملت‌ها به ضرر مناطق عموماً کمتر توسعه‌یافته تأکید می‌کند. دلیل توسعه کمتر این مناطق نیز ورود دیر هنگام به تولید کالاهای غیر کشاورزی و غیر سنتی است. جغرافیای اقتصادی جدید به جهان به عنوان یک کل نگاه می‌کند که در آن، فرآیندهای قطبی شدن خصوصاً در شهرهای دارای مزیتی که در آن‌ها، فعالیت‌های کسب و کار کارکنان و مصرف‌کنندگان با همدیگر وجود دارد، در حال افزایش

¹ Perroux

² Hirschmann

³ Higgins

⁴ Krugman

⁵ Fujita and Thisse

⁶ Ottaviano and Thisse



است. بنابراین، الگوی توسعه مبتنی بر گسترش فعالیت‌های مولد غالباً در مقیاس بزرگ و از طریق ارتباط بین فعالیت‌های تولیدی و مصرفی انجام می‌گیرد.

تحلیل‌های مربوط به اقتصاد مسکن، تصویر دیگری از تفاوت‌های بین منطقه‌ای ارائه می‌دهد. با اقتباس از نظریه اقتصاد پایه، به استثنای رویه آن در خصوص روابط متوازن بین بازیگران محلی، این تحلیل‌ها توسعه مناطق را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که از جریان‌های منابع ورودی به منطقه بدون اینکه این مناطق ظرفیت‌های لازم صنعتی یا کشاورزی را برای استفاده از این منابع درآمدی به عنوان پایه‌ای جهت تولید کالاها برای صادرات داشته باشند، از سایر مناطق منتفع شوند. مناطق ساحلی یا مناطق گردشگری به این طبقه‌بندی تعلق دارند، به طوری که از منافع ناشی از هجوم موقتی و دوره‌ای گردشگرانی که در دوره‌های زمانی مختلف در آنجا اقامت دارند، بهره‌مند و با خرید کالاها و خدمات محلی، منجر به تزریق منابع پولی به اقتصاد محلی می‌شوند یا از مخارج پولی انجام گرفته توسط بازنشستگانی که دیگر در فرآیند تولید قرار ندارند و صرفاً منابع مالی خود را در محل اقامت خود هزینه می‌کنند، بهره‌مند می‌شوند، اما بخش پایه از طریق تولید در فرآیند توسعه منطقه مشارکت نداشته و در مقابل از این دو منبع درآمدی خارجی استفاده می‌کند.

این موضوع باعث نوعی انتقال به سمت معیارهای توسعه‌ای متداول شده که توسعه بر پایه اقتصاد خدماتی و مبتنی بر مصرف گروه‌های مهاجرتی موقت شکل گرفته است و معمولاً نیز به ضرر مناطقی رخ می‌دهد که از محل فعالیت‌های تولیدی خود، منافع و درآمدهای بسیار اندکی را کسب می‌کنند.

۲۱. توسعه منطقه‌ای

توسعه منطقه‌ای را می‌توان روندی دانست فراگیر در جهت افزایش توانایی‌های انسانی - اجتماعی بر اساس پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی - اجتماعی در یک منطقه خاص. هیرشمن و میردال از جمله کسانی بودند که کاربردهای مکانی فرایند توسعه را شناختند و برای ایجاد پیوند و ارتباط میان مدل‌های رشد و نظریه‌های توسعه منطقه‌ای، گام‌های مهمی برداشتند. توسعه در سطوح مختلف، خصوصاً منطقه‌ای هم معیاری مناسب در جهت تعیین جایگاه مناطق است و هم نیازمند اعمال ملاحظات خاص در سطح منطقه‌ای و تعیین شرایط سازگاری و انطباق ملی - منطقه‌ای است. به عبارت دیگر، منظور از توسعه یک کشور یا منطقه، افزایش تولید، دسترسی عادلانه همگان به تسهیلات زیربنایی و خدماتی، فرصت‌های شغلی مناسب به کارگیری تکنولوژی جدید و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و مصرف است.

یکی از مهم‌ترین خصایص اقتصاد پویای سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات در میان اکثریت جمعیت هر ناحیه و منطقه یا کشور است. از این رو برنامه‌ریزان از طریق تهیه برنامه‌های محرومیت‌زدایی سعی در کاهش شکاف‌های نابرابری‌ها دارند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای با هدف توسعه و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای از موضوعات مهم در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. عدم توازن در جریان توسعه بین مناطق مختلف موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. بر این اساس مطالعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی منطقه‌ای، یکی از اقدامات پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تامین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای، تحت تأثیر قرار دهد. عدم تعادل‌های منطقه‌ای ممکن است پیامدهای زیان‌باری داشته باشد. مهم‌ترین آثار زیان‌بار آن عبارت‌اند از: وجود تفاوت‌های منطقه‌ای دائمی در استاندارد زندگی که موجب خشم و نارضایتی می‌شود. این مسئله بیشتر از جانب افراد در جست و جوی شغل که انتظار پیدا کردن کار را دارند و افرادی که از نظر استاندارد زندگی فقیر محسوب می‌شوند تقویت می‌شود. دوم؛ سطوح بالا و دائمی بیکاری در مناطق کم‌مزیت که باعث پیامدهای اقتصادی و اجتماعی زیان‌باری می‌شود. سوم؛ تفاوت در رشد اقتصادی مناطق که می‌تواند هزینه‌های اقتصادی جدی را بر رشد سریع مناطق به واسطه تقاضای اضافی برای سرمایه‌های اجتماعی ایجاد کند.

توسعه و توسعه نیافتگی، امروزه یکی از مباحث روز اجتماعات علمی و سیاست‌گذاری است که معیارها و عوامل مختلفی می‌تواند توسعه یک جامعه یا منطقه را تحت تأثیر خود قرار دهد. در ادبیات توسعه، هدف اصلی توسعه، ایجاد برابری پایدار و عدالت اجتماعی در کنار رشد است. نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه امکانات به دلیل سیاست‌های اجرا شده گذشته از مسائل مهمی است که تحت تأثیر مکانیسم‌های حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است. این ناهنجاری و عدم تعادل باعث گسترش اقتصاد دولتی شده و به بخش خصوصی کمتر توجه شده و برنامه‌ریزی‌ها بیشتر در اختیار دولت قرار گرفته است. در این ارتباط از مشارکت مردم کاسته شده و نواحی بزرگ و کوچک در یک کلیت یکپارچه دیده نشده است. با توجه به آنکه شهر، مظهر تعامل انسان‌ها با یکدیگر و محیطی برای ظهور انسان اجتماعی است باید فضایی متعادل را برای رشد و تعالی انسان و جامعه فراهم سازد، امروزه کشورهای در حال توسعه، به منظور تقویت زیربنای اقتصادی و رهایی از وابستگی و عدم تعادل‌های موجود، بیش از هر زمان دیگر نیازمند برنامه‌ریزی و شناسایی امکانات و منابع کشورشان می‌باشند. یقیناً در برنامه‌ریزی رشد و توسعه کشور، شناخت موقعیت و جایگاه مناطق مختلف از مهم‌ترین عوامل



جهت نیل به پیشرفت است. دسترسی به امکانات و منطقه‌بندی صحیح و اصولی، مقوله‌هایی هستند که مدیران شهری برای دستیابی به اهدافی همچون آسایش و زیبایی شهر، آن را سرلوحه مقاصد خود قرار می‌دهند، لذا سطح‌بندی کردن نیازمند بررسی و مطالعه دقیق است. با سطح‌بندی مناطق، اختلافات مکانی، فضایی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آشکار می‌شود. می‌توان گفت الگوی استقرار جمعیت و کانون‌های زیستی از نظام بهره‌گیری متناسب ظرفیت‌ها و استعدادهاى موجود تبعیت نکرده و سیمای اسکان جمعیت، تصویر متعادل و متناسبی را به دست نمی‌دهد.

در کشور ما، در قالب سیاست‌های برنامه‌های پنج ساله توسعه، تلاش‌های زیادی برای تعدیل عدم تعادل‌های توسعه منطقه‌ای صورت گرفته است، اما در برخی موارد، توزیع نامتوازن امکانات، خدمات و فعالیت‌ها و وجود نابرابری‌ها و شکاف توسعه، هم در بین استان‌ها و هم در درون استان‌ها بین بخش‌های مختلف، وجود داشته و همواره به عنوان یکی از موضوعات مورد توجه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و اقتصادی کشور مطرح بوده است. اهمیت و پیچیدگی موضوعات مرتبط با فقر و محرومیت و ارتباط تنگاتنگ آن با فرآیند رشد و توسعه در مناطق محروم از یک سو، و ضرورت توجه به مباحث عدالت فضایی و توسعه متوازن در گستره ملی از سوی دیگر نشان از اهمیت بررسی وضعیت مناطق مختلف از نظر نحوه توزیع خدمات و میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف، محیطی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی و شناخت کمبودها و نارسایی‌ها برای برنامه‌های آینده توسعه دارد؛ در واقع می‌توان عنوان کرد نابرابری فضایی بعدی از تمام نابرابری‌هاست و با توجه به اینکه توزیع نامتعادل منابع و عوامل اقتصادی، استعدادها و قابلیت‌های متفاوتی را در مناطق مختلف به همراه داشته و از آنجا که برنامه‌ریزی به عنوان فرآیند تعیین اقدامات مناسب آتی بر مبنای شناخت وضع موجود و انتخاب بهترین راحل‌ها می‌باشد، تعیین موقعیت و جایگاه مناطق مختلف به‌ویژه از نظر میزان توسعه‌یافتگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعیین و اندازه‌گیری سطح توسعه‌یافتگی می‌تواند از یک طرف موقعیت‌ها و نارسایی‌های موجود را مشخص کند و از طرف دیگر مسئولین و برنامه‌ریزان را قادر می‌سازد تا در سیاست‌گذاری‌ها، اصلاحات لازم را به عمل آورند.

۲۲. روند تاریخی شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه

بدون تردید از زمانی که اقتصاددانان به بررسی مسائل توسعه کشورهای جهان سوم پرداختند، رشد تولید ناخالص ملی به عنوان یکی از شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی کشورها مد نظر بوده و طبقه‌بندی مناطق نیز بر این اساس انجام می‌گرفته است. اما تجربه نشان داده است که علی

رغم رشد اقتصادی در بعضی مناطق، نابرابری درآمد تشدید شده و طبقات پایین درآمدی در کمترین مقدار خود از منافع حاصل از رشد بهره‌مند گردیده‌اند. این امر باعث گردید تا اقتصاددانان در ورای سیاست راهبرد اشتغال و توزیع مجدد درآمد حاصل از رشد، توجه خود را به مسئله رفع فقر مطلق به‌ویژه با تاکید بر نیازهای اساسی انسان معطوف دارند. در این رابطه رفع نیازهای مربوط به خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت موضوع اصلی استراتژی نیازهای اساسی، به عنوان راهبرد توسعه مدنظر است. تحقق چنین اهدافی، اقتصاددانان را بر آن داشت تا با به‌کارگیری برخی شاخص‌های معین، میزان محرومیت‌ها را ارزیابی کرده و سیاست‌های لازم را برای کاهش و رفع محرومیت، به موقع اجرا گذارند و به این ترتیب تعدادی شاخص‌های اجتماعی و انسانی یک جامعه مطرح گردید. این شاخص‌ها سطح توسعه را از نظر بهداشت، تغذیه، مسکن، توزیع درآمد و سایر جنبه‌های توسعه بررسی می‌کردند و در این راستا مطالعاتی بوسیله برخی از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان یونسکو و سازمان ملل انجام گرفت و به این ترتیب شاخص‌های جانشینی برای تولید ناخالص ملی مطرح شدند. همچنین بواسطه مشکلاتی که شاخص‌های درآمد ناخالص ملی، درآمد ناخالص سرانه و رفاه اقتصادی در اندازه‌گیری توسعه داشتند، اقتصاددانان و سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا شاخص‌های اجتماعی توسعه را جهت رتبه‌بندی مناطق بکار گیرند.

اولین گامی که در این زمینه صورت گرفت گزارشی بود که در سال ۱۹۵۴ میلادی، سازمان ملل متحد در مورد تعریف معیارها و سنجش سطوح زندگی توسط گروهی از کارشناسان انتشار داد این گزارش سطح زندگی را به اجزا و شاخص‌هایی تقسیم می‌کرد که چند جزء تشکیل دهنده‌ی آن به صورت ذیل تعریف گردیده است:

بهداشت؛ غذا و تغذیه؛ آموزش و پرورش؛ شرایط کار؛ رضایت اشتغال؛ مصرف کل و پس‌انداز؛ حمل و نقل؛ مسکن و پوشاک.

این گزارش با شناخت این مطلب که، شاخص‌هایی که قرار است پیشرفت هر یک از اجزاء را اندازه‌گیری کنند، در اصل متعدد هستند، ولی در بیشتر کشورها داده‌های اطلاعاتی لازم برای بسیاری از آنها موجود نیست، در صورتی که شاخص‌های دارای اولویت را می‌توان پیشنهاد کرد که عبارت‌اند از:

امید به زندگی در بدو تولد؛ نرخ مرگ و میر نوزادان؛ میانگین ملی تامین مواد غذایی بر حسب کالری مورد نیاز؛ نسبت کودکان پنج تا پانزده سال که در مدارس ثبت نام کرده‌اند؛ درصد باسواد و توزیع آن از لحاظ جنسیت؛ نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی ولی بدون



شغل؛ درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه‌بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی؛ مصرف فردی به صورت نسبی از درآمد ملی و شاخص تغییرات ناشی از آن. این گزارش مبنای بسیاری از کارهای بعدی در این زمینه قرار گرفت و هر کسی با توجه به تعریف و برداشتی که از توسعه در ذهن خود داشته است، شاخص‌هایی متناسب با آن برای اندازه‌گیری سطح توسعه مناطق معرفی کرده است. با توجه به چند بعدی بودن توسعه، از ۱۷۸ شاخص توسعه موجود در مرکز آمار برای ۱۹ گروه مختلف استفاده گردید. این ۱۷۸ شاخص عبارت‌اند از:

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد فرصت شغلی به جمعیت، متقاضیان کار به جمعیت، افراد به کار گمارده شده به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مجاری عرضه سوخت به جمعیت، تعداد نازل بنزین معمولی به جمعیت، تعداد نازل بنزین سوپر به جمعیت، تعداد نازل گازوئیل به جمعیت، توزیع شهرهای گازرسانی شده (درصد)، توزیع روستاهای گازرسانی شده (درصد)، تعداد انشعاب گاز به جمعیت، میزان مصرف گاز به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های معدن

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد معدن به جمعیت، تعداد اشتغال معدن به جمعیت، میزان سرمایه معادن به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های محیط

زیست

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مساحت جنگل به جمعیت، توزیع کود شیمیایی دولتی به جمعیت، توزیع شهرهای دارای تاسیسات آب شرب (درصد)، توزیع شهرهای دارای انشعاب فاضلاب (درصد)، تعداد تصفیه‌خانه‌های فاضلاب به جمعیت، تعداد مشترکان فاضلاب شهری به جمعیت، درصد جمعیت تحت پوشش خدمات جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب شهری، تعداد شهرک‌ها و نواحی صنعتی به جمعیت، مساحت فضای سبز به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های

کشاورزی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد گلخانه به جمعیت، تعداد کشتارگاه به جمعیت، تعداد مراکز عرضه و توزیع واکسن دامی به جمعیت، مقدار تولید گوشت قرمز به جمعیت، مقدار تولید شیر به جمعیت، مقدار تولید گوشت سفید به جمعیت، مقدار تولید تخم مرغ به جمعیت، تعداد زنبورستان به جمعیت، وزن عسل تولیدی به جمعیت، توزیع سطح زیر کشت محصولات زراعی (درصد)، مقدار تولید گندم به جمعیت، مقدار تولید جو به جمعیت، مقدار تولید برنج به جمعیت، مقدار تولید ذرت به جمعیت، مقدار تولید چغندر به جمعیت، مقدار تولید نیشکر به جمعیت، مقدار تولید دانه‌های روغنی به جمعیت، مساحت جنگل کاری به جمعیت، توزیع شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون (درصد)، اشتغال شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون به جمعیت، توزیع شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی (درصد)، اشتغال شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های فرهنگ

و ورزش

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد سالن نمایش موسیقی به جمعیت، تعداد سینما به جمعیت، تعداد سالن سینما به جمعیت، تعداد چاپخانه تحت نظارت اداره فرهنگ به جمعیت، تعداد



کتابخانه عمومی به جمعیت، تعداد جلد کتاب به جمعیت، تعداد مراکز فرهنگی و هنری به جمعیت، تعداد جلد کتاب فرهنگی و هنری موجود در مراکز فرهنگی و هنری به جمعیت، تعداد ورزشکاران دارای بیمه ورزشی به جمعیت، تعداد زائران حج و عتبات عالیات به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های عمران شهری

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد فرهنگسرا به جمعیت، تعداد میادین میوه و تره بار به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های صنعت

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد شرکت‌های تعاونی صنعتی فعال به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی صنعتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی صنعتی به جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی خدماتی فعال به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مساحت به جمعیت، توزیع شهر (درصد)، توزیع جمعیت (درصد).

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های حمل و نقل

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: توزیع تعداد قطعه زمین واگذار شده توسط اداره راه و شهرسازی (درصد)، مساحت زمین واگذار شده توسط اداره راه و شهرسازی به جمعیت، توزیع آزاد راه (درصد)، توزیع بزرگراه (درصد)، توزیع راه بین شهری (درصد)، توزیع راه روستایی آسفالتی



(درصد)، توزیع راه روستایی (درصد)، تعداد تونل به جمعیت، تعداد راه‌دارخانه به جمعیت، تعداد سفر به جمعیت، تعداد مسافر جا به جا شده به جمعیت، تعداد پایانه به جمعیت، وزن بار ورودی به استان (برون استانی) به جمعیت، وزن بار خروجی از استان (برون استانی) به جمعیت، جا به جایی بار درون استانی به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های جمعیت

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ولادت به جمعیت، فوت شدگان به جمعیت، ازدواج به جمعیت، طلاق به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست به جمعیت، تعداد کودکان بی‌سرپرست به جمعیت، تعداد مراکز آسیب‌های اجتماعی به جمعیت، تعداد افراد آسیب‌های اجتماعی به جمعیت، تعداد مراکز توانبخش به جمعیت، تعداد افراد در مراکز توانبخش به جمعیت، تعداد مراکز ترک اعتیاد به جمعیت، تعداد افراد در مراکز ترک اعتیاد به جمعیت، تعداد واحدهای کمیته امداد به جمعیت، تعداد افراد زیر نظر کمیته امداد به جمعیت، تعداد سالمندان مورد حمایت کمیته امداد به جمعیت، تعداد ایتام به جمعیت، مبلغ وام پرداختی کمیته امداد به افراد تحت حمایت به جمعیت، تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش کمیته امداد استفاده‌کننده از خدمات تحصیلی و فرهنگی به جمعیت، تعداد دانشجو تحت پوشش کمیته امداد استفاده‌کننده از خدمات تحصیلی و فرهنگی به جمعیت، درآمدهای کمک شده به کمیته امداد به جمعیت، تعداد افراد خانوارهای شاهد تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران به جمعیت، تعداد جانبازان تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران به جمعیت، تعداد آموزش‌گیرندگان هلال احمر به جمعیت، تعداد افراد تحت پوشش تامین اجتماعی (بیمه شدگان و مستمری‌بگیران) به جمعیت، تعداد بیمه شدگان تحت پوشش بیمه سلامت به جمعیت، تعداد اعضای صندوق بیمه تامین اجتماعی کشاورزان، روستایی و عشایر به جمعیت.



توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: کارکنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی به جمعیت، تعداد پزشک به جمعیت، تعداد پرستار به جمعیت، تعداد بیمارستان به جمعیت، تعداد تخت مصوب به جمعیت، تعداد تخت فعال به جمعیت، تعداد مراکز خدمات سلامت به جمعیت، تعداد آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی به جمعیت، تعداد مراکز توانبخشی به جمعیت، تعداد مراکز پزشکی هسته‌ای به جمعیت، تعداد داروخانه به جمعیت، تعداد درمانگاه به جمعیت، تعداد پایگاه اورژانس به جمعیت، میزان کل اهدای خون به جمعیت، تعداد دامپزشک به جمعیت، تعداد مراکز درمانی دامپزشکی به جمعیت، تعداد داروخانه دامپزشکی به جمعیت.

توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف کنندگان به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف کنندگان به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف کنندگان به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، توزیع تعداد شرکت تعاونی روستایی (درصد)، توزیع شاغلان شرکت روستایی (درصد)، سرمایه شرکت روستایی به جمعیت، توزیع تعداد اتحادیه‌های تعاونی روستایی (درصد)، سرمایه اتحادیه‌های تعاونی روستایی به جمعیت، تعداد اقامتگاه به جمعیت.

توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازار مالی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد شعبه‌های بانکی به جمعیت، تعداد موسسات اعتباری غیربانکی به جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی اعتبار به جمعیت، سرمایه شرکت‌های تعاونی اعتبار به جمعیت، مانده سپرده‌های بانک کشاورزی به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزش

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد دانش‌آموزان به جمعیت، تعداد معلم به جمعیت، تعداد آموزگاران دانشگاهی به جمعیت، تعداد دانشجویان به جمعیت، تعداد دانش‌آموختگان به جمعیت، تعداد مراکز آموزش عالی به جمعیت، تعداد مربیان مراکز آموزش عالی به جمعیت، تعداد آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای به جمعیت، نرخ باسوادی.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های امور قضایی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد دادگاه به جمعیت، تعداد دادرسان به جمعیت، تعداد قتل به جمعیت، تعداد خودکشی به جمعیت، تعداد نزاع به جمعیت، دستگیرشدگان انواع سرقت‌ها به جمعیت، تعداد فوت شدگان تصادفات به جمعیت، تعداد مجروحان تصادفات به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های ارتباطات

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد تلفن ثابت مشغول به کار به جمعیت، ترافیک مرسولات پستی به جمعیت، تعداد صندوق پستی به جمعیت، مرسولات پستی صادر شده درون استانی به جمعیت، مرسولات پستی صادر شده برون استانی به جمعیت، مرسولات پستی صادره به خارج کشور به جمعیت.

توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آب و برق

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد انشعاب آب به جمعیت، تعداد مشترکان برق به جمعیت، مقدار فروش برق به جمعیت.

۲۳. پیشینه تحقیق

آذر و غلامرضایی (۱۳۸۴)، در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی توسعه انسانی استان‌های ایران با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که با توجه به منابع محدود، استان‌های محروم کشور به طور کلی، کارایی بیشتری نسبت به استان‌های برخوردار کشور داشته‌اند.



شکری خانقاه و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی سنجش درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی منطقه غرب استان تهران با استفاده از روش تاکسونومی عددی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شهرستان شهریار در رتبه اول، نظرآباد در رتبه دوم، ساوجبلاغ در رتبه سوم و کرج در رتبه چهارم قرار دارد.

حیدری و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی به تحلیل مقایسه‌ای روش‌های رتبه‌بندی در اندازه‌گیری توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان برای سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۶ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بر اساس روش‌های مختلف، رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خوزستان تغییر پیدا می‌کند و شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۷۹ کاهش رتبه‌ی توسعه‌یافتگی داشته‌اند.

کشاوری و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی شهرستان‌های استان فارس با استفاده از روش تاکسونومی عددی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که خرمبید، توسعه‌یافته‌ترین و کازرون توسعه‌نیافته‌ترین شهر استان فارس است.

سمعی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی از نگاه امام علی علیه السلام پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که توسعه‌ای که مورد تأیید امام علی علیه السلام است از جهت انگیزه و هدف‌نهایی و درجه اهمیت به برخی عوامل توسعه اقتصادی با اقتصاد متعارف، دارای عدم همخوانی و ناسازگاری بسیاری است.

ضرابی و ایزدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی توسعه استان‌های ایران با استفاده از روش ویکور و ۲۲ شاخص پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تهران، توسعه‌یافته‌ترین و قم، توسعه‌نیافته‌ترین استان ایران است.

علی بخشی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با استفاده از روش کپ لند با استفاده از ۷۱ شاخص و برای سال ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شهرستان‌های رامهرمز و باوی به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و توسعه‌نیافته‌ترین شهرستان‌های استان خوزستان هستند.

افصح حسینی و شیخ الاسلامی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی توسعه شهرستان‌های استان لرستان با استفاده از روش تاکسونومی عددی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که ازنا، توسعه‌یافته‌ترین و کوهدشت، توسعه‌نیافته‌ترین شهرستان‌های استان لرستان هستند.

بیون و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی استان کرمان با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره برای سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شهرستان‌های کرمان و رفسنجان رتبه اول و دوم و شهرستان‌های بافت، بردسیر، رودبار جنوب، عنبرآباد، کوهبنان و راور در سطح میانی توسعه‌یافتگی و بقیه شهرستان‌ها در رتبه‌های آخری از سطح توسعه‌یافتگی قرار دارند.

لطفی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه در استان‌های ایران و رتبه‌بندی آن‌ها بر اساس روش تاکسونومی عددی برای بازه زمانی ۱۳۳۸-۱۳۹۷ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که متغیرهای سیاست، بودجه، تولید ناخالص داخلی، جمعیت، میزان سپرده بانکی، تعداد تخت بیمارستان، تعداد پزشک، تعداد دانشجو، نرخ بیکاری، ضریب شهرنشینی و نرخ مشارکت اقتصادی با توجه به جدول‌های مقایسه‌ای به دست آمده از نتایج روش تاکسونومی عددی، بر توسعه استان‌ها بیشترین تاثیر را دارند.

به‌لور مهدی آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی توسعه منطقه‌ای و روند آن در ایران برای بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۵ با استفاده از روش‌های تاکسونومی و تاپسیس پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که علی‌رغم تأکید اسناد بالادستی، سطح توسعه اقتصادی استان‌های کشور نه تنها به سمت توازن بیشتر حرکت نکرده بلکه نامتوازن‌تر نیز شده است و نابرابری موجود میان استان‌ها به سمت واگرایی رفته است. بنابراین سیاست‌گذاری‌ها جهت همگرایی نابرابری موجود میان استان‌ها ناکام بوده‌اند. از این رو، بازنگری سیاست‌گذاری‌ها، توجه به عدم تعادل‌های منطقه‌ای و تلاش برای همگرایی اقتصادی مناطق، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

احمدی و رحمن ستایش (۱۳۹۸)، در پژوهشی به رتبه‌بندی استان‌های کشور ایران بر اساس شاخص‌های توسعه بوسیله مدل‌های تصمیم‌گیری با استفاده از ۲۷ شاخص برای سال ۱۳۹۵ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که استان یزد توسعه‌یافته‌ترین و استان سیستان و بلوچستان محرومترین استان‌ها بودند.

حسنوندیان و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به مقایسه‌ی سنجش سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان لرستان با استفاده از روش‌های ویکور و تاکسونومی عددی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که توزیع امکانات و خدمات بین دهستان‌های این استان به صورت ناهمگن است. به طوری که در روش ویکور، رتبه اول در رتبه‌بندی، مربوط به دهستان شیروان است و به عنوان منطقه توسعه‌یافته توصیف می‌شود. دهستان‌های بازوند و گودرزی نیز رتبه‌های



دوم و سوم را دارند که جزء مناطق در حال توسعه محسوب می‌شوند و در روش تاکسونومی عددی، دهستان بازوند به عنوان منطقه برخوردار و سایر دهستان‌های استان به عنوان مناطق نیمه برخوردار و محروم هستند. همچنین در رتبه‌بندی کلی، استان لرستان بر اساس هر یک از شاخص‌ها دارای توزیع امکانات و خدمات به صورت نامتعادل می‌باشد.

پارسی‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های ایران با استفاده از روش تاپسیس پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تهران، توسعه‌یافته‌ترین استان ایران است و پراکندگی استان‌های محروم بیشتر در نوار مرزی شرق و غرب کشور قرار دارند.

کریمی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی شاخص فرصت‌های توسعه در استان‌های ایران پرداختند. آن‌ها از ۶۹ شاخص توسعه مربوط به بخش‌های فرهنگی اجتماعی، آموزشی، زیربنایی، بهداشتی درمانی، زیست محیطی و اقتصادی و از روش تاپسیس برای رتبه‌بندی استان‌ها استفاده کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تهران، توسعه‌یافته‌ترین و خراسان شمالی، توسعه نیافته‌ترین استان ایران است.

احمدی و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های ایران با استفاده از ۱۷۰ شاخص و روش تاکسونومی عددی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد تهران در رتبه اول قرار دارد و در رتبه دوم، اصفهان و در رتبه سوم، خراسان رضوی قرار دارد. در انتهای استان‌ها هم خراسان شمالی، البرز و سیستان و بلوچستان قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد که ۱۳ استان پایین‌تر از میانگین کشوری (از نظر شاخص Fio) و ۱۸ استان بالاتر از میانگین کشوری (از نظر شاخص Fio) قرار دارند.

جوا و همکاران (۲۰۰۱)، در پژوهشی به بررسی توسعه‌یافتگی مناطق مختلف بلژیک با استفاده از ۳۳ شاخص و روش تحلیل خوشه‌ای پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مناطق مختلف بلژیک از لحاظ توسعه‌یافتگی با هم فرق دارند.

باهاتیا^۲ و رای (۲۰۰۴)، در پژوهشی با استفاده از ۲۳ شاخص و روش تاکسونومی عددی به بررسی توسعه‌یافتگی مناطق مختلف هند پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مناطق مختلف هند به ۴ دسته، توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته و توسعه نیافته تقسیم می‌شود.

¹ Joae and et al

² Bhatia and Rai

راماتو^۱ (۲۰۰۷)، در پژوهشی به بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای کشور غنا برای بازه زمانی ۱۹۹۹-۲۰۰۰ با استفاده از روش تحلیل عاملی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که شکاف توسعه‌یافتگی شمال غنا بیشتر از جنوب آن است.

سالواتی^۲ و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی نابرابری منطقه‌ای در ایتالیا پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که نابرابری منطقه‌ای در ایتالیا وجود دارد.

روزکوسکا^۳ و پرلو (۲۰۱۷)، در پژوهشی با استفاده از مدل تاپسیس، توسعه‌یافتگی شهرهای لهستان را با استفاده از ۹ شاخص بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شهرهای لهستان از لحاظ توسعه‌یافتگی با همدیگر تفاوت محسوسی دارند.

لی^۴ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با استفاده از مدل تاپسیس و آنتروپی شانون شهرهای شمال شرقی چین را برای بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۱۲ و با استفاده از ۲۱ شاخص بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شهرهای شمال شرقی چین از لحاظ توسعه‌یافتگی با همدیگر تفاوت محسوسی دارند.

باکر^۵ و اباحمید (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی نابرابری‌های توسعه در ۱۰ منطقه مراکش با استفاده از ۱۰ شاخص پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مناطق مورد بررسی مراکش به طور یکسان از فرصت‌ها برخوردار نیستند.

زابلینا^۶ (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی نابرابری‌های توسعه مناطق مختلف روسیه با استفاده از شاخص‌های توسعه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مناطق مورد بررسی روسیه به طور یکسان از فرصت‌ها برخوردار نیستند.

¹ Ramatu

² Salvati and et al

³ Roszkowska and Perlo

⁴ Li and et al

⁵ Bakour and Abahamid

⁶ Zabelina

بخش سوم

سیمای شهرستان‌های استان
خوزستان



۱. موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی استان خوزستان

خوزستان، استانی بزرگ در جنوب غربی کشور ایران است. این استان با مساحتی حدود ۶۴۰۵۷ کیلومتر مربع یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور است. در این استان، جاذبه‌های گردشگری مختلفی وجود دارد که سالانه گردشگران زیادی از سراسر کشور برای دیدن آن‌ها می‌آیند. استان خوزستان از سمت شمال با استان لرستان و استان ایلام همسایه است. از سمت شرق با چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد هم‌جوار می‌باشد. همسایه‌ی جنوبی آن نیز استان بوشهر است. در سمت غرب این استان نیز کشور عراق قرار دارد. این استان در قسمت شمالی خود دارای کوه‌های زیبای برفی است و از سمت جنوب به آب‌های بی‌کران خلیج فارس می‌رسد. بر اساس آخرین سرشماری رسمی تاکنون یعنی سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت استان برابر با ۴,۷۱۰,۵۰۹ نفر است. استان خوزستان، استانی بزرگ در جنوب ایران است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، این استان بزرگ، دارای ۳۰ شهرستان است. پایتخت استان خوزستان، شهر اهواز است. شهر اهواز یکی از شهرهای گردشگری و زیبای خوزستان است که از موقعیت جغرافیایی بسیار منحصر به فردی در این استان بهره‌مند است.

شهر اهواز به علت وجود رودخانه کارون به دو قسمت تقسیم شده است که در هر سمت آن مناطق دیدنی و مکان‌های خاص و دیدنی جذابی وجود دارد.



نمودار ۱: نقشه استان خوزستان



جدول ۱: گزیده اطلاعات جمعیتی بر اساس برآورد ۱۴۰۰

شهرستان	جمعیت شهرستان (نفر)	درصد نسبت به کل جمعیت استان
آبادان	۳۲۲۸۰۰	۰.۰۶۴۳۵
آغاجاری	۱۷۹۰۰	۰.۰۰۳۵۶۸
امیدیه	۹۹۵۰۰	۰.۰۱۹۸۳۵
اندیمشک	۱۷۸۵۰۰	۰.۰۳۵۵۸۴
ایذه	۱۸۰۰۰۰	۰.۰۳۵۸۸۳
اهواز	۱۴۲۰۱۰۰	۰.۲۸۳۰۹۵
اندیکا	۴۴۶۰۰	۰.۰۰۸۸۹۱
باغملک	۱۰۵۵۰۰	۰.۰۲۱۰۳۱
باوی	۱۰۶۴۰۰	۰.۰۲۱۲۱۱
بندرماهشهر	۳۲۲۱۰۰	۰.۰۶۴۲۱
بهبهان	۱۹۶۷۰۰	۰.۰۳۹۲۱۲
خرمشهر	۱۸۱۹۰۰	۰.۰۳۶۲۶۱
حمیدیه	۵۹۰۰۰	۰.۰۱۱۷۶۲
دزفول	۴۷۲۹۰۰	۰.۰۹۴۲۷۲
دشت آزادگان	۱۱۴۴۰۰	۰.۰۲۲۸۰۵
دزپارت	۱۸۲۰۰	۰.۰۰۳۶۲۸
رامشیر	۵۸۱۰۰	۰.۰۱۱۵۸۲
رامهرمز	۱۲۰۳۰۰	۰.۰۲۳۹۸۲
شادگان	۱۳۰۵۰۰	۰.۰۲۶۰۱۵
شوش	۱۳۸۹۰۰	۰.۰۲۷۶۸۹
شوشتر	۱۹۶۲۰۰	۰.۰۳۹۱۱۲
صیدون	۲۲۲۴۶	۰.۰۰۴۴۳۵
کارون	۱۰۹۸۰۰	۰.۰۲۱۸۸۸
کرخه	۶۸۹۰۰	۰.۰۱۳۷۳۵



گتوند	۶۷۱۰۰	۰.۰۱۳۳۷۶
لالی	۳۷۷۰۰	۰.۰۰۷۵۱۵
مسجدسلیمان	۱۱۹۱۰۰	۰.۰۲۳۷۴۲
هفتگل	۲۳۰۰۰	۰.۰۰۴۵۸۵
هندیجان	۴۱۰۰۰	۰.۰۰۸۱۷۳
هويزه	۴۳۰۰۰	۰.۰۰۸۵۷۲
جمع	۵۰۱۶۳۴۶	۱

منبع: سازمان مدیریت و برنامه استان خوزستان

توجه: تمامی آمار مربوط به ۳۰ شهرستان استان خوزستان که در این بخش و از صفحات بعد به آنها پرداخته شده است از سالنامه آماری سال ۱۴۰۲ (برگرفته از مرکز آمار ایران) اخذ شده است.



۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ با سواد: ۸۹.۴ درصد
- آموزش مقدماتی: ۶۵۵۵۱ دانش آموز، ۳۳۰ مدرسه و ۲۴۷۳ کلاس درس
- ۴۳۹۸ دانشجو
- بهداشت و درمان: ۹۷ مرکز بهداشتی درمانی، ۵ بیمارستان، ۹۰۴ تخت بیمارستانی ۷ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۱۰ و ۱۳۰۴۹۵ جلد کتاب
- ۱۱۳۷۹ نفر مورد حمایت کمیته امداد

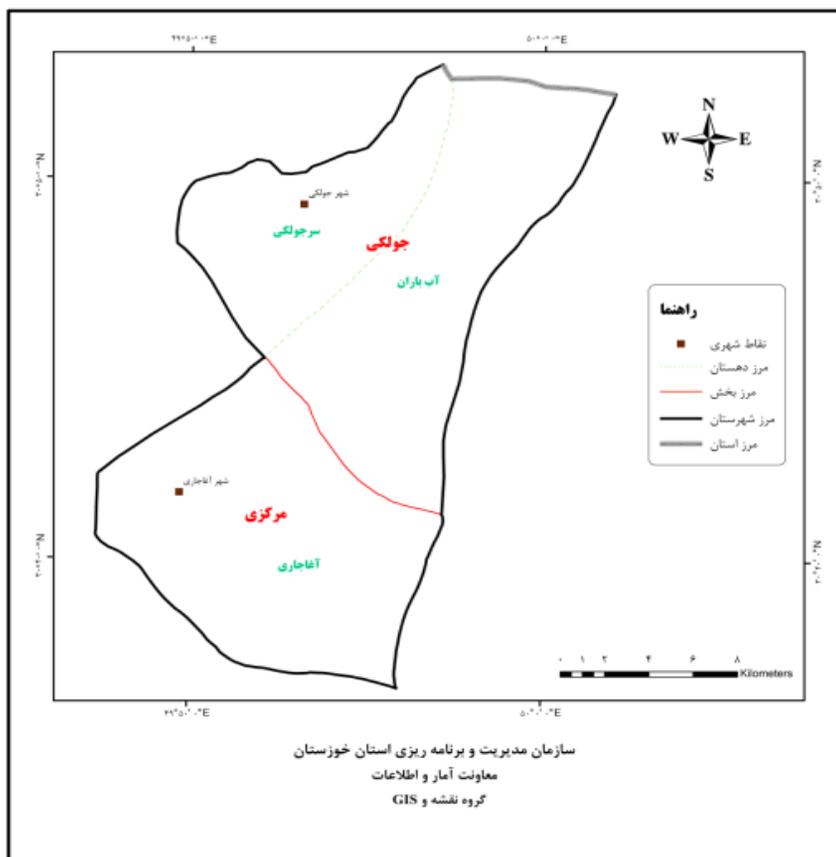
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۱۴۹۵ هکتار اراضی کشاورزی
- کشت باغی: ۴۷۱۱ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۷۸۶۳ سالانه
- صنعت: ۵۵ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۶۷۵ نفر
- معدن *

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۵۱.۶ کیلومتر جاده فرعی، ۱۳۳ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۲۳۱.۶ کیلومتر جاده روستایی آسفالتی و ۲.۸ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۵۶۶۳۵ انشعاب
- برق: ۱۱۷۲۱۵ انشعاب
- آب: ۱۲۴۹۰ انشعاب

شهرستان آغاچاری



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰٫۳۷ درجه شمالی ۴۹٫۴۷ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش، ۲ شهر شامل بخش مرکزی: آغاچاری، بخش جولکی: جولکی
- اقلیم: گرم و خشک



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۶۷.۴۹ درصد شهری و ۳۲.۵۱ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۴۹.۳ درصد مرد و ۵۰.۷ درصد زن

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۶.۶ درصد
- آموزش مقدماتی: ۳۶۹۸ دانش آموز، ۳۸ مدرسه و ۱۹۹ کلاس درس
- ۲۷۹ دانشجو
- بهداشت و درمان: ۹ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۵۰ تخت بیمارستانی متخصص، ۰ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه عمومی ۲ تا و ۳۰۳۱۰ جلد کتاب
- تعداد ۲۸۵۱ نفر تحت حمایت کمیته امداد

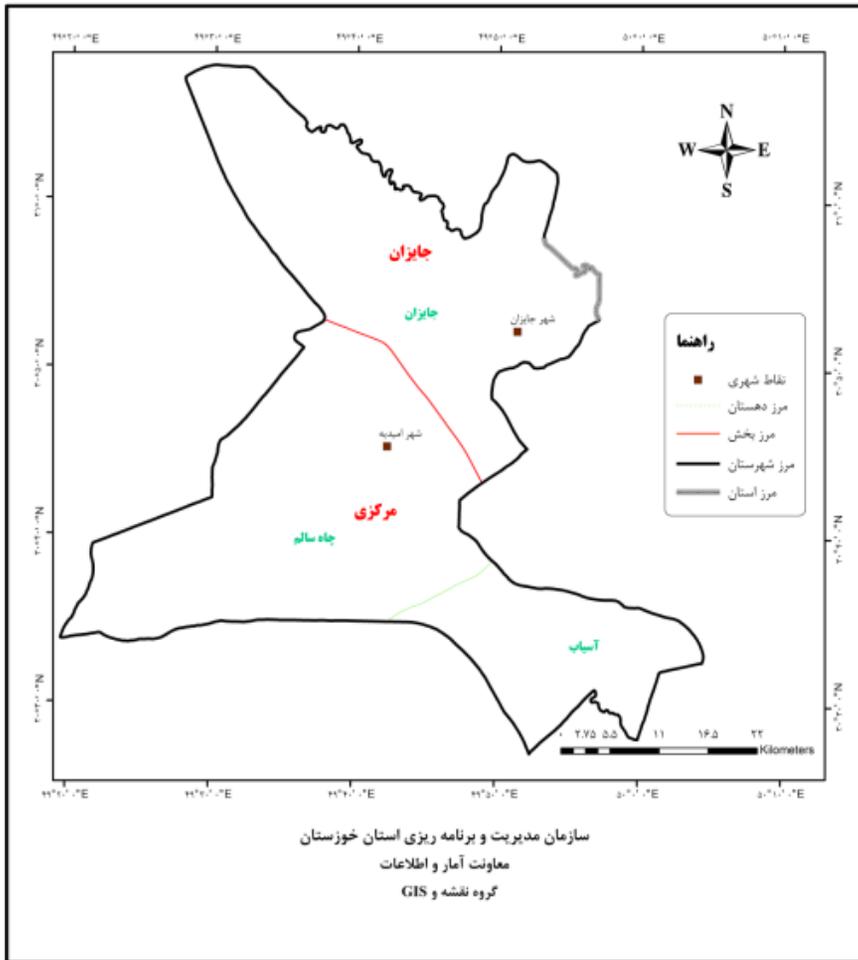
(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۲۰۰۱ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۷ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۲۹۱۵ سالانه
- صنعت: ۳ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۴۴ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۳۰ کیلومتر جاده فرعی، ۴۲.۷ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۲۸.۳ کیلومتر جاده روستایی ۲۸.۳ آسفالت و ۰ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۴۰۸۲ انشعاب
- برق: ۷۷۰۹ انشعاب
- آب: ۶۷ انشعاب

شهرستان امیدیه



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰.۲۷ درجه شمالی ۴۹.۲۰ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش، بخش مرکزی و بخش جایزین
- اقلیم: گرم و خشک



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۷۵.۵۸ درصد شهری و ۲۴.۴۲ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۶ درصد مرد و ۴۹.۴ درصد زن
- خانوار: ۲۵۱۲۳

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۹۰ درصد
- آموزش مقدماتی: ۲۱۰۳۱ دانش آموز، ۱۷۹ مدرسه و ۹۷۰ کلاس درس
- ۱۳ دانشجو
- بهداشت و درمان: ۳۸ مرکز بهداشتی درمانی، ۲ بیمارستان، ۱۲۰ تخت بیمارستانی، ۳ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه عمومی ۳ و تعداد جلد کتاب ۳۹۷۹۸
- تعداد افراد تحت حمایت کمیته امداد ۴۸۶۱

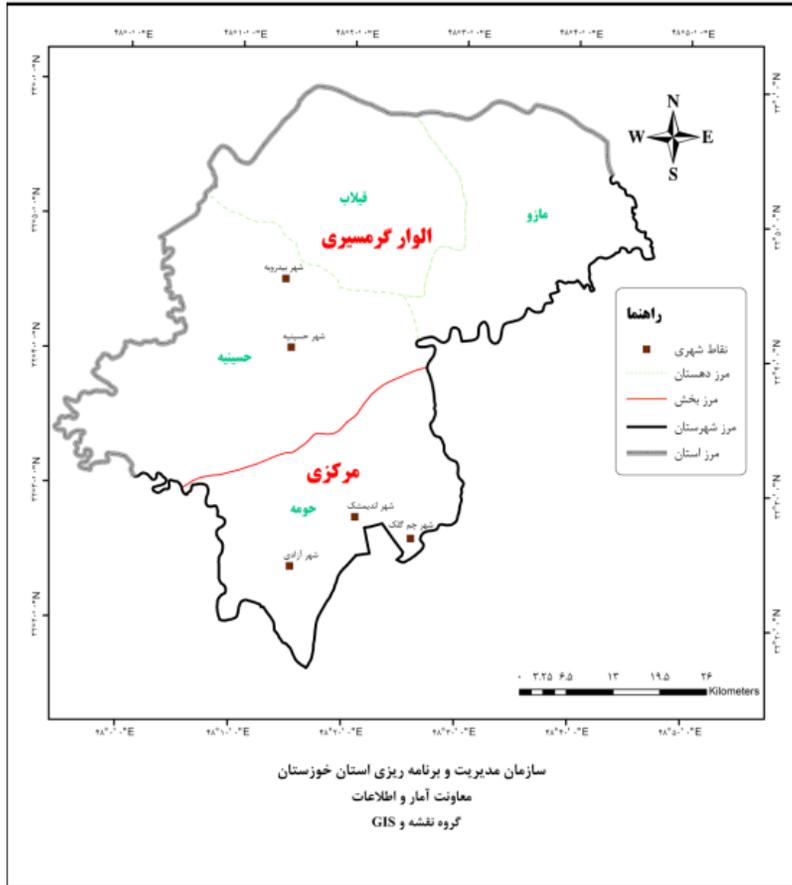
(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۲۶۶۳۶ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۰۵ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۸۱۶۳ سالانه
- صنعت: ۹ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۹۶ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۶۵ کیلومتر جاده فرعی، ۸۱.۴ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۳۱.۸ کیلومتر جاده روستایی ۱۲۸ آسفالته و ۳.۸ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۲۳۶۰۰ انشعاب
- برق: ۳۵۰۳۱ انشعاب
- آب: ۷۲۰۹ انشعاب

شهرستان اندیمشک



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۲ درجه شمال و ۱۷ دقیقه و ۴۷/۵۴ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش، شامل بخش مرکزی و بخش الوار گرمسیری

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۸۷.۳۴ درصد شهری و ۱۲.۶۶ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱.۱ درصد مرد و ۴۸.۹ درصد زن
- خانوار: ۴۸۶۳۶



۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۷.۶ درصد
- آموزش مقدماتی: ۳۱۳۵۱ دانش آموز، ۲۵۷ مدرسه و ۱۴۲۷ کلاس درس
- دانشجویان ۱۸۱۹
- بهداشت و درمان: ۶۵ مرکز بهداشتی درمانی، ۲ بیمارستان، ۱۶۵ تخت بیمارستانی، ۳ خانه بهداشت روستایی
- تعداد کتابخانه ۱۰ و ۱۳۷۷۳۱ جلد کتاب
- ۱۴۰۰۹ نفر تحت حمایت کمیته امداد

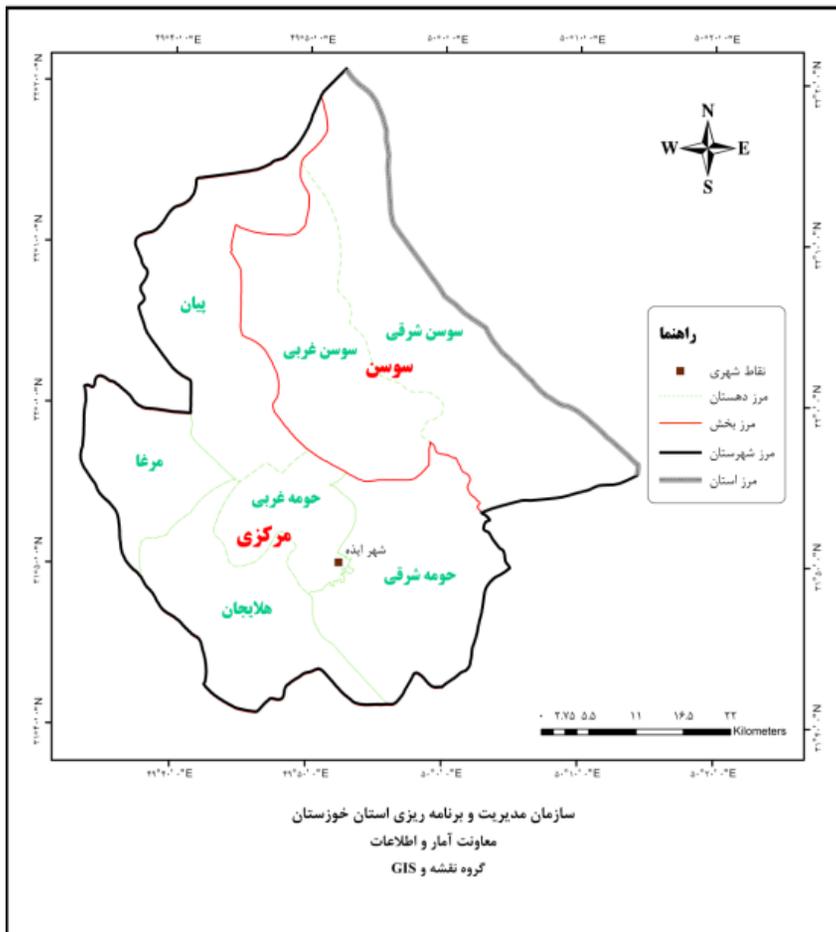
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۶۸۵۰۹ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۴۷۲ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۲۲۰۸۳ سالانه
- صنعت: ۶۳ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۹۱۱ نفر
- معدن ۰

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۹.۴ کیلومتر جاده فرعی، ۸۴.۱ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۴۰۶.۵ کیلومتر جاده روستایی ۳۷۱ آسفالت و ۳۵.۵ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۴۴۹۴۹ انشعاب
- برق: ۵۹۱۸۹ انشعاب
- آب: ۱۷۶۶۹ انشعاب

شهرستان ایذه



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱.۴۰ درجه شمالی ۴۹.۳۳ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش، شامل بخش مرکزی و بخش سوسن
- اقلیم: معتدل



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۶۲.۸ درصد شهری و ۳۷.۲ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن
- خانوار: ۴۸۶۸۲

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۰.۵ درصد
- آموزش مقدماتی: ۳۹۰۵۰ دانش آموز، ۳۷۸ مدرسه و ۱۸۳۴۶ کلاس درس
- دانشجویان ۱۶۳۸
- بهداشت و درمان: ۹۴ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۱۵۰ تخت بیمارستانی، ۱۱ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۶ و ۵۱۵۹۳ جلد کتاب
- ۳۱۸۹۹ نفر تحت حمایت کمیته امداد

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۵۱۶۶۳ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۰۱۱ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۲۷۲۶۳ سالانه
- صنعت: ۸۸ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۵۴۸ نفر
- معدن ۳ با اشتغال ۱۷ نفر

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۶۵ کیلومتر جاده فرعی، ۳۵.۳ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۶۴۲.۹ کیلومتر جاده روستایی ۵۶۳.۸ آسفالتی و ۷۹.۱ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۵۱۰۵۵ انشعاب
- برق: ۶۳۴۶۲ انشعاب
- آب: ۱۸۲۸۰ انشعاب

شهرستان اهواز



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰/۵۴ درجه شمالی ۴۸.۲ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۳ بخش، شامل بخش مرکزی، بخش غیزانیه و بخش اسماعیلیه

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۹۱.۵۴ درصد شهری و ۸.۴۶ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۴ درصد مرد و ۴۹.۶ درصد زن
- خانوار: ۳۶۲۴۸۰



۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۹۱ درصد
- آموزش مقدماتی: ۳۰۶۱۵۶ دانش آموز، ۲۲۵۲ مدرسه و ۱۲۵۵۶ کلاس درس
- دانشجو ۴۴۷۰۹
- بهداشت و درمان: ۱۶۴ مرکز بهداشتی درمانی، ۲۰ بیمارستان، ۴۸۷۸ تخت بیمارستانی، ۸ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۳۰ و ۴۹۲۴۸۴ جلد کتاب

۴) امور اقتصادی و تولیدی:

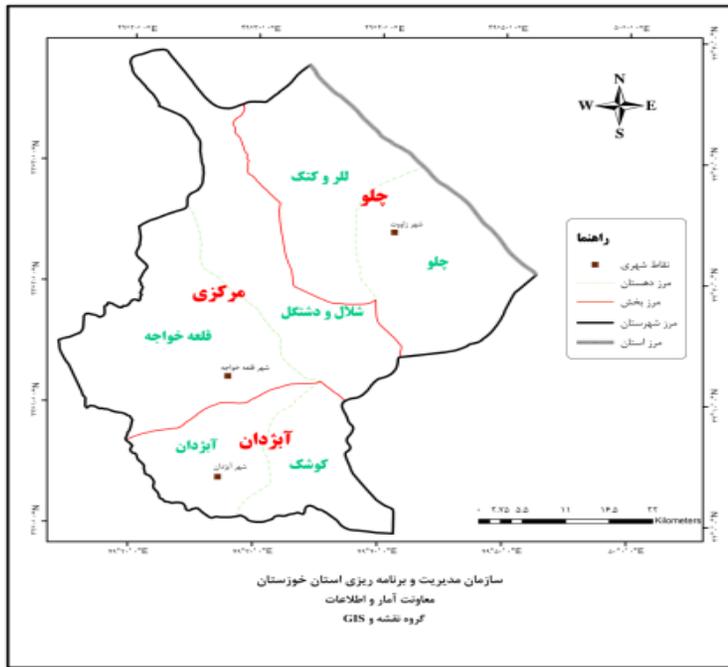
- کشت زراعی: ۱۳۵۶۳۷ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۶۷۷ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۳۵۵۴۴ سالانه
- صنعت: ۳۱۲ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۳۳۹۴ نفر
- معدن ۲ شرکت با ۷ اشتغال

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۱۶۲.۴ کیلومتر جاده فرعی، ۲۵۵.۳ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۴۶۰.۸ کیلومتر جاده روستایی ۳۸۸.۷ آسفالت و ۷۲.۱ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۳۲۱۰۶۲ انشعاب
- برق: ۵۳۸۷۹۳ انشعاب
- آب: ۶۲۰۵۲ انشعاب

شهرستان اندیکا

نقشه تقسیمات کشوری شهرستان اندیکا به تفکیک بخش و دهستان



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: از شمال غرب به لالی از جانب شمال به سردشت دزفول از طرف شمال و شمال شرق به استان چهارمحال و بختیاری از مشرق به ایذه و از جنوب به مسجدسلیمان محدود می‌شود.
- تقسیمات کشوری: ۳ بخش، بخش مرکزی، چلو و آبژدان
- اقلیم: معتدل



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۸.۵۷ درصد شهری و ۹۱.۴۳ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۹ درصد مرد و ۴۹.۱ درصد زن
- خانوار: ۱۱۵۷۸

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷ درصد
- آموزش مقدماتی: ۵۷۳۱ دانش آموز، ۱۶۹ مدرسه و ۴۶۳ کلاس درس
- دانشجویان ۵۹۰
- بهداشت و درمان: ۶۴ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی، ۴ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۴ و ۳۱۰۴۳ جلد کتاب
- ۱۴۵۵۵ نفر تحت حمایت کمیته امداد

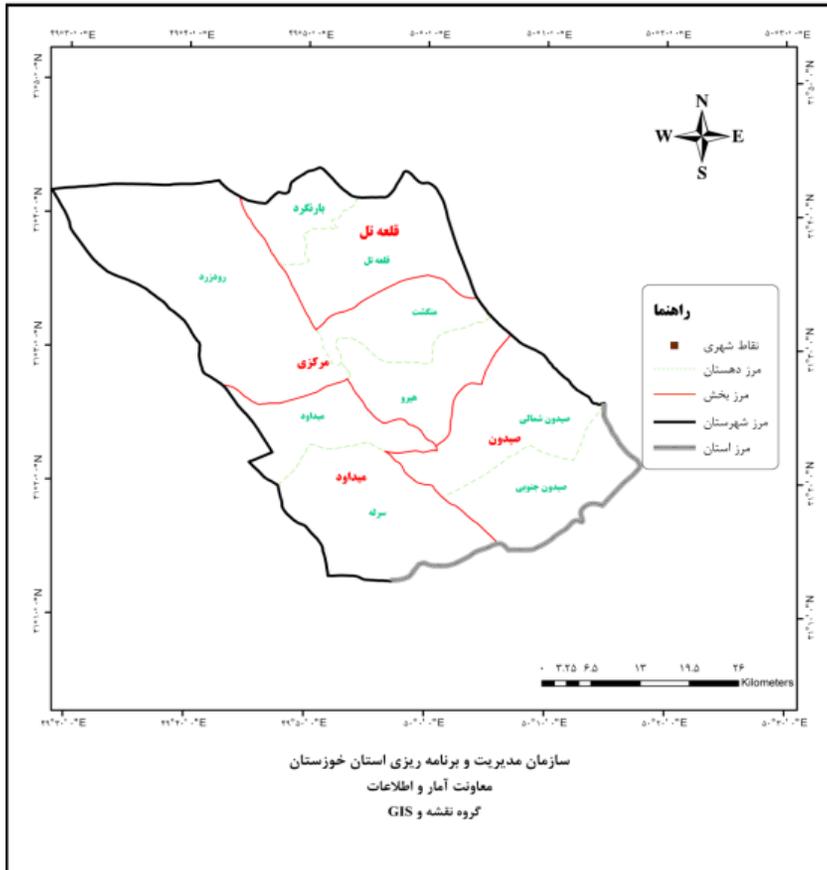
(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۱۹۶۰۱ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۶۹۸ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۸۷۶۵ سالانه
- صنعت: ۳۳ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۲۷۸ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۵۲ کیلومتر جاده فرعی، ۱۱۳.۵ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۵۲۹.۹ کیلومتر جاده روستایی ۳۶۸.۲ آسفالت و ۱۶۱.۷ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۳۷۰۷ انشعاب
- برق: ۱۲۲۴۶ انشعاب
- آب: ۳۶ انشعاب

شهرستان باغملک



(۱) اقلیم و سرزمین:

– موقعیت جغرافیایی: شهرستان باغملک در شرق استان خوزستان می‌باشد؛ این شهرستان از نظر جغرافیایی، در ۴۹ درجه و ۲۹ دقیقه شرقی و ۳۱ درجه و ۱۳ دقیقه پهنای شمالی و در ارتفاع ۹۱۷ متری از سطح دریا واقع شده است.

– تقسیمات کشوری: ۴ بخش، ۳ شامل بخش مرکزی، بخش قلعہ تل، بخش صیدون و

بخش میداود

– اقلیم: معتدل



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۴۵.۷۵ درصد شهری و ۵۴.۲۵ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۸ درصد مرد و ۴۹.۲ درصد زن
- خانوار: ۲۵۸۷۲

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷۹.۱ درصد
- آموزش مقدماتی: ۱۹۸۶۹ دانش آموز، ۳۵۵ مدرسه و ۱۴۸۵ کلاس درس
- دانشجو ۶۴۰
- بهداشت و درمان: ۶۲ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۵۸ تخت بیمارستانی، ۵ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۸ و ۹۳۴۵۸ جلد کتاب
- ۱۴۲۰۵ افراد تحت حمایت کمیته امداد

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۴۷۸۸۷ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ: ۱۴۷۹ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۴۱۴۶۴ سالانه
- صنعت: ۲ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۷ نفر
- صنعت ۲ شرکت با ۲۶ اشتغال

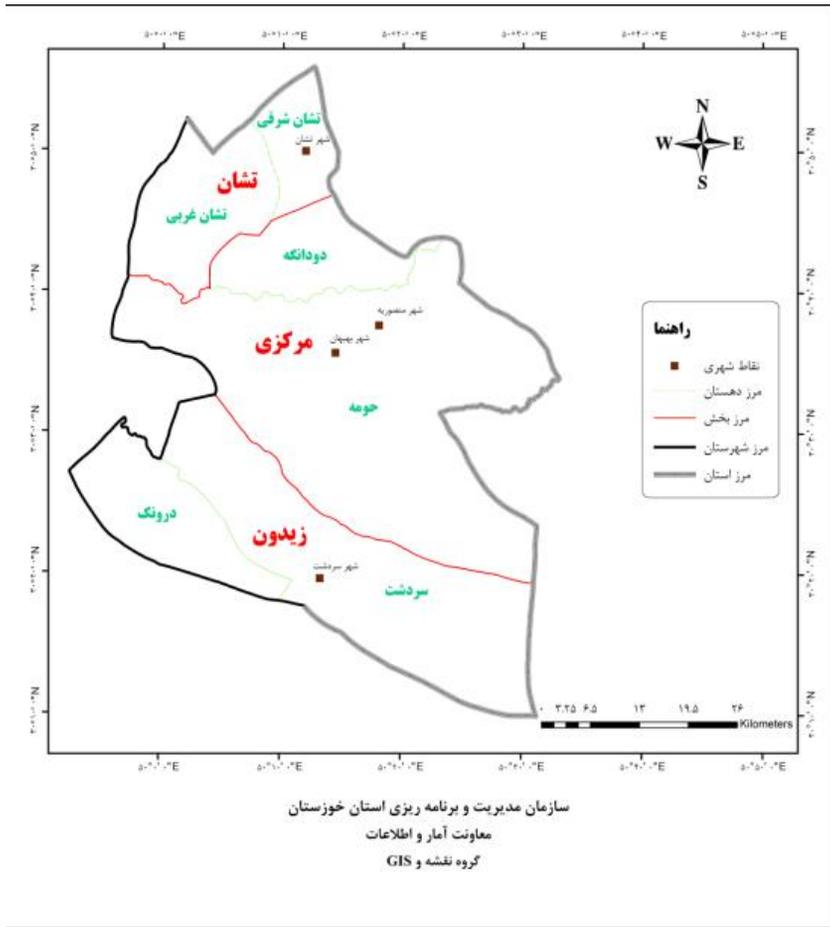
(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۳۶.۷ کیلومتر جاده فرعی، ۴۵.۷ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۴۲۷.۳ کیلومتر جاده روستایی ۴۰۳.۹ آسفالت و ۲۳.۴ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۲۴۷۷۶ انشعاب
- برق: ۲۹۱۷۲ انشعاب
- آب: ۱۶۶۴۱ انشعاب

شهرستان بهبهان



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: شهرستان بهبهان از طرف شمال و شمال شرقی به استان کهگیلویه و بویراحمد و از جنوب به استان بوشهر محدود می‌شود.
- تقسیمات کشوری: ۳ بخش، شامل بخش مرکزی، تشان و بخش زیدون
- اقلیم: معتدل



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۷۷.۱۱ درصد شهری و ۲۲.۸۹ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۹ درصد مرد و ۴۹.۱ درصد زن
- خانوار: ۵۱۸۳۸

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۹ درصد
- آموزش مقدماتی: ۳۶۴۴۸ دانش آموز، ۳۴۰ مدرسه و ۱۷۱۷ کلاس درس
- دانشجو: ۳۶۷۰
- بهداشت و درمان: ۸۰ مرکز بهداشتی درمانی، ۴ بیمارستان، ۶۸۷ تخت بیمارستانی، ۷ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۱۷ و ۲۶۳۰۳۱ جلد کتاب
- ۹۹۵۶ افراد تحت حمایت کمیته امداد

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۷۹۸۶۲ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ: ۱۲۸۳ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۴۳۱۲۶ سالانه
- صنعت: ۷۹ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال - نفر
- معدن: ۵ شرکت با ۲۸ اشتغال

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۹۲.۸ کیلومتر جاده فرعی، ۱۸۸.۱ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۵۹۵.۱ کیلومتر جاده روستایی ۴۶۴۸ آسفالتی و ۱۳۰.۳ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۶۹۲۵۷ انشعاب
- برق: ۹۰۷۸۹ انشعاب
- آب: ۱۳۸۱۲ انشعاب



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۷۱.۵۴ درصد شهری و ۲۸.۴۶ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۴ درصد مرد و ۴۹.۶ درصد زن
- خانوار: ۲۵۵۹۷

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۲.۴ درصد
- آموزش مقدماتی: ۲۶۵۳۹ دانش آموز، ۲۳۹ مدرسه و ۱۱۵۴ کلاس درس
- دانشجو: ۴۱۶۳
- بهداشت و درمان: ۴۴ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی، ۲ خانه بهداشت روستایی
- تعداد ۸ کتابخانه و ۷۴۸۴۳ جلد کتاب
- افراد تحت حمایت کمیته امداد خمینی ۵۲۳۱

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۷۹۴۸۵ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ: ۴۲۴ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۱۶۷۱۹ سالانه
- صنعت: ۳۴ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۲۳۵ نفر
- معدن: ۰

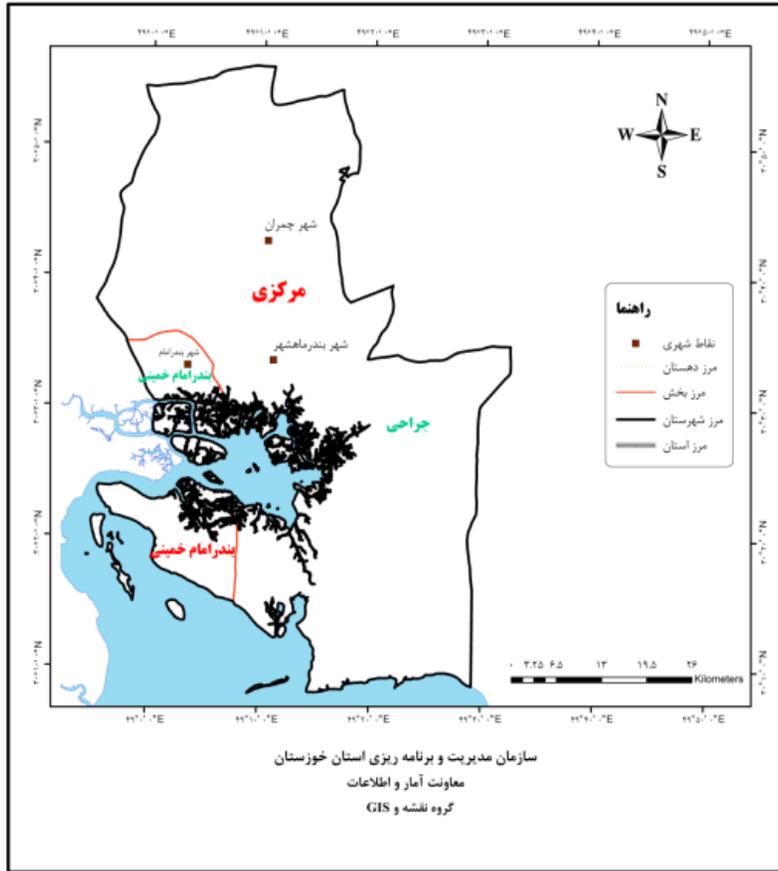
(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۲۴ کیلومتر جاده فرعی، ۳۱ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۲۶۶۸ کیلومتر جاده روستایی ۲۳۸.۹ آسفالتی و ۲۷.۹ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۲۱۶۱۷ انشعاب
- برق: ۲۸۹۷۳ انشعاب
- آب: ۳۲ انشعاب

شهرستان بندرماهشهر



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۶۰ شمالی ۴۸ و ۵۴ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش، شامل بخش مرکزی و بندرامام خمینی
- اقلیم: گرم و مرطوب



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۹۲.۷ درصد شهری و ۷.۳ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۵ درصد مرد و ۴۹.۵ درصد زن
- خانوار: ۸۱۲۱۱

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۹۱ درصد
- آموزش مقدماتی: ۷۰۲۶۲ دانش آموز، ۳۳۷ مدرسه و ۲۶۲۱ کلاس درس
- دانشجو ۱۵۸۵
- بهداشت و درمان: ۴۷ مرکز بهداشتی درمانی، ۴ بیمارستان، ۴۹۶ تخت بیمارستانی، ۹۲۹ نفر پزشک عمومی و متخصص، ۳ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۸ و ۱۲۵۵۳۵ جلد کتابخانه
- ۱۱۴۱۳ افراد تحت حمایت کمیته امداد

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۲۲۲۸۳ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۲۶۴ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۷۵۷۹ سالانه
- صنعت: ۱۱ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۱۸ نفر
- معدن ۰

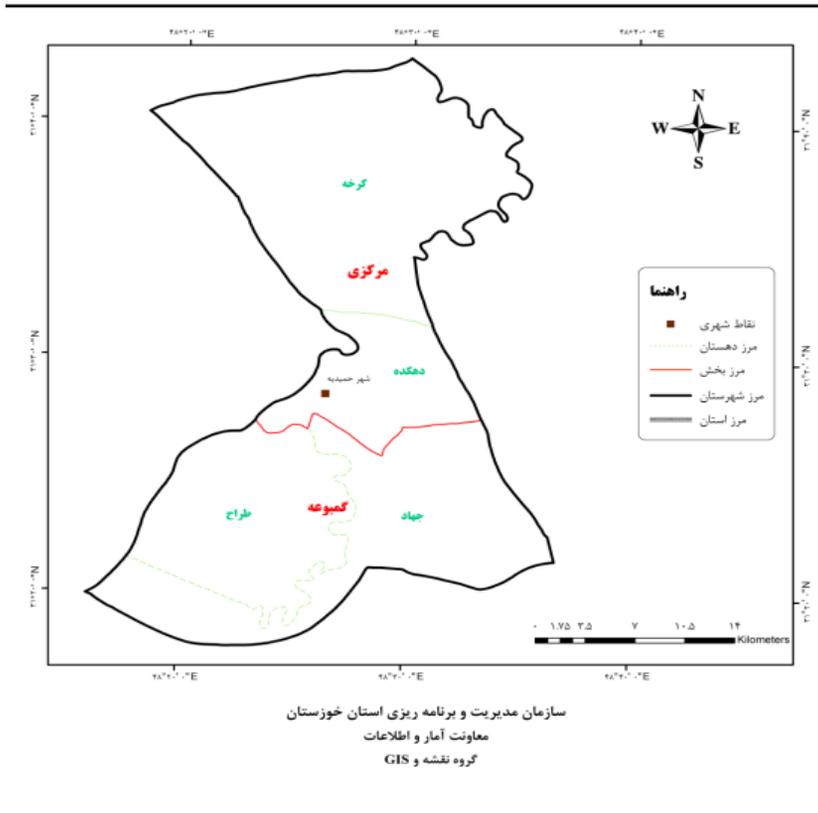
(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۷۵ کیلومتر جاده فرعی، ۳۱.۸ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۶۸.۲ کیلومتر جاده روستایی ۱۶۵.۷ آسفالته و ۲.۵ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۸۲۸۴۱ انشعاب
- برق: ۱۱۷۵۹۶ انشعاب
- آب: ۵۶۰۱ انشعاب

شهرستان حمیدیه



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ و ۱۸ شمالی ۴۸ و ۱۶ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش گمبوعه
- اقلیم: گرم و مرطوب

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۴۱.۰۳ درصد شهری و ۵۸.۹۷ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱.۳ درصد مرد و ۴۸.۷ درصد زن
- خانوار: ۱۳۵۹۸



(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷۰.۴ درصد
- آموزش مقدماتی: ۱۴۴۴۰ دانش آموز، ۱۳۵ مدرسه و ۶۹۳ کلاس درس
- بهداشت و درمان: ۲۶ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی، ۴ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۲ و ۱۶۸۵۴ جلد کتاب
- تعداد ۵۴۴۴ افراد تحت حمایت کمیته امداد

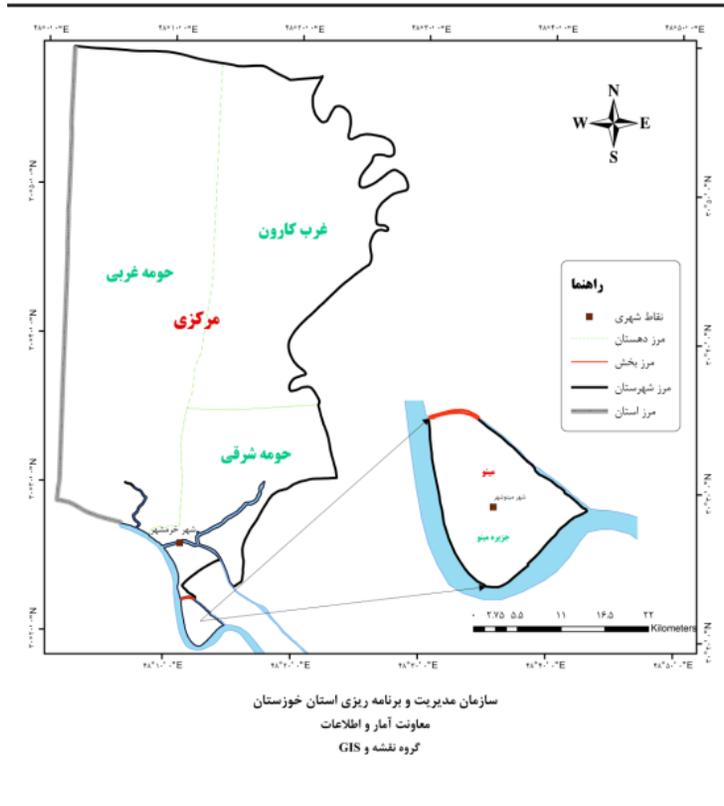
(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۵۴۰۹۲ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ: ۱۳۳ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۱۲۹۱۴ سالانه
- صنعت: ۲ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۴ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۱۴ کیلومتر جاده فرعی، ۲۴ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۵۵.۱ کیلومتر جاده روستایی ۱۴۵ آسفالت و ۱۰.۱ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۱۰۶۹۳ انشعاب
- برق: ۱۶۲۸۴ انشعاب
- آب: ۱۳۹ انشعاب

شهرستان خرمشهر



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۱۹ شمالی و ۴۸ و ۱ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش مینوشهر
- اقلیم: گرم و مرطوب

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۷۹.۱۴ درصد شهری و ۲۰.۸۶ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۴۹.۸۵ درصد مرد و ۵۰.۱۵ درصد زن
- تراکم جمعیت: ۸۵.۴۴ نفر در هر کیلومتر مربع



- خانوار: ۴۷۳۸۰

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ با سواد: ۸۷.۴ درصد
- آموزش مقدماتی: ۴۱۲۷۶ دانش آموز، ۲۲۳ مدرسه و ۱۵۸۹ کلاس درس
- دانشجو ۴۳۷۲
- بهداشت و درمان: ۵۸ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۲۴۰ تخت بیمارستانی، ۳ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۷ و تعداد ۸۴۳۹۴ جلد کتاب
- تعداد ۷۱۲۸ نفر تحت حمایت کمیته امداد

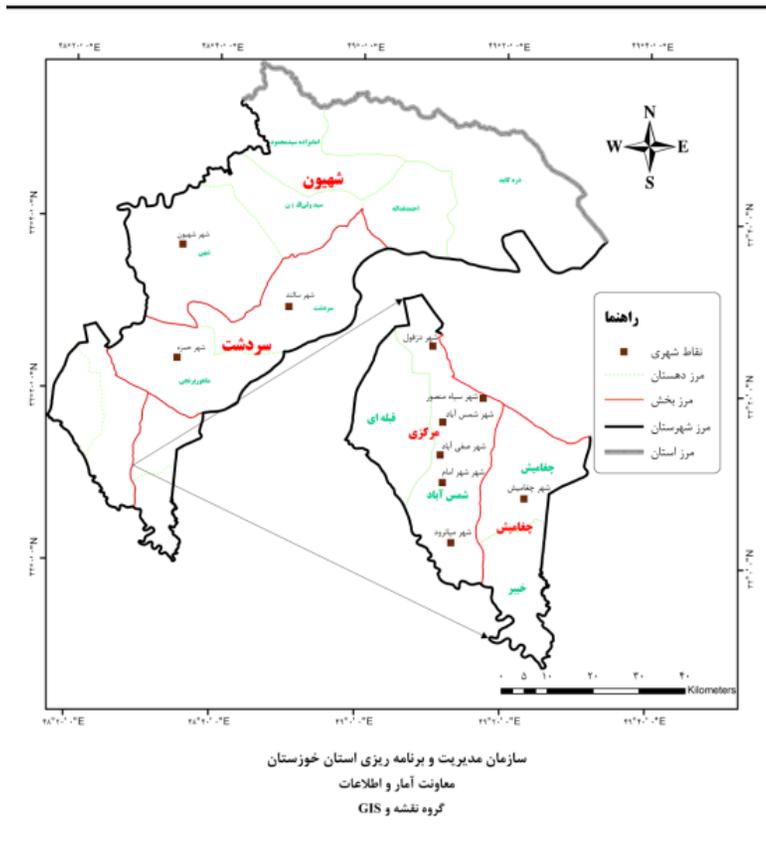
(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۳۵۵۵۴ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ: ۱۱۰۵ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۱۰۶۲۹ سالانه
- صنعت: ۱۶ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۴۵ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۲۶.۱ کیلومتر جاده فرعی، ۱۸۱.۴ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۸۱.۲ کیلومتر جاده روستایی ۱۵۷.۱ آسفالت و ۲۴.۱ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۳۸۱۹۶ انشعاب
- برق: ۵۳۹۷۵ انشعاب
- آب: ۷۲۴۳ انشعاب

شهرستان دزفول



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه شرقی و پهنای جغرافیایی ۳۲ درجه و ۰ دقیقه شمالی
- تقسیمات کشوری: ۴ بخش شامل بخش مرکزی، بخش چغامیش، بخش سردشت و بخش شهیون
- اقلیم: گرم و معتدل



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۷۲.۷۵ درصد شهری و ۲۷.۲۵ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱.۸ درصد مرد و ۴۸.۲ درصد زن
- خانوار: ۱۲۵۳۵۱

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۷.۳ درصد
- آموزش مقدماتی: ۸۶۲۳۹ دانش آموز، ۵۴۸ مدرسه و ۳۳۹۳ کلاس درس
- دانشجو ۸۸۰۸
- بهداشت و درمان: ۱۳۲ مرکز بهداشتی درمانی، ۴ بیمارستان، ۱۰۷۱ تخت بیمارستانی، ۶ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه عمومی ۲۷ و ۳۸۰۳۷۹ جلد کتاب
- افراد مورد حمایت کمیته امداد ۲۱۶۶۹

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۱۳۰۱۱۶ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ: ۴۶۹۵ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۶۹۸۶۰ سالانه
- صنعت: ۴۶ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۶۴۸ نفر
- معدن ۱ شرکت با ۱۲ اشتغال

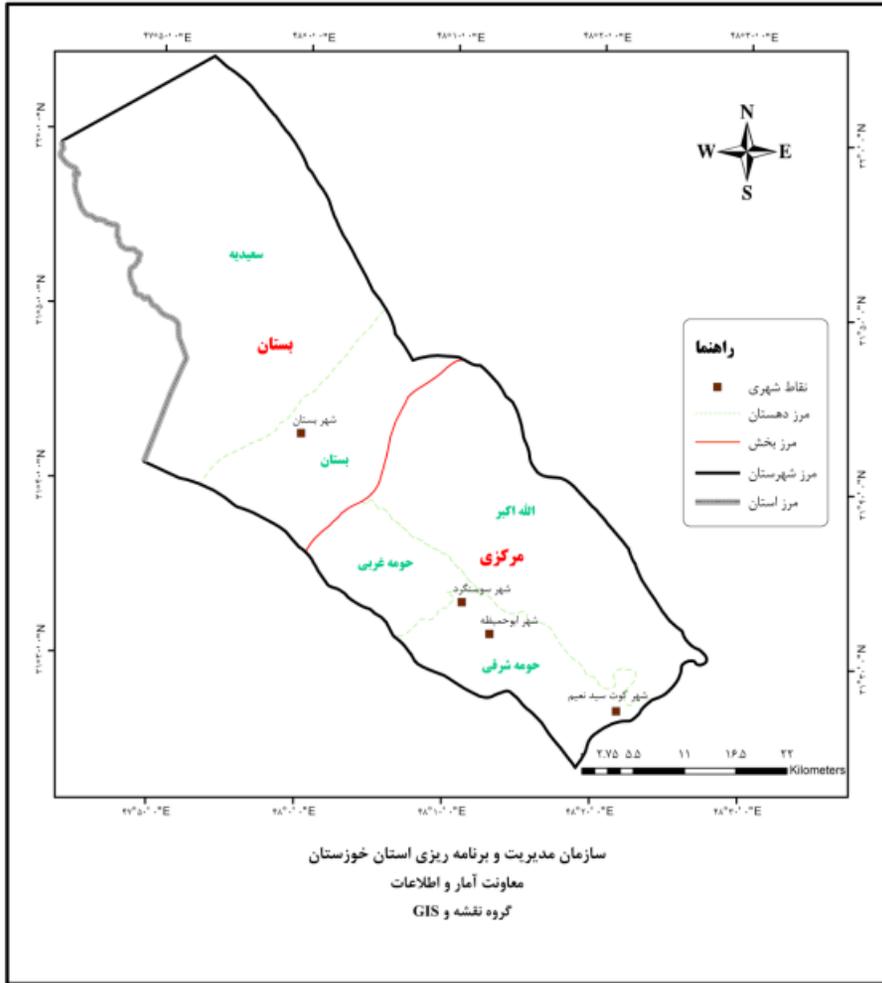
(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۴۰.۳ کیلومتر جاده فرعی، ۱۳۵.۱ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۵۷۳.۵ کیلومتر جاده روستایی ۴۳۷.۲ آسفالت و ۱۳۶.۳ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۱۲۰۹۷۸ انشعاب
- برق: ۱۷۰۴۵۵ انشعاب
- آب: ۱۹۵۴۷ انشعاب

شهرستان سوسنگرد (دشت آزادگان)



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ درجه شمالی ۴۷ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش بستان
- اقلیم: گرم و مرطوب



۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۶۴.۷۸ درصد شهری و ۳۵.۲۲ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۶ درصد مرد و ۴۹.۴ درصد زن
- خانوار: ۲۶۵۵۸

۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷۷.۵ درصد
- آموزش مقدماتی: ۲۸۶۵۹ دانش آموز، ۲۳۰ مدرسه و ۱۲۹۹ کلاس درس
- دانشجو: ۱۷۹۰
- بهداشت و درمان: ۵۴ مرکز بهداشتی درمانی، ۳ بیمارستان، ۳۳۴ تخت بیمارستانی، ۴ خانه بهداشت روستایی
- تعداد ۱۰ کتابخانه و ۸۴۲۶۶ جلد کتاب
- تعداد ۱۱۷۳۱ افراد مورد حمایت کمیته امداد

۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۶۴۶۵۴ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۶۲۱ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۳۴۶۵۶ سالانه
- صنعت: ۵۴ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۵۲۰ نفر
- معدن ۱ شرکت با اشتغال

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: جاده درون شهری، ۷۱ کیلومتر جاده فرعی، ۶۰.۳ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۲۳۵ کیلومتر جاده روستایی ۱۸۰.۵ آسفالت و ۵۴.۵ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۲۴۴۱۸ انشعاب
- برق: ۳۱۷۹۲ انشعاب
- آب: ۹۹۴۵ انشعاب

شهرستان دزپارت



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ درجه شمالی ۴۹ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش قارون
- اقلیم: گرم و مرطوب

(۲) جمعیت و نیروی انسانی



۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- آموزش مقدماتی: ۳۶۳۸ دانش آموز، ۱۱۵ مدرسه و ۲۹۳ کلاس درس
- دانشجو ۷
- بهداشت و درمان: ۲۹ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی ۲ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۱ و ۹۳۶۹ جلد کتاب
- تعداد ۴۷۷۶ افراد مورد حمایت کمیته امداد

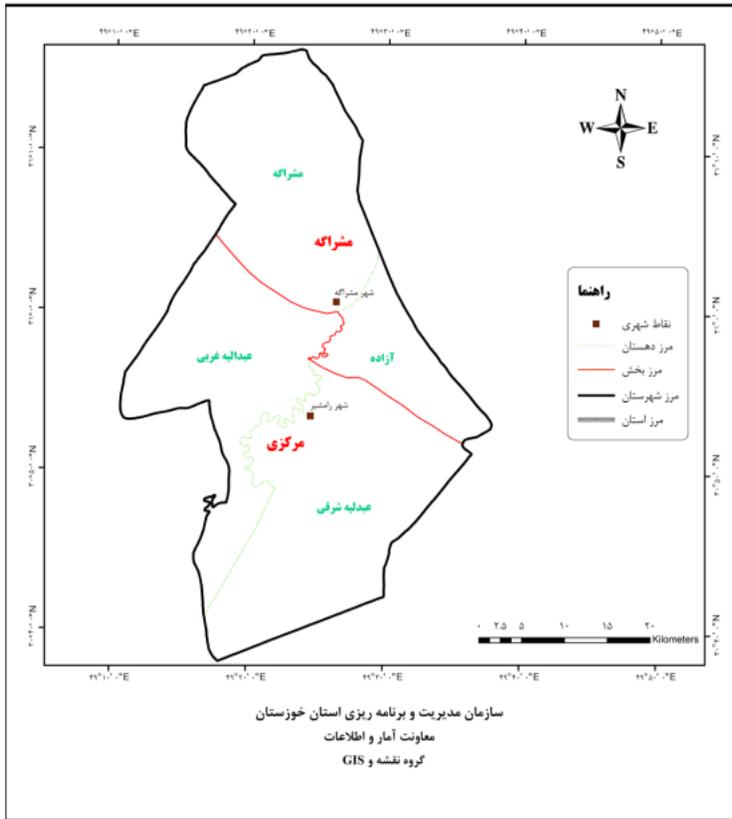
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۱۰۴۸۲ هکتار اراضی کشاورزی
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۰ سالانه
- صنعت: ۰ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۰ نفر
- معدن ۰

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۰ کیلومتر جاده فرعی، ۶۲.۳ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۴۹.۸ کیلومتر جاده روستایی ۱۱۵.۲ آسفالت و ۳۴.۶ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۴۴۴۶ انشعاب
- برق: ۵۷۵۳ انشعاب

شهرستان رامشیر



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۳۸ شمالی و ۴۹ و ۱۱ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش مشراکه
- اقلیم: گرم و مرطوب

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۵۰.۱۹ درصد شهری و ۴۹.۸۱ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۷ درصد مرد و ۴۹.۳ درصد زن
- خانوار: ۱۴۱۱۳



۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۳٫۸ درصد
- آموزش مقدماتی: ۱۲۹۳۱ دانش آموز، ۱۵۸ مدرسه و ۶۴۴ کلاس درس
- دانشجو ۴۵۸
- بهداشت و درمان: ۲۹ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۴۴ تخت بیمارستانی، ۱ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۴ و ۴۲۴۰۴ جلد کتاب
- افراد مورد حمایت کمیته امداد ۲۸۱۰

۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۴۴۰۰۷ اراضی کشاورزی
- باغ ۲۸۲
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۹۳۲۰ سالانه
- صنعت: ۹ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۶۴ نفر
- معدن ۱ شرکت اشتغال

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۶۳ کیلومتر جاده فرعی، ۶۹٫۱ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۴۰۵۸ کیلومتر جاده روستایی ۳۰۷۸ آسفالت و ۹۸ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۱۳۰۰۹ انشعاب
- برق: ۱۸۳۹۳ انشعاب
- آب: ۷۸۰۶ انشعاب

شهرستان رامهرمز



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۵۸ شمالی و ۴۹ و ۱۶ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۴ بخش شامل بخش مرکزی، بخش ابوالفارس، بخش رودزرد و بخش سلطان آباد

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۶۵.۳ درصد شهری و ۳۴.۷ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۷ درصد مرد و ۴۹.۳ درصد زن
- خانوار: ۳۰۵۹۱



(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۵.۵ درصد
- آموزش مقدماتی: ۲۷۹۲۶ دانش آموز، ۲۷۱ مدرسه و ۱۲۹۸ کلاس درس
- دانشجو ۹۳۳
- بهداشت و درمان: ۶۲ مرکز بهداشتی درمانی، ۲ بیمارستان، ۲۱۱ تخت بیمارستانی، ۲ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۷ و جلد کتاب ۹۳۶۸۰
- ۶۲۵۱ افراد تحت حمایت کمیته امداد

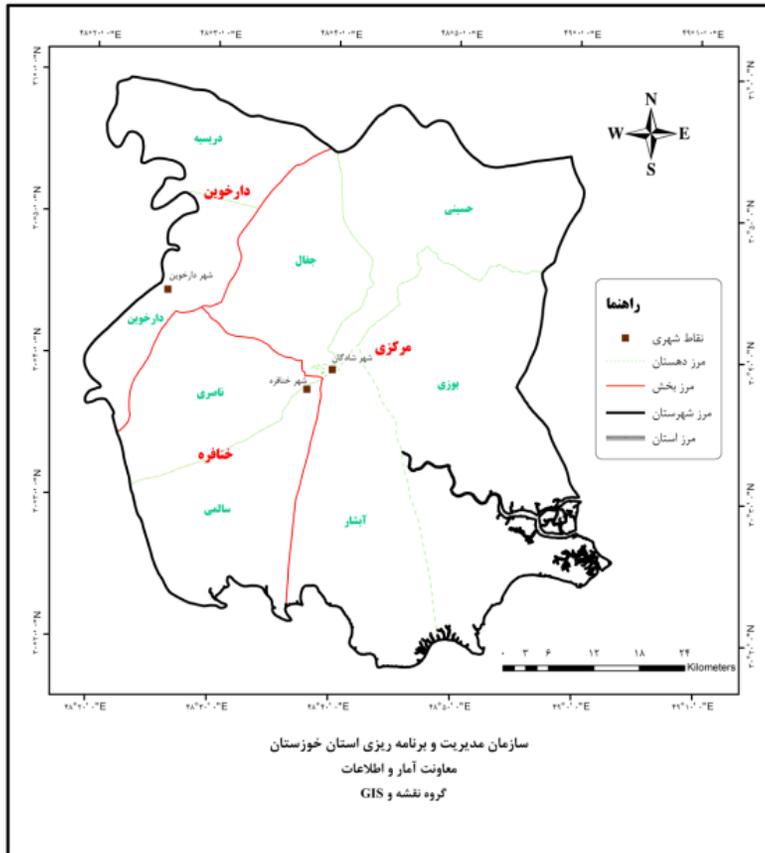
(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۶۳۲۱۱ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۴۵۴ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۲۸۶۸۲ سالانه
- صنعت: ۱۰۴ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۹۳۲ نفر
- معدن ۲ و اشتغال ۱۶

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۴۲ کیلومتر جاده فرعی، ۹۰.۴ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۵۳۳ کیلومتر جاده روستایی ۵۲۱ آسفالتی و ۱۲ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۳۷۸۱۹ انشعاب
- برق: ۴۹۴۵۸ انشعاب
- آب: ۱۲۲۴۱ انشعاب

شهرستان شادگان



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۱۸ شمالی و ۴۸ و ۱۹ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۳ بخش شامل بخش مرکزی، بخش دارخوین و بخش خانافره
- اقلیم: گرم و مرطوب

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۳۷ درصد شهری و ۶۳ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۸ درصد مرد و ۴۹.۲ درصد زن



- خانوار: ۳۶۰۳۱

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷۴.۱ درصد
- آموزش مقدماتی: ۳۸۴۴۰ دانش آموز، ۳۳۸ مدرسه و ۱۸۰۸ کلاس درس
- دانشجو ۱۰۱۸
- بهداشت و درمان: ۹۸ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۱۳۳ تخت بیمارستانی، ۱۲ خانه بهداشت روستایی
- تعداد کتابخانه ۴ و ۷۲۲۰۴ جلد کتاب
- ۱۱۱۶۲ افراد تحت حمایت کمیته امداد

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۵۲۸۹۱ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۲۴۶۱
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۳۲۷۴۴ سالانه
- صنعت: ۱۶ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۲۲ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۶۵ کیلومتر جاده فرعی، ۶۰.۶ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۵۱۶.۵ کیلومتر جاده روستایی ۴۸۶.۹ آسفالته و ۲۹.۶ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۲۸۶۰۹ انشعاب
- برق: ۳۹۱۳۴ انشعاب
- آب: ۱۵۹۹۴ انشعاب



شهرستان شوش



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ و ۵۴ شمالی ۴۷ و ۴۰ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش فتح المبین
- اقلیم: گرم

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۵۱ درصد شهری و ۴۹ روستایی



- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۹ درصد مرد و ۴۹.۱ درصد زن

- خانوار: ۵۵۱۹۴

۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷۹.۳ درصد

- آموزش مقدماتی: ۳۰۸۴۷ دانش آموز، ۲۵۷ مدرسه و ۱۳۳۲ کلاس درس

- دانشجو ۱۱۸۰

- بهداشت و درمان: ۵۸ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۲۳۳ تخت بیمارستانی، ۹ خانه

بهداشت روستایی

- کتابخانه ۸ و ۱۰۵۸۸۳ جلد کتاب

- ۴۸۹۹ افراد تحت حمایت کمیته امداد

۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۱۱۲۵۰۰ هکتار اراضی کشاورزی

- باغ ۸۱۰ هکتار

- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۳۸۸۲۵ سالانه

- صنعت: ۸۰ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۸۸۸ نفر

- معدن ۰

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۱۱۳.۳ کیلومتر جاده فرعی، ۷۵ کیلومتر جاده اصلی

- راه روستایی: ۴۵۶.۳ کیلومتر جاده روستایی ۴۳۶.۵ آسفالت و ۱۹.۸ کیلومتر جاده روستایی

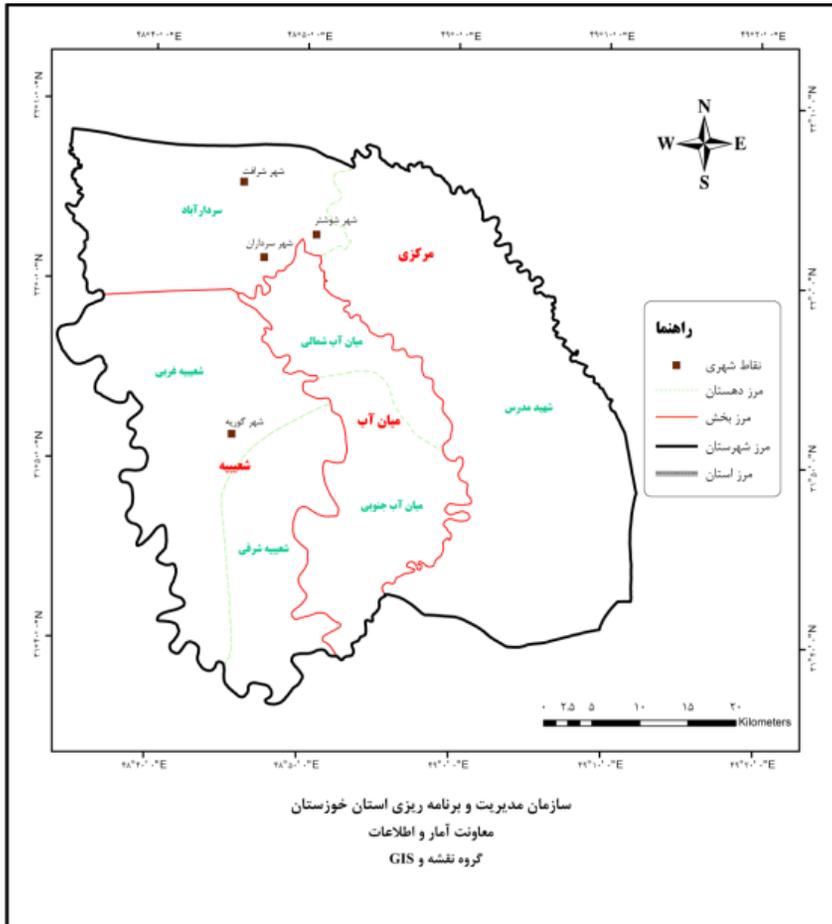
شوسه

- گاز: ۳۴۵۶۱ انشعاب

- برق: ۴۴۲۶۴ انشعاب

- آب: ۱۵۹۱۷ انشعاب

شهرستان شوشتر



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ و ۳۶ شمالی و ۴۸ و ۳۴ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۳ بخش شامل بخش مرکزی، بخش شغیبه و بخش میان آب

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۶۳.۴۱ درصد شهری و ۳۶.۵۹ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱.۲ درصد مرد و ۴۸.۸ درصد زن



- خانوار: ۵۰۸۷۸

۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۵.۳ درصد
- آموزش مقدماتی: ۴۲۵۱۳ دانش آموز، ۳۳۷ مدرسه و ۱۸۹۴ کلاس درس
- ۳۲۸۲ دانشجوی
- بهداشت و درمان: ۹۷ مرکز بهداشتی درمانی، ۳ بیمارستان، ۳۳۱ تخت بیمارستانی ۱۱ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۱۰ و ۱۰۲۵۷۴ جلد کتاب
- افراد تحت حمایت کمیته امداد ۶۶۱۳

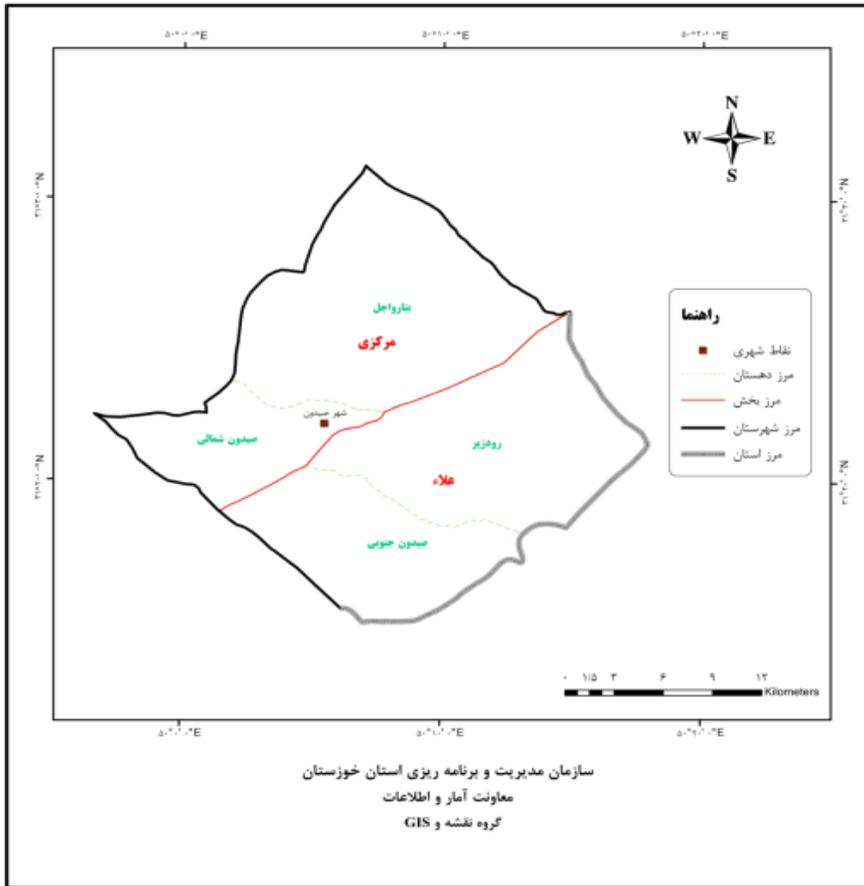
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۱۴۹۰۹۷ اراضی کشاورزی
- باغ ۵۸۸ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۲۹۹۸۳ سالانه
- صنعت: ۲۱ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۳۵ نفر
- معدن ۰

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۴۸.۹ کیلومتر جاده فرعی، ۱۵۴ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۵۱۰.۵ کیلومتر جاده روستایی ۴۶۴.۲ آسفالته و ۴۶.۳ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۵۳۴۷۸ انشعاب
- برق: ۷۰۸۱۵ انشعاب
- آب: ۱۴۲۸۷ انشعاب

شهرستان صیدون



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ و ۱۵ درجه شمالی و ۴۹ و ۵۷ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش، بخش مرکزی و بخش علاء

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- فاقد توزیع مکانی و جمعیتی در مرکز آمار



۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- آموزش مقدماتی: ۵۳۸۸ دانش آموز
- بهداشت و درمان: ۱۵ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی، ۶ نفر پزشک عمومی و متخصص، ۰ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۱ و ۱۲۱۸ جلد کتاب
- افراد تحت حمایت کمیته امداد ۷۲۶۳

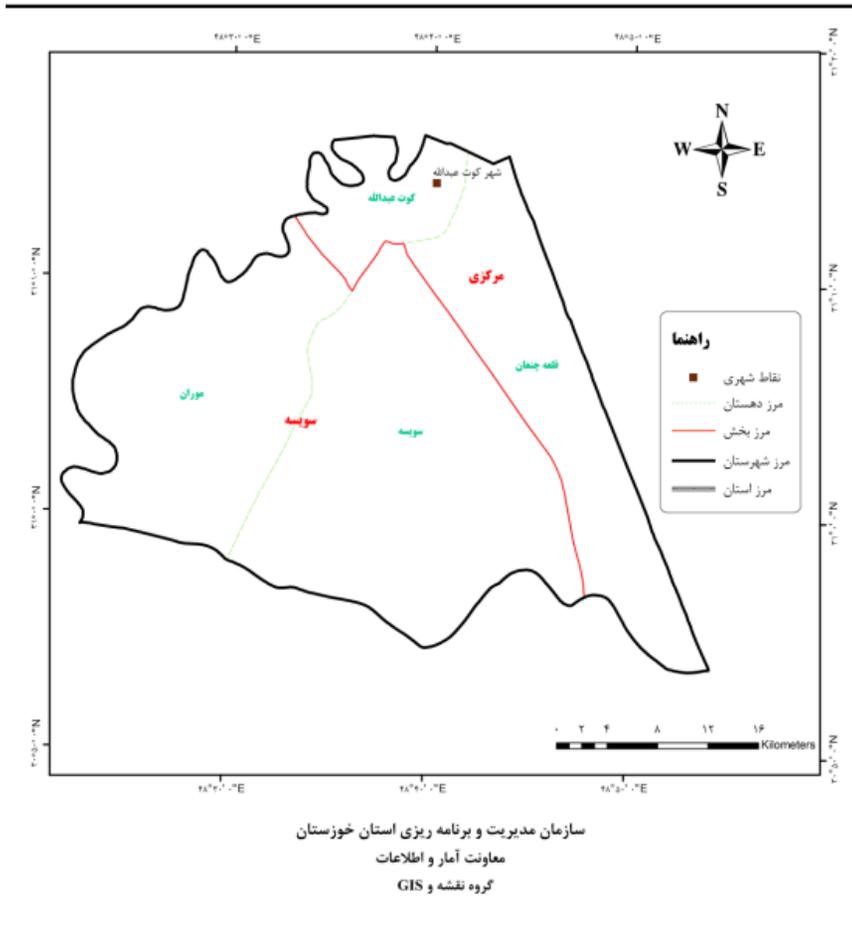
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۶۷۰۵ هکتار اراضی کشاورزی
- صنعت: ۰ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۰ نفر
- معدن ۰

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۲۳ کیلومتر جاده فرعی، ۰ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۲۵ کیلومتر جاده روستایی ۱۰۰ آسفالتی و ۲۵ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۰ انشعاب
- برق: ۵۸۰۱ انشعاب
- آب: ۰ انشعاب

شهرستان کارون



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۵۴ درجه شمالی و ۴۸ و ۲۲ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش سویسه
- اقلیم: گرم

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۵۳.۱۳ درصد شهری و ۴۶.۸۷ درصد روستایی



- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن

- خانوار: ۲۷۷۴۹

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷۶.۶ درصد

- آموزش مقدماتی: ۴۰۴۹۵ دانش آموز، ۲۴۰ مدرسه و ۱۵۷۹ کلاس درس

- بهداشت و درمان: ۵۲ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۲۹۶ تخت بیمارستانی، ۸۶۴

نفر پزشک عمومی و متخصص، ۴ خانه بهداشت روستایی

- کتابخانه ۲ و ۱۶۹۵۶ جلد کتاب

- افراد تحت حمایت کمیته امداد ۱۰۷۳۴

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۷۰۶۹۱ هکتار اراضی کشاورزی

- باغ ۲۷۹۹

- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۱۴۲۶۰ سالانه

- صنعت: ۰ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۰ نفر

- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۸۵ کیلومتر جاده فرعی، ۹۹ کیلومتر جاده اصلی

- راه روستایی: ۱۴۰.۹ کیلومتر جاده روستایی ۱۳۵.۶ آسفالت و ۵.۳ کیلومتر جاده روستایی

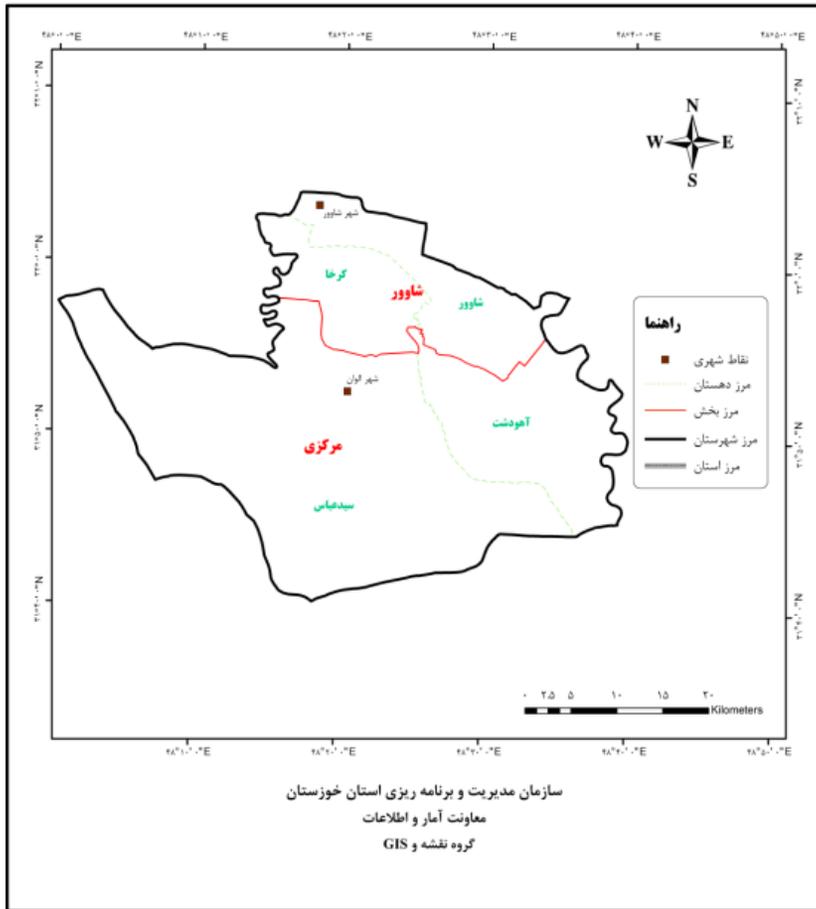
شوسه

- گاز: ۴۴۲۶۴ انشعاب

- برق: ۴۱۴۹۴ انشعاب

- آب: ۱۳۹ انشعاب

شهرستان کرخه



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ و ۴۰ درجه شمالی و ۴۸ و ۰ درجه شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش شاوور
- اقلیم: گرم

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- فاقد توزیع مکانی و جمعیتی در مرکز آمار



۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- آموزش مقدماتی: ۱۸۱۳۵ دانش آموز، ۱۲۲ مدرسه و ۶۸۲ کلاس درس
- دانشجو ۱۸۶
- بهداشت و درمان: ۵۳ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی ۷ خانه بهداشت روستایی
- تعداد کتابخانه ۳ و ۳۲۹۴۶ جلد کتاب
- افراد تحت حمایت کمیته امداد ۷۷۱۳

۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۷۲۵۰۹ هکتار اراضی کشاورزی
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۰ سالانه
- صنعت: ۶ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۷۵ نفر
- معدن ۰

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۰ کیلومتر جاده فرعی، ۲۴.۷ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۲۸۱ کیلومتر جاده روستایی ۲۳۵.۱ آسفالت و ۴۵.۹ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۱۱۷۲۴ انشعاب
- برق: ۱۶۷۶۳ انشعاب

شهرستان گتوند



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۲ و ۴ شمالی و ۴۸ و ۳۴ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش عقیلی
- اقلیم: معتدل

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۶۷.۷ درصد شهری و ۳۲.۳ درصد روستایی



- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱.۶ درصد مرد و ۴۸.۴ درصد زن
- خانوار: ۱۶۹۰۱

۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۳.۱ درصد
- آموزش مقدماتی: ۱۴۰۱۲ دانش آموز، ۲۱۶ مدرسه و ۸۸۱ کلاس درس
- دانشجو ۳۲۷
- بهداشت و درمان: ۳۱ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۳۲ تخت بیمارستانی، ۲ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۹ و ۷۲۱۸۱ جلد کتاب
- ۹۲۰۴ افراد تحت حمایت کمیته امداد

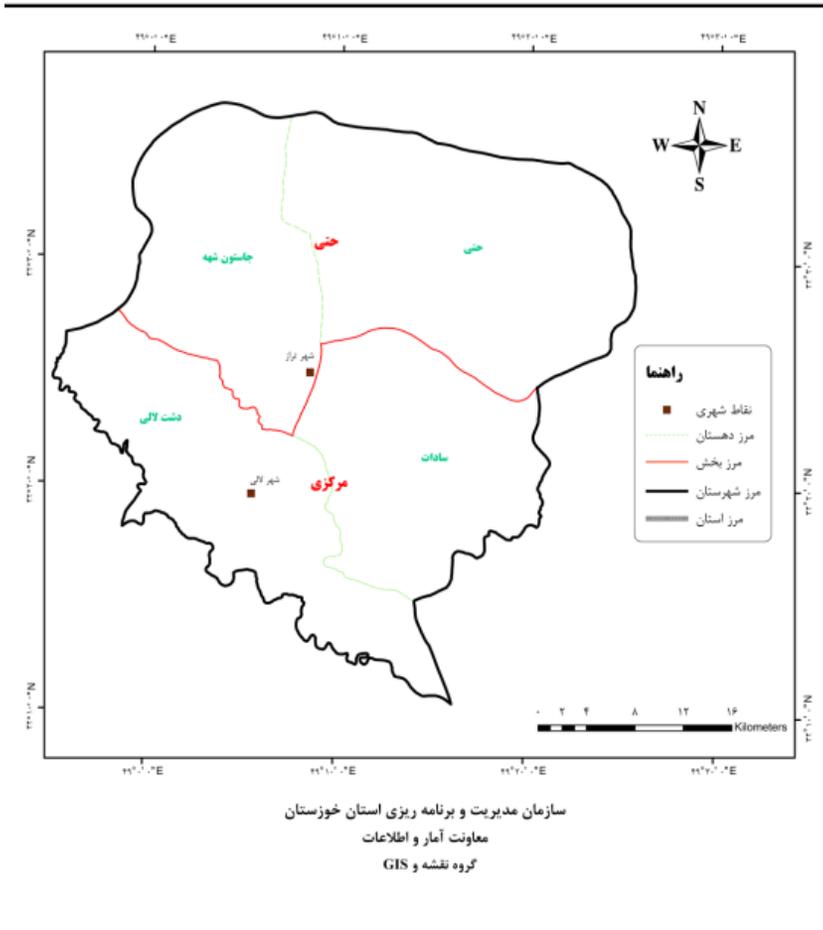
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی ۳۲۶۹۳ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۹۸ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۱۷۸۰۸ سالانه
- صنعت: ۳۳ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۲۹۵ نفر
- معدن ۰

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۲۴.۵ کیلومتر جاده فرعی، ۵۰.۷ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۲۴۲.۵ کیلومتر جاده روستایی ۲۲۵.۶ آسفalte و ۱۶.۹ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۱۹۰۹۲ انشعاب
- برق: ۲۳۸۵۵ انشعاب
- آب: ۵۴۸۱ انشعاب

شهرستان لالی



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۲ و ۱۰ شمالی ۴۸ و ۵۵ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش حتی
- اقلیم: معتدل

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۴۸.۶۶ درصد شهری و ۵۱.۳۴ درصد روستایی



- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱.۵ درصد مرد و ۴۸.۵ درصد زن
- خانوار: ۹۲۰۰

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ با سوادی ۷۸.۵ درصد
- آموزش مقدماتی: ۶۷۴۱ دانش آموز، ۸۵ مدرسه و ۳۷۴ کلاس درس
- ۲۹۴ دانشجو
- بهداشت و درمان: ۳۴ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۳۲ تخت بیمارستانی، ۵ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۳ و ۳۵۸۱۵ جلد کتاب
- افراد مورد حمایت کمیته امداد ۹۴۰۰

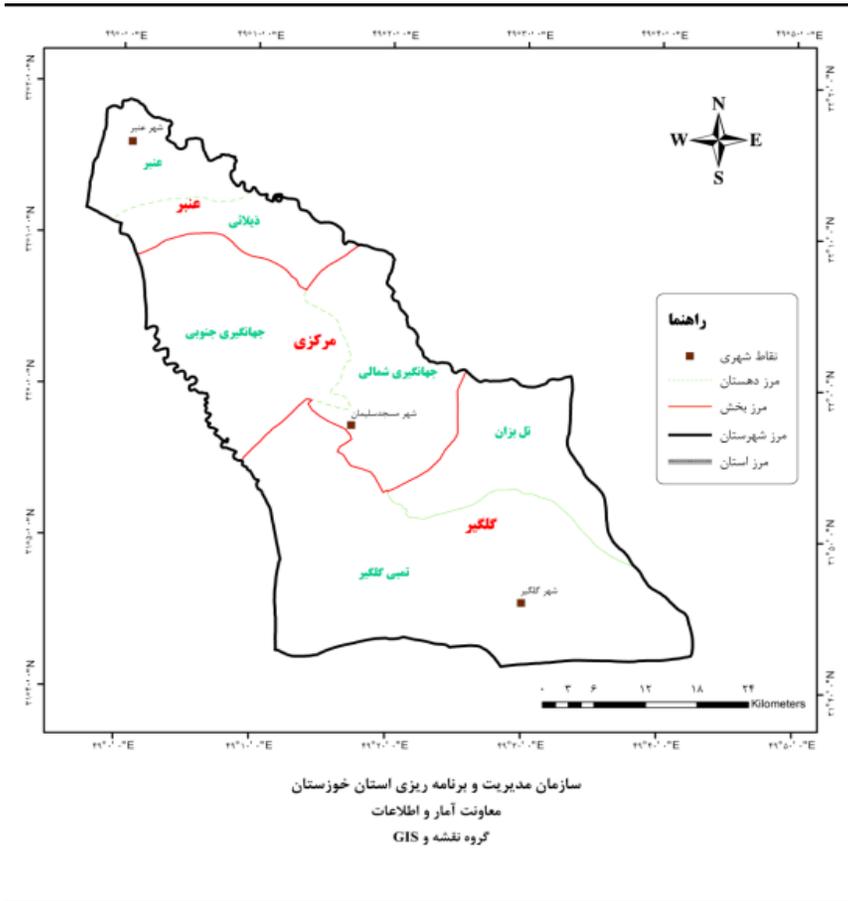
(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشاورزی و دامپروری:
- کشت زراعی: ۱۷۸۱۱ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۳۲۵ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۸۲۸۳ سالانه
- صنعت: ۱۵ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۶۹ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۵۵.۷ کیلومتر جاده فرعی، ۹.۷ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۲۱۶.۶ کیلومتر جاده روستایی ۱۴۳.۲ آسفالت و ۷۳.۴ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۸۴۴۴ انشعاب
- برق: ۱۱۳۶۱ انشعاب
- آب: ۴۷۷۴ انشعاب

شهرستان مسجد سلیمان



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ و ۴۱ شمالی و ۴۸ و ۵۷ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۳ بخش، شامل بخش مرکزی، بخش گل گیر و بخش عنبر
- اقلیم: معتدل

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۸۹.۵۶ درصد شهری و ۱۰.۴۴ درصد روستایی



- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰٫۸ درصد مرد و ۴۹٫۲ درصد زن
- خانوار: ۳۰۱۱۵

۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۵٫۱ درصد
- آموزش مقدماتی: ۲۴۴۳۱ دانش آموز، ۲۳۰ مدرسه و ۱۱۷۶ کلاس درس
- دانشجو ۵۸۸
- بهداشت و درمان: ۴۱ مرکز بهداشتی درمانی، ۳ بیمارستان، ۳۲۵ تخت بیمارستانی، ۲ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۱۱ و ۹۹۴۱۳ جلد کتاب
- ۹۵۶۹ افراد مورد حمایت کمیته امداد

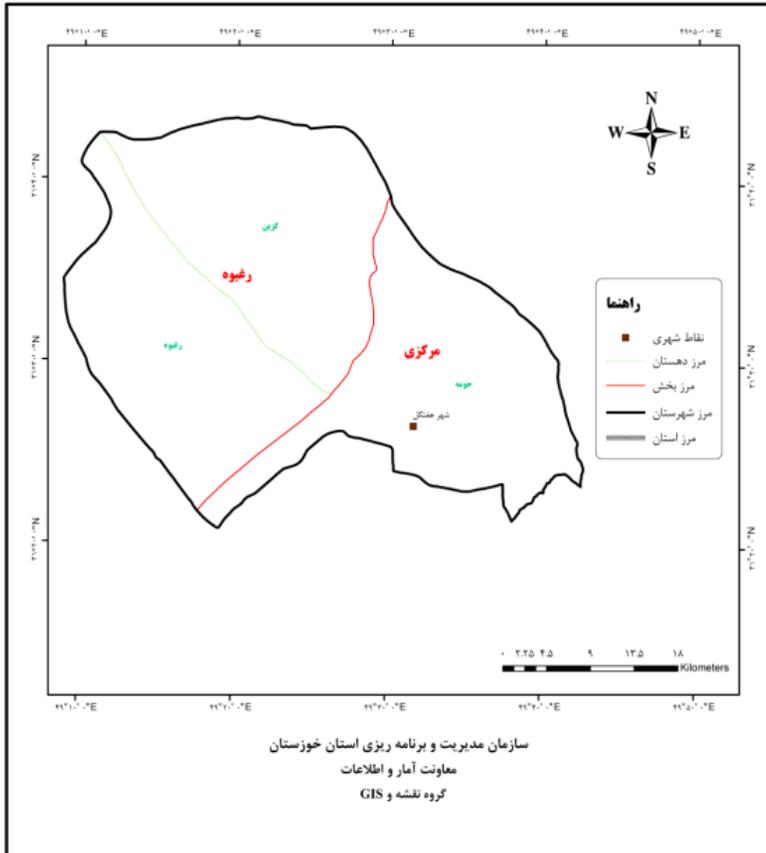
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۲۶۳۰۴ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۲۸۵ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۲۶۹۵۳ سالانه
- صنعت: ۸۷ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۶۶۳ نفر
- معدن ۲ شرکت با اشتغال

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۹۲٫۸ کیلومتر جاده فرعی، ۱۱۱٫۵ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۳۷۹ کیلومتر جاده روستایی ۲۲۸ آسفالت و ۱۵۱ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۲۹۸۶۸ انشعاب
- برق: ۴۷۶۱۸ انشعاب
- آب: ۹۷۰۱ انشعاب

شهرستان هفتگل



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۱ و ۲۱ شمالی ۴۹ و ۹ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل مرکزی و بخش رغیوه
- اقلیم: گرم و خشک

(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۷۱.۴۴ درصد شهری و ۲۸.۵۶ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۶ درصد مرد و ۴۹.۴ درصد زن



- خانوار: ۵۹۰۸

۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۴.۷ درصد
- آموزش مقدماتی: ۴۵۴۳ دانش آموز، ۵۹ مدرسه و ۲۱۵ کلاس درس
- ۵۵۵ دانشجوی
- بهداشت و درمان: ۱۶ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی، ۱ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۱ و ۲۲۹۹۰ جلد کتاب
- ۱۷۷۵ افراد مورد حمایت کمیته امداد

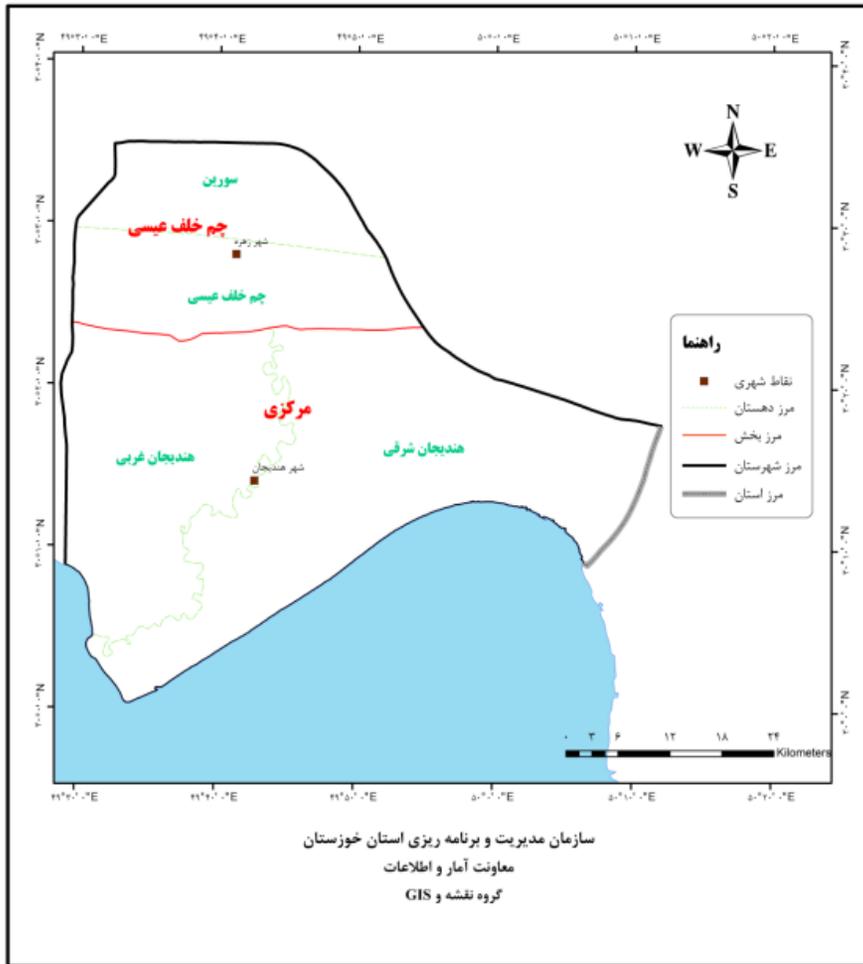
۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۳۶۴۶۴ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۶۰ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۱۲۵۳۹ سالانه
- صنعت: ۲۵ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۷۴ نفر
- معدن ۴ شرکت با اشتغال ۳۹

۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۳۹ کیلومتر جاده فرعی، ۱۲۳.۴ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۰۹ کیلومتر جاده روستایی ۸۷.۹ آسفالت و ۲۱.۱ کیلومتر جاده روستایی شوسه
- گاز: ۷۶۰۱ انشعاب
- برق: ۱۲۱۲۰ انشعاب
- آب: ۳۴۲۶ انشعاب

شهرستان هندیجان



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۰ شمالی ۴۹ و ۲۹ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش چم خلف عیسی
- اقلیم: گرم و مرطوب



۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۷۷.۹۳ درصد شهری و ۲۲.۰۷ درصد روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۰.۶ درصد مرد و ۴۹.۴ درصد زن
- خانوار: ۱۰۶۳۶

۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۸۶.۴ درصد
- آموزش مقدماتی: ۸۲۱۸ دانش آموز، ۷۲ مدرسه و ۳۵۲ کلاس درس
- دانشجو ۴۹
- بهداشت و درمان: ۲۴ مرکز بهداشتی درمانی، ۱ بیمارستان، ۳۲ تخت بیمارستانی، ۱ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۳ و ۴۲۸۵۲ جلد کتاب
- ۳۴۳۶ افراد تحت حمایت کمیته امداد

۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۳۱۹۵۵ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۴۹۷ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۴۷۹۹ سالانه
- صنعت: ۳ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۷ نفر
- معدن ۲ شرکت با ۳ اشتغال

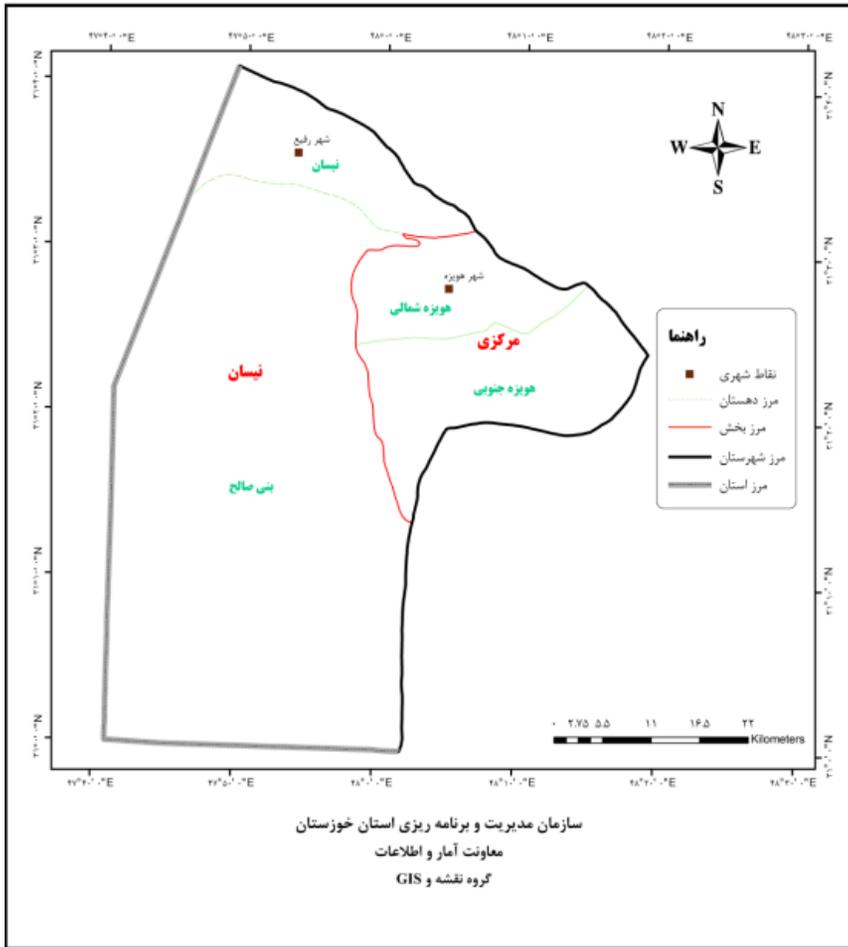
۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۷۴.۴ کیلومتر جاده فرعی، ۵۸ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۱۷۳.۳ کیلومتر جاده روستایی ۱۶۴.۲ آسفالت و ۹.۱ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۱۰۸۸۲ انشعاب
- برق: ۱۸۶۷۲ انشعاب
- آب: ۳۳۰ انشعاب

شهرستان هویزه



(۱) اقلیم و سرزمین:

- موقعیت جغرافیایی: ۳۰ و ۵۹ شمالی ۴۷ و ۴۱ شرقی
- تقسیمات کشوری: ۲ بخش شامل بخش مرکزی و بخش نisan
- اقلیم: گرم و مرطوب



(۲) جمعیت و نیروی انسانی:

- توزیع مکانی جمعیت: ۵۹.۸۶ شهری و ۴۰.۱۴ روستایی
- توزیع جنسیتی جمعیت: ۵۱.۸ درصد مرد و ۴۸.۲ درصد زن
- خانوار: ۹۴۴۹

(۳) امور اجتماعی و فرهنگی:

- نرخ باسوادی: ۷۷.۲ درصد
- آموزش مقدماتی: ۹۹۴۵ دانش آموز، ۹۵ مدرسه و ۴۵۷ کلاس درس
- دانشجو ۵۰۰
- بهداشت و درمان: ۳۱ مرکز بهداشتی درمانی، ۰ بیمارستان، ۰ تخت بیمارستانی ۳ خانه بهداشت روستایی
- کتابخانه ۲ و ۳۴۲۸۷ جلد کتاب
- ۳۸۵۴ افراد تحت حمایت کمیته امداد

(۴) امور اقتصادی و تولیدی:

- کشت زراعی: ۵۲۳۸۵ هکتار اراضی کشاورزی
- باغ ۱۴۰ هکتار
- دامپروری: تولید فرآورده‌های دامی به میزان ۱۱۷۴۹ سالانه
- صنعت: ۱۳ شرکت تعاونی صنعتی فعال با اشتغال ۱۱۲ نفر
- معدن ۰

(۵) امور فنی و زیربنایی:

- راه: ۶۵.۵ کیلومتر جاده فرعی، ۱۰۱.۷ کیلومتر جاده اصلی
- راه روستایی: ۳۹۶.۹ کیلومتر جاده روستایی ۳۳۵.۱ آسفالت و ۶۱.۸ کیلومتر جاده روستایی

شوسه

- گاز: ۷۶۱۶ انشعاب
- برق: ۱۰۹۵۳ انشعاب
- آب: ۲۱۰ انشعاب

بخش چهارم

روش شناسی

(روش تاکسونومی)

۱. روش تاکسونومی عددی

تاکسونومی عددی نامی کلی است و به تمام روش‌هایی اطلاق می‌شود که موارد مشابه را از موارد غیر مشابه جدا ساخته و به صورت گروه‌های جداگانه عرضه می‌کند. این روش قادر است دو عمل را در کنار یکدیگر انجام دهد: یکی آنکه اعضای یک مجموعه را بر اساس شاخص‌های داده شده به زیر مجموعه‌های همگن تقسیم کند؛ و دیگر آنکه اعضای مجموعه را رتبه‌بندی کند و در ضمن این روش به عنوان یک مقیاس برای تعیین درجه توسعه نیافتگی مناطق مورد نظر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین با استفاده از این روش می‌توان گروه‌های همگن را تعیین کرد و به طبقه‌بندی آن‌ها پرداخت و درجه توسعه نیافتگی مناطق را محاسبه نمود. آدنسون در سال ۱۷۶۳ برای نخستین بار این روش را پیشنهاد کرد ولی ریاضی‌دانان لهستانی در اوایل دهه ۱۹۵۰ این روش را به طور علمی در برنامه‌ریزی به کار برده‌اند. پروفیسور هلوینگ از مدرسه عالی اقتصاد در یونسکو در سال ۱۹۶۸ این روش را به عنوان ابزاری برای طبقه‌بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی مکان‌ها و نواحی مختلف جغرافیایی پیشنهاد کرد که از روش‌های بسیار معتبر علمی محسوب می‌شود. روش تاکسونومی در کل یک روش آماری برای تعیین واحدها یا انواع چیزهای همگن در یک فضای برداری n بعدی، بدون استفاده از رگرسیون و واریانس یا آنالیز همبستگی است. این تکنیک شامل چندین مرحله عملیاتی است که به هر دو شیوه محاسبه دستی و کامپیوتری قابل اجراست. با توجه به اینکه مهم‌ترین قدم برنامه‌ریزی توسعه روستایی، تعیین اهداف توسعه از جمله کاهش عدم تعادل‌هاست، با تعیین درجات توسعه هر یک از مکان‌ها از طریق روش مورد بحث، تشخیص جهت و نوع توسعه امکان‌پذیر می‌باشد.

۱-۱. مناطق طبیعی یا همگن

منطقه همگن از نواحی تشکیل شده که اختلاف محل به محل درون آن بسیار ناچیز است. برای تعیین مناطق همگن می‌توان از عوامل طبیعی، فرهنگی و اقتصادی بهره جست. در تعیین مناطق همگن عمدتاً از روش‌های قیاسی بهره گرفته می‌شود.



۱-۲. روش کلی تشخیص مناطق همگن

در این روش با تجمیع واحدهای محلی بر اساس میزان تشابه در یک گروه، مناطق همگن مشخص می‌گردند. میزان تشابه بر اساس میزان انحراف از میانگین تعیین می‌گردد. برای تشخیص مناطق همگن بر اساس میزان اطلاعات و شاخص‌ها از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود.

۱-۳. مراحل کلی روش‌های تعیین مناطق همگن

- ۱- تعیین واحدهای مطالعاتی (واحدهای محلی)
- ۲- تعیین هدف از منطقه‌بندی
- ۳- انتخاب شاخص‌های همگنی
- ۴- جمع‌آوری اطلاعات
- ۵- انتخاب روش مناسب
- ۶- انجام مراحل روش انتخابی و تعیین مناطق همگن

۱-۴. متداول‌ترین روش‌های تعیین مناطق همگن:

- روش ساده گروه‌بندی
- روش وزن‌دهی عددی
- روش تاکسونومی عددی
- روش تحلیل عاملی

۱-۵. مزایای روش تاکسونومی

- ۱- این روش نیاز به آمارهای سری ندارد و با آمار مقطعی می‌توان برای یک سال، مناطق مختلف را رتبه‌بندی و سطح‌بندی کرد.
- ۲- تاکسونومی برآیند شاخص‌ها را مورد محاسبه قرار می‌دهد. لذا رویکرد این روش، رویکردی چند بعدی است که با استفاده از آن می‌توان مناطق مختلف را از ابعاد و زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد.
- ۳- روش اجرای تاکسونومی به گونه‌ای است که می‌توان از شناسه‌های خام به جای شاخص‌ها استفاده نمود، زیرا طی فرایند محاسبات تاکسونومی، داده‌ها استاندارد شده و سپس واحد اندازه‌گیری از فرایند محاسبات حذف می‌شود.

۴- در تاکسونومی ما با بیش از یک متغیر و بعد سر و کار داریم و در این صورت هر متغیر، موقعیتی را بر حسب دو بعد اشغال می‌کند. بنابراین در تاکسونومی، فاصله‌ها بر حسب فضای تاکسونومیک دو بعدی به طوری مشخص به دست می‌آید.

۵- با تعیین درجات توسعه هر یک از مکان‌ها از طریق این روش، تشخیص جهت و نوع توسعه امکان پذیر می‌باشد.

۱-۶. معایب روش تاکسونومی

۱- روش تاکسونومی به شاخص‌های انتخاب شده، حساسیت زیادی دارد به طوری که استفاده از یک شاخص نامناسب می‌تواند کل نتایج تاکسونومی را تحریف نموده و نتایج معکوس به بار آورد.

۲- در این روش وزن تمامی شاخص‌ها یکسان می‌شود.

۳- محاسبات این روش بسیار وقت گیر و طولانی بوده و در مسائلی با ابعاد بزرگ تصمیم گیرنده را برای حل مسئله دچار مشکل می‌نماید.

۴- در طول محاسبات ممکن است بعضی گزینه‌ها به دلیل همگن نبودن با سایرین از کل جریان رتبه‌بندی حذف گردند و حال سوال این است که چه بر سر گزینه‌های حذف شده می‌آید و رتبه آن‌ها در کل چه می‌شود.

۵- وقتی چندین شاخص برای ارزیابی در آنالیز تاکسونومی در نظر گرفته شود کار ارزیابی پیچیده می‌شود.

۱-۷. مراحل تاکسونومی

روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه به منظور انتخاب مناسب‌ترین گزینه از بین m گزینه موجود به کار می‌روند و خصوصیت متمایز آن‌ها این است که معمولاً تعداد محدود و قابل شمارشی از گزینه‌های از پیش تعیین شده وجود دارد. مبنای مدل‌سازی، ایجاد و تشکیل جدول توافقی می‌باشد. از مهم‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه می‌توان به روش تحلیل تاکسونومی اشاره نمود. این روش برای اولین بار در سال ۱۷۶۳ توسط آدنسون مطرح گردید و در سال ۱۹۵۰ توسط گروهی از ریاضی‌دانان بسط داده شد. آنالیز تاکسونومی برای طبقه‌بندی‌های مختلف در علوم به کار برده می‌شود که نوع خاص آن تاکسونومی عددی است. تاکسونومی عددی برای ارزیابی شباهت و نزدیکی‌های بین واحدهای تاکسونومیک و

درجه‌بندی و رتبه‌بندی آن‌ها به کار می‌رود. در این روش یک مجموعه به مجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم شده و مقیاس قابل قبول برای بررسی و سنجش میزان توسعه یافتگی نواحی در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهد. این روش بر پایه تحلیل یک سری شاخص‌های تعیین شده است که در اولویت‌بندی گزینه‌های موجود به کار می‌رود و یک درجه‌بندی کامل برای ارزیابی گزینه‌ها ارائه می‌گردد و در زمینه‌های مختلف مهندسی به وفور استفاده می‌شود. مراحل مختلف تحلیل تاکسونومی در ۸ گام به شرح زیر ارائه شده است:

گام ۱- مشخص نمودن گزینه‌ها و تعیین شاخص‌های مختلف:

در این مرحله تعداد m گزینه (A_1 تا A_m) توسط تحلیل گر و یا گروه کارشناسان (از طریق تشکیل پانل و یا روش دلفی) با توجه به n شاخص (C_1 تا C_n) ارزیابی می‌شوند.

گام ۲- تشکیل ماتریس تصمیم و سپس محاسبه میانگین و انحراف معیار:

با توجه به تعداد شاخص‌ها، تعداد گزینه‌ها و ارزیابی همه گزینه‌ها برای شاخص‌های مختلف، ماتریس تصمیم به صورت جدول (۱) تشکیل می‌شود. در این جدول I_{ij} توصیف کننده مطلوبیت گزینه A_m از نظر شاخص C_j به صورت کیفی یا کمی است. در این بخش باید توجه نمود که شاخص‌هایی که منفی هستند باید معکوس شده و یا به روش‌های دیگر منفی بودن آن در نظر گرفته شود. از دیگر روش‌های مرسوم و بهتری که می‌توان مثبت و منفی بودن شاخص‌ها را لحاظ کرد استفاده از رقم ایده آل مثبت و منفی می‌باشد بدین معنی که برای شاخص‌های مثبت بزرگ‌ترین عدد مثبت و برای شاخص‌های منفی کوچک‌ترین عدد منفی برای هر ستون از ماتریس استاندارد به عنوان ایده آل مثبت و منفی تعیین می‌شوند. از طرف دیگر بعضی شاخص‌ها کیفی می‌باشند که می‌توان آن‌ها را به شاخص‌های کمی (شبه کاذب) تبدیل نمود. بعد از تشکیل ماتریس داده‌ها، میانگین و انحراف معیار هر شاخص محاسبه می‌شود.

جدول ۱. ماتریس تصمیم

شاخصها گزینه‌ها	۱C	۲C	۳C	.	.	.	Cn
۱A	۱۱r	۱۲r	۱۳r	.	.	.	n۱r
۲A	۲۱r	۲۲r	۲۳r	.	.	.	n۲r
.
Am	۱rm	۲rm	۳rm	.	.	.	rmm
میانگین	\bar{x}_1	\bar{x}_2	\bar{x}_n
انحراف معیار	σ_1	σ_2	σ_n

گام ۳- تشکیل ماتریس استاندارد (نرمال شده) Z:

در ماتریس تصمیم، گزینه‌ها بر حسب شاخص‌هایی بیان شده‌اند که مقیاس‌های اندازه‌گیری مختلفی دارند و در این مرحله سعی در از بین بردن واحدهای مختلف آن‌ها است که برای این کار از رابطه Z استاندارد استفاده می‌شود یعنی میانگین مقادیر هر شاخص از مقدار هر خصوصیت کم شده و بر انحراف معیار آن تقسیم می‌شود:

$$Z_{ij} = \frac{x_{ij} - \bar{x}_j}{\sigma_j}$$

\bar{x}_j میانگین هر شاخص (هر یک از ستون‌های ماتریس) و σ_j انحراف معیار هر شاخص می‌باشند. در انتهای ماتریس استاندارد برای هر کدام از شاخص‌های مثبت، بزرگترین عدد مثبت قابل مشاهده (ایده آل مثبت) و برای شاخص‌های منفی، کوچکترین عدد منفی (ایده آل منفی) تعیین می‌شود که با DO_j نمایش داده می‌شود.

گام ۴- تعیین فاصله مرکب بین گزینه‌ها:

در این بخش با داشتن ماتریس استاندارد Z، فاصله هر گزینه از گزینه‌های دیگر نسبت به هر یک از شاخص‌ها از رابطه زیر تعیین می‌شود:

$$D_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (Z_{aj} - Z_{bj})^2}$$

در اینجا a و b دو گزینه مورد ارزیابی هستند. این عملیات یک نوع محاسبه زوجی بین هر دو گزینه با هم است. به گونه‌ای که فاصله هر دو گزینه از خودش برابر صفر است



$(D_{aa} = D_{bb} = \circ)$ و فاصله گزینه a و b مساوی با فاصله گزینه b از a است $(D_{ab} = D_{ba})$. با توجه به موارد فوق ماتریس فواصل مرکب بین گزینه‌ها تشکیل می‌شود که قطر اصلی آن نشان دهنده فاصله هر گزینه با خودش است که برابر صفر خواهد بود.

گام ۵- تعیین کوتاه‌ترین فاصله:

در این گام کمترین میزان فاصله هر سطر از ماتریس تعیین می‌شود. سپس میانگین هر کدام از فاصله گزینه‌ها و انحراف معیار آن‌ها به دست آمده و همین کار برای کوتاه‌ترین فاصله نیز انجام می‌شود.

گام ۶- تحدید گزینه‌ها (همگن سازی گزینه‌ها):

ممکن است واحدهایی وجود داشته باشند که دارای فاصله‌های بسیار بیشتر و یا کمتر از سایر گزینه‌ها باشد. لذا باید گزینه‌های ناهمگن از مجموعه حذف شوند، برای انجام این کار حد بالا و حد پایین با استفاده از روابط زیر به دست می‌آیند.

$$O_r = \bar{d}_r \pm 2\sigma_{dr}$$

$$O_r (+) = \bar{d}_r + 2\sigma_{dr} \quad \text{حد بالا}$$

$$O_r (-) = \bar{d}_r - 2\sigma_{dr} \quad \text{حد پایین}$$

در این صورت d_r های بین حد بالا و حد پایین هماهنگ بوده و گزینه‌هایی که خارج از این محدوده تعیین شده قرار بگیرند، باید حذف شوند. مجدداً ماتریس تصمیم بدون گزینه‌های حذف شده تشکیل شده، مراحل تکرار می‌شوند.

گام ۷- تعیین الگو یا سرمشق گزینه‌ها:

در این گام فاصله هر یک از گزینه‌ها از مقدار ایده‌آل (مشخص شده در گام ۴) را به دست آورده، فاصله کم از ایده‌آل نمایانگر وضعیت مناسب آن است و فاصله زیاد بیان کننده وضعیت نامناسب آن گزینه می‌باشد. الگو یا سرمشق گزینه‌ها از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$Cio = \sqrt{\sum_{j=1}^m (Z_{ij} - Z_{bj})^2}$$

گام ۸- درجه‌بندی یا رتبه‌بندی میزان توسعه یافتگی گزینه‌ها (F_i):

در این مرحله به درجه‌بندی توسعه یافتگی و وضعیت گزینه‌ها پرداخته می‌شود. اگر F_i میزان توسعه یافتگی یک گزینه (وضعیت مناسب یک گزینه) باشد در این صورت:

$$F_i = \frac{C_{io}}{C_o}$$

در این رابطه، C_{io} سرمشق هر گزینه و C_o حد بالای توسعه می‌باشد. برای محاسبه C_o باید میانگین و انحراف C_o ها مشخص شود که این کار در انتهای گام هفت انجام می‌گیرد و محاسبه آن به صورت زیر است:

$$C_o = \overline{C_{io}} + 2\sigma_{C_{io}}$$

F_i بین صفر و یک قرار می‌گیرد و هر قدر به صفر نزدیک باشد نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر گزینه (قرار گرفتن در رتبه بالاتر) و هر چه به یک نزدیکتر می‌گردد بیانگر عدم توسعه یافتگی آن می‌باشد. در این صورت مسئله تاکسونومی پایان یافته و درجه‌بندی (رتبه‌بندی) گزینه‌های آن مشخص شده است.

به طور کلی روش تاکسونومی، روش عالی درجه‌بندی (بهترین روش)، طبقه‌بندی و مقایسه گزینه‌های مختلف (در این تحقیق ۳۰ شهرستان استان خوزستان) با توجه به درجه بهره‌مندی و برخورداری آن گزینه‌ها از شاخص‌های مورد بررسی می‌باشد. این روش بر پایه تحلیل یک سری شاخص‌های تعیین شده است که در اولویت‌بندی گزینه‌های موجود به کار می‌رود و یک درجه‌بندی کامل برای ارزیابی گزینه‌ها ارائه می‌گردد. به طور خلاصه در روش تاکسونومی، هدف رتبه‌بندی میان m گزینه (در این تحقیق ۳۰ شهرستان استان خوزستان) بر اساس n شاخص (در این تحقیق ۱۷۸ شاخص) است.

بخش پنجم:

نتایج روش شناسی

۱. نتایج توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان

ابتدائاً برای گروه‌های مختلف به صورت مجزا نتایج ذکر می‌گردد سپس به صورت کلی (تمامی گروه‌ها همزمان) نتایج آورده می‌شود. مزیت این روش در این است که علاوه بر شناخت شهرستان‌ها به صورت کلی، در هر گروه هم وضعیت هر شهرستان بهتر شناخته می‌شود. تمامی نتایج آماری این بخش که به آنها پرداخته شده است بر اساس محاسبات محقق (استفاده از روش تاکسونومی) بدست آمده است.

۱-۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی

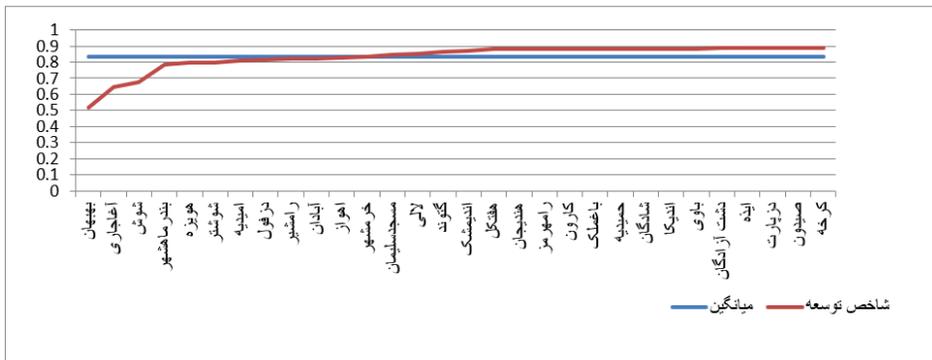
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد فرصت شغلی به جمعیت، متقاضیان کار به جمعیت، افراد به کار گمارده شده به جمعیت.

جدول ۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
بهبهان	۰.۸۳۱	۰.۵۱۷۴۴۵	۱
آغاجاری	۰.۸۳۱	۰.۶۴۵۸۶۵	۲
شوش	۰.۸۳۱	۰.۶۷۴۶۶۸	۳
بندرماهشهر	۰.۸۳۱	۰.۷۸۵۵۴	۴
هويزه	۰.۸۳۱	۰.۷۹۶۰۰۷	۵
شوشتر	۰.۸۳۱	۰.۷۹۹۱۷۱	۶
امیدیه	۰.۸۳۱	۰.۸۱۱۵۸۵	۷
دزفول	۰.۸۳۱	۰.۸۱۶۵۸	۸
رامشیر	۰.۸۳۱	۰.۸۲۱۵۶۲	۹
آبادان	۰.۸۳۱	۰.۸۲۳۹۱۱	۱۰
اهواز	۰.۸۳۱	۰.۸۲۶۶۷۳	۱۱
خرمشهر	۰.۸۳۱	۰.۸۳۱۷۸۹	۱۲
مسجدسلیمان	۰.۸۳۱	۰.۸۴۴۲۷۵	۱۳
لالی	۰.۸۳۱	۰.۸۵۰۷۶۲	۱۴
گتوند	۰.۸۳۱	۰.۸۶۳۳۹۸	۱۵



اندیمشک	۰.۸۳۱	۰.۸۷۰۰۱۸	۱۶
هفتکل	۰.۸۳۱	۰.۸۸۲۰۶۲	۱۷
هندیجان	۰.۸۳۱	۰.۸۸۲۶۵۵	۱۸
رامهرمز	۰.۸۳۱	۰.۸۸۲۹۴۳	۱۹
کارون	۰.۸۳۱	۰.۸۸۳۰۶۱	۲۰
باغملک	۰.۸۳۱	۰.۸۸۳۵۲۴	۲۱
حمیدیه	۰.۸۳۱	۰.۸۸۳۶۱۸	۲۲
شادگان	۰.۸۳۱	۰.۸۸۳۸۲۹	۲۳
اندیکا	۰.۸۳۱	۰.۸۸۳۸۷۸	۲۴
باوی	۰.۸۳۱	۰.۸۸۴۱۹۲	۲۵
دشت آزادگان	۰.۸۳۱	۰.۸۸۵۴۴۳	۲۶
ایذه	۰.۸۳۱	۰.۸۸۵۸۲۴	۲۷
دزپارت	۰.۸۳۱	۰.۸۸۵۸۲۴	۲۸
صیدون	۰.۸۳۱	۰.۸۸۵۸۲۴	۲۹
کرخه	۰.۸۳۱	۰.۸۸۵۸۲۴	۳۰



نمودار ۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان براساس شاخص‌های نیروی انسانی

جدول ۲. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

۱-۸	۱۶-۱۸	۱۴-۱۶	۱۲-۱۴	۰-۲	ارزش تاکسونومی
محروم از توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	در حال توسعه	نسبتاً توسعه یافته	شدیداً توسعه یافته	وضعیت توسعه‌یافتگی

بر اساس جدول و نمودار (۱) بهبهان، آغاچاری و شوش بر اساس شاخص‌های نیروی انسانی در رتبه‌های اول تا سوم و دزپارت، صیدون و کرخه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۳۱/۸ در شاخص‌های نیروی انسانی، محروم از توسعه است.

۱-۲. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز

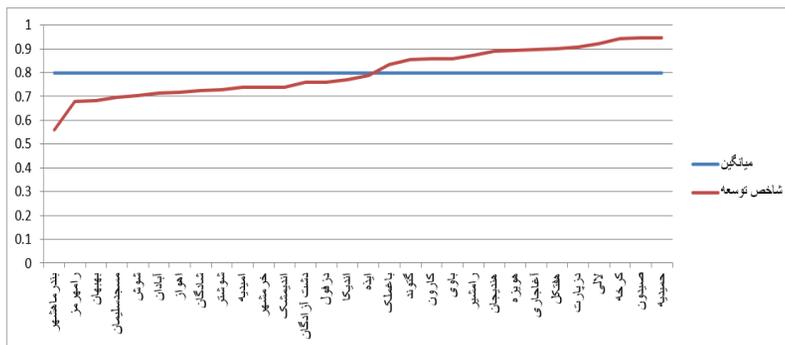
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مجاری عرضه سوخت به جمعیت، تعداد نازل بنزین معمولی به جمعیت، تعداد نازل بنزین سوپر به جمعیت، تعداد نازل گازوئیل به جمعیت، توزیع شهرهای گازرسانی شده (درصد)، توزیع روستاهای گازرسانی شده (درصد)، تعداد انشعاب گاز به جمعیت، میزان مصرف گاز به جمعیت.

جدول ۳. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
بندرماهشهر	۰.۸	۰.۵۵۸۳۱۴	۱
رامهرمز	۰.۸	۰.۶۷۸۱۳۶	۲
بهبهان	۰.۸	۰.۶۸۳۵۸۳	۳
مسجدسلیمان	۰.۸	۰.۶۹۷۱۹۲	۴
شوش	۰.۸	۰.۷۰۴۱۲۴	۵
آبادان	۰.۸	۰.۷۱۳۰۹۵	۶
اهواز	۰.۸	۰.۷۱۶۵۸۴	۷
شادگان	۰.۸	۰.۷۲۳۸۸۱	۸
شوشتر	۰.۸	۰.۷۲۸۶۷۹	۹
امیدیه	۰.۸	۰.۷۳۷۳۰۵	۱۰
خرمشهر	۰.۸	۰.۷۳۷۳۶۵	۱۱
اندیمشک	۰.۸	۰.۷۳۹۱۶۱	۱۲
دشت آزادگان	۰.۸	۰.۷۵۷۹۹۸	۱۳
دزفول	۰.۸	۰.۷۵۹۸۴	۱۴
اندیکا	۰.۸	۰.۷۶۸۷۱۳	۱۵
ایذه	۰.۸	۰.۷۸۷۴۷۲	۱۶
باغملک	۰.۸	۰.۸۳۴۲۰۹	۱۷
گتوند	۰.۸	۰.۸۵۴۱۳۲	۱۸



کارون	۰.۸	۰.۸۵۷۷۶۴	۱۹
باوی	۰.۸	۰.۸۵۹۴۲	۲۰
رامشیر	۰.۸	۰.۸۷۰۵۰۷	۲۱
هندیجان	۰.۸	۰.۸۹۰۶۵۸	۲۲
هويزه	۰.۸	۰.۸۹۴۷۰۹	۲۳
آغاچاری	۰.۸	۰.۸۹۶۰۶	۲۴
هفتکل	۰.۸	۰.۹۰۰۵۹	۲۵
دزپارت	۰.۸	۰.۹۰۷۴۶۹	۲۶
لالی	۰.۸	۰.۹۱۹۷۰۵	۲۷
کرخه	۰.۸	۰.۹۴۲۴۶۶	۲۸
صیدون	۰.۸	۰.۹۴۴۹۲۹	۲۹
حمیدیه	۰.۸	۰.۹۴۶۰۶۴	۳۰



نمودار ۲. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز

جدول ۴. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۳) و نمودار (۲) بندر ماهشهر، رامهرمز و بهبهان بر اساس شاخص‌های نفت و گاز در رتبه‌های اول تا سوم و کرخه، صیدون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸/ در شاخص‌های نفت و گاز، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

۳-۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های

معدن

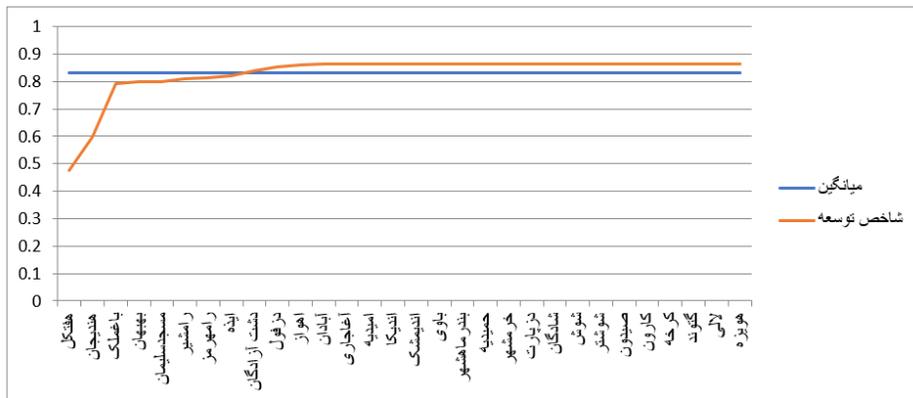
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد معدن به جمعیت، تعداد اشتغال معدن به جمعیت، میزان سرمایه معادن به جمعیت.

جدول ۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های معدن

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
هفتکل	۰.۸۳	۰.۴۷۵۴۱۲	۱
هندیجان	۰.۸۳	۰.۵۹۶۶۰۹	۲
باغملک	۰.۸۳	۰.۷۹۲۹۸۵	۳
بهبهان	۰.۸۳	۰.۷۹۸۶۰۵	۴
مسجدسلیمان	۰.۸۳	۰.۷۹۹۶۸۸	۵
رامشیر	۰.۸۳	۰.۸۱۱۵۴۹	۶
رامهرمز	۰.۸۳	۰.۸۱۲۹۶	۷
ایذه	۰.۸۳	۰.۸۲۲۲۶۱	۸
دشت آزادگان	۰.۸۳	۰.۸۳۹۲۰۴	۹
دزفول	۰.۸۳	۰.۸۵۴۶۱۴	۱۰
اهواز	۰.۸۳	۰.۸۵۹۴۶	۱۱
آبادان	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۲
آغاجاری	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۳
امیدیه	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۴
اندیکا	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۵
اندیمشک	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۶
باوی	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۷
بندرماهشهر	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۸
حمیدیه	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۱۹



خرمشهر	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۰
دزپارت	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۱
شادگان	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۲
شوش	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۳
شوشتر	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۴
صیدون	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۵
کارون	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۶
کرخه	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۷
گتوند	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۸
لالی	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۲۹
هویره	۰.۸۳	۰.۸۶۵۲۲۷	۳۰



نمودار ۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های معدن

جدول ۶. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

۱-۸	۸-۱۶	۱۶-۱۴	۴-۱۲	۲-۰	ارزش ناکسونومی
محروم از توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	در حال توسعه	نسبتاً توسعه یافته	شدیداً توسعه یافته	وضعیت توسعه یافتگی

بر اساس جدول (۵) و نمودار (۳) هفتکل، هندیجان و باغملک بر اساس شاخص‌های معدن در رتبه‌های اول تا سوم و گتوند، لالی و هویزه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۳/ در شاخص‌های معدن، محروم از توسعه است.

۴-۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های محیط زیست

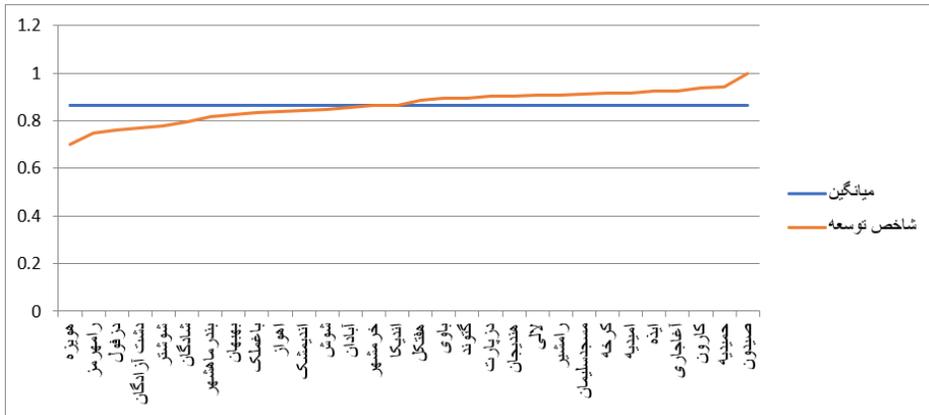
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مساحت جنگل به جمعیت، توزیع کود شیمیایی دولتی به جمعیت، توزیع شهرهای دارای تاسیسات آب شرب (درصد)، توزیع شهرهای دارای انشعاب فاضلاب (درصد)، تعداد تصفیه‌خانه‌های فاضلاب به جمعیت، تعداد مشترکان فاضلاب شهری به جمعیت، درصد جمعیت تحت پوشش خدمات جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب شهری، تعداد شهرک‌ها و نواحی صنعتی به جمعیت، مساحت فضای سبز به جمعیت.

جدول ۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های محیط زیست

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۶۹۹۱۷۸	۰.۸۶۳	هویزه
۲	۰.۷۴۷۵۸۹	۰.۸۶۳	رامهرمز
۳	۰.۷۵۹۳۲۵	۰.۸۶۳	دزفول
۴	۰.۷۷۱۴۲۲	۰.۸۶۳	دشت آزادگان
۵	۰.۷۷۸۷۳	۰.۸۶۳	شوشتر
۶	۰.۷۹۵۰۰۵	۰.۸۶۳	شادگان
۷	۰.۸۱۹۰۹۴	۰.۸۶۳	بندرماهشهر
۸	۰.۸۲۶۲۰۵	۰.۸۶۳	بهبهان
۹	۰.۸۳۴۶۱۵	۰.۸۶۳	باغملک
۱۰	۰.۸۳۸۵۲۳	۰.۸۶۳	اهواز
۱۱	۰.۸۴۴۶۷۸	۰.۸۶۳	اندیمشک
۱۲	۰.۸۶۷۸۶	۰.۸۶۳	شوش
۱۳	۰.۸۵۵۱۵۴	۰.۸۶۳	آبادان
۱۴	۰.۸۶۳۳۸۱	۰.۸۶۳	خرمشهر
۱۵	۰.۸۶۲۹۸۴	۰.۸۶۳	اندیکا
۱۶	۰.۸۸۵۵۵۶	۰.۸۶۳	هفتکل
۱۷	۰.۸۹۵۲۱۴	۰.۸۶۳	باوی



گتوند	۰.۸۶۳	۰.۸۹۵۴۴۸	۱۸
دزپارت	۰.۸۶۳	۰.۹۰۱۶۲۵	۱۹
هندیجان	۰.۸۶۳	۰.۹۰۳۸۰۸	۲۰
لالی	۰.۸۶۳	۰.۹۰۵۳۹	۲۱
رامشیر	۰.۸۶۳	۰.۹۰۷۸۲۵	۲۲
مسجدسلیمان	۰.۸۶۳	۰.۹۱۰۹۸۳	۲۳
کرخه	۰.۸۶۳	۰.۹۱۵۶۸	۲۴
امیدیه	۰.۸۶۳	۰.۹۱۸۰۳۹	۲۵
ایذه	۰.۸۶۳	۰.۹۲۲۶۹۶	۲۶
آغاجاری	۰.۸۶۳	۰.۹۲۶۴۴۶	۲۷
کارون	۰.۸۶۳	۰.۹۳۶۵۶	۲۸
حمیدیه	۰.۸۶۳	۰.۹۴۰۲۷۸	۲۹
صیدون	۰.۸۶۳	۱	۳۰



نمودار ۴. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های محیط زیست

جدول ۸. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۲-/+	۴-/۲	۶-/۴	۸-/۶	۱-/۸
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۷) و نمودار (۴) هویزه، رامهرمز و دزفول بر اساس شاخص‌های محیط زیست در رتبه‌های اول تا سوم و کارون، حمیدیه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۶۳/ در شاخص‌های محیط زیست، محروم از توسعه است.

۱-۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های کشاورزی

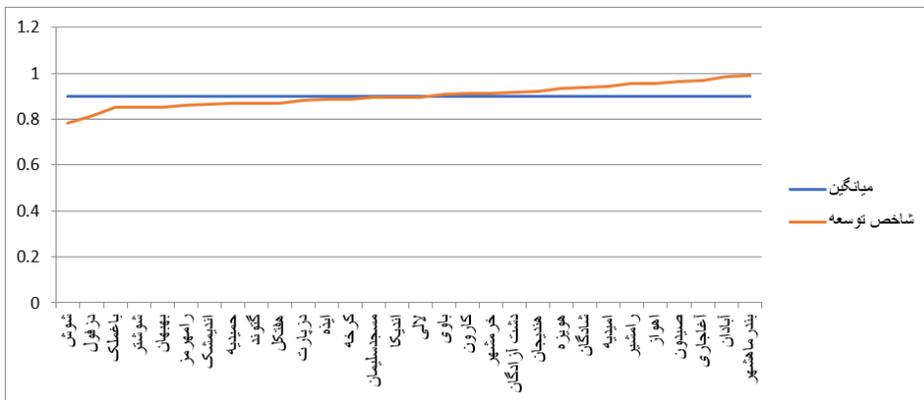
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد گلخانه به جمعیت، تعداد کشتارگاه به جمعیت، تعداد مراکز عرضه و توزیع واکسن دامی به جمعیت، مقدار تولید گوشت قرمز به جمعیت، مقدار تولید شیر به جمعیت، مقدار تولید گوشت سفید به جمعیت، مقدار تولید تخم مرغ به جمعیت، تعداد زنبورستان به جمعیت، وزن عسل تولیدی به جمعیت، توزیع سطح زیر کشت محصولات زراعی (درصد)، مقدار تولید گندم به جمعیت، مقدار تولید جو به جمعیت، مقدار تولید برنج به جمعیت، مقدار تولید ذرت به جمعیت، مقدار تولید چغندر به جمعیت، مقدار تولید نیشکر به جمعیت، مقدار تولید دانه‌های روغنی به جمعیت، مساحت جنگل کاری به جمعیت، توزیع شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون (درصد)، اشتغال شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش اداره تعاون به جمعیت، توزیع شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی (درصد)، اشتغال شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی تحت پوشش مدیریت تعاون روستایی به جمعیت.

جدول ۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های کشاورزی

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۷۸۱۱	۰.۹	شوش
۲	۰.۸۱۱۲۵۷	۰.۹	دزفول
۳	۰.۸۴۹۴۳۴	۰.۹	باغملک
۴	۰.۸۴۹۵۸	۰.۹	شوشتر
۵	۰.۸۵۲۴۱۳	۰.۹	بهبهان
۶	۰.۸۶۰۷۹۴	۰.۹	رامهرمز
۷	۰.۸۶۵۵۴۹	۰.۹	اندیمشک
۸	۰.۸۶۸۹۵۳	۰.۹	حمیدیه
۹	۰.۸۶۹۶۱	۰.۹	گتوند



هفتکل	۰.۹	۰.۸۷۰۴۳۹	۱۰
دزپارت	۰.۹	۰.۸۷۹۸۸۵	۱۱
ایذه	۰.۹	۰.۸۸۵۱۸	۱۲
کرخه	۰.۹	۰.۸۸۶۴۰۴	۱۳
مسجدسلیمان	۰.۹	۰.۸۹۳۲۱۹	۱۴
اندیکا	۰.۹	۰.۸۹۵۲۳	۱۵
لالی	۰.۹	۰.۸۹۶۵۲	۱۶
باوی	۰.۹	۰.۹۰۹۳۰۴	۱۷
کارون	۰.۹	۰.۹۱۱۸۶۵	۱۸
خرمشهر	۰.۹	۰.۹۱۲۷۲۱	۱۹
دشت آزادگان	۰.۹	۰.۹۱۸۰۲۸	۲۰
هندیجان	۰.۹	۰.۹۲۰۹۸۶	۲۱
هویزه	۰.۹	۰.۳۳۳۶۸	۲۲
شادگان	۰.۹	۰.۹۳۷۰۶۳	۲۳
امیدیه	۰.۹	۰.۹۴۳۱۲۴	۲۴
رامشیر	۰.۹	۰.۹۵۳۱۳۴	۲۵
اهواز	۰.۹	۰.۹۵۵۰۲۲	۲۶
صیدون	۰.۹	۰.۹۶۴۴۶	۲۷
آغاجاری	۰.۹	۰.۹۶۹۶۶	۲۸
آبادان	۰.۹	۰.۹۸۴۸۶	۲۹
بندرماهشهر	۰.۹	۰.۹۹۰۶۶۹	۳۰



نمودار ۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های کشاورزی

جدول ۱۰. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۹) و نمودار (۵) شوش، دزفول و باغملک بر اساس شاخص‌های کشاورزی در رتبه‌های اول تا سوم و آغاچاری، آبادان و بندرماهشهر در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹/۹ در شاخص‌های کشاورزی، محروم از توسعه است.

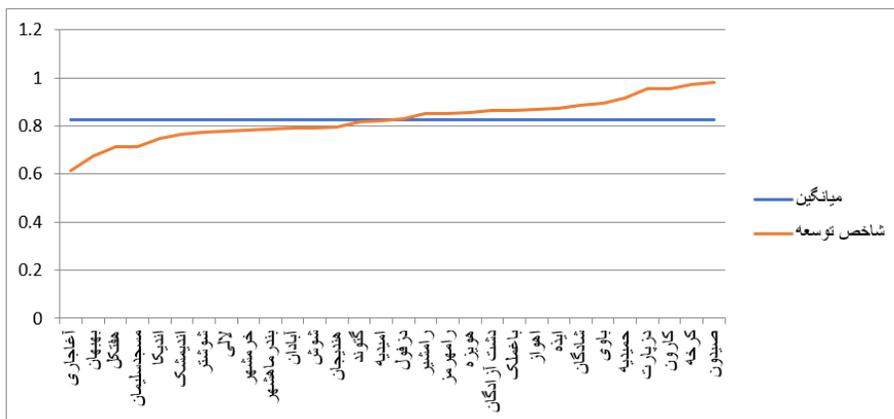
۶-۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد سالن نمایش موسیقی به جمعیت، تعداد سینما به جمعیت، تعداد سالن سینما به جمعیت، تعداد چاپخانه تحت نظارت اداره فرهنگ به جمعیت، تعداد کتابخانه عمومی به جمعیت، تعداد جلد کتاب به جمعیت، تعداد مراکز فرهنگی و هنری به جمعیت، تعداد جلد کتاب فرهنگی و هنری موجود در مراکز فرهنگی و هنری به جمعیت، تعداد ورزشکاران دارای بیمه ورزشی به جمعیت، تعداد زائران حج و عتبات عالیات به جمعیت.

جدول ۱۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۶۱۵۳۱۴	۰.۸۲۶	آغاچاری
۲	۰.۶۷۴۰۷۱	۰.۸۲۶	بهبهان
۳	۰.۷۱۱۵۴۵	۰.۸۲۶	هفتکل
۴	۰.۷۱۵۴۷۲	۰.۸۲۶	مسجدسلیمان
۵	۰.۷۴۷۲۹۸	۰.۸۲۶	اندیکا
۶	۰.۷۶۶۱۰۳	۰.۸۲۶	اندیمشک
۷	۰.۷۷۳۵۸۳	۰.۸۲۶	شوشتر
۸	۰.۷۷۸۶۸۵	۰.۸۲۶	لالی
۹	۰.۷۸۱۰۲۴	۰.۸۲۶	خرمشهر
۱۰	۰.۷۸۶۳۲۸	۰.۸۲۶	بندرماهشهر
۱۱	۰.۷۸۹۶۰۹	۰.۸۲۶	آبادان

شوش	۰.۸۲۶	۰.۷۹۲۴۰۹	۱۲
هندیجان	۰.۸۲۶	۰.۷۹۵۲۴۵	۱۳
گتوند	۰.۸۲۶	۰.۸۱۶۷۸۳	۱۴
امیدیه	۰.۸۲۶	۰.۸۲۱۶۰۲	۱۵
دزفول	۰.۸۲۶	۰.۸۳۱۵۶۱	۱۶
رامشیر	۰.۸۲۶	۰.۸۴۹۳۴۱	۱۷
رامهرمز	۰.۸۲۶	۰.۸۵۲۹۸۸	۱۸
هويزه	۰.۸۲۶	۰.۸۵۴۱۷۸	۱۹
دشت آزادگان	۰.۸۲۶	۰.۸۶۳۷۹۷	۲۰
باغملک	۰.۸۲۶	۰.۸۶۵۵۵۱	۲۱
اهواز	۰.۸۲۶	۰.۸۷۰۲۸۷	۲۲
ایذه	۰.۸۲۶	۰.۸۷۲۹۶۵	۲۳
شادگان	۰.۸۲۶	۰.۸۸۶۲۵۱	۲۴
باوی	۰.۸۲۶	۰.۸۹۵۷۷۳	۲۵
حمیدیه	۰.۸۲۶	۰.۹۱۴۹۹۴	۲۶
دزپارت	۰.۸۲۶	۰.۹۵۴۰۹۶	۲۷
کارون	۰.۸۲۶	۰.۹۵۵۷۸۳	۲۸
کرخه	۰.۸۲۶	۰.۹۷۰۱۹۳	۲۹
صیدون	۰.۸۲۶	۰.۹۸۲۷۲۲	۳۰



نمودار ۶. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش

جدول ۱۲. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-/۲	۱/۲-۴	۱/۴-۱/۶	۱/۶-۱/۸	۱/۸-۱
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۱۱) و نمودار (۶) آغاچاری، بهبهان و هفتکل بر اساس شاخص‌های فرهنگ و ورزش در رتبه‌های اول تا سوم و کارون، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۲۶/۸ در شاخص‌های فرهنگ و ورزش، محروم از توسعه است.

۷-۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های عمران شهری

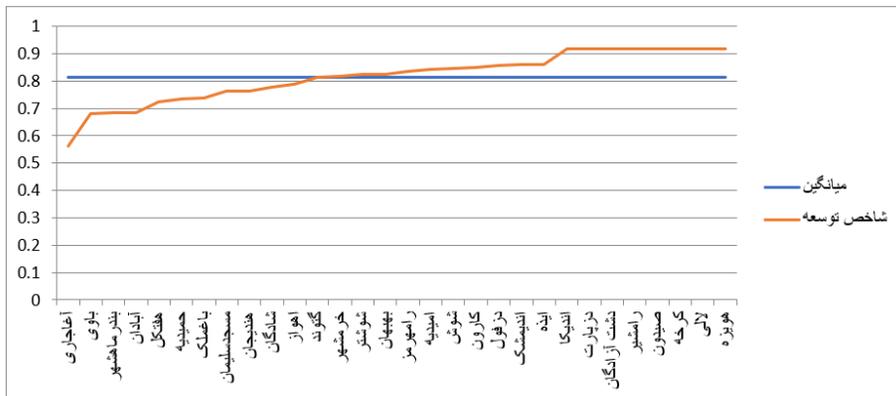
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد فرهنگسرا به جمعیت، تعداد میدین میوه و تره بار به جمعیت.

جدول ۱۳. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های عمران شهری

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
آغاچاری	۰.۸۱۵	۰.۵۶۳۴۲۳	۱
باوی	۰.۸۱۵	۰.۶۸۱۴۶۴	۲
بندرماهشهر	۰.۸۱۵	۰.۶۸۳۴۶۲	۳
آبادان	۰.۸۱۵	۰.۶۸۵۳۷۹	۴
هفتکل	۰.۸۱۵	۰.۷۲۳۴۵۴	۵
حمیدیه	۰.۸۱۵	۰.۷۳۴۰۲۸	۶
باغملک	۰.۸۱۵	۰.۷۳۸۸۴۴	۷
مسجدسلیمان	۰.۸۱۵	۰.۷۶۴۵۶۶	۸
هندیجان	۰.۸۱۵	۰.۷۶۴۵۷۲	۹
شادگان	۰.۸۱۵	۰.۷۷۷۸۵۷	۱۰
اهواز	۰.۸۱۵	۰.۷۸۷۴۴۹	۱۱
گتوند	۰.۸۱۵	۰.۸۱۲۷۱۵	۱۲
خرمشهر	۰.۸۱۵	۰.۸۱۷۱۲۲	۱۳
شوشتر	۰.۸۱۵	۰.۸۲۴۳۹۲	۱۴



بهبهان	۰.۸۱۵	۰.۸۲۴۶۲۷	۱۵
رامهرمز	۰.۸۱۵	۰.۸۳۴۶۶۴	۱۶
امیدیه	۰.۸۱۵	۰.۸۴۳۲۲۸	۱۷
شوش	۰.۸۱۵	۰.۸۴۵۳۵۵	۱۸
کارون	۰.۸۱۵	۰.۸۴۹۵۵۶۹	۱۹
دزفول	۰.۸۱۵	۰.۸۵۷۰۰۵	۲۰
اندیمشک	۰.۸۱۵	۰.۸۶۰۸۸۵	۲۱
ایذه	۰.۸۱۵	۰.۸۶۱۳۴۲	۲۲
اندیکا	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۲۳
دزپارت	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۲۴
دشت آزادگان	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۲۵
رامشیر	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۲۶
صیدون	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۲۷
کرخه	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۲۸
لالی	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۲۹
هوئیزه	۰.۸۱۵	۰.۹۱۶۹۶۸	۳۰



نمودار ۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های عمران شهری

جدول ۱۴. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۱۳) و نمودار (۷) آغاچاری، باوی و بندرماهشهر بر اساس شاخص‌های عمران شهری در رتبه‌های اول تا سوم و کرخه، لالی و هویزه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۱۵/ در شاخص‌های عمران شهری، محروم از توسعه است.

۸-۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های صنعت

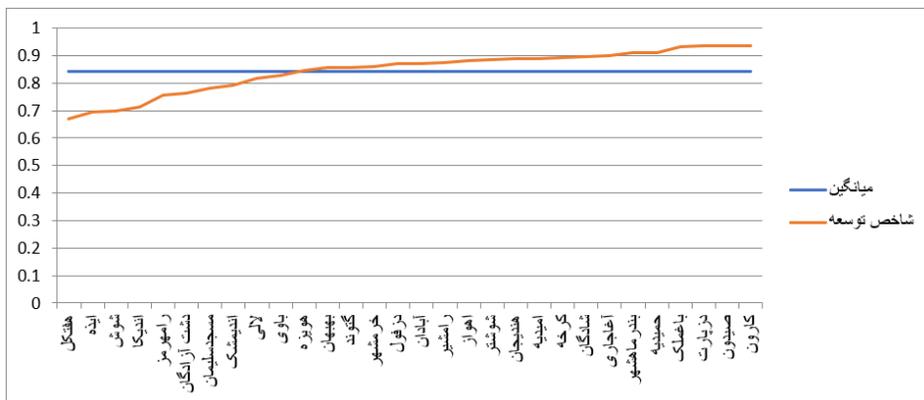
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد شرکت‌های تعاونی صنعتی فعال به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی صنعتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی صنعتی به جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی خدماتی فعال به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی خدماتی به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی فرش دستباف به جمعیت، اشتغال شرکت‌های تعاونی فرش دستباف به جمعیت، میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی فرش دستباف به جمعیت.

جدول ۱۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های صنعت

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۶۶۹۸۷۸	۰.۸۴۴	هفتکل
۲	۰.۶۹۳۷۲۶	۰.۸۴۴	ایذه
۳	۰.۶۹۸۲۸	۰.۸۴۴	شوش
۴	۰.۷۱۳۱۷۸	۰.۸۴۴	اندیکا
۵	۰.۷۵۵۱۳	۰.۸۴۴	رامهرمز
۶	۰.۷۶۳۱۶۱	۰.۸۴۴	دشت آزادگان
۷	۰.۷۸۰۶۰۴	۰.۸۴۴	مسجدسلیمان
۸	۰.۷۹۳۵۷۹	۰.۸۴۴	اندیمشک
۹	۰.۸۱۸۲۷۵	۰.۸۴۴	لالی



۱۰	۰.۸۲۷۰۲۹	۰.۸۴۴	باوی
۱۱	۰.۸۴۶۷۱۲	۰.۸۴۴	هویره
۱۲	۰.۸۵۳۵۵	۰.۸۴۴	بهبهان
۱۳	۰.۸۵۵۹۰۶	۰.۸۴۴	گتوند
۱۴	۰.۸۶۱۶۹۸	۰.۸۴۴	خرمشهر
۱۵	۰.۸۶۹۵۴۲	۰.۸۴۴	دزفول
۱۶	۰.۸۷۱۱۸۶	۰.۸۴۴	آبادان
۱۷	۰.۸۷۴۰۸۵	۰.۸۴۴	رامشیر
۱۸	۰.۸۸۱۰۱۶	۰.۸۴۴	اهواز
۱۹	۰.۸۸۵۳۲۹	۰.۸۴۴	شوشتر
۲۰	۰.۸۸۷۸۳۶	۰.۸۴۴	هندیجان
۲۱	۰.۸۸۹۸۹۸	۰.۸۴۴	امیدیه
۲۲	۰.۸۹۴۳۷۷	۰.۸۴۴	کرخه
۲۳	۰.۸۹۷۹۶۶	۰.۸۴۴	شادگان
۲۴	۰.۹۰۱۰۹۷	۰.۸۴۴	آغاجاری
۲۵	۰.۹۱۰۱۴۶	۰.۸۴۴	بندرماهشهر
۲۶	۰.۹۱۱۷۸۸	۰.۸۴۴	حمیدیه
۲۷	۰.۹۳۳۵۹۹	۰.۸۴۴	باغملک
۲۸	۰.۹۳۶۰۵۴	۰.۸۴۴	دزپارت
۲۹	۰.۹۳۶۰۵۴	۰.۸۴۴	صیدون
۳۰	۰.۹۳۶۰۵۴	۰.۸۴۴	کارون



نمودار ۸. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های صنعت

جدول ۱۶. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۱۵) و نمودار (۸) هفتکل، ایزده و شوش بر اساس شاخص‌های صنعت در رتبه‌های اول تا سوم و دزپارت، صیدون و کارون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۴۴/۸ در شاخص‌های صنعت، محروم از توسعه است.

۹-۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا

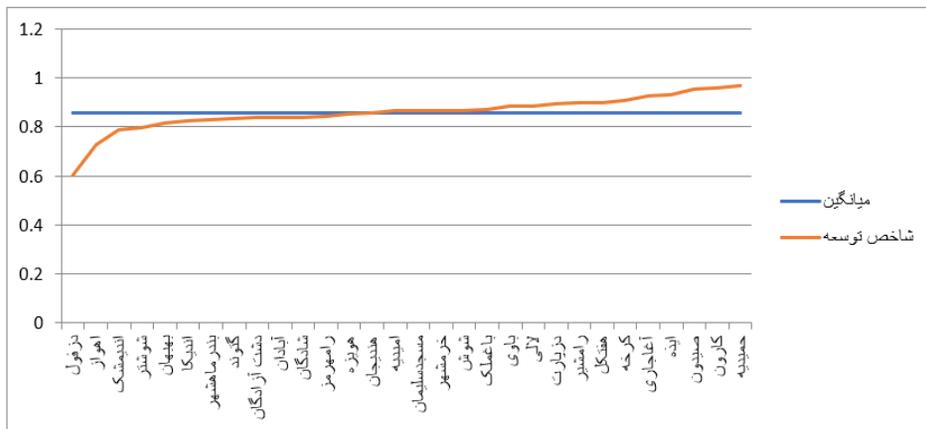
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مساحت به جمعیت، توزیع شهر (درصد)، توزیع جمعیت (درصد).

جدول ۱۷. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
دزفول	۰.۸۵۷	۰.۶۰۲۷۴۲	۱
اهواز	۰.۸۵۷	۰.۷۲۸۰۴۱	۲
اندیمشک	۰.۸۵۷	۰.۷۸۶۵۳۶	۳
شوشتر	۰.۸۵۷	۰.۷۹۶۱۷۸	۴
بهبهان	۰.۸۵۷	۰.۸۱۷۴۷۴	۵
اندیکا	۰.۸۵۷	۰.۸۲۴۹۵۶	۶
بندرماهشهر	۰.۸۵۷	۰.۸۳۱۴۲۳	۷
گتوند	۰.۸۵۷	۰.۸۳۳۱۰۴	۸
دشت آزادگان	۰.۸۵۷	۰.۸۳۷۹۳۸	۹
آبادان	۰.۸۵۷	۰.۸۳۸۱۰۴	۱۰
شادگان	۰.۸۵۷	۰.۸۴۰۰۷۹	۱۱
رامهرمز	۰.۸۵۷	۰.۸۴۱۱۳۸	۱۲
هويزه	۰.۸۵۷	۰.۸۵۲۷۲۱	۱۳
هنديجان	۰.۸۵۷	۰.۸۵۵۹۶۳	۱۴



امیدیه	۰.۸۵۷	۰.۸۶۴۱۲۳	۱۵
مسجدسلیمان	۰.۸۵۷	۰.۸۶۵۴۵۷	۱۶
خرمشهر	۰.۸۵۷	۰.۸۶۶۴۸۹	۱۷
شوش	۰.۸۵۷	۰.۸۶۶۵۳۶	۱۸
باغملک	۰.۸۵۷	۰.۸۷۲۶۰۴	۱۹
باوی	۰.۸۵۷	۰.۸۸۴۰۸۹	۲۰
لالی	۰.۸۵۷	۰.۸۸۴۹۳۳	۲۱
دزپارت	۰.۸۵۷	۰.۸۹۵۲۲۳	۲۲
رامشیر	۰.۸۵۷	۰.۸۹۸۰۳۵	۲۳
هفتکل	۰.۸۵۷	۰.۸۹۸۶۸۵	۲۴
کرخه	۰.۸۵۷	۰.۹۰۷۱۴۶	۲۵
آغاجاری	۰.۸۵۷	۰.۹۲۷۷۸۵	۲۶
ایذه	۰.۸۵۷	۰.۹۳۰۲۶۲	۲۷
صیدون	۰.۸۵۷	۰.۹۵۵۵۷۵	۲۸
کارون	۰.۸۵۷	۰.۹۵۸۱۶۳	۲۹
حمیدیه	۰.۸۵۷	۰.۹۶۷۲۴۲	۳۰



نمودار ۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا

جدول ۱۸. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۱۷) و نمودار (۹) دزفول، اهواز و اندیمشک بر اساس شاخص‌های سرزمین و آب و هوا در رتبه‌های اول تا سوم و صیدون، کارون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۵۷/۸ در شاخص‌های سرزمین و آب و هوا، محروم از توسعه است.

۱-۱۰. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های حمل و نقل

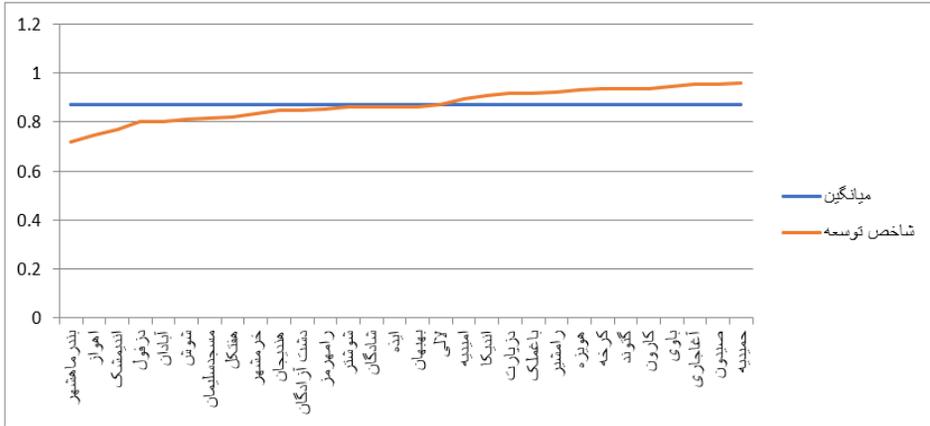
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: توزیع تعداد قطعه زمین واگذار شده توسط اداره راه و شهرسازی (درصد)، مساحت زمین واگذار شده توسط اداره راه و شهرسازی به جمعیت، توزیع آزاد راه (درصد)، توزیع بزرگراه (درصد)، توزیع راه بین شهری (درصد)، توزیع راه روستایی آسفالتی (درصد)، توزیع راه روستایی (درصد)، تعداد تونل به جمعیت، تعداد راه‌دارخانه به جمعیت، تعداد سفر به جمعیت، تعداد مسافر جا به جا شده به جمعیت، تعداد پایانه به جمعیت، وزن بار ورودی به استان (برون استانی) به جمعیت، وزن بار خروجی از استان (برون استانی) به جمعیت، جا به جایی بار درون استانی به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی حمل و نقل به جمعیت.

جدول ۱۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های حمل و نقل

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۷۱۸۹۹۱	۰.۸۷	بندرماهشهر
۲	۰.۷۴۸۲۰۳	۰.۸۷	اهواز
۳	۰.۷۷۰۹۷۸	۰.۸۷	اندیمشک
۴	۰.۸۰۰۲۵۳	۰.۸۷	دزفول
۵	۰.۸۰۲۱۶	۰.۸۷	آبادان
۶	۰.۸۱۲۳۵۶	۰.۸۷	شوش



مسجدسلیمان	۰.۸۷	۰.۸۱۶۹۹۴	۷
هفتکل	۰.۸۷	۰.۸۲۱۱۵	۸
خرمشهر	۰.۸۷	۰.۸۳۲۷۴۱	۹
هندیجان	۰.۸۷	۰.۸۴۶۴۲۳	۱۰
دشت آزادگان	۰.۸۷	۰.۸۴۹۲۱۳	۱۱
رامهرمز	۰.۸۷	۰.۸۵۳۶۰۲	۱۲
شوشتر	۰.۸۷	۰.۸۶۰۶۵۵	۱۳
شادگان	۰.۸۷	۰.۸۶۳۱۴۹	۱۴
ایذه	۰.۸۷	۰.۸۶۳۲۸	۱۵
بهبهان	۰.۸۷	۰.۸۶۳۶۶۴	۱۶
لالی	۰.۸۷	۰.۸۶۹۶۷	۱۷
امیدیه	۰.۸۷	۰.۸۹۱۷۹۷	۱۸
اندیکا	۰.۸۷	۰.۹۰۷۷۲۴	۱۹
دزپارت	۰.۸۷	۰.۹۱۵۱۹۲	۲۰
باغملک	۰.۸۷	۰.۹۱۵۳۱۲	۲۱
رامشیر	۰.۸۷	۰.۹۲۲۴۲۷	۲۲
هويزه	۰.۸۷	۰.۹۳۰۸۲۱	۲۳
کرخه	۰.۸۷	۰.۹۳۶۸۳	۲۴
گتوند	۰.۸۷	۰.۹۳۷۳۷۱	۲۵
کارون	۰.۸۷	۰.۹۳۷۸۴۴	۲۶
باوی	۰.۸۷	۰.۹۴۴۵۳۴	۲۷
آغاچاری	۰.۸۷	۰.۹۵۴۸۸۱	۲۸
صیدون	۰.۸۷	۰.۹۵۵۲۸۷	۲۹
حمیدیه	۰.۸۷	۰.۹۵۹۲۸۷	۳۰



نمودار ۱۰. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های حمل و نقل

جدول ۲۰. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۱۸	۱-۸
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۱۹) و نمودار (۱۰) بندرماهشهر، اهواز و اندیمشک بر اساس شاخص‌های حمل و نقل در رتبه‌های اول تا سوم و آغاچاری، صیدون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۷/ در شاخص‌های حمل و نقل، محروم از توسعه است.

۱۱-۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های

جمعیت

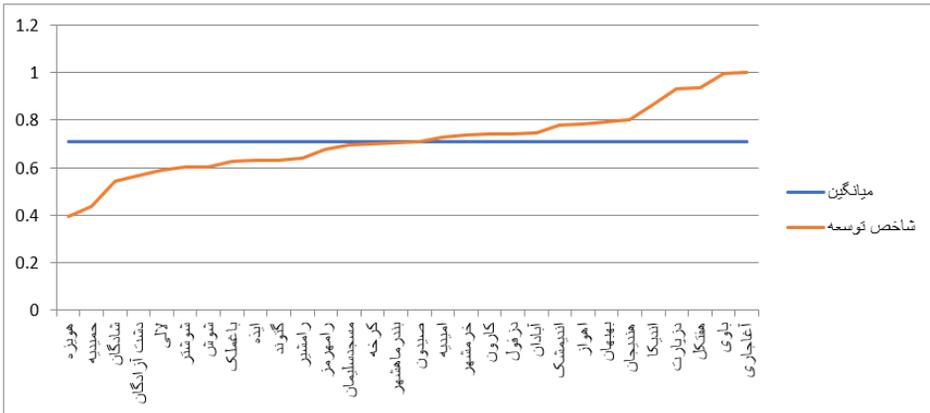
این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ولادت به جمعیت، فوت شدگان به جمعیت، ازدواج به جمعیت، طلاق به جمعیت.

جدول ۲۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های جمعیت

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
هویزه	۰.۷۱	۰.۳۹۴۰۱۵	۱
حمیدیه	۰.۷۱	۰.۴۳۸۶۱۲	۲



شادگان	۰.۷۱	۰.۵۴۱۵۴۴	۳
دشت آزادگان	۰.۷۱	۰.۵۶۵۱۴۶	۴
لالی	۰.۷۱	۰.۵۹۰۹۲۴	۵
شوشتر	۰.۷۱	۰.۶۰۰۹۳۱	۶
شوش	۰.۷۱	۰.۶۰۲۶۴۲	۷
باغملک	۰.۷۱	۰.۶۲۴۰۸۳	۸
ایذه	۰.۷۱	۰.۶۲۹۳۱	۹
گتوند	۰.۷۱	۰.۶۳۱۴۲۲	۱۰
رامشیر	۰.۷۱	۰.۶۴۰۵۰۳	۱۱
رامهرمز	۰.۷۱	۰.۶۷۴۵۶۳	۱۲
مسجدسلیمان	۰.۷۱	۰.۶۹۳۶۹۷	۱۳
کرخه	۰.۷۱	۰.۶۹۸۳۳۴	۱۴
بندرماهشهر	۰.۷۱	۰.۷۰۳۹۹۵	۱۵
صیدون	۰.۷۱	۰.۷۰۹۴۰۵	۱۶
امیدیه	۰.۷۱	۰.۷۲۸۳۸۶	۱۷
خرمشهر	۰.۷۱	۰.۷۳۶۴۵۴	۱۸
کارون	۰.۷۱	۰.۷۴۱۱۹۶	۱۹
دزفول	۰.۷۱	۰.۷۴۳۱۹۸	۲۰
آبادان	۰.۷۱	۰.۷۴۵۷۷۱	۲۱
اندیمشک	۰.۷۱	۰.۷۷۶۹۲۹	۲۲
اهواز	۰.۷۱	۰.۷۸۳۲۹۸	۲۳
بهبهان	۰.۷۱	۰.۷۹۰۶۸۸	۲۴
هندیجان	۰.۷۱	۰.۸۰۲۱۹۵	۲۵
اندیکا	۰.۷۱	۰.۸۶۵۶۹۱	۲۶
دزپارت	۰.۷۱	۰.۹۲۸۷۸۷	۲۷
هفتکل	۰.۷۱	۰.۹۳۵۲۴۶	۲۸
باوی	۰.۷۱	۰.۹۹۴۲۷۳	۲۹
آغاچاری	۰.۷۱	۱	۳۰



نمودار ۱۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های جمعیت

جدول ۲۲. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۲۱) و نمودار (۱۱) هویزه، حمیدیه و شادگان بر اساس شاخص‌های جمعیت در رتبه‌های اول تا سوم و هفتکل، باوی و آغاچاری در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۱٪ در شاخص‌های جمعیت، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

۱۲-۱. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست به جمعیت، تعداد کودکان بی سرپرست به جمعیت، تعداد مراکز آسیب‌های اجتماعی به جمعیت، تعداد افراد آسیب‌های اجتماعی به جمعیت، تعداد مراکز توانبخش به جمعیت، تعداد افراد در مراکز توانبخش به جمعیت، تعداد مراکز ترک اعتیاد به جمعیت، تعداد افراد در مراکز ترک اعتیاد به جمعیت، تعداد واحدهای کمیته امداد به جمعیت، تعداد افراد زیر نظر کمیته امداد به جمعیت، تعداد سالمندان مورد حمایت کمیته امداد به جمعیت، تعداد ایتم به جمعیت، مبلغ وام پرداختی کمیته امداد به افراد تحت حمایت به جمعیت، تعداد دانش آموزان تحت پوشش کمیته امداد

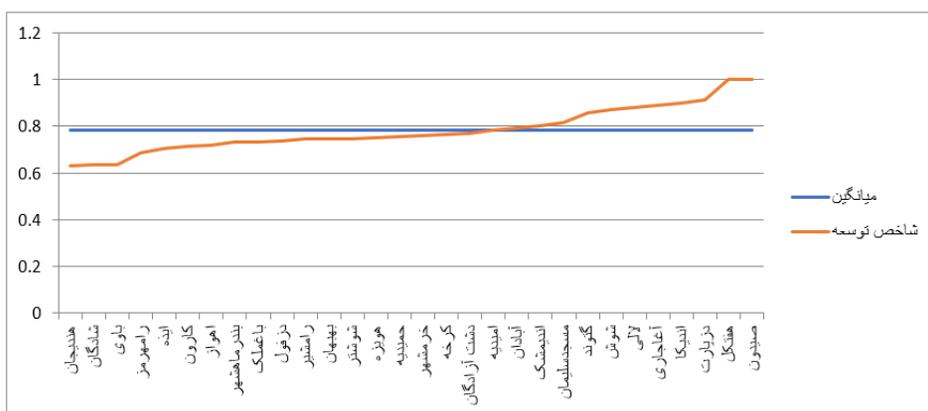


استفاده کننده از خدمات تحصیلی و فرهنگی به جمعیت، تعداد دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد استفاده کننده از خدمات تحصیلی و فرهنگی به جمعیت، درآمدهای کمک شده به کمیته امداد به جمعیت، تعداد افراد خانوارهای شاهد تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران به جمعیت، تعداد جانبازان تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران به جمعیت، تعداد آموزش گیرندگان هلال احمر به جمعیت، تعداد افراد تحت پوشش تامین اجتماعی (بیمه شدگان و مستمری بگیران) به جمعیت، تعداد بیمه شدگان تحت پوشش بیمه سلامت به جمعیت، تعداد اعضای صندوق بیمه تامین اجتماعی کشاورزان، روستایی و عشایر به جمعیت.

جدول ۲۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۶۲۸۷۱۱	۰.۷۸۲	هندیجان
۲	۰.۶۳۴۰۹۲	۰.۷۸۲	شادگان
۳	۰.۶۳۵۹۲۹	۰.۷۸۲	باوی
۴	۰.۶۸۵۰۲۳	۰.۷۸۲	رامهرمز
۵	۰.۷۰۴۸۹۱	۰.۷۸۲	ایذه
۶	۰.۷۱۲۷۸۵	۰.۷۸۲	کارون
۷	۰.۷۱۹۸۰۸	۰.۷۸۲	اهواز
۸	۰.۷۳۰۰۷۴	۰.۷۸۲	بندرماهشهر
۹	۰.۷۳۲۹۹۷	۰.۷۸۲	باغملک
۱۰	۰.۷۳۸۹۷۶	۰.۷۸۲	دزفول
۱۱	۰.۷۴۵۱۶	۰.۷۸۲	رامشیر
۱۲	۰.۷۴۶۱۷۵	۰.۷۸۲	بهبهان
۱۳	۰.۷۴۷۴۵۶	۰.۷۸۲	شوشتر
۱۴	۰.۷۵۰۹۴۲	۰.۷۸۲	هويزه
۱۵	۰.۷۵۵۴۱۵	۰.۷۸۲	حمیدیه
۱۶	۰.۷۵۸۲۴۹	۰.۷۸۲	خرمشهر
۱۷	۰.۷۶۴۷۲۴	۰.۷۸۲	کرخه
۱۸	۰.۷۶۸۰۳۲	۰.۷۸۲	دشت آزادگان
۱۹	۰.۷۸۵۱۶۳	۰.۷۸۲	امیدیه
۲۰	۰.۷۹۰۵۷۶	۰.۷۸۲	آبادان
۲۱	۰.۸۰۱۶۰۲	۰.۷۸۲	اندیمشک
۲۲	۰.۸۱۶۹۱۲	۰.۷۸۲	مسجدسلیمان

گتوند	۰.۷۸۲	۰.۸۵۹۱۵۲	۲۳
شوش	۰.۷۸۲	۰.۸۷۰۸۹۶	۲۴
لالی	۰.۷۸۲	۰.۸۸۰۰۳۲	۲۵
آغاچاری	۰.۷۸۲	۰.۸۸۸۶۳۵	۲۶
اندیکا	۰.۷۸۲	۰.۸۹۹۹۹	۲۷
دزپارت	۰.۷۸۲	۰.۹۱۱۴۱۱	۲۸
هفتکل	۰.۷۸۲	۱	۲۹
صیدون	۰.۷۸۲	۱	۳۰



نمودار ۱۲. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی

جدول ۲۴. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۲۳) و نمودار (۱۲) هندیجان، شادگان و باوی بر اساس شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی در رتبه‌های اول تا سوم و دزپارت، هفتکل و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۰.۷۸۲ در شاخص‌های بهزیستی و تامین اجتماعی، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

۱-۱۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان

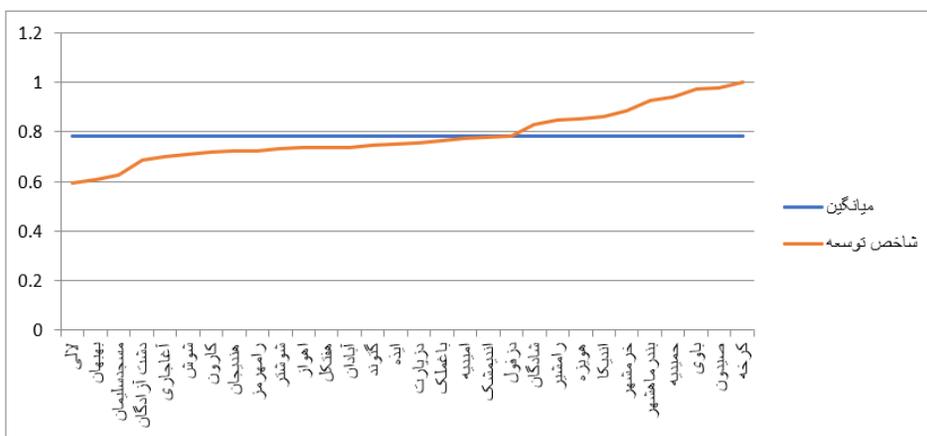
این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

کارکنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی به جمعیت، تعداد پزشک به جمعیت، تعداد پرستار به جمعیت، تعداد بیمارستان به جمعیت، تعداد تخت مصوب به جمعیت، تعداد تخت فعال به جمعیت، تعداد مراکز خدمات سلامت به جمعیت، تعداد آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی به جمعیت، تعداد مراکز توانبخشی به جمعیت، تعداد مراکز پزشکی هسته‌ای به جمعیت، تعداد داروخانه به جمعیت، تعداد درمانگاه به جمعیت، تعداد پایگاه اورژانس به جمعیت، میزان کل اهدای خون به جمعیت، تعداد دامپزشک به جمعیت، تعداد مراکز درمانی دامپزشکی به جمعیت، تعداد داروخانه دامپزشکی به جمعیت.

جدول ۲۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۵۹۳۵۳۵	۰.۷۸۲	لالی
۲	۰.۶۰۵۶۵۱	۰.۷۸۲	بهبهان
۳	۰.۶۲۶۱۲	۰.۷۸۲	مسجدسلیمان
۴	۰.۶۸۵۹۷۸	۰.۷۸۲	دشت آزادگان
۵	۰.۶۹۸۶۷۱	۰.۷۸۲	آغاجاری
۶	۰.۷۱۰۲۱۵	۰.۷۸۲	شوش
۷	۰.۷۲۰۴۱۵	۰.۷۸۲	کارون
۸	۰.۷۲۱۴۵۳	۰.۷۸۲	هندیجان
۹	۰.۷۲۴۰۱۸	۰.۷۸۲	رامهرمز
۱۰	۰.۷۳۱۴۲۶	۰.۷۸۲	شوشتر
۱۱	۰.۷۳۵۰۴۷	۰.۷۸۲	اهواز
۱۲	۰.۷۳۵۳۰۸	۰.۷۸۲	هفتکل
۱۳	۰.۷۳۹۰۸۸	۰.۷۸۲	آبادان
۱۴	۰.۷۴۶۳۹۵	۰.۷۸۲	گتوند
۱۵	۰.۷۴۸۶۰۴	۰.۷۸۲	ایذه
۱۶	۰.۷۵۳۶۹۴	۰.۷۸۲	دزپارت
۱۷	۰.۷۶۶۳۲۲	۰.۷۸۲	باغملک
۱۸	۰.۷۷۲۷۲۴	۰.۷۸۲	امیدیه

اندیمشک	۰.۷۸۲	۰.۷۷۷۹۶۹	۱۹
دزفول	۰.۷۸۲	۰.۷۸۱۶۵	۲۰
شادگان	۰.۷۸۲	۰.۸۲۹۵۸۴	۲۱
رامشیر	۰.۷۸۲	۰.۸۴۸۴۳۱	۲۲
هویزه	۰.۷۸۲	۰.۸۵۱۵۸۳	۲۳
اندیکا	۰.۷۸۲	۰.۸۶۰۱۴۸	۲۴
خرمشهر	۰.۷۸۲	۰.۸۸۴۸۵۳	۲۵
بندرماهشهر	۰.۷۸۲	۰.۹۲۸۰۴۸	۲۶
حمیدیه	۰.۷۸۲	۰.۹۴۱۳۶۳	۲۷
باوی	۰.۷۸۲	۰.۹۷۱۰۱	۲۸
صیدون	۰.۷۸۲	۰.۹۷۷۱۸۷	۲۹
کرخه	۰.۷۸۲	۱	۳۰



نمودار ۱۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان

جدول ۲۶. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۱۸	۱-۸
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۲۵) و نمودار (۱۳) لالی، بهبهان و مسجدسلیمان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان در رتبه‌های اول تا سوم و باوی، صیدون و کرخه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار



دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۸۲/ در شاخص‌های بهداشت و درمان، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

۱-۱۴. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری

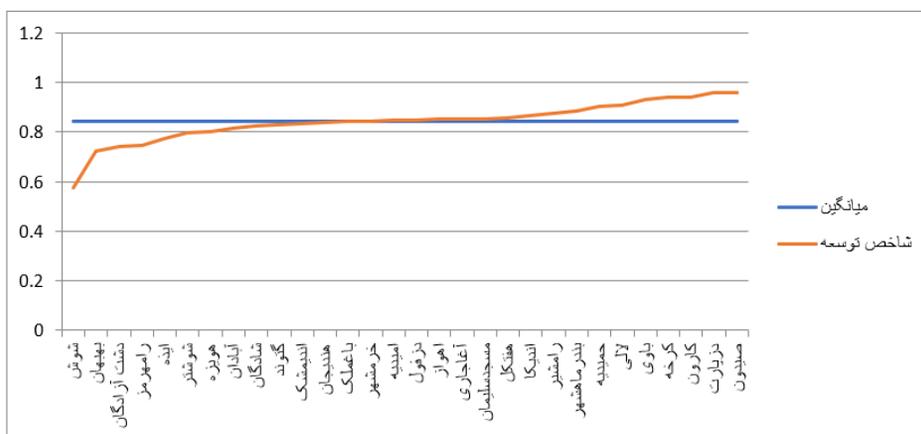
این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف‌کنندگان به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف‌کنندگان به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز مصرف‌کنندگان به جمعیت، تعداد شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، شاغلان شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، سرمایه شرکت تعاونی تامین نیاز صنوف خدماتی به جمعیت، توزیع تعداد شرکت تعاونی روستایی (درصد)، توزیع شاغلان شرکت روستایی (درصد)، سرمایه شرکت روستایی به جمعیت، توزیع تعداد اتحادیه‌های تعاونی روستایی (درصد)، سرمایه اتحادیه‌های تعاونی روستایی به جمعیت، تعداد اقامتگاه به جمعیت.

جدول ۲۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
شوش	۰.۸۴۲	۰.۵۷۵۹۴۴	۱
بهبهان	۰.۸۴۲	۰.۷۲۰۶۹۹	۲
دشت آزادگان	۰.۸۴۲	۰.۷۳۹۸۴۷	۳
رامهرمز	۰.۸۴۲	۰.۷۴۴۴۷۳	۴
ایذه	۰.۸۴۲	۰.۷۷۳۴۸۳	۵
شوشتر	۰.۸۴۲	۰.۷۹۵۳۶۵	۶
هويزه	۰.۸۴۲	۰.۸۰۲۱۷۷	۷
آبادان	۰.۸۴۲	۰.۸۱۵۸۱۴	۸
شادگان	۰.۸۴۲	۰.۸۲۵۱۲۴	۹
گتوند	۰.۸۴۲	۰.۸۲۷۲۴	۱۰
اندیمشک	۰.۸۴۲	۰.۸۳۴۵۳۱	۱۱
هندیجان	۰.۸۴۲	۰.۸۴۰۷۹۲	۱۲

باغملک	۰.۸۴۲	۰.۸۴۴۰۰۳	۱۳
خرمشهر	۰.۸۴۲	۰.۸۴۵۳۷۷	۱۴
امیدیه	۰.۸۴۲	۰.۸۴۷۶۹۶	۱۵
دزفول	۰.۸۴۲	۰.۸۴۸۲۴۵	۱۶
اهواز	۰.۸۴۲	۰.۸۵۳۶۲۸	۱۷
آغاچاری	۰.۸۴۲	۰.۸۵۴۱۳۳	۱۸
مسجدسلیمان	۰.۸۴۲	۰.۸۵۴۱۵۷	۱۹
هفتکل	۰.۸۴۲	۰.۸۵۷۴۸۵	۲۰
اندیکا	۰.۸۴۲	۰.۸۶۵۳۲۵	۲۱
رامشیر	۰.۸۴۲	۰.۸۷۶۹۴۱	۲۲
بندرماهشهر	۰.۸۴۲	۰.۸۸۳۵۷۴	۲۳
حمیدیه	۰.۸۴۲	۰.۹۰۱۴۸۵	۲۴
لالی	۰.۸۴۲	۰.۹۰۷۲۸	۲۵
باوی	۰.۸۴۲	۰.۹۲۸۸۶۲	۲۶
کرخه	۰.۸۴۲	۰.۹۳۸۲۵۴	۲۷
کارون	۰.۸۴۲	۰.۹۴۲۱۲	۲۸
دزپارت	۰.۸۴۲	۰.۹۵۸۰۶۸	۲۹
صیدون	۰.۸۴۲	۰.۹۵۸۰۶۸	۳۰



نمودار ۱۴ توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری



جدول ۲۸. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۱۲	۱۲-۱۴	۱۴-۱۶	۱۶-۱۸	۱۸-۱
وضعیت توسعه یافتگی	شدیداً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۲۷) و نمودار (۱۴) شوش، بهبهان و دشت آزادگان بر اساس شاخص‌های بازرگانی و هتلداری در رتبه‌های اول تا سوم و کارون، دزپارت و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۴۲/ در شاخص‌های بازرگانی و هتلداری، محروم از توسعه است.

۱-۱۵. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازار مالی

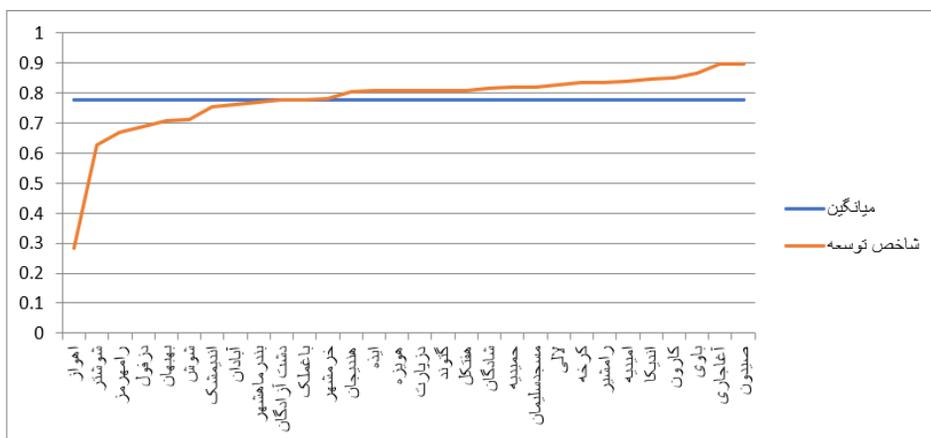
این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

تعداد شعبه‌های بانکی به جمعیت، تعداد موسسات اعتباری غیربانکی به جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی اعتبار به جمعیت، سرمایه شرکت‌های تعاونی اعتبار به جمعیت، مانده سپرده‌های بانک کشاورزی به جمعیت.

جدول ۲۹. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازار مالی

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۲۸۳۰۴۹	۰.۷۷۵	اهواز
۲	۰.۶۲۳۶۹۳	۰.۷۷۵	شوشتر
۳	۰.۶۶۶۵۶۶	۰.۷۷۵	رامهرمز
۴	۰.۶۸۶۵۹۳	۰.۷۷۵	دزفول
۵	۰.۷۰۸۳۰۳	۰.۷۷۵	بهبهان
۶	۰.۷۱۱۷۲۵	۰.۷۷۵	شوش
۷	۰.۷۵۲۵۰۹	۰.۷۷۵	اندیمشک
۸	۰.۷۶۰۸۰۳	۰.۷۷۵	آبادان
۹	۰.۷۶۷۵۷	۰.۷۷۵	بندرماهشهر
۱۰	۰.۷۷۴۵۷	۰.۷۷۵	دشت آزادگان
۱۱	۰.۷۷۷۲۳۶	۰.۷۷۵	باغملک

خرمشهر	۰.۷۷۵	۰.۷۷۹۳۷۹	۱۲
هندیجان	۰.۷۷۵	۰.۸۰۴۷	۱۳
ایذه	۰.۷۷۵	۰.۸۰۴۹۶	۱۴
هویزه	۰.۷۷۵	۰.۸۰۶۰۰۸	۱۵
دزپارت	۰.۷۷۵	۰.۸۰۶۲۴	۱۶
گتوند	۰.۷۷۵	۰.۸۰۷۲۷۸	۱۷
هفتکل	۰.۷۷۵	۰.۸۰۷۷۵۴	۱۸
شادگان	۰.۷۷۵	۰.۸۱۳	۱۹
حمیدیه	۰.۷۷۵	۰.۸۱۸۴۹۶	۲۰
مسجدسلیمان	۰.۷۷۵	۰.۸۱۹۶۷۶	۲۱
لالی	۰.۷۷۵	۰.۸۲۵۱۶۳	۲۲
کرخه	۰.۷۷۵	۰.۸۳۲۲۹۳	۲۳
رامشیر	۰.۷۷۵	۰.۸۳۲۷۰۱	۲۴
امیدیه	۰.۷۷۵	۰.۸۳۸۴۵۱	۲۵
اندیکا	۰.۷۷۵	۰.۸۴۴۸۸۵	۲۶
کارون	۰.۷۷۵	۰.۸۴۹۷۶	۲۷
باوی	۰.۷۷۵	۰.۸۶۵۸۲۵	۲۸
آغاچاری	۰.۷۷۵	۰.۸۹۵۶۹۱	۲۹
صیدون	۰.۷۷۵	۰.۸۹۵۶۹۱	۳۰



نمودار ۱۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های بازار مالی



جدول ۳۰. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-/۲	۱۲-/۴	۱۴-/۶	۱۶-/۸	۱۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۲۹) و نمودار (۱۵) اهواز، شوشتر و رامهرمز بر اساس شاخص‌های بازارمالی در رتبه‌های اول تا سوم و باوی، آغاچاری و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۷۵/۷ در شاخص‌های بازار مالی، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

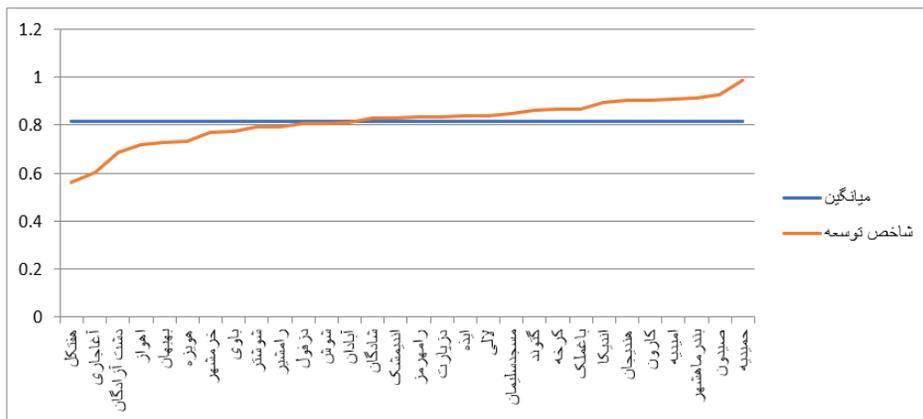
۱۶-۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزش

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد دانش‌آموزان به جمعیت، تعداد معلم به جمعیت، تعداد آموزگاران دانشگاهی به جمعیت، تعداد دانشجویان به جمعیت، تعداد دانش‌آموختگان به جمعیت، تعداد مراکز آموزش عالی به جمعیت، تعداد مربیان مراکز آموزش عالی به جمعیت، تعداد آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای به جمعیت، نرخ باسوادی.

جدول ۳۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزش

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۵۶۳۰۹۸	۰.۸۱۵	هفتکل
۲	۰.۶۰۱۶۰۴	۰.۸۱۵	آغاچاری
۳	۰.۶۸۵۶۵۵	۰.۸۱۵	دشت آزادگان
۴	۰.۷۲۰۴۹۶	۰.۸۱۵	اهواز
۵	۰.۷۲۶۷۲	۰.۸۱۵	بهبهان
۶	۰.۷۳۱۷۲۴	۰.۸۱۵	هويزه
۷	۰.۷۶۷۱۸۷	۰.۸۱۵	خرمشهر
۸	۰.۷۷۲۵۷۱	۰.۸۱۵	باوی
۹	۰.۷۹۰۰۸۹	۰.۸۱۵	شوشتر
۱۰	۰.۷۹۲۰۸۱	۰.۸۱۵	رامشیر
۱۱	۰.۸۰۷۶۸۸	۰.۸۱۵	دزفول

شوش	۰.۸۱۵	۰.۸۰۷۷۹	۱۲
آبادان	۰.۸۱۵	۰.۸۱۱۴۹	۱۳
شادگان	۰.۸۱۵	۰.۸۲۷۸۲۴	۱۴
اندیمشک	۰.۸۱۵	۰.۸۲۹۷۱۷	۱۵
رامهرمز	۰.۸۱۵	۰.۸۳۳۲۸۴	۱۶
دزپارت	۰.۸۱۵	۰.۸۳۵۸۹۹	۱۷
ایذه	۰.۸۱۵	۰.۸۳۷۸۲۶	۱۸
لالی	۰.۸۱۵	۰.۸۳۹۱۲۱	۱۹
مسجدسلیمان	۰.۸۱۵	۰.۸۴۸۲۴۱	۲۰
گتوند	۰.۸۱۵	۰.۸۶۱۴۱۴	۲۱
کرخه	۰.۸۱۵	۰.۸۶۴۵۸۱	۲۲
باغملک	۰.۸۱۵	۰.۸۶۷۴۸	۲۳
اندیکا	۰.۸۱۵	۰.۸۹۱۷۰۲	۲۴
هندیجان	۰.۸۱۵	۰.۹۰۰۹۶۸	۲۵
کارون	۰.۸۱۵	۰.۹۰۲۳۸	۲۶
امیدیه	۰.۸۱۵	۰.۹۰۷۵۴۸	۲۷
بندرماهشهر	۰.۸۱۵	۰.۹۱۴۵۲۱	۲۸
صیدون	۰.۸۱۵	۰.۹۲۷۵۵۷	۲۹
حمیدیه	۰.۸۱۵	۰.۹۸۸۳۱۸	۳۰



نمودار ۱۶. توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آموزش



جدول ۳۲. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۳۱) و نمودار (۱۶) هفتکل، آغاجاری و دشت آزادگان بر اساس شاخص‌های آموزش در رتبه‌های اول تا سوم و بندرماهشهر، صیدون و حمیدیه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۸۱۵/۸ در شاخص‌های آموزش، محروم از توسعه است.

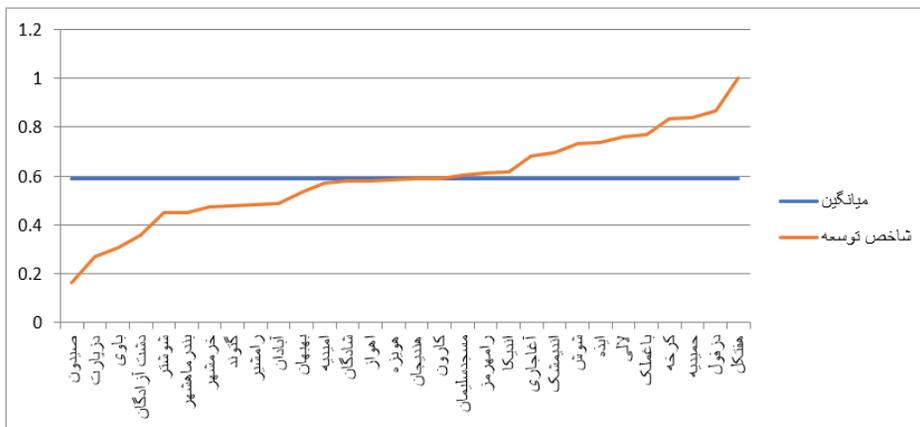
۱-۱۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های امور قضایی

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد دادگاه به جمعیت، تعداد دادرها به جمعیت، تعداد قتل به جمعیت، تعداد خودکشی به جمعیت، تعداد نزاع به جمعیت، دستگیرشدگان انواع سرقت‌ها به جمعیت، تعداد فوت شدگان تصادفات به جمعیت، تعداد مجروحان تصادفات به جمعیت.

جدول ۳۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های امور قضایی

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۱۶۴۸۰۲	۰.۵۸۹	صیدون
۲	۰.۲۶۸۲۲۲	۰.۵۸۹	دزپارت
۳	۰.۳۰۵۲۶۳	۰.۵۸۹	بلوی
۴	۰.۳۵۵۹۹۱	۰.۵۸۹	دشت آزادگان
۵	۰.۴۴۸۴۳۹	۰.۵۸۹	شوستر
۶	۰.۴۴۹۴۴	۰.۵۸۹	بندرماهشهر
۷	۰.۴۷۲۱۹۸	۰.۵۸۹	خرمشهر
۸	۰.۴۷۶۳۳۶	۰.۵۸۹	گتوند
۹	۰.۴۸۳۷۲۴	۰.۵۸۹	رامشیر
۱۰	۰.۴۸۷۴۵۶	۰.۵۸۹	آبادان
۱۱	۰.۵۳۴۹۸۸	۰.۵۸۹	بهبهان
۱۲	۰.۵۷۱۹۷۲	۰.۵۸۹	امیدیه

شادگان	۰.۵۸۹	۰.۵۷۹۹۶۳	۱۳
اهواز	۰.۵۸۹	۰.۵۸۰۸۲۴	۱۴
هویزه	۰.۵۸۹	۰.۵۸۳۰۲	۱۵
هندیجان	۰.۵۸۹	۰.۵۸۸۰۷۳	۱۶
کارون	۰.۵۸۹	۰.۵۹۰۹۵۵	۱۷
مسجدسلیمان	۰.۵۸۹	۰.۶۰۴۸۸۲	۱۸
رامهرمز	۰.۵۸۹	۰.۶۱۱۰۷۴	۱۹
اندیکا	۰.۵۸۹	۰.۶۱۴۵۶۸	۲۰
آغاجاری	۰.۵۸۹	۰.۶۸۰۴۲	۲۱
اندیمشک	۰.۵۸۹	۰.۶۹۷۵۳	۲۲
شوش	۰.۵۸۹	۰.۷۳۲۴۴	۲۳
ایذه	۰.۵۸۹	۰.۷۳۸۱۲۳	۲۴
لالی	۰.۵۸۹	۰.۷۵۹۸۹۶	۲۵
باغملک	۰.۵۸۹	۰.۷۶۷۹۶۱	۲۶
کرخه	۰.۵۸۹	۰.۸۳۲۸۵۷	۲۷
حمیدیه	۰.۵۸۹	۰.۸۴۰۷۸۵	۲۸
دزفول	۰.۵۸۹	۰.۸۶۸۴۰۴	۲۹
هفتکل	۰.۵۸۹	۱	۳۰



نمودار ۱۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های امور قضایی



جدول ۳۴. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۳۳) و نمودار (۱۷) صیدون، دزپارت و باوی بر اساس شاخص‌های امور قضایی در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، دزفول و هفتکل در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۵۸۹/۵ در شاخص‌های امور قضایی، در حال توسعه است.

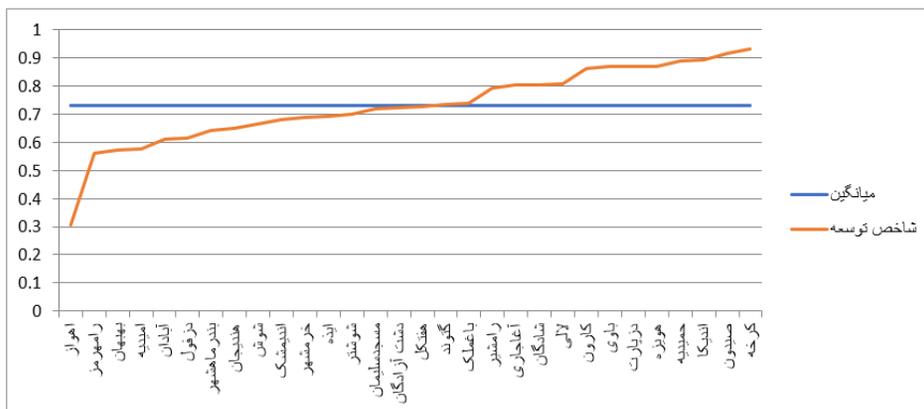
۱-۱۸. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های ارتباطات

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد تلفن ثابت مشغول به کار به جمعیت، ترافیک مرسولات پستی به جمعیت، تعداد صندوق پستی به جمعیت، مرسولات پستی صادر شده درون استانی به جمعیت، مرسولات پستی صادر شده برون استانی به جمعیت، مرسولات پستی صادره به خارج کشور به جمعیت.

جدول ۳۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های ارتباطات

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۳۰۵۱۶۴	۰.۷۲۹	اهواز
۲	۰.۵۵۹۳۹۱	۰.۷۲۹	رامهرمز
۳	۰.۵۷۰۰۹۹	۰.۷۲۹	بهبهان
۴	۰.۵۷۶۰۷۴	۰.۷۲۹	امیدیه
۵	۰.۶۱۰۰۳۱	۰.۷۲۹	آبادان
۶	۰.۶۱۵۴	۰.۷۲۹	دزفول
۷	۰.۶۳۹۱۸	۰.۷۲۹	بندرماهشهر
۸	۰.۶۴۹۲۷۴	۰.۷۲۹	هندیجان
۹	۰.۶۶۴۵۶۳	۰.۷۲۹	شوش
۱۰	۰.۶۸	۰.۷۲۹	اندیمشک
۱۱	۰.۶۸۱۵۴۹	۰.۷۲۹	خرمشهر
۱۲	۰.۶۸۹۷	۰.۷۲۹	ایذه

شوشتر	۰.۷۲۹	۰.۶۹۹۵۹۷	۱۳
مسجد سلیمان	۰.۷۲۹	۰.۷۱۸۱۱۲	۱۴
دشت آزادگان	۰.۷۲۹	۰.۷۲۱۸۰۷	۱۵
هفتکل	۰.۷۲۹	۰.۷۲۳۹۴۹	۱۶
گتوند	۰.۷۲۹	۰.۷۳۳۳۳۶	۱۷
باغملک	۰.۷۲۹	۰.۷۳۸۸	۱۸
رامشیر	۰.۷۲۹	۰.۷۹۲۸۵۹	۱۹
آغاچاری	۰.۷۲۹	۰.۸۰۲۲۴۸	۲۰
شادگان	۰.۷۲۹	۰.۸۰۳۰۸۲	۲۱
لالی	۰.۷۲۹	۰.۸۰۵۷۲۷	۲۲
کارون	۰.۷۲۹	۰.۸۶۱۷۶۴	۲۳
باوی	۰.۷۲۹	۰.۸۶۷۷۵۵	۲۴
دزپارت	۰.۷۲۹	۰.۸۶۸۸۶۶	۲۵
هویزه	۰.۷۲۹	۰.۸۶۹۶۰۸	۲۶
حمیدیه	۰.۷۲۹	۰.۸۸۵۶۱۶	۲۷
اندیکا	۰.۷۲۹	۰.۸۹۰۸۸۹	۲۸
صیدون	۰.۷۲۹	۰.۹۱۵۶۲۷	۲۹
کرخه	۰.۷۲۹	۰.۹۲۸۲۹۳	۳۰



نمودار ۱۸. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های ارتباطات



جدول ۳۶. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۳۵) و نمودار (۱۸) اهواز، رامهرمز و بهبهان بر اساس شاخص‌های ارتباطات در رتبه‌های اول تا سوم و اندیکا، صیدون و کرخه در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۷۲۹/۷ در شاخص‌های ارتباطات، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

۱-۱۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آب

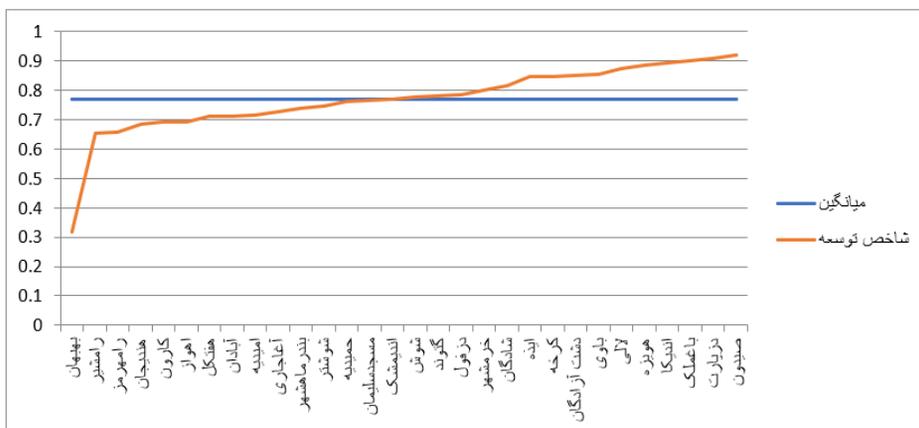
و برق

این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعداد انشعاب آب به جمعیت، تعداد مشترکان برق به جمعیت، مقدار فروش برق به جمعیت.

جدول ۳۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آب و برق

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
بهبهان	۰.۷۶۸	۰.۳۱۷۶۶۱	۱
رامشیر	۰.۷۶۸	۰.۶۵۲۵۸۵	۲
رامهرمز	۰.۷۶۸	۰.۶۵۷۶۷۲	۳
هندیجان	۰.۷۶۸	۰.۶۸۳۷۷۴	۴
کارون	۰.۷۶۸	۰.۶۹۱۹۵۵	۵
اهواز	۰.۷۶۸	۰.۶۹۲۱۸۲	۶
هفتکل	۰.۷۶۸	۰.۷۱۰۵۹۶	۷
آبادان	۰.۷۶۸	۰.۷۱۱۶۹۴	۸
امیدیه	۰.۷۶۸	۰.۷۱۵۱۳۲	۹
آغاچاری	۰.۷۶۸	۰.۷۲۵۲۶۶	۱۰
بندرماهشهر	۰.۷۶۸	۰.۷۳۵۸۴۶	۱۱
شوشتر	۰.۷۶۸	۰.۷۴۳۸۷۱	۱۲

حمیدیه	۰.۷۶۸	۰.۷۶۱۶۵	۱۳
مسجدسلیمان	۰.۷۶۸	۰.۷۶۴۷۹۵	۱۴
اندیمشک	۰.۷۶۸	۰.۷۶۸۳۵۹	۱۵
شوش	۰.۷۶۸	۰.۷۷۷۴۷۸	۱۶
گتوند	۰.۷۶۸	۰.۷۷۹۶۷	۱۷
دزفول	۰.۷۶۸	۰.۷۸۴۲۲۴	۱۸
خرمشهر	۰.۷۶۸	۰.۷۹۸۷۳۹	۱۹
شادگان	۰.۷۶۸	۰.۸۱۵۸۶۱	۲۰
ایذه	۰.۷۶۸	۰.۸۴۴۵۰۸	۲۱
گرخه	۰.۷۶۸	۰.۸۴۶۴۱۷	۲۲
دشت آزادگان	۰.۷۶۸	۰.۸۴۹۰۰۳	۲۳
باوی	۰.۷۶۸	۰.۸۵۱۴۴۴	۲۴
لالی	۰.۷۶۸	۰.۸۷۳۴۸۹	۲۵
هویزه	۰.۷۶۸	۰.۸۸۵۳۱۱	۲۶
اندیکا	۰.۷۶۸	۰.۸۹۰۲۱۶	۲۷
باغملک	۰.۷۶۸	۰.۸۹۹۶۴	۲۸
دزپارت	۰.۷۶۸	۰.۹۰۸۱۰۸	۲۹
صیدون	۰.۷۶۸	۰.۹۱۸۷۷۸	۳۰



نمودار ۱۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های آب و برق



جدول ۳۸. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

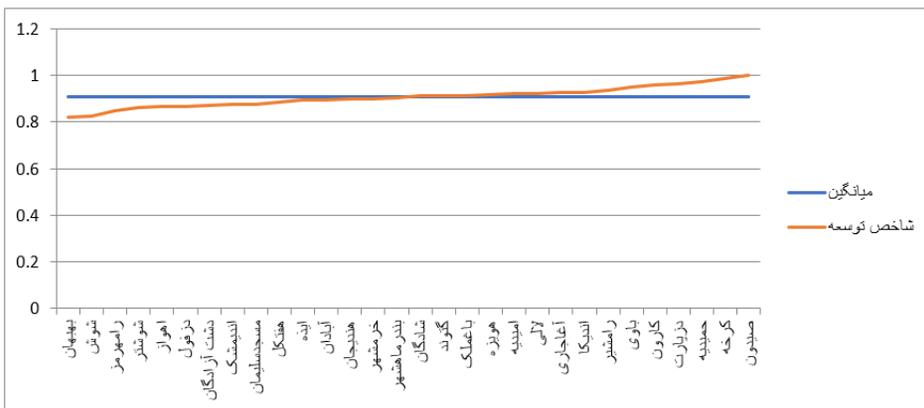
بر اساس جدول (۳۷) و نمودار (۱۹) بهبهان، رامشیر و رامهرمز بر اساس شاخص‌های آب و برق در رتبه‌های اول تا سوم و باغملک، دزپارت و سیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۱۷۶۸ در شاخص‌های آب و برق، در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت است.

۱-۲۰. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس تمامی شاخص‌ها

جدول ۳۹. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس تمامی شاخص‌ها

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
بهبهان	۰.۹۰۶	۰.۸۱۹۶۸۴	۱
شوش	۰.۹۰۶	۰.۸۲۳۲۰۴	۲
رامهرمز	۰.۹۰۶	۰.۸۴۹۰۸۹	۳
شوشتر	۰.۹۰۶	۰.۸۶۱۵۷	۴
اهواز	۰.۹۰۶	۰.۸۶۴۹۲۴	۵
دزفول	۰.۹۰۶	۰.۸۶۵۱۳۳	۶
دشت آزادگان	۰.۹۰۶	۰.۸۷۰۵۱۳	۷
اندیمشک	۰.۹۰۶	۰.۸۷۴۶۹۸	۸
مسجدسلیمان	۰.۹۰۶	۰.۸۷۵۷۶۵	۹
هفتکل	۰.۹۰۶	۰.۸۸۳۲۲۶	۱۰
ایذه	۰.۹۰۶	۰.۸۹۱۸۳۲	۱۱
آبادان	۰.۹۰۶	۰.۸۹۳۳۴۱	۱۲
هندیجان	۰.۹۰۶	۰.۸۹۸۲۵۴	۱۳
خرمشهر	۰.۹۰۶	۰.۸۹۹۱۹۶	۱۴
بندرماهشهر	۰.۹۰۶	۰.۹۰۲۱۹۱	۱۵
شادگان	۰.۹۰۶	۰.۹۱۱۷۳۹	۱۶

گتوند	۰.۹۰۶	۰.۹۱۴۲۷۶	۱۷
باغملک	۰.۹۰۶	۰.۹۱۴۵۵۸	۱۸
هویره	۰.۹۰۶	۰.۹۱۹۰۲۶	۱۹
امیدیه	۰.۹۰۶	۰.۹۲۰۵۲۷	۲۰
لالی	۰.۹۰۶	۰.۹۲۱۷۵۴	۲۱
آغاچاری	۰.۹۰۶	۰.۹۲۵۲۱۲	۲۲
اندیکا	۰.۹۰۶	۰.۹۲۶۵۴۲	۲۳
رامشیر	۰.۹۰۶	۰.۹۳۶۹۰۴	۲۴
باوی	۰.۹۰۶	۰.۹۵۰۳۲۸	۲۵
کارون	۰.۹۰۶	۰.۹۵۹۶۴۱	۲۶
دزپارت	۰.۹۰۶	۰.۹۶۱۸۵۴	۲۷
حمیدیه	۰.۹۰۶	۰.۹۷۲۸۷۲	۲۸
کرخه	۰.۹۰۶	۰.۹۸۴۵۵۳	۲۹
صیدون	۰.۹۰۶	۱	۳۰



نمودار ۲۰. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس تمامی شاخص‌ها

جدول ۴۰. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۱۸	۱-۱۸
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه



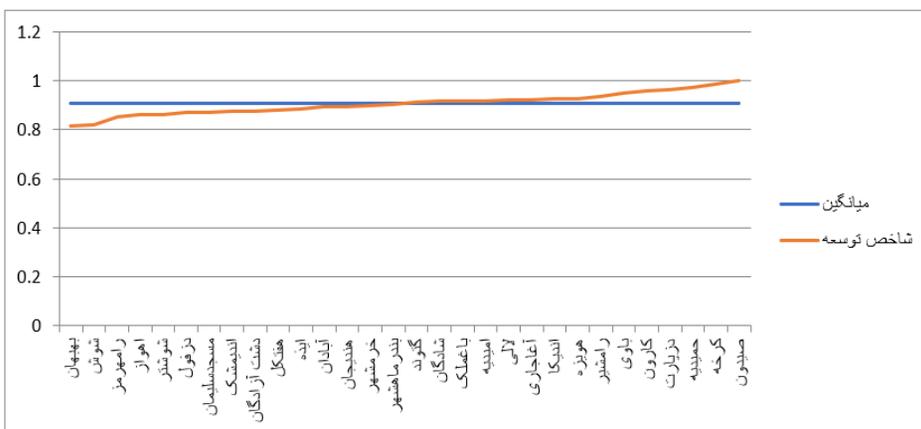
بر اساس جدول (۳۹) و نمودار (۲۰) بهبهان، شوش و رامهرمز بر اساس تمامی شاخص‌ها در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹۰۶/۰ در تمامی شاخص‌ها، محروم از توسعه است.

۱-۲۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس تمامی شاخص‌ها بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست

جدول ۴۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست

رتبه	شاخص توسعه	میانگین	شهرستان
۱	۰.۸۱۶۳۹۵	۰.۹۰۶	بهبهان
۲	۰.۸۱۸۷۵۳	۰.۹۰۶	شوش
۳	۰.۸۵۲۴۱۵	۰.۹۰۶	رامهرمز
۴	۰.۸۶۳۶۲۷	۰.۹۰۶	اهواز
۵	۰.۸۶۳۷۶۵	۰.۹۰۶	شوشتر
۶	۰.۸۶۸۶۶	۰.۹۰۶	دزفول
۷	۰.۸۷۰۳۳۵	۰.۹۰۶	مسجدسلیمان
۸	۰.۸۷۳۵۹۸	۰.۹۰۶	اندیمشک
۹	۰.۸۷۳۶۳۵	۰.۹۰۶	دشت آزادگان
۱۰	۰.۸۷۹۹۹۴	۰.۹۰۶	هفتکل
۱۱	۰.۸۸۶۶۴۶	۰.۹۰۶	ایذه
۱۲	۰.۸۹۲۶۹۵	۰.۹۰۶	آبادان
۱۳	۰.۸۹۴۷۵۵	۰.۹۰۶	هنديجان
۱۴	۰.۸۹۸۴۴۳	۰.۹۰۶	خرمشهر
۱۵	۰.۹۰۴۲۷۲	۰.۹۰۶	بندرماهشهر
۱۶	۰.۹۱۲۳۲۱	۰.۹۰۶	گتوند
۱۷	۰.۹۱۵۷۵۶	۰.۹۰۶	شادگان
۱۸	۰.۹۱۴۱۱	۰.۹۰۶	باغملک
۱۹	۰.۹۱۷۴۷۳	۰.۹۰۶	امیدیه
۲۰	۰.۹۱۹۶۱۳	۰.۹۰۶	لالی
۲۱	۰.۹۲۱۹۰۶	۰.۹۰۶	آغاچاری
۲۲	۰.۹۲۷۳۶۱	۰.۹۰۶	اندیکا
۲۳	۰.۹۲۸۵۳	۰.۹۰۶	هويزه

رامشیر	۰.۹۰۶	۰.۹۳۵۵۲۹	۲۴
باوی	۰.۹۰۶	۰.۹۵۰۵۴۸	۲۵
کارون	۰.۹۰۶	۰.۹۵۷۸۰۳	۲۶
دزپارت	۰.۹۰۶	۰.۹۶۲۳۵۲	۲۷
حمیدیه	۰.۹۰۶	۰.۹۷۱۵۹۸	۲۸
کرخه	۰.۹۰۶	۰.۹۸۵۵۰۶	۲۹
صیدون	۰.۹۰۶	۱	۳۰



نمودار ۲۱. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست

جدول ۴۲. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش ناکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۸	۸-۱
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۴۱) و نمودار (۲۱) بهبهان، شوش و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۰.۹۰۶ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، محروم از توسعه است.

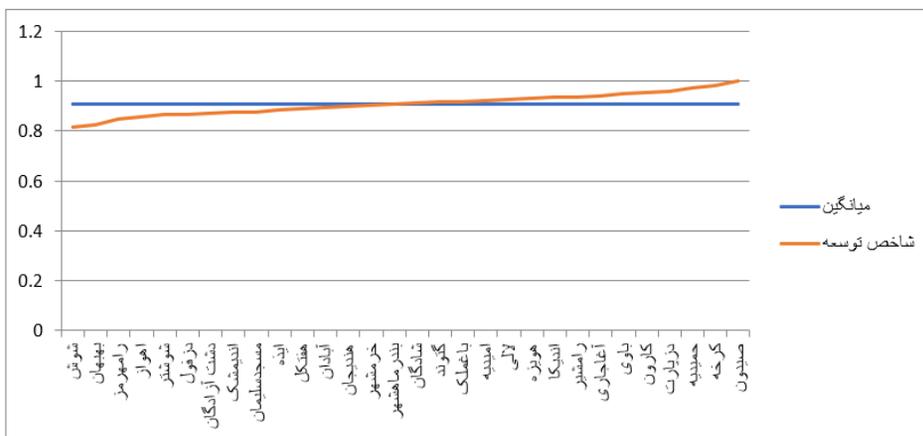


۱-۲۲. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد

جدول ۴۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
شوش	۰.۹۰۷	۰.۸۱۶۱۳۷	۱
بهبهان	۰.۹۰۷	۰.۸۲۲۷۸۸	۲
رامهرمز	۰.۹۰۷	۰.۸۴۷۲۹۲	۳
اهواز	۰.۹۰۷	۰.۸۵۷۹۰۴	۴
شوشتر	۰.۹۰۷	۰.۸۶۶۰۴۶	۵
دزفول	۰.۹۰۷	۰.۸۶۶۶۵۱	۶
دشت آزادگان	۰.۹۰۷	۰.۸۶۹۲۸۸	۷
اندیمشک	۰.۹۰۷	۰.۸۷۷۱۵۲	۸
مسجدسلیمان	۰.۹۰۷	۰.۸۷۷۳۷۳	۹
ایذه	۰.۹۰۷	۰.۸۸۲۵۵۳	۱۰
هفتکل	۰.۹۰۷	۰.۸۸۷۹۴۱	۱۱
آبادان	۰.۹۰۷	۰.۸۹۵۸۱۳	۱۲
هندیجان	۰.۹۰۷	۰.۸۹۷۵۸۸	۱۳
خرمشهر	۰.۹۰۷	۰.۹۰۲۶۱۶	۱۴
بندرماهشهر	۰.۹۰۷	۰.۹۰۸۴۵۴	۱۵
شادگان	۰.۹۰۷	۰.۹۱۲۸۳۴	۱۶
گتوند	۰.۹۰۷	۰.۹۱۴۷۵۲	۱۷
باغملک	۰.۹۰۷	۰.۹۱۵۲۵۹	۱۸
امیدیه	۰.۹۰۷	۰.۹۱۹۹۱۴	۱۹
لالی	۰.۹۰۷	۰.۹۲۵۴۱۹	۲۰
هويزه	۰.۹۰۷	۰.۹۲۹۱۵۲	۲۱
اندیکا	۰.۹۰۷	۰.۹۳۵۹۱۳	۲۲
رامشیر	۰.۹۰۷	۰.۹۳۷۱۰۴	۲۳
آغاجاری	۰.۹۰۷	۰.۹۳۸۴۴۶	۲۴
باوی	۰.۹۰۷	۰.۹۴۹۵۱۸	۲۵
کارون	۰.۹۰۷	۰.۹۵۲۲۷۸	۲۶
دزپارت	۰.۹۰۷	۰.۹۵۷۳۴۱	۲۷

حمیدیه	۰.۹۰۷	۰.۹۷۰۵۹۶	۲۸
کرخه	۰.۹۰۷	۰.۹۸۰۹۶۵	۲۹
صیدون	۰.۹۰۷	۱	۳۰



نمودار ۲۲. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد

جدول ۴۴. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۱۴	۱۴-۱۸	۱-۸
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه	

بر اساس جدول (۴۳) و نمودار (۲۲) شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۰.۹۰۷/ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد، محروم از توسعه است.



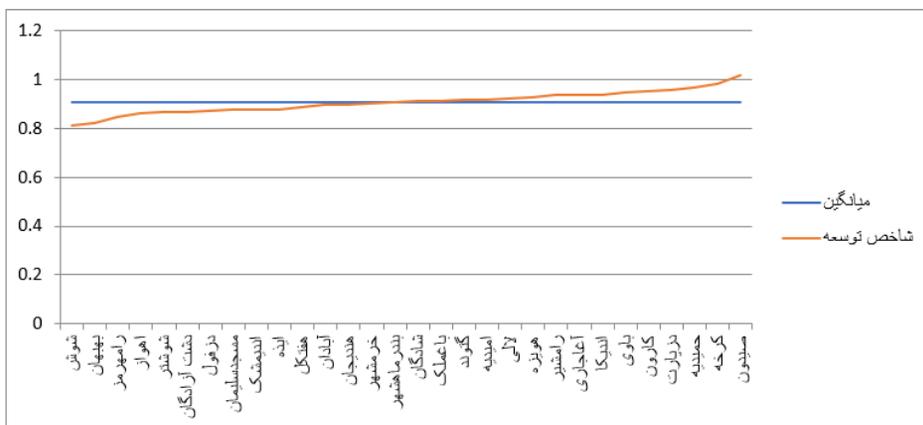
۱-۲۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا

جدول ۴۵. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و

سرزمین و آب و هوا

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
شوش	۰.۹۰۷	۰.۸۱۲۸۴۹	۱
بهبهان	۰.۹۰۷	۰.۸۲۱۳۳۶	۲
رامهرمز	۰.۹۰۷	۰.۸۴۵۸۱۹	۳
اهواز	۰.۹۰۷	۰.۸۶۰۰۷۷	۴
شوشتر	۰.۹۰۷	۰.۸۶۴۹۹	۵
دشت آزادگان	۰.۹۰۷	۰.۸۶۸۵۶۷	۶
دزفول	۰.۹۰۷	۰.۸۷۲۱۳۲	۷
مسجدسلیمان	۰.۹۰۷	۰.۸۷۶۰۲۴	۸
اندیمشک	۰.۹۰۷	۰.۸۷۸۱۹۱	۹
ایذه	۰.۹۰۷	۰.۸۷۹۲۲۹	۱۰
هفتکل	۰.۹۰۷	۰.۸۸۵۸۴۱	۱۱
آبادان	۰.۹۰۷	۰.۸۹۵۸۴۷	۱۲
هندیجان	۰.۹۰۷	۰.۸۹۷۱۲۹	۱۳
خرمشهر	۰.۹۰۷	۰.۹۰۱۹۷۸	۱۴
بندرماهشهر	۰.۹۰۷	۰.۹۰۹۰۴	۱۵
شادگان	۰.۹۰۷	۰.۹۱۳۲۸۶	۱۶
باغملک	۰.۹۰۷	۰.۹۱۴۷۹۷	۱۷
گتوند	۰.۹۰۷	۰.۹۱۵۴۶۲	۱۸
امیدیه	۰.۹۰۷	۰.۹۱۹۸۴۴	۱۹
لالی	۰.۹۰۷	۰.۹۲۴۸۷۱	۲۰
هويزه	۰.۹۰۷	۰.۹۲۹۶۸۲	۲۱
رامشیر	۰.۹۰۷	۰.۹۳۶۴۹	۲۲
آغاجاری	۰.۹۰۷	۰.۹۳۶۹۳۸	۲۳
اندیکا	۰.۹۰۷	۰.۹۳۷۴۳	۲۴
باوی	۰.۹۰۷	۰.۹۴۹۶۸۲	۲۵
کارون	۰.۹۰۷	۰.۹۵۰۲۱	۲۶

دزپارت	۰.۹۰۷	۰.۹۵۷۳۹	۲۷
حمیدیه	۰.۹۰۷	۰.۹۶۸۷۹	۲۸
کرخه	۰.۹۰۷	۰.۹۸۱۳۲۱	۲۹
صیدون	۰.۹۰۷	۱.۰۲۰۰۸۳	۳۰



نمودار ۲۳. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا

جدول ۴۶. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۱۸	۱-۸
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۴۵) و نمودار (۲۳) شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۰/۹۰۷ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا، محروم از توسعه است.



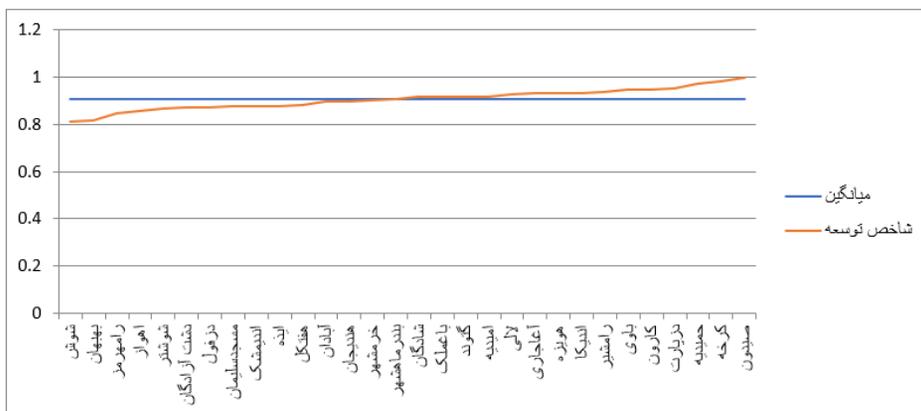
۱-۲۴. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت

جدول ۴۷. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد،

سرزمین و آب و هوا و جمعیت

شهرستان	میانگین	شاخص توسعه	رتبه
شوش	۰.۹۰۶	۰.۸۱۲۹۲۵	۱
بهبهان	۰.۹۰۶	۰.۸۱۸۵۹	۲
رامهرمز	۰.۹۰۶	۰.۸۴۵۲۳۳	۳
اهواز	۰.۹۰۶	۰.۸۵۷۹۶۵	۴
شوشتر	۰.۹۰۶	۰.۸۶۷۱۲۲	۵
دشت آزادگان	۰.۹۰۶	۰.۸۶۹۶۴۵	۶
دزفول	۰.۹۰۶	۰.۸۷۰۸۱۱	۷
مسجدسلیمان	۰.۹۰۶	۰.۸۷۵۴۸۹	۸
اندیمشک	۰.۹۰۶	۰.۸۷۶۴۰۹	۹
ایذه	۰.۹۰۶	۰.۸۷۹۶۱	۱۰
مفتکل	۰.۹۰۶	۰.۸۸۱۳۵۸	۱۱
آبادان	۰.۹۰۶	۰.۸۹۴۷۶۱	۱۲
هندیجان	۰.۹۰۶	۰.۸۹۵۱۷۱	۱۳
خرمشهر	۰.۹۰۶	۰.۹۰۱۱۰۱	۱۴
بندرماهشهر	۰.۹۰۶	۰.۹۰۸۷۱	۱۵
شادگان	۰.۹۰۶	۰.۹۱۵۰۱۵	۱۶
باغملک	۰.۹۰۶	۰.۹۱۵۵۸۳	۱۷
گتوند	۰.۹۰۶	۰.۹۱۶۱۶۳	۱۸
امیدیه	۰.۹۰۶	۰.۹۱۹۲۸۱	۱۹
لالی	۰.۹۰۶	۰.۹۲۶۱۴۷	۲۰
آغاچاری	۰.۹۰۶	۰.۹۳۱۸۷۶	۲۱
هويزه	۰.۹۰۶	۰.۹۳۲۸۹۳	۲۲
اندیکا	۰.۹۰۶	۰.۹۳۴۹۲۸	۲۳
رامشیر	۰.۹۰۶	۰.۹۳۷۲۷۵	۲۴
باوی	۰.۹۰۶	۰.۹۴۵۰۳۷	۲۵
کارون	۰.۹۰۶	۰.۹۴۹۷۹	۲۶

دزپارت	۰.۹۰۶	۰.۹۵۴۰۶۳	۲۷
حمیدیه	۰.۹۰۶	۰.۹۷۱۹۱۳	۲۸
کرخه	۰.۹۰۶	۰.۹۸۱۷۹۸	۲۹
صیدون	۰.۹۰۶	۱	۳۰



نمودار ۲۴. توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت

جدول ۴۸. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه

ارزش تاکسونومی	۰-۲	۲-۴	۴-۶	۶-۱۸	۱-۱۸
وضعیت توسعه‌یافتگی	شدیداً توسعه‌یافته	نسبتاً توسعه‌یافته	در حال توسعه	در حال توسعه با درجه‌ای از محرومیت	محروم از توسعه

بر اساس جدول (۴۷) و نمودار (۲۴) شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۰.۹۰۶ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت، محروم از توسعه است.

بخش ششم

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رشد و توسعه به عنوان یک مقوله اقتصادی و اجتماعی ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه‌شناسان و پژوهشگران برخی از علوم دیگر همچون جغرافیا و... مورد توجه و اساس برنامه‌ریزان قرار گرفت. از جمله دشواری‌های همیشگی در بررسی ادبیات توسعه اقتصادی و دگرگونی‌های اجتماعی، مشخص کردن مفهوم رشد و توسعه است. توسعه را می‌توان فرایندی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دانست که منتج از استانداردهای زندگی بوده و باعث بهبود سطح زندگی مردم جامعه می‌شود. فرآیند توسعه به حدی اهمیت دارد که باید به موازات رشد جمعیت قابل مشاهده باشد و توصیفی این چنین، مفاهیم کیفی و منصفانه را به عنوان اهداف قطعی در هر فرآیند توسعه در بر می‌گیرد به عبارت ساده می‌توان گفت با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه، حذف نابرابری‌ها است، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است. برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی کشورها، مناطق، نواحی و سکونتگاه‌ها، تکنیک‌های مختلفی وجود دارد. استفاده از روش‌های آماری، بهترین و مناسب‌ترین راه‌ها برای حل مسائل در زمینه‌ی تعیین درجه توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای می‌باشد. در فرایند توسعه شهرستان‌ها نیز هر چند ارتقاء کلیه شهرستان‌ها مهم است ولی توجه به شهرستان‌های محروم و کم‌برخوردار در راستای تامین نیازهای اساسی آن‌ها و تعدیل تفاوت آن‌ها، اهمیت بیشتری دارد و همچنین ابتدایی‌ترین اقدامات در خصوص توسعه یکپارچه و هماهنگ، شناسایی و سطح‌بندی وضعیت موجود مناطق مختلف از نظر برخورداری از مواهب و امکانات توسعه است. واگذاری و ایجاد امکانات و زیرساخت‌های موثر به صورت متمرکز و به یک ناحیه به سبب سیاست‌ها و برنامه‌های غیراصولی باعث ایجاد دوگانگی و محرومیت مناطق و نواحی مختلف یک کشور می‌شود. این محرومیت‌ها و توزیع ناعادلانه، سبب انتقال کمبودها و مشکلات به مناطق توسعه‌یافته نیز می‌شود و با ادامه‌ی این رویه، روند کلی توسعه و پیشرفت شهرستان‌ها مختل می‌گردد. در این راستا ارائه برنامه‌های مدرن و منسجم و متناسب با امکانات موجود در مناطق و شناخت خصوصیات آن لازم و ضروری است.

در این پژوهش به رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس ۱۹ گروه و ۱۷۸ شاخص به صورت مجزا و کلی بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران برای بازه زمانی ۱۴۰۲ با استفاده از روش تاکسونومی عددی پرداخته شد.

نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (تمامی گروه‌ها)

بهبهان، شوش و رامهرمز بر اساس تمامی شاخص‌ها در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۱۹۰۶/۰۶ در تمامی شاخص‌ها، محروم از توسعه است.

نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست)

بهبهان، شوش و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۱۹۰۶/۰۶ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، محروم از توسعه است.

نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد)

شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۱۹۰۷/۰۷ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست و فرهنگ و ارشاد، محروم از توسعه است.

نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا)

شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۱۹۰۷/۰۷ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد و سرزمین و آب و هوا، محروم از توسعه است.

نتایج روش تاکسونومی به صورت کلی (بدون شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت)

شوش، بهبهان و رامهرمز بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت در رتبه‌های اول تا سوم و حمیدیه، کرخه و صیدون در رتبه‌های ۲۸ الی ۳۰ قرار دارند. استان خوزستان با میانگین ۹۰۶/۹ بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست، فرهنگ و ارشاد، سرزمین و آب و هوا و جمعیت، محروم از توسعه است.

پیشنهادات پژوهش عبارت‌اند از:

- بررسی و نظارت بر عملکرد سالانه مدیران شهرستان‌ها در صرف بودجه‌های تخصیص یافته به حوزه‌های مختلف، اهمیت بسیاری دارد. در این رابطه پیشنهاد می‌شود سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها به صورت سالانه مورد پایش قرار گرفته و با مقایسه نتایج با سال قبل، عملکرد مدیران شهرستان‌ها در توزیع عادلانه امکانات مورد ارزیابی قرار گیرد؛

- توزیع اعتبارات با تاکید بر شهرستان‌های محروم؛

- توسعه زیر بخش‌های صادرات فناورانه و کشاورزی در شهرستان‌های مستعد؛

- افزایش جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی با توجه به نقش غیر قابل انکار

عوامل اقتصادی و پویا شدن چرخه‌ی اقتصاد در توسعه‌ی شهرستان‌ها؛

- توجه به رویکردهای توسعه منطقه‌ای با اولویت‌بندی شهرستان‌ها بر اساس درجه

توسعه‌یافتگی؛

- توجه به شاخص‌های توسعه به خصوص شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و

زیربنایی؛

- ارائه معافیت‌های مالیاتی و غیره به شهرستان‌های محروم جهت تشویق سرمایه‌گذاران.

منابع

۱. احمدی، امید، الباجی، یوسف و بذرافکن، اشکان. (۱۴۰۳). رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های ایران (بر اساس شاخص‌های حوزه وزارت امور اقتصادی و دارایی)، سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین حسابداری، مدیریت و علوم انسانی در هزاره سوم.
۲. احمدی، امید، الباجی، یوسف و بذرافکن، اشکان. (۱۴۰۳). رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های ایران (با استفاده از روش تاکسونومی عددی)، سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین حسابداری، مدیریت و علوم انسانی در هزاره سوم.
۳. احمدی، فاطمه و رحمن ستایش، علیرضا. (۱۳۹۸). رتبه‌بندی استان‌های کشور ایران بر اساس شاخص‌های توسعه‌یافتگی با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی زند شیراز.
۴. افصح حسینی، فاطمه السادات و شیخ الاسلامی، علیرضا. (۱۳۹۴). رتبه‌بندی توسعه شهرستان‌های استان لرستان با استفاده از تاکسونومی عددی، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی، موسسه علوم و فناوری خوارزمی، شیراز.
۵. آذر، عادل و غلامرضایی، داود. (۱۳۸۴). رتبه‌بندی استان‌های کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها (با به کارگیری شاخص‌های توسعه انسانی)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۷، ۱۷۳-۱۵۳.
۶. آسایش، حسین. (۱۳۷۵). اصول و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات دانشگاه پیام نور تهران.
۷. بهلور مهدی آبادی، مهتاب، فیض‌پور، محمدعلی و یآوری، کاظم. (۱۳۹۸). توسعه منطقه‌ای و روند آن در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
۸. بیون، امید، شهدادی، علی، میرزاده، مهدی و روستا، مجتبی. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل میزان توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی استان کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان.

۹. پارسى پور، حسن، حسين زاده، احمد و عاقلی مقدم، حمیدرضا. (۱۴۰۰). رتبه‌بندی و تحلیل درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور، مهندسی جغرافیایی سرزمین، دوره ۶، شماره ۴، ۷۶۶-۷۵۱.
۱۰. جمینی، داوود، سجادی، مسعود، شهبازی، زینب، امرایی، ایمان (۱۳۹۴). بررسی سطح توسعه‌یافتگی استان اصفهان در زمینه شاخص‌های آموزشی با استفاده از تکنیک TOPSIS، تحلیل خوشه‌ای GIS، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، جلد ۹، شماره ۳، صص ۱۷۹-۱۶۹.
۱۱. حسنوندیان، مریم، پورسعید، علیرضا، اشراقی سامانی، رویا و چهارسوقی امین، حامد. (۱۳۹۹). تحلیل مقایسه‌ای سنجش سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان لرستان با استفاده از روش‌های وایکور و تاکسونومی عددی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد ایلام.
۱۲. حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
۱۳. زیاری، کرمت‌الله. (۱۳۸۳). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد.
۱۴. سرور، رحیم. (۱۳۸۴). جغرافیای کاربردی آمایش سرزمین، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. سمیعی، ریحانه، عیسوی، محمود و دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی از نگاه امام علی علیه السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم حدیث.
۱۶. شکرى خانقاه، حسن رضا، یآوری، غلامرضا و کلاتری، خلیل. (۱۳۸۸). سنجش درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی منطقه غرب استان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور.
۱۷. شیخ‌الاسلامی، علیرضا، بیرانوندزاده، مریم. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی استان لرستان، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، سال اول، شماره ۱، ۳۲-۱۹.



۱۸. شیخ بیگلر، رعنا، تقوایی، مسعود و وارثی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازده، شماره ۴۶.
۱۹. صادقی‌فر، جمیل، سیدین، حسام، انجم شعاع، مینا، رجبی واسوکالی، قاسم، موسوی، میثم و آرمون، بهرام. (۱۳۹۳). تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، شماره ۱۱۸، ۹۱-۸۱.
۲۰. صرافی، مظفر. (۱۳۸۷). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری، هفت شهر، شماره ۲۳، ۳۸-۲۱.
۲۱. صفری، رباب، بیات، مقصود. (۱۳۹۱). تعیین سطح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۲۸، ۴۸-۳۱.
۲۲. ضرابی، اصغر و ایزدی، ملیحه. (۱۳۹۲). تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور، مجله علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، سال سوم، شماره ۱، ۱۱۶-۱۰۱.
۲۳. علی بخشی، آمنه، نظم‌فر، حسین و یزدانی، محمدحسن. (۱۳۹۳). سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با استفاده از روش کپ‌لند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
۲۴. فرجی، محمدامین، حسینی، سید علی، ظهیری، محمد و حسینی، مریم. (۱۳۹۸). سطح‌بندی و سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال شانزدهم، شماره ۶، ص ۳۸.
۲۵. کاظمی، افشار. (۱۳۸۷). تاپسیس، تکنیکی برای ترجیح سفارش از طریق شباهت به راه حل ایده‌آل.

۲۶. کرمی، بهاره، خانزادی، آزاد، فلاحتی، علی و کریمی، محمد شریف. (۱۴۰۲). اندازه‌گیری و رتبه‌بندی شاخص فرصت‌های توسعه در استان‌های ایران، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۲۸، شماره ۹۴، ۱۷۴-۱۲۷.
۲۷. کشاورزی، سامان، نجفی و ترکمانی. (۱۳۹۰). سنجش درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی شهرستان‌های استان فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۲۸. گودرزی، مصطفی و شاغری، زینب. (۱۳۹۲). رتبه‌بندی استان‌های کشور به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی به روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالش‌ها و راهکارها، شیراز.
۲۹. لطفی، تارا، فقه‌مجیدی، علی و محمدی، احمد. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه در استان‌های ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.
۳۰. مبینی دهکردی، علی و هاشمیان اصفهانی، مسعود. (۱۳۸۷). شناخت محیط ملی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، تهران.
۳۱. مرادی، یعقوب و احمدی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی سلسله‌مراتب توسعه‌یافتگی در شهرستان‌های استان خوزستان با تاکید بر نظریه توسعه پایدار، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال هشتم، شماره ۲۷.
۳۲. مسعود، حیدری، نصرالهی، خدیجه و نعمت‌الله، اکبری. (۱۳۸۹). تحلیل مقایسه‌ای روش‌های رتبه‌بندی در اندازه‌گیری توسعه‌یافتگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۳۳. ملکی، سعید، احمدی، رضا و ترابی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۲). سطح‌بندی توسعه آموزشی در شهرستان‌های استان خوزستان، دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره ۴.

۳۴. منفردیان سروستانی، محسن. (۱۳۸۶). رتبه‌بندی مناطق مختلف شهری شیراز از لحاظ درجه توسعه‌یافتگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

۳۵. موحد، علی، فیروزی، محمدعلی و روزبه، حبیبه. (۱۳۹۰). تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ۵، ۴۳-۵۶.

۳۶. نظم‌فر، حسین و علی بخشی، آمنه. (۱۳۹۳). سنجش نابرابری فضایی توسعه‌یافتگی ناحیه‌ای (مطالعه موردی: استان خوزستان)، مجله علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، سال چهارم، شماره ۳، ۹۹-۱۱۴.

37. Bakour, C & Abahamid, M. Y. (2019). Regional disparities in development in Morocco: Statistical analyses using dispersion indicators and multidimensional techniques. <https://mpr.aub.unimuenchen.de/id/eprint/97105>.

38. Bhatia, V.K. & S.C. Rai. (2004). Evaluation of Socio-Economic Development in Small Areas, New Delhi University.

39. Joa, Oliveria, S., Maria & Manuela, L. (2001). A Multivariate Methodology to Uncover Regional Disparities, European Journal of Operatio

40. Li, W, Yi, P & Zhang, D. (2018). Sustainability evaluation of cities in northeastern China using dynamic Topsis-Entropy methods, Sustainability, pp 2-15.

41. Ramatu, M. (2007). Regional Disparities in Ghana: Policy Options and Public Investment Implications. University of Ghana, International Food Policy Research Institute, Vol 11.1-32.

42. Roszkowska, E & Perlo, D. (2017). The application of soft modelling and TOPSIS method for the analysis of competitiveness of companies in urban functional areas in Poland, Optimum studia ekonomiczne, NO 5(89), pp 67-84.

43. Salvati, L., Venanzoni, G., & Carlucci, M. (2016). Towards (spatially) unbalanced development? A joint assessment of regional disparities insocioeconomic and territorial variables in Italy. Land Use Policy, 51, 229- 235.

44. Shankar, R & Shah, A (2003), Bridging the Economic Divide within Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing

Regional Income Disparities, *World Development*, Vol. 31, NO. 8, PP. 1421-1441.

45. Zabelina, I. (2021). Interregional inequality in environmental and economic development in the Russian Federation. In *E3S Web of Conferences* (Vol. 258, p. 06013). EDP Sciences.
<https://doi.org/10.1051/e3sconf/202125806013>.